





دانشگاه عدالت

گروه حقوق خصوصی

## رساله دکتری رشته ی حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه

### بایسته های نوین علمی بازجویی و تحقیق در قلمرو ادله اثبات دعوی

استاد راهنما:

دکتر امیرعباس بزرگمهر

استاد مشاور:

دکتر محمدحسین بیاتی

پژوهشگر:

احمد فلاحتی

خرداد ماه ۱۳۹۹



فرم شماره ۸، تعهدنامه‌ی دانشجو برای اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به دانشگاه عدالت می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه عدالت، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **احمد علی** دانش‌آموخته‌ی مقطع دکترای تخصصی رشته‌ی حقوق گرایش خصوصی دانشگاه عدالت به شماره‌ی دانشجویی ۹۳۲۵۲۱۱۵۲ که در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۹ از رساله‌ی تحصیلی خود تحت عنوان: **بایسته‌های نوین علم بازرگانی و تحقیق در قلمرو ادله ابطال دعوی** دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

(۱) این رساله را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات رساله تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این رساله، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.

(۵) در صورتی که قصد هرگونه بهره‌برداری به صورت‌های مختلف مانند کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و ... از رساله خود داشته باشم، مجوزهای لازم را از حوزه پژوهش و فناوری دانشگاه عدالت، اخذ نمایم و این استفاده صرفاً به نام دانشگاه عدالت باشد و صراحتاً در مکاتبات و تولیدات اینجانب درج شود و بر اساس ضوابط دانشگاه عدالت اقدام نمایم.

(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این رساله در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه عدالت را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) در صورت استفاده از کمک‌های مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی از موضوع تحقیق اینجانب مراتب را کتباً به اداره کل پژوهش دانشگاه عدالت اطلاع دهم.

(۸) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (من جمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه عدالت را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید و نسبت به تصمیم اتخاذ شده هیچگونه ادعایی نداشته و حق هرگونه اعتراضی را از خود سلب و ساقط می‌نمایم.

امضا  
تاریخ ۱۳۹۹/۳/۳۱

## تقدیم به:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم ...

موهایشان سپید شد تا ما روسپید شویم ...

و عاشقانه سوختند تا گرما بخش وجود ما و روشنگر

راهمان باشند...

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

## چکیده

رویه کشف حقیقت با هدف رسیدگی به دعاوی شخصی و یا اثبات جرائم کیفری، قدمتی به بلندای تاریخ دارد. اخیراً با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در علوم و تکنولوژی، روش‌های علمی کشف حقیقت به سیستم تحقیقات قضائی وارد شده است. در این پژوهش، هدف آن بود که اعتبار نتایج حاصل از این روش‌ها، به‌عنوان دلیل اثبات، در دادگاه‌ها، بررسی شود. با بررسی مفاد قانونی مرتبط و همچنین حقوق عرفی در این خصوص، چنین نتیجه شده که بالاترین درجه ادله اثبات، اقرار و سپس شهادت مبتنی بر واقعیت است؛ اما اگر شرایط صحت آنان به‌طور کامل محقق نشد، به‌عنوان نشانه، مورد استفاده قرار گرفته و در صورت عدم تحقق شرایط، مردود شده و هیچ اعتباری ندارند. نتایج حاصل از روش‌های جدید، برحسب پیشینه اعتماد بدان، درجه اماره جدیدی را به جریان دادرسی وارد می‌کند. متناسب با موضوع پرونده، می‌توان از امارات با درجه قوت مناسب استفاده کرد و قاضی نیز با استناد بدان‌ها، نظر خود را بیان کند. بسته به درجه قوت امارات و همچنین موضوع پرونده، قاضی می‌تواند مسئولیت‌های مورد بحث در پرونده را تعیین کند و یا حداقل نسبت به تعدیل حکم، براساس اختیارات خود اقدام نماید. البته قابل ذکر است که در جرائم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قابل کاربرد نیست و تنها وظیفه تعیین مسئولیت، به قاضی سپرده شده است. هراندازه اعتماد به امارات بیان شده بیشتر باشد، قوت حکم صادره در مراجع فرجام‌خواهی بیشتر بوده و احتمال نقض آن کمتر است.

واژگان کلیدی: کشف حقیقت، تحقیق قضائی، علم قاضی، روش‌های بازجوئی، ادله اثبات.

## فهرست مطالب

|                                    |    |
|------------------------------------|----|
| چکیده                              | أ  |
| فصل اول: مقدمه و کلیات             | ۱  |
| ۱-۱ بیان مسئله                     | ۲  |
| ۲-۱ سؤالات                         | ۳  |
| ۱-۲-۱ سؤال اصلی                    | ۳  |
| ۱-۲-۱ سؤالات فرعی                  | ۳  |
| ۳-۱ فرضیات                         | ۳  |
| ۱-۳-۱ فرضیه اصلی                   | ۳  |
| ۲-۳-۱ فرضیات فرعی                  | ۳  |
| ۴-۱ اهداف                          | ۴  |
| ۱-۴-۱ هدف اصلی                     | ۴  |
| ۲-۴-۱ اهداف فرعی                   | ۴  |
| ۵-۱ سیر تحولی موضوع                | ۴  |
| ۱-۵-۱ پیشینه تحقیق                 | ۴  |
| ۲-۵-۱ پیشینه خارجی و بین الملل     | ۵  |
| ۳-۵-۱ نوآوری و ابتکار              | ۶  |
| ۶-۱ اهمیت و ضرورت                  | ۶  |
| ۷-۱ روش تحقیق                      | ۷  |
| ۸-۱ مشکلات و محدودیت‌های تحقیق     | ۷  |
| ۹-۱ سازمان‌دهی تحقیق               | ۷  |
| فصل دوم: کشف حقیقت در امور قضائی   | ۸  |
| ۱-۲ دلیل                           | ۹  |
| ۱-۱-۲ تامین دلیل                   | ۹  |
| ۲-۱-۲ تامین دلیل برای جرم واقع شده | ۱۰ |
| ۳-۱-۲ تامین دلیل برای جرم احتمالی  | ۱۰ |
| ۲-۲ اثبات                          | ۱۰ |
| ۱-۲-۲ ادله اثبات                   | ۱۱ |

- ۲-۲-۲ پرونده تامین دلایل در اثبات جرم ..... ۱۱
- ۳-۲ پیشینه تاریخی کشف حقیقت ..... ۱۱
- ۴-۲ تحقیقات در جرائم کیفری ..... ۱۳
- ۱-۴-۲ معاینه محل ..... ۱۴
- ۲-۴-۲ اشخاص مامور معاینه ..... ۱۴
- ۳-۴-۲ نحوه حفظ صحنه جرم ..... ۱۵
- ۴-۴-۲ تحقیق محلی ..... ۱۶
- ۵-۴-۲ کارشناس ..... ۱۶
- ۶-۴-۲ تشخیص جنون متهم ..... ۱۷
- ۷-۴-۲ تفتیش منازل و اماکن ..... ۱۸
- ۱-۷-۴-۲ تفتیش و بازرسی منزل ..... ۱۸
- ۲-۷-۴-۲ بازرسی اماکن و اشیاء ..... ۱۸
- ۵-۲ تحقیقات در دعاوی حقوقی ..... ۱۹
- ۱-۵-۲ مسأله اثبات ..... ۱۹
- ۲-۵-۲ غایت قضا ..... ۲۰
- ۳-۵-۲ ماهیت امر مورد رسیدگی ..... ۲۱
- ۴-۵-۲ ماهیت خاص قضاء ..... ۲۱
- ۶-۲ ادله اثبات در دادگاه ها ..... ۲۲
- ۱-۶-۲ ادله اثبات در دعاوی حقوقی ..... ۲۲
- ۱-۱-۶-۲ اقرار ..... ۲۲
- ۲-۱-۶-۲ سند ..... ۲۲
- ۳-۱-۶-۲ شهادت ..... ۲۲
- ۴-۱-۶-۲ بازدید محل و تحقیقات محلی ..... ۲۳
- ۵-۱-۶-۲ رجوع به کارشناس ..... ۲۳
- ۶-۱-۶-۲ قسم ..... ۲۳
- ۲-۶-۲ ادله اثبات جرائم کیفری ..... ۲۳
- ۱-۲-۶-۲ اقرار ..... ۲۳
- ۲-۲-۶-۲ اسناد ..... ۲۶
- ۳-۲-۶-۲ شهادت ..... ۲۸
- ۴-۲-۶-۲ امارات ..... ۳۱
- ۵-۲-۶-۲ قسامه ..... ۳۲
- ۷-۲ علم قاضی، دلیل مشترک در امور کیفری و حقوقی ..... ۳۴
- ۱-۷-۲ دلیل بودن علم قاضی ..... ۳۵

- ۲-۷-۲ حجیت علم قاضی از نظر فقهای امامیه \_\_\_\_\_ ۳۶
- ۲-۷-۳ شرایط تمسک قاضی به علم خود \_\_\_\_\_ ۳۶
- ۲-۷-۳-۱ لزوم متعارف بودن طریق تحصیل علم \_\_\_\_\_ ۳۶
- ۲-۷-۳-۲ ضرورت ذکر منشاء پیدایش علم برای قاضی \_\_\_\_\_ ۳۷
- ۲-۷-۳-۳ لزوم به معرض تعارض طرفین قراردادن مستند علم \_\_\_\_\_ ۳۸
- ۲-۷-۳-۴ صدور حکم به واسطه علم قاضی \_\_\_\_\_ ۳۸
- ۲-۸ جمع بندی فصل \_\_\_\_\_ ۳۹

## فصل سوم: سازوکار بازجویی و روشهای نوین آن \_\_\_\_\_ ۴۰

- ۳-۱ بازجویی \_\_\_\_\_ ۴۱
- ۳-۱-۱ اهداف بازجویی \_\_\_\_\_ ۴۱
- ۳-۱-۲ نکات مهم در حین بازجویی \_\_\_\_\_ ۴۲
- ۳-۱-۳ مرحله اصلی بازجویی \_\_\_\_\_ ۴۴
- ۳-۱-۴ مستند نمودن نتیجه بازجویی \_\_\_\_\_ ۴۴
- ۳-۲ حقوق ناظر بر کشف دروغ \_\_\_\_\_ ۴۵
- ۳-۲-۱ فرآیند کشف دروغ \_\_\_\_\_ ۴۶
- ۳-۲-۲ نقض حریم خصوصی در آزمون دروغ سنجی \_\_\_\_\_ ۴۷
- ۳-۲-۲-۱ تفتیش عقیده \_\_\_\_\_ ۴۷
- ۳-۲-۲-۲ افشای سوابق شخصی \_\_\_\_\_ ۴۷
- ۳-۲-۲-۳ تحقیقات خاص \_\_\_\_\_ ۴۸
- ۳-۳ تئوری روانشناسی کشف دروغ \_\_\_\_\_ ۴۹
- ۳-۳-۱ نشانههای فریب \_\_\_\_\_ ۴۹
- ۳-۳-۱-۱ زبان بدن \_\_\_\_\_ ۴۹
- ۳-۳-۱-۲ حالات اصلی: هماهنگی و تضاد \_\_\_\_\_ ۴۹
- ۳-۳-۱-۳ تعامل اجتماعی اشخاص \_\_\_\_\_ ۵۰
- ۳-۳-۱-۴ بیانات \_\_\_\_\_ ۵۰
- ۳-۳-۱-۵ بیان مطلب \_\_\_\_\_ ۵۰
- ۳-۳-۱-۶ شرح حال روانشناختی \_\_\_\_\_ ۵۱
- ۳-۳-۱-۷ نشانه های عمومی فریب \_\_\_\_\_ ۵۲
- ۳-۳-۲ دروغ سنجی \_\_\_\_\_ ۵۲
- ۳-۳-۲-۱ فاز اول: حمله، سه مرحله‌ای مقدماتی \_\_\_\_\_ ۵۲
- ۳-۳-۲-۲ فاز دوم: حمله یازده مرحله‌ای \_\_\_\_\_ ۵۲



- ۳-۲-۳ فاز سوم: یازده گلوله نقره‌های \_\_\_\_\_ ۵۲
- ۳-۳ تاکتیک‌های شناسایی فریب و جمع آوری اطلاعات در گفت و گوهای دوستانه \_\_\_\_\_ ۵۳
- ۳-۳-۱ پرسش از جزئیات \_\_\_\_\_ ۵۳
- ۳-۳-۲ بازی های ذهنی \_\_\_\_\_ ۵۳
- ۳-۳-۴ تکنیک‌های پیشرفته دستیابی به حقیقت \_\_\_\_\_ ۵۵
- ۳-۳-۴-۱ علائم بصری \_\_\_\_\_ ۵۵
- ۳-۳-۴-۲ تداعی حقیقت \_\_\_\_\_ ۵۶
- ۳-۳-۴-۳ بهشت و جهنم \_\_\_\_\_ ۵۶
- ۳-۳-۴-۴ توصیه به بازجوها در مورد رفتار متهم \_\_\_\_\_ ۵۶
- ۳-۴ ادله اثبات جرم در پلیس علمی \_\_\_\_\_ ۵۸
- ۳-۴-۱ مفهوم پلیس علمی \_\_\_\_\_ ۵۸
- ۳-۴-۲ تشخیص هویت و بایسته های جدید مرتبط بدان \_\_\_\_\_ ۵۸
- ۳-۴-۳ سیستم های بیومتریک تشخیص هویت \_\_\_\_\_ ۵۹
- ۳-۴-۳-۱ کارکرد سیستم های تشخیص هویت \_\_\_\_\_ ۵۹
- ۳-۴-۳-۲ بخش های سیستم تشخیص هویت \_\_\_\_\_ ۵۹
- ۳-۴-۳-۳ انواع سیستمهای تعیین هویت \_\_\_\_\_ ۶۰
- ۳-۴-۳-۴ شیوه های نوین تشخیص هویت در پلیس علمی \_\_\_\_\_ ۶۰
- ۳-۴-۳-۱ تکنیکهای بیومتریک فیزیولوژیک \_\_\_\_\_ ۶۰
- ۳-۴-۳-۲ تکنیک های بیومتریک رفتاری \_\_\_\_\_ ۶۱
- ۳-۴-۳-۳ اثر انگشت \_\_\_\_\_ ۶۱
- ۳-۴-۳-۴ روش الگوی رگهای پشت دست \_\_\_\_\_ ۶۱
- ۳-۴-۳-۵ روش الگوی کف دست \_\_\_\_\_ ۶۱
- ۳-۴-۳-۶ روش ژئومتری الگوی هندسه دست \_\_\_\_\_ ۶۱
- ۳-۴-۳-۷ روش الگوی چهره \_\_\_\_\_ ۶۱
- ۳-۴-۳-۸ روش های الگوی گوش \_\_\_\_\_ ۶۲
- ۳-۴-۳-۹ روش الگوی انطباق تصاویر رادیوگرافی دندان \_\_\_\_\_ ۶۲
- ۳-۴-۳-۱۰ روش الگوی نحوه راه رفتن \_\_\_\_\_ ۶۲
- ۳-۴-۳-۱۱ روش الگوی تپش قلب سیگنال قلب \_\_\_\_\_ ۶۲
- ۳-۴-۳-۱۲ روش الگوی عنبیه چشم \_\_\_\_\_ ۶۳
- ۳-۴-۳-۱۳ روش شناسایی عنبیه با استفاده از منطق فازی و شبکه ICM \_\_\_\_\_ ۶۳
- ۳-۴-۳-۱۴ روش الگوی DNA \_\_\_\_\_ ۶۳
- ۳-۴-۳-۱۵ روش های ترکیبی \_\_\_\_\_ ۶۳
- ۳-۴-۳-۱۶ روش مقایسه شیوه های مختلف تشخیص هویت \_\_\_\_\_ ۶۴
- ۳-۴-۵ فرآیند تحقیق و کشف جرم توسط پلیس علمی ایران \_\_\_\_\_ ۶۴

- ۳-۵-۱ عملکرد پلیس ایران و انگلستان در حوزه روش های به کار گیری تشخیص هویت مجرمین \_\_\_\_\_ ۶۴
- ۳-۵-۲ پلیس علمی و ادله اثبات در دادگاه \_\_\_\_\_ ۶۴
- ۳-۵ خلاصه فصل \_\_\_\_\_ ۶۶
- فصل چهارم: استناد به نتایج روشهای نوین بازجویی در دادرسیهای قضائی \_\_\_\_\_ ۶۷
- ۴-۱ بازجویی در چارچوب قانون \_\_\_\_\_ ۶۹
- ۴-۱-۱ جایگاه اقرار \_\_\_\_\_ ۷۰
- ۴-۱-۱-۱ اقرار در دادگاه و اقرار در خارج از دادگاه \_\_\_\_\_ ۷۰
- ۴-۱-۱-۲ اقرار صریح و ضمنی \_\_\_\_\_ ۷۱
- ۴-۱-۱-۳ اقرار کلی و جزئی \_\_\_\_\_ ۷۱
- ۴-۱-۱-۴ طریقت و موضوعیت اقرار و اقناع وجدان قاضی \_\_\_\_\_ ۷۲
- ۴-۱-۲ دیگر روش های علمی اخذ اقرار \_\_\_\_\_ ۷۳
- ۴-۱-۲-۱ تحصیل اقرار از طریق تست تصویری یا پروژکتور \_\_\_\_\_ ۷۳
- ۴-۱-۲-۲ تحصیل اقرار با استفاده از روش تداعی معانی \_\_\_\_\_ ۷۳
- ۴-۱-۲-۳ تحصیل اقرار از طریق دستگاه پلی گراف \_\_\_\_\_ ۷۳
- ۴-۱-۲-۴ تحصیل اقرار از طریق روش روانی-درمانی (نارکو آنالیز) \_\_\_\_\_ ۷۴
- ۴-۱-۲-۵ جایگاه اقرار در دیگر کشورها \_\_\_\_\_ ۷۴
- ۴-۱-۲-۶ جایگاه شهادت \_\_\_\_\_ ۷۵
- ۴-۱-۲-۱ کیفیت شهادت در جرایم شرعی \_\_\_\_\_ ۷۵
- ۴-۱-۲-۲ رجوع و شهادت کذب \_\_\_\_\_ ۷۶
- ۴-۱-۲-۳ جایگاه شهادت در ادله اثبات \_\_\_\_\_ ۷۸
- ۴-۲ بازجوئی از منزل در اثبات ادله دعوا \_\_\_\_\_ ۷۹
- ۴-۲-۱ منابع حقوقی \_\_\_\_\_ ۸۰
- ۴-۲-۲ استناد به نتایج بازجوئی \_\_\_\_\_ ۸۰
- ۴-۲-۳ درخواست جبران خسارت \_\_\_\_\_ ۸۱
- ۴-۲-۴ مثالهای حقوقی \_\_\_\_\_ ۸۱
- ۴-۳ گزارشات بازجویی به عنوان ادله اثبات \_\_\_\_\_ ۸۳
- ۴-۳-۱ مستقیم \_\_\_\_\_ ۸۳
- ۴-۳-۲ غیر مستقیم \_\_\_\_\_ ۸۴
- ۴-۳-۲-۱ توصیه های فقهی \_\_\_\_\_ ۸۴
- ۴-۳-۲-۲ شیوه های مختلف قضائی علی (ع) \_\_\_\_\_ ۸۵
- ۴-۳-۲-۳ رویه جدید قضائی علی (علیه السلام) \_\_\_\_\_ ۸۶

- ۸۷-۴-۳-۲-۴ رویه تغریق در بازجویی \_\_\_\_\_
- ۸۷-۴-۳-۲-۵ استفاده عاطفی و روانی \_\_\_\_\_
- ۸۸-۴-۳-۲-۶ وزن و سنجش \_\_\_\_\_
- ۸۸-۴-۳-۲-۷ آزمایش \_\_\_\_\_
- ۸۸-۴-۳-۳-۳ ترتیب اهمیت ادله کشف شده \_\_\_\_\_
- ۹۰-۴-۳-۴ نگاهی اجمالی به ادله اثبات جرم در کامن لا \_\_\_\_\_
- ۹۱-۴-۳-۴ جایگاه شکنجه در ایالات متحده آمریکا \_\_\_\_\_
- ۹۳-۴ آثار روشهای نوین بازجویی در مرحله تحقیق \_\_\_\_\_
- ۹۴-۵ آثار روش های نوین بازجویی در مرحله صدور رأی \_\_\_\_\_
- ۹۴-۵-۱ دعاوی حقوقی \_\_\_\_\_
- ۹۷-۵-۲ جرائم کیفری \_\_\_\_\_
- ۹۷-۵-۲-۱ جرائم غیر از حد و قصاص \_\_\_\_\_
- ۹۹-۵-۲-۲ جرائم مستوجب حد و قصاص \_\_\_\_\_
- ۱۰۰-۶ خلاصه فصل \_\_\_\_\_
- ۱۰۲ نتیجه گیری و پیشنهادها \_\_\_\_\_
- ۱۰۲ الف- یافتهها \_\_\_\_\_
- ۱۰۵ ب- پیشنهادات \_\_\_\_\_
- ۱۰۵ ب-۱ پیشنهادات علمی \_\_\_\_\_
- ۱۰۵ ب-۲ پیشنهادات عملی \_\_\_\_\_
- ۱۰۷ منابع \_\_\_\_\_
- ۱۰۷ ۱-کتب \_\_\_\_\_
- ۱۰۷ ۱-۱ کتب فارسی \_\_\_\_\_
- ۱۰۸ ۲-۱ کتب عربی \_\_\_\_\_
- ۱۰۸ ۳-۱ کتب لاتین \_\_\_\_\_
- ۱۰۹ ۲-مقالات \_\_\_\_\_
- ۱۰۹ ۱-۲ مقالات فارسی \_\_\_\_\_
- ۱۱۰ ۲-۲ مقالات لاتین \_\_\_\_\_
- ۱۱۱ ۳-پایان نامه ها \_\_\_\_\_
- ۱۱۱ ۱-۳ پایان نامه های فارسی \_\_\_\_\_

۲-۳ پایان نامه های لاتین ۱۱۱

۴-منابع الکترونیکی ۱۱۱

۵-قوانین ۱۱۲

۶-جزوه های درسی ۱۱۲

۷-فرهنگ لغت ۱۱۲

چکیده انگلیسی ۱۱۳

## فصل اول: مقدمه و کلیات

مسئله تحقیقات قضائی در علم حقوق، به بلندای قدمت بشریت و از اصول ابتدایی حقوقی است. منابع فقهی که معمولاً پیامبران را داوران خطاب می‌نمودند، به کیفیت تحقیقات در رسیدگی به دعوا اشاره داشته اند. لذا مسئله تحقیق و کشف حقیقت بر پایه منابع فقهی استوار بوده و قدمت بلندی دارد. بر این مبنا مسئله شهادت ریشه فقهی عمیقی داشته که بحث های مختلف در این باره آمده است. همچنین نظر ائمه معصوم (ع) و سیره آنها در رابطه با شهادت قابل توجه است. به هر حال، هدف کلی آن بوده که حقیقت یک امر برای قاضی که مسئول اجرای عدالت است، محرز گردد. اصول حقوقی در اکثر موارد ضمن توجه به کشف حقیقت واقعی، استناد آن را مد نظر داشته‌اند. لذا اقراری که با شکنجه اخذ شده باشد، فاقد اعتبار است و این مسئله به صورت یک منطقه حقوقی درآمده است.

سیر تحولی نظام تحقیق قضایی از همان ابتدای بشریت تاکنون مراحل مختلفی را پیموده است. امروزه ساختار نظام دادگستری به دادسرا و دادگاه تقسیم شده و معمولاً دادسراها مسئول پیگیری تحقیقات در حوزه دعوی حقوقی و یا جرایم کیفری هستند. اما معمولاً وظیفه دادسراها به امور حقوقی بازگشته و اثبات مسائل حقوقی با توجه به وظیفه آنها قابل توجه است. بر همین اساس ضابطین دادگستری تعریف شده که نقش مهمی در تحقیقات قضائی دارند. هر چند که اختیارات حقوقی برای ضابطین دادگستری بسیار محدود است، اما از تجربه و تخصص آنها در کشف حقیقت و بسیاری از امورات حقوقی بهره گرفته که ابزار کار حقوقدانان محسوب می‌شود. پرسنل زحمت کش نیروی انتظامی در راستای وظیفه و تخصص خود، بسیاری از حقایق را کشف می‌کنند. اما گاه در حیطه حقوقی، آن کشفیات قابل استناد نمی‌باشند. هر چند که تعامل بین قوه قضائیه با ضابطین خود بسیار مثبت بوده، اما نیاز است که اصول حقوقی اولیه در طرح تحقیقات مراعات شود. بر این اساس هر روش علمی جدید که به دنیای تحقیقات قضائی وارد می‌شود، می‌بایست مبنای حقوقی خاص خود را داشته باشد. فن بازرجویی و تحقیق از جمله فنونی است که از دیر باز و در صحنه های مختلف و مراحل متفاوت اجتماعی و فردی مورد توجه بشر بوده و چه به صورت آشکار و واضح یا غیر مستقیم در بیشتر کارها و فعالیت های انسانی نقش آفرینی کرده است. بازرجویی و تفحص‌های مدرن، مطالعه‌ای بر روی طبیعت انسان است. همچنین شناخت و اشراف تئوریک در کنار تجربه و کاربرد در صحنه‌های مختلف راه گشاست و در صورتی که این دو موضوع با هم توأم باشند، نتایج تحقیق تضمین می‌شوند و فراگیرنده تبدیل به مصاحبه‌گر مجرب خواهد شد.

## ۱-۱ بیان مسئله

بازجویی همیشه موضوعی جنجال برانگیز بوده است همچنین اینکه بازرجویی می‌تواند همیشه منصفانه و علمی باشد یا خیر و در عین حال چطور سیستم طراحی شده برای هدایت فرد به سمت اعتراف کردن و بیان حقیقت در راستای اجرای انصاف می‌تواند غیر اجباری باشد و در تاثیرش بر شکل گیری ادله اثبات از اهمیت به سزایی برخوردار است. بحث در مورد منصف بودن و اخلاقیات تکنیک های بازرجویی و تحقیق چیزی است که همچنان ادامه دارد، چیزی که چندین موضوع را به عنوان پلاویه دار خود داشته و این یک پدیده ی رایج روانشناسی است که امروزه در دادرسی‌ها نقش مهمی ایفا کرده است و در عین حال بحث اجبار پنهانی هم وجود دارد. البته توجه به این موضوع که منظور از بازرجویی در امور حقوقی استنتاج از شاهد و مطلع و گواه در راستای ضرورت کشف حقیقت خالی از لطف نمی‌باشد، چرا که جز این مورد بازرجویی و تحقیق در امور حقوقی با توجه به فلسفه وضع قانون آیین دادرسی ها علی‌الخصوص در امور مدنی و رسیدگی و اصدار رأی بر مبنای خواسته خواهان در دادخواست امری تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. در بحث ادله اثباتی دعوی اعم از دعوی

مدنی، تجاری، جزایی و الکترونیکی که به هر کدام به طور خاصه در قوانین مربوطه فصلی اختصاص داده شده است کاربرد این ادله در دادرسی ها و پذیرش هر کدام بصورت جداگانه و اصدار رأی بر مبنای آنها مورد مناقشه خواهد بود.

در این پژوهش ماهیت حقوقی روش های نوین بازجویی و نقش آنها در اثبات حقوقی دادگاه مورد بحث قرار گرفته و هدف آن است که ادله استناد به نتایج چنین تحقیقاتی در جریان دادرسی حقوقی بررسی گردد.

## ۱-۲ سوالات

سوالات تحقیق به شرح ذیل می باشند:

### ۱-۲-۱ سؤال اصلی

اعتبار استناد به روش های نوین بازجویی در جریان اثبات دعوا در دادگاه ها به چه صورت است؟

### ۱-۲-۲ سوالات فرعی

- از دیدگاه جرم‌شناسی، کیفیت روش‌های نوین بازجویی در حصول نتیجه چگونه است؟
- قانونگذار در زمینه اعتبار روش های نوین بازجویی بر مبنای روانشناسی چه نظری دارد؟
- ضمانت های حقوقی نقض نتایج بازجویی در روش های نوین، به چه صورت است؟

## ۱-۳ فرضیات

فرضیات تحقیق که پاسخ‌هایی تأیید نشده به سوالات هستند، به صورت ذیل می باشند:

### ۱-۳-۱ فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد که با توجه به ادله علمی روش‌های نوین بازجویی، قطعاً بر نظر قاضی تأثیرگذار است و می تواند در جریان صدور رأی در حیطه اختیارات قانونی وی، مؤثر باشد.

### ۱-۳-۲ فرضیات فرعی

- به نظر می‌رسد که بسته به نوع دعوی، قوت نظر کارشناسی در اثبات حقیقت می تواند متفاوت باشد.
- به نظر می‌رسد که روش های نوین بازجویی می بایست با هدف اقرار بدون اجبار بوده تا اعتبار قانونی خود را حفظ کند. در غیر این صورت استناد بدان با چالش حقوقی همراه است.
- به نظر می‌رسد که بسته به نوع دعوی، نقض هر ادعا می تواند بر جریان صدور رأی مؤثر باشد.

## ۱-۴ اهداف

اهداف تحقیق به‌قرار ذیل می‌باشند:

### ۱-۴-۱ هدف اصلی

بررسی اعتبار حقوقی استناد به روش‌های نوین بازرجویی در جریان اثبات دعوا در دادگاه‌ها.

### ۱-۴-۲ اهداف فرعی

- بررسی کیفیت روش‌های نوین بازرجویی در حصول نتیجه از دیدگاه جرم‌شناسی.
- یافتن مفاد قانونی در زمینه اعتبار روش‌های نوین بازرجویی بر مبنای روانشناسی.
- تعیین ضمانت‌های حقوقی نقض نتایج بازرجویی در روش‌های نوین.

## ۱-۵ سیر تحولی موضوع

تحقیقات مرتبط در دو حوزه داخلی و خارجی بحث شده و سپس نوآوری تحقیق تشریح گردیده است.

### ۱-۵-۱ پیشینه تحقیق

روستای نژاد و اوسط خانجانی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان "جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی" به این نکته اشاره کردند که حتی در صورت وجود یک شاهد، به شرط اعتبار می‌توان به سخنان وی استناد کرد. لذا انعطاف در دادرسی کیفری را یادآور شد و بیان داشت که هر وسیله‌ای که بتواند به نحوی هرچند کم به اثبات دعوا بیانجامد، می‌تواند در جریان صدور رأی مؤثر واقع شود.

سلیمی (۱۳۹۵) در پایان نامه دانشجویی با عنوان "ادله اثبات جرم" بیان داشت که ادله اثبات در جرایم کیفری مستوجب حد و قصاص که قابلیت تعدیل قضائی را ندارند، تنها به موجب استنادهای محکم قابل انجام است. لذا استناد قاضی در این جرایم صرفاً بر اساس موارد مندرج در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی ممکن می‌باشد.

زارع شعار (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "اقرار کیفری در حقوق ایران" بیان داشت که از اصول روانشناسی تنها با هدف گرفتن اقرار مطابق با اصول و قوانین مندرج در آیین دادرسی استفاده شده و استناد به آن تنها با وجود اقرار صریح میسر است.

رجب (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "مبنای قضاء در اسلام بر اساس ادله اثبات دعوا و جرم‌شناسی" بیان داشت که دین مبین اسلام، وجود وسیله‌ای که بار علمی آن از نظر متخصصین به اثبات رسیده است، را تایید کرده و می‌تواند مبنای دادرسی قرار گیرد. وی به دستگاه دروغ سنج اشاره کرد و عنوان داشت که در صورت صدور ضمانت صحت آن می‌تواند مبنای صدور رأی در دادگاه شرعی قرار گیرد.

آقابابایی و احمدی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "فناوری دروغ سنجی؛ تهدیدی بر علیه حریم خصوصی" بیان داشتند که استفاده از دستگاه دروغ سنج از دیدگاه علمی هیچ‌گاه به اثبات نرسیده است. استفاده از این



دستگاه می‌تواند خلاف حریم خصوصی و اصول انسانی مندرج در قانون اساسی باشد. تنها در مسائل امنیتی با توجه به حساسیت آن می‌توان تا حدودی سر نخ ماجرا قرار گیرد. اما در جریان صدور رأی نمی‌تواند مستند قرار گیرد.

بزرگمهر (۱۳۸۹) ضمن تالیف کتابی با عنوان "تاثیر روانشناسی در شهادت به عنوان دلیل اثبات دعوا" که مستخرج از پایان نامه دانشگاهی بود، بیان داشت که کلیات علم روانشناسی، با توجه به ادله علمی آن، هیچ‌گاه نمی‌تواند صددرصد قابل اعتماد باشد. لذا صرف استناد بدان، با توجه به نوع دعوا، قابل توجه است. به هر حال از این علم تنها با هدف تغییر نظر قاضی و یا گرفتن اقرار معتبر می‌توان استفاده نمود.

## ۱-۵-۲ پیشینه خارجی و بین الملل

ماکسول<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در تحقیق خود با عنوان "تحقق علوم اثبات صحت" بیان داشت که کارشناسی در این حوزه وجود نداشته و تنها در تحقیقات پرونده مختومه، می‌توان به اثبات نهایی جرم دست یافت.

منتسری<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان بررسی دیجیالی اثبات دعوی<sup>۳</sup> با این عنوان که ادله اثبات اسناد الکترونیکی تقریباً در تمامی جهان به اثبات رسیده و آثار عقود سنتی و الکترونیکی برابری دارند، لذا می‌توان بر همین مبنا، اثر روش‌های روانشناسی در بازجویی را اثبات کرد و براساس آنها حکم صادر نمود.

نوینگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی در زمینه "کیفیت تحقیق و سپس دروغ‌سنجی" چنین استدلال کرد که مبنای کامن لاء، تنها در دعاوی مالی، استناد چنین ابزارهایی را قبول می‌کند. لذا در جرائم سنگین و یا مسائل کیفری نمی‌توان به چنین ماده‌ای استناد کرد.

بکر<sup>۴</sup> و دولته<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان بررسی جنایی استفاده از دستگاه دروغ‌سنج را در رسیدگی حقوقی معتبر دانسته و صدور رأی بر این اساس را مناسب تشخیص دادند. ادله آنها آرای حقوقی دادگاه عالی انگلستان و همچنین دادگاه‌های صلح در امور حقوقی بود.

دنزین<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) در کتابی با عنوان "تحقیقات قضائی و اعتبار" بیان داشتند که مطابق کامن لای انگلستان، در صورت معتدل بودن جرم و یا دعوی، می‌توان به استنادات علمی روانشناسی تکیه کرد و براساس آن رأی صادر نمود که چندین نمونه که عمدتاً به مسائل دعاوی حقوقی مرتبط بود، بیان داشته شد.

گیره<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) در پایان نامه ای با عنوان "علوم بدون قانون" استفاده از روش‌های روانشناسی کشف جرم را تنها در دادگاه عالی انگلستان قانونی اعلام کرد. در واقع دادگاه‌های تالی را در زمینه استناد به روش‌های مذکور، صالح ندانست و استدلال آن به چند حکم دادگاه تجدید نظر انگلستان بود. قابل ذکر است که در نظام حقوقی انگلستان، هر دادگاه بالاتر از دادگاه تالی می‌تواند صلاحیت تجدید نظر رداشته باشد. در واقع استفاده از این ابزار را در تجدیدنظر صالح دانست.

<sup>۱</sup> Maxwell

<sup>۲</sup> Montasari

<sup>۳</sup> Newig

<sup>۴</sup> Becker

<sup>۵</sup> Dutelle

<sup>۶</sup> Denzin

<sup>۷</sup> Giere

### ۱-۵-۳ نوآوری و ابتکار

پس از بررسی پیشینه تحقیق، در بخش‌های خارجی و داخلی، چنانچه پیشتر در مورد آن توضیح داده شد، عمدتاً به مسئله دستگاه دروغ سنج و استفاده از ابزارهای الکترونیکی در رابطه با کشف حقیقت اشاره شده است. همچنین مسئله علم روانشناسی در کشف جرم نیز مورد بحث قرار گرفته است. اما در زمینه ادله استناد به چنین روش‌ها، با توجه به مبانی حقوقی، تاکنون تحقیقی انجام نشده و در واقع تحقیق دو جانبه حقوق تخصصی در رابطه با ادله اثبات جرم و یا کشف حقیقت دعوی، تاکنون مورد بحث قرار نگرفته است. با توجه به گستردگی علم حقوق و کاربرد آن در علوم مختلف، بررسی دیدگاه تخصصی در رابطه با بسیاری از عوامل آن ضرورت دارد. مورد کاربرد علم روانشناسی در کشف حقیقت و اعتبار استناد بدان در بررسی‌های قضایی، تاکنون تحقیق علمی صورت نگرفته و لذا اهمیت آن، با توجه به حجم پرونده‌های موجود در دادگستری کشورمان، ضرورت دارد. بر این اساس، پژوهش کنونی با هدف بررسی این مهم صورت گرفته است.

### ۱-۶ اهمیت و ضرورت

وجود تجربه و آشنایی به علوم مرتبط، خصوصاً علوم نوین، از جمله ارکان ضروری در بکارگیری این فن خاص است و می‌توان با ارزیابی تجارب و تدوین آن و کسب آگاهی از فرایندهای روان‌شناختی، خطاهای ادراکی و تفاوت‌های فردی و شخصیتی و ... گام اساسی در جهت کابردی تر شدن این فن برداشته و اثر آن را در ادله اثباتی مشاهده نمود.

امروزه با توجه به حجم پرونده‌ها و دعاوی مطروحه در دستگاه قضایی علی‌الخصوص دعاوی که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و با آزادی تن و حیات و حیثیت طرف خوانده شده به دادرسی مرتبط است (نظیر امور کیفری)، دلیل به معنای واقعی و عرفی کلمه وجود ندارد و هیچ امری به تنهایی و فی‌نفسه نمی‌تواند تنها دلیل اثبات دعوی باشد. بلکه کلیه قراین، امارات، مدارک، اسناد و شواهد در مجموع منتهی به علم و اقتناع قضایی می‌شود. اگر اوضاع و احوال، قراین و امارات با یکدیگر هم‌خوانی داشته و مقرون به صحت باشد و نسبت به قاضی یا هیأت منصفه منجر به اقتناع وجدانی شود، سبب صدور حکم خواهد شد. در این مرحله می‌توان استنتاج کرد که نفس بازجویی و تحقیق مهم نیست؛ بلکه ایمانی که در این فرایند در ذهن قاضی ایجاد کرده است، مهم می‌باشد. فی‌الواقع از نظر ادله اثبات دعوا مهم نیست قاضی به چه دلیلی فرد را محکوم کرده است بلکه مهم این است که آیا او (قاضی) واقعاً قانع شده است؟ ناگفته نماند که دادرسی برای تحصیل اقتناع وجدانی خود باید از یافته‌های جدید علمی نیز بهره‌گیری. به همین ترتیب از لحاظ منطق عقلی، بعضی از امور نظیر روانشناسی و تاثیرات آن بر مفهوم حقوقی شهادت و نیز قدرت این علم به کشف مشکلات و موانع شهادت قضایی و دارا بودن توان ارائه راه حل‌هایی برای بهبود کارایی دلیل شهادت می‌تواند دادرسی را به سوی کشف حقیقت بهتر راهنمایی کند.

## ۷-۱ روش تحقیق

روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش بصورت فیش برداری و با استفاده از منابع معتبر حقوقی شامل کتب، مقالات، پایان نامه ها و سایت های معتبر بوده و سپس با تفسیر و تحلیل و جمع آوری نظر خبرگان علم حقوق، به بحث در باره موضوع تحقیق پرداخته شده است. همچنین مثال های حقوقی در این تحقیق جایگاه ویژه ای داشته که با جمع آوری اطلاعات مرتبط، در مورد آن صحبت شده است.

## ۸-۱ مشکلات و محدودیت های تحقیق

در مسیر تحقیق مشکلات و محدودیت هایی در جریان بوده که در صورت رفع آن، نتایج بهتری به دست می آمد. این مشکلات به شرح ذیل می باشند:

- کمبود وقت که به گونه ای مشکل اصلی محققان است.
- کمبود منابع در زمینه ارتباط با موضوع پژوهش.
- عدم همکاری افراد آگاه به حقوق بازجویی.
- محرمانه و امنیتی بودن اکثر پرونده های حقوقی مرتبط که قابلیت دسترسی بدان موجود نبود.
- بدیع بودن روش های نوین بازجویی، به گونه ای که در حال حاضر استفاده از آن رایج نمی باشد.

## ۹-۱ سازمان دهی تحقیق

این رساله، مشتمل بر پنج فصل ارائه شده است. پس از فصل اول که طرح اصلی پژوهش را نشان می دهد، در فصل دوم به بررسی ادله اثبات جرم، پرداخته شده است. در فصل سوم، روش های بازجویی با تمرکز بر روش های نوین، به گونه ای غیرحقوقی و با دیدگاه علمی روانشناسی بحث شده که البته سعی شده مفاد قانونی مرتبط بدان آورده شود. سپس در فصل چهارم، ادله اثبات حقیقی با توجه به روش های نوین بازجویی عنوان گردیده که مثال های حقوقی در این باره جایگاهی ویژه دارد. بر مبنای فصول چهارگانه، نتیجه گیری در فصل پنجم صورت گرفت و در انتها نیز پیشنهادهایی به قصد عملی نمودن نتایج بدست آمده به مسئولین مربوطه ارائه شد.

## فصل دوم: کشف حقیقت در امور قضائی

پرونده های حقوقی در دو دسته دعاوی حقوقی، و جرایم کیفری جای دارند. البته در هر حوزه از جامعه، که هر کس به نوبه خود دچار تخلف شده است، در جایگاه حقوقی مناسب، قابلیت پیگیری دارد. به هر حال بررسی تخصصی حقوقی یکی از دغدغه های قوه قضائیه بوده و بر این اساس سازمان هایی همچون سازمان قضایی نیروهای مسلح و دادگاه ویژه روحانیت، با هدف بررسی تخصصی پرونده ها، تشکیل شده اند. اما مثلاً در حوزه حقوق دریایی با وجود تصریح قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ مبنی بر تشکیل دادگاه دریایی، تاکنون چنین موردی تحقق نیافته است. به هر حال تخصص در دادرسی های حقوقی یک امری اجتناب ناپذیر محسوب می-شود. پس از افتتاح پرونده در دادرسی های کشور، دادستان و دیگر مسئولین قضایی منجمله باز پرس و دادبار از دیدگاه حقوقی مسئول کشف حقیقت می باشند که با توجه به نیاز تخصصی، از ضابطین مربوطه کمک گرفته و خود کاملاً بر آن نظارت دارند. پس از تکمیل پرونده، قاضی دادگاه در این باره اظهار نظر کرده و ادله جمع-آوری شده توسط دادرسی را بررسی می نماید. در این فصل ضمن بررسی ساز و کار تحقیق در حوزه قضایی، به استنادهایی که بعدها مبنای صدور حکم قرار می گیرد، توجه شده که عموماً شامل اقرار صریح افراد دخیل در یک پرونده می باشند. بررسی ساز و کار تحقیقی قضایی در این فصل، زمینه برای بررسی ماهیت حقوقی و روش های نوین در فصل بعدی را آماده نموده است. پس از آشنایی با مفاهیم دلیل و اثبات، تحقیقات در حوزه حقوقی و کیفری بررسی شده و سپس ادله اثبات جرم در دو نوع دادرسی بیان گردیده که از این بین، علم قاضی با توجه به ارتباط تنگاتنگ با موضوع پژوهش، با تفصیل بیشتری بحث گردیده است.

## ۱-۲ دلیل

دلیل در لغت به معنای راهنما، راهبر و مرشد (فرهنگ لغت دهخدا) سبب، جهت (فرهنگ معین) و آنچه برای ثابت کردن امری بیاورند (فرهنگ لغت عمید) آمده است. ادله جمع مکسر دلیل و جمع دیگر دلایل یا دلالت دلالت است. دلیل در اصطلاح حقوقی عامل اثبات حقیقت امری است که مورد انکار قرار می گیرد. قانون مدنی با اینکه یک جلد را به شرح ادله اثبات دعوی اختصاص داده تعریفی از دلیل نکرده است. آئین دادرسی مدنی در ماده ۱۹۴ دلیل را به این عبارت تعریف می نماید "دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می نمایند". آنها که بیشتر در امور جزائی به دنبال مطالعه هستند می گویند دلیل، نوری است که قاضی را برای کشف حقیقت راهنمایی می کند. به این ترتیب، دلیل لسان قانون معنی محدودی دارد و امری است که کاربرد آن در دادگاه است و زمان ظهور و تجلی آن زمان دعوی و دفاع است. در یک معنی وسیع، دلیل حافظ و نگهدارنده حق شناخته می شود، اعم از اینکه دعوی مطرح و از دلیل استفاده شود یا نشود و بلاخره به تعریفی از دلیل رسیده که بیان می دارد دلیل مبنای علم و یقین قاضی در اثبات بزهکاری است. مجموع وسایلی است که به کمک آن قاضی وقوع جرم و شناخت فاعل مادی و معنوی آن به تصمیم مبادرت می ورزد (خزائی، ۱۳۹۷: ۴۱).

## ۱-۲-۱ تامین دلیل

تامین دلیل عبارتی از محافظ دلایل موجود برای امکان استفاده از آن در آتیه (دشتی، ۱۳۹۱: ۵۵). به موجب ماده ۱۴۹ قانون آئین دادرسی مدنی "در مواردی که تحقیق محلی و استطلاع از مطلعین و استعمال از کارشناسان و یا استفاده از دلایلی که نزد طرف یا غیر است، اقتضا دارد یا مستند دعوی دفاتر بازرگانی و امثال

آن است؛ اشخاص که ظنین هستند بر اینکه استفاده از دلایل مذکور بعدها معتذر یا متعسر خواهد شد، می‌تواند از دادگاه درخواست تامین آنها را بنمایند و منظور از تامین در این مورد فقط ملاحظه و صورت ثبت برداشتن این گونه دلایل است".

تامین دلیل حفظ دلیل موجود است، دلایل موجود ممکن است استماع شهادت مشهود تحقیق از مطلعین نظریه کارشناس از وضع موجود و انعکاس دفاتر بازرگانی و نظائر آن باشد. در امور مدنی از تامین دلیل زیاد استفاده می‌شود، چون ممکن است خواهان بعدها بخواهد طرح دعوی کند. اما باید دید در امور کیفری هم می‌توان از تامین دلیل استفاده کرد. صور مختلفی در این خصوص به نظر می‌رسد (زراعت، ۱۳۸۸: ۳۰).

## ۲-۱-۲ تامین دلیل برای جرم واقع شده

جرم واقع شده نیازی به تامین دلیل ندارد. شخصی شاکی لازم نیست به دادگاه مراجعه کند، درخواست با تشریفات که دارد تقدیم کند. برای جرم واقع شده شاکی اسلحه محکم‌تر و کاری‌تری در اختیار دارد و آن طرح شکایت کیفری است که مامورین انتظامی و قضاوت مامور تعقیب با قدرت و توانایی بیشتر تکلیف دارند که دلایل ارتکاب جرم را جمع آوری کنند. اگر در دادخواست تامین دلیل همه وظیفه و تکلیف به عهده خواهان است که دلایل را به قاضی محکم حقوق ارائه دهد تا صورت جلسه نمایند. در شکایت کیفری این تکلیف به عهده مامورین است که امکانات زیادی علی القاعده در اختیار دارند و حتی می‌توانند از مخفیگاه هم دلایل را کشف کنند. پس همان تحقیقات مقدماتی مامورین در موارد وقوع جرم شکلی از تامین است و اگر دلتلی در معرض نابودی است شاکی می‌تواند اول آنها را به مامورین ارائه می‌دهد (انصاری، ۱۳۸۰: ۴۴).

## ۲-۱-۳ تامین دلیل برای جرم احتمالی

اگر شخص احتمال می‌دهد که به جان او و مال او و به حیثیت و شرافت او در آتیه تعرض می‌شود و خود را در خطر می‌بیند. باید محافظت‌های لازم را تدارک ببیند و تا حدی که می‌تواند خود را در معرض وقوع جرم قرار ندهد. نه اینکه تامین دلیل برای اثبات جرم احتمالی بنماید. مثلاً اگر شخصی در حضور عده‌ای تهدید به قتل شده و فکر می‌کند، آن شخص او را به قتل خواهد رساند و این شهود در آن هنگام برای شهادت نباشند، در حین چنین شکلی همان تهدید هم جرم است و اگر شکایت کند و از شهود تحقیق کنند، همین پرونده کیفری کوچک باقی می‌ماند (آخوندی، ۱۳۸۰: ۴۴).

دلایل وقوع جرم چیزی است که در زمان وقوع باید به دست آید، نه از قبل دلیلی تامین شود. از ارتکاب جرم باید شخص جلوگیری نماید و اگر احتمال وقوع می‌دهد باید با شروع اقدامات مجرمانه از مامورین انتظامی کمک بگیرد. فرض وقوع جرم این است که مجنی علیه از آن بکلی بی‌اطلاع است و زمانی بر او تحمیل می‌شود (همان).

## ۲-۲ اثبات

اثبات به معنای نیک شناختن (دهخدا) ثابت گردانیدن (معین) و پابرجا کردن (عمید) تعریف شده است. هر صاحب حق باید آن چنان دلیل در اختیار داشته باشد که در هر لحظه بتواند حق مرحله ثبوتی را در مرحله بنشاند و هر حقی محتاج قدرت اثبات است، اگر توانائی اثبات حق نباشد، چه بسا مورد احترام قرار نگیرد. در

تحقیقات و باز جوئی‌ها و رسیدگی دادگاه وقوع جرم و انتساب آن به شخص متهم باید اثبات شود در امور جزائی هم چون امور مدنی دلیل ابزار اصلی صاحب حق است دارنده واقعی حق اگر حقیقت در معرض انکار قرار گیرد، باید با دلیل آن را اثبات کند و اگر دلیل نداشته باشد، مانند کسی است که اصلاً حق ندارد (سلیمی، ۱۳۹۵: ۴۴).

## ۲-۲-۱ ادله اثبات

دادگاه در مرحله تحقیقات اولیه و در مرحله رسیدگی علنی دو نوع رسیدگی دارد. رسیدگی ماهوی و رسیدگی حکمی. در مورد اول وقوع و عدم وقوع جرم و انتساب یا عدم انتساب جرم به متهم موضوع رسیدگی است. دلائل لازم دارد. در مورد دوم وجود یا عدم مفاد و مدلول قانون و تفسیر آن است که باید از مجموعه‌های قوانین رویه‌های قضائی فتاوی‌ی فقها استفاده شود.

بموجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی "قاضی مکلف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد به استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد" در امور جزائی این اصل با تامل بیشتری قابلیت اجرا دارد. اصل قانونی بودن جرم یکی از اصول معتبر است. عمل متهم را بدون قانون نمی‌توان جرم داشت. ارکان هر جرمی در قانون مشخص شده است. جرم ارتکاب یافته باید عمل ممنوعی باشد که منع آن به موجب قانون قبل از عمل اعلام شده باشد. حکم قانون را دادگاه می‌جوید و بر می‌گزیند. کسی که مدعی وقوع جرم هست هر گونه دلیلی بر وقوع جرم و زیان وارد شده به او می‌دهد، ولی مکلف نیست حکم قانون را هم در قضیه بدهد (کریمی، ۱۳۸۸: ۵۰).

## ۲-۲-۲ پرونده تامین دلایل در اثبات جرم

بعد از وقوع جرم و اعلام شکایت برای هر شخص، از وقوع و انتساب به متهم از همه دلائل استفاده می‌شود و جمع آوری می‌گردد و اگر پرونده تامین دلیلی هم در دادگاه باشد که به نحوی از انحا به اثبات جرم و انتساب آن به متهم کمک می‌کند یا در جهت برائت متهم دلیل باشد، قاضی تحقیق آن پرونده را مطالبه و ملاحظه می‌نماید. استفاده از پرونده‌های سابق اگر جنبه دلیل داشته باشند از جانب شاکی و متهم هر دو امکان پذیر است. اساساً جمع آوری دلائل له و علیه متهم به همین معنی است و منحصر در پرونده تامین دلیل نیست. هر نوع دفتر سابقه پرونده، می‌تواند اثباتاً یا نفیاً در قضیه مؤثر باشد. در واقع تکلیفی که ضابطین و قضاوت تحقیق نسبت به پرونده دارند (سلیمی، ۱۳۹۵: ۷۰).

## ۲-۳ پیشینه تاریخی کشف حقیقت

در طول تاریخ انسان همواره به دنبال حقیقت و کشف دروغ به روش‌های مختلف بوده است. در زمان‌های قدیم به دلیل فقدان علم و دانش، مردم با استفاده از روش‌های وحشتناک و زجرآور در پی کشف حقیقت بودند. معروف است که ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، زردشت پیامبر ایرانی برای اثبات حقیقت ادعای خود میله

آهنی سرخ‌شده‌ای را بر کف دست حمل می‌کرد. همین معنی در مورد «ور» یا «اوردیل»<sup>۱</sup> های قرون وسطی نیز مصداق داشت که طرفین یک دعوی می‌بایست مثلاً سنگی را از ته ظرفی که از آب جوشان پر بود درآورند تا هر که دستش آسیب نمی‌دید صاحب حق یا بی‌گناه و دیگری بی‌حق یا گناهکار فرض شوند (صانعی، ۱۳۴۳: ۶۷).

بعضی از وسایل و طرقی که در دوران‌های پیش برای کشف حقیقت به کار می‌رفت، بسیار جالب و ماهرانه بود و بر پایه همان اصول و روش‌هایی که امروزه در مورد دستگاه‌های دروغ‌سنج مورد استفاده است یعنی اندازه‌گیری تغییرات بدنی که در فرد به وجود می‌آید قرار داشت. حتی بررسی تغییراتی که در ترشح «غده‌ها» حاصل می‌شود و استفاده از آن برای کشف «حقیقت» سابقه قدیمی و تاریخی دارد. حتی تا قرن نوزدهم میلادی در بعضی کشورها متهمان برای اثبات بی‌گناهی خود مجبور بودند چندین بار زبان خود را به میله‌ای از آهن که سرخ‌شده بود بچسبانند بدون اینکه صدمه‌ای به آن‌ها وارد شود و عموماً اعتقاد بر این بود که یک قدرت برتر، راست‌گویان بی‌گناه را از صدمه و آسیب حفاظت خواهد کرد و تصور می‌شد آن‌هایی که در اثر شکنجه می‌میرند یا درد شدیدی را تجربه می‌کنند دروغ‌گو هستند و به خاطر گناهانشان مجازات شده‌اند. به زانی که متهم به زنا بودند گفته می‌شد که یک میله آهنی داغ را در دستانشان نگاه‌دارند و به مردان نیز گفته می‌شد که دستانشان را در آب جوشان قرار دهند و اگر دستانشان می‌سوخت این نشانه‌ای از گناه بود (گروبن<sup>۲</sup> و ماسدن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۳۵۸).

در قرن نوزدهم، «آنجلو موسو»<sup>۴</sup> متخصص فیزیولوژی ایتالیایی، با تشویق معلم و هم سن خود، «سزار لومبروزو»<sup>۵</sup>، به مطالعه پیرامون هیجان و ترس و تأثیر آن بر قلب و تنفس پرداخت. وی از ابداع ثبت‌شده لومبروزو برای اندازه‌گیری فشارخون و نبض به نام «پلتیسموگراف»<sup>۶</sup> استفاده کرد که امواج متناوب فشارخون در اثر چرخه تنفسی را نشان می‌داد. لومبروزو اصلاحاتی در پلتیسموگراف انجام داد و منجر به تولید هیدرواستیگموگراف<sup>۷</sup> گردید که مشت مظنون را در ظرف آبی می‌گذاشتند، مشت را که داخل آب است با پوششی پلاستیکی به بالای ظرف می‌بستند. ارتعاشات نبض خون به آب منتقل می‌شد و تغییرات سطح آب به لوله‌ای پر از هوا منتقل می‌گردید. این ارتعاشات نیز به نوبه خود روی یک طبلک دودی چرخان ثبت می‌شد که در آینده با در دسترس بودن کیموگراف<sup>۸</sup> از جوهر برای ثبت داده‌ها استفاده شد. در قرن بیستم فردی به نام بنوسی<sup>۹</sup> رابطه میان دروغ گفتن و عملکردهای فیزیولوژیکی گوناگون شامل فشارخون، نبض و تعداد تنفس را مطرح کرد. در سال ۱۹۱۷ «ویلیام مارستون»<sup>۱۰</sup> در مقاله‌ای این موضوع را مطرح کرد که بررسی فشارخون سیستولیک<sup>۱۱</sup> می‌تواند به کشف دروغ‌ها کمک کند. سپس یک افسر اداره پلیس به نام «جان لارسون»<sup>۱۲</sup> با به‌کارگیری این یافته‌ها، دستگاهی را اختراع کرد که فشارخون را اندازه‌گیری می‌کرد. این دستگاه یک لوله

<sup>۱</sup> Ordeal

<sup>۲</sup> Gruben

<sup>۳</sup> Masden

<sup>۴</sup> Angelo mosso

<sup>۵</sup> Cessar Lombroso

<sup>۶</sup> Plethysmograph

<sup>۷</sup> Hydrosphygmograph

<sup>۸</sup> Kymographs

<sup>۹</sup> Benussi

<sup>۱۰</sup> William Marston

<sup>۱۱</sup> Systolic

<sup>۱۲</sup> John Larson



لاستیکی داشت که برای اندازه‌گیری تعداد و بررسی نحوه تنفس افراد در حین پاسخ‌گویی به سؤالات، اطراف سینه قرار می‌گرفت. افراد مورد آزمایش با کلمات "آری" یا "نه" به سؤالات پاسخ می‌دادند و پاسخ‌های آن‌ها به وسیله یک قلم که تغییرات فیزیولوژیکی بدن را بررسی می‌کرد، ثبت و ضبط می‌شد. لارسون به‌عنوان مؤسس اولین دستگاه دروغ‌سنج مدرن در سال ۱۹۲۱ شناخته شده است (ولپ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۳).

لارسون دستگاه اختراعی خود را مانند لئوناردو کیلر<sup>۲</sup> مورد دادوستد و خرید و فروش قرار نداد. کیلر کسی بود که دستگاه لارسون را با اضافه کردن میزان رسانایی پوست تکمیل کرد و در سال ۱۹۳۹ به ثبت رسانید. این دستگاه برخلاف دروغ‌سنج‌های قبلی قابل‌حمل بود و همین مسئله استفاده از آن را برای اهداف بازجویی آسان‌تر می‌کرد و بدین ترتیب سیستم‌های پلی‌گراف<sup>۳</sup> به شکل کامل امروزی خود درآمدند (آقابابایی و احمدی ناطور، ۱۳۹۱: ۱۲).

با توجه به قدمت روش دروغ‌سنجی کلاسیک و کارهای تحقیقاتی و عملیاتی فراوانی که بر روی آن انجام شده است، امروزه قواعد و دستورالعمل‌های معتبر و دقیقی برای نحوه طراحی آزمون، روش تفسیر علامت‌ها و حتی مشخصات محل آزمون در این روش تدوین شده است. همچنین امروزه با بهره‌گیری از قابلیت‌های پردازشی رایانه (پلی‌گرافی رایانه‌ای)، سرعت و کیفیت عملکرد بهتری یافته است. باین‌حال همواره تلاش‌هایی برای یافتن روش‌های جایگزین برای آن وجود داشته است. هدف از طراحی این روش‌ها، عموماً بالا بردن دقت تشخیص روش و رفع بعضی از محدودیت‌های روش دروغ‌سنجی کلاسیک، از جمله زمان‌گیر بودن آزمون، نیاز به تماس حسگرهایی به بدن سوژه و عدم امکان انجام آزمون بدون آگاهی سوژه بوده است. در هر یک از این روش‌های جایگزین، از یک یا چند پارامتر حیاتی دیگر به‌عنوان نشانه‌های دروغ‌گویی استفاده می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به لرزش صدا، الگوی حرکات پرشی چشم، قطر مردمک چشم، توزیع جریان خون در مغز و پتانسیل‌های الکتریکی مغز اشاره کرد. در مورد اخیر یعنی پلی‌گرافی بر اساس سیگنال‌های برانگیخته مغزی که راهکارهای پیشرفته ثبت، پردازش و تجزیه و تحلیل سیگنال‌های مغزی را به کار می‌گیرد، کیفیت و کارایی بالاتری را نسبت به پلی‌گرافی کلاسیک و روش‌های دیگر گزارش داده‌اند و همچنان جزء پروژه‌های مفتوح و به‌روز دنیا هست؛ هرچند به نظر می‌رسد به علت جدید بودن موضوع، هنوز راه درازی را برای به ثمر نشستن نهایی در پیش دارد (همان).

دروغ‌سنج‌های مدرن، الگوهای تنفس، فعالیت قلبی-عروقی و واکنش‌های الکتریکی پوست که توسط سیستم عصبی ناخودآگاه کنترل می‌شود را بررسی و ثبت و ضبط می‌کنند و در حال حاضر با سخت‌افزارهای پیشرفته دیجیتالی شده‌اند. باین‌وجود، حتی اگر چنین فن‌هایی به‌درستی به کشف دروغ‌ها کمک کند چشم‌انداز استفاده از آن‌ها باعث ایجاد سؤالات مهمی درباره نفوذ در حریم خصوصی افکار (ذهن) می‌شود (همان).

## ۴-۲ تحقیقات در جرائم کیفری

آغاز رسیدگی به پرونده‌ها، نیاز به تحقیقات دارد. البته موارد بدیهی وجود داشته که مستقیماً پس از ورود به دادسرا، به دادگاه ارجاع می‌شوند. اما در اکثر موارد، تحقیقات در دادسراها صورت می‌گیرد. با توجه به هدف

<sup>۱</sup> Wolpe

<sup>۲</sup> Leonardo Keeler

<sup>۳</sup> Polygraph

پژوهش که بایسته‌های نوین تحقیقاتی می‌بایست بررسی شود، نیاز است که ماهیت حقوقی تحقیقات قضائی عنوان گردد. لذا پس از تعریف دلیل و اثبات، در دو بخش، تحقیقات در جرائم کیفری و حقوقی بررسی شده تا زمینه بررسی حقوقی روش‌های نوین فراهم شود. نکته قابل توجه در دعاوی کیفری آن است که احکام مستوجب آن، گاه شدیدترین مجازات‌های مصرح قانونی می‌باشد. معمولاً دعاوی حقوقی، سبک‌تر ارزیابی می‌شوند. برای مثال یکی از جرائم کیفری قتل است که ممکن است به قصاص ختم شود. اما در دعاوی حقوقی معمولاً مسائل مالی در جریان است. در این قسمت به جزئیات دعاوی کیفری در این خصوص پرداخته شده است.

#### ۲-۴-۱ معاینه محل

برای کشف و تعقیب جرائم، قاضی محکمه و قاضی تحقیق به جمع‌آوری همه انواع دلایل ممکن مبادرت می‌ورزند، و در توسل به دلایل محدودیتی ندارند. از آنجا که اکثر جرایم در محلی ارتکاب می‌یابند و احتمالاً آثاری در آن محل باقی می‌گذارند، از جمله دلایل معمول کشف جرم معاینه محل و تحقیق محلی است که توسط قاضی دادگاه یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می‌شود (باقری اصل، ۱۳۸۵: ۲۵).

گاهی وقوع جرم به شکل و ترتیبی است که با محل آن ارتباط مستقیم دارد، زراعتی که تخریب شده، انباری که آتش زده شده، چاپخانه‌ای که محل چاپ اسکناس جعلی بوده است، استخری که شخص را در آن خفه کرده‌اند، اطاق خانه‌ای که جسد مقتول کشف شده است، محلی که هواپیما در اثر خرابکاری متلاشی و سقوط کرده است، جواهر فروشی که سارقین با زدن نقاب به داخل آن نفوذ کرده و جواهرات را سرقت نموده‌اند، محلی که در آنجا مواد مخدر ساخته شده و کشف گردیده است. در همه این موارد و نظایر آن محل باید مورد معاینه قاضی دادگاه، قاضی تحقیق و یا کارشناس دادگستری قرار گیرد و صورت مجلس معاینه محل تنظیم شود. در صورتیکه صورت مجلس معاینه کامل شود، می‌تواند به تقویت یا تضعیف دیگر دلایل کمک نماید، و ترتیب ارتکاب جرم را تجسم بخشد. اینکه مرتکب جنایت از چه راهی وارد شده، کدام درب را شکسته، کدام دستگیره را لمس کرده و آثار انگشت باقی گذاشته، چه وسایلی را همراه داشته از چه نقطه‌ای عملیات را شروع نموده، عدم توجه همسایگان به واقعه را به چه ترتیب گردیده است (سلیمی، ۱۳۹۵: ۵۵).

#### ۲-۴-۲ اشخاص مامور معاینه

اینکه شخص قاضی دادگاه، معاینه را انجام دهد یا قاضی تحقیق یا کارشناس با ضابط دادگستری بستگی به تشخیص متصدی دادگاه کارشناس انتخاب می‌کند که با معاینه محل نظر فنی و علمی هم بدهد و شخص قاضی هم در این حالت ممکن است نظارت کند. گاهی کفایت می‌کند که ضابطین محل را معاینه کنند و بهر حال در زمان معاینه باید تمام آنچه که ملاحظه می‌شود و احتمال تاثیر در قضیه را دارد. در صورت مجلس منعکس شود. اشخاص که در امر جزائی شرکت داشته‌اند، می‌توانند در زمان معاینه حضور یابند. شخص متهم و اشخاصی که به عنوان شریک یا معاون او در معرض اتهام گرفته‌اند و هم کسانی که شکایت را مطرح کرده‌اند و یا ذی نفع در کشف و تعقیب جرم هستند. اگر اشخاص ضرورت دارد به عنوان شاهد یا مطلع در محل معاینه حضور یابند و دعوت هم شده‌اند، مع الوصف بدون عذر موجه حاضر نگردیده‌اند چنانچه جرم مورد نظر محل

امنیت و بر خلاف نظم عمومی بوده باشد، به حکم قاضی جلب می‌شوند. از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد؛ از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب و دیگر صاحبان صرف، چنانچه در جرائم مخل امنیت و یا خلاف نظم عمومی اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابد و من به الکفایه هم نباشد، به حکم قاضی جلب خواهد شد (ماده ۸۳ آئین دادرسی کیفری). برای محل معاینه ممکن است مطلع و شاهد دعوت گردد و ممکن است کارشناس مربوط به موضوع چنین افرادی که از طرف قاضی دادگاه یا قاضی تحقیق یا ضابطین دادگستری برای حضور در محل در وقت معین دعوت می‌گردند، مکلف‌اند حاضر شوند، مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند که در این صورت مجدداً دعوت می‌شوند. اما هر گاه دعوت در ارتباط با جرایم مخل امنیت و یا خلاف عمومی باشد، اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند، جلب می‌گردند. بنابراین قانون اهمیت زیادتری به جرائم مخل امنیت و خلاف نظم عمومی داده است که جلب را تجویز کرده است. مسئله‌ای که در همین جا مطرح می‌گردد این است مگر هر جرمی مخل امنیت نیست و مگر همه جرایم خلاف نظم عمومی نمی‌باشند سپس چه ضرورت داشته که در این مقام جرایم را به دو دسته تقسیم بنماید و برای دسته ای امکان جلب را فراهم سازد. این در واقع تشخیص قاضی دادگاه است که دعوت شده را به دلیل عدم حضور بدون عذر موجه جلب کند یا مجدداً او را دعوت به حضور نمایند (صالحی، ۱۳۹۷: ۶۰).

#### ۲-۴-۳ نحوه حفظ صحنه جرم

نخستین اقدامی که پس از اطلاع یافتن از وقوع جرایمی همانند قتل، سرقت، آتش‌سوزی‌های مشکوک به عمد و غیره صورت گیرد، حفظ صحنه جرم است که روشهای کار برحسب نوع جرم، مکان وقوع آن و امکانات موجود متفاوت بوده و به طور اجمالی به شرح ذیل است: (روستائی نژاد و اوسط زنجانی، ۱۳۹۶: ۳۸).

الف) در صورتی که جرمی در یک محیط محصور همانند مغازه، اتاق، حیاط منزل و امثال آن رخ داده باشد می‌توان با بستن در ورودی و گماردن نگهبان، صحنه جرم را به نحو مطلوب حفظ کرد. در مورد محل‌های فاقد سقف مانند حیاط منازل و غیره نگهبان باید مراقبت نماید، کسی از دیوارهای اطراف نیز به طور غیر مجاز وارد صحنه جرم نگردد و به دلایل و مدارک موجود لطمه ای وارد نسازد.

ب) در صورتی که جرم در محوطه وسیع‌تری مانند جاده‌ای خارج شهر و امثال آن رخ داده باشد، باید پس از مشخص کردن حریم صحنه جرم اطراف محل‌هایی که مدرک جرم از قبیل اسلحه، خون و غیره وجود دارد سنگ چین گردد و با گماردن نگهبان ثابت و سیار صحنه حفظ شود. برای حفظ صحنه جرم باید کلیه اشخاص حاضر در صحنه جرم به جز کسانی که بنا بر وظائف قانونی باید در صحنه جرم حضور داشته باشند از صحنه جرم خارج گردند. شهود و مطلعین باید سریعاً مشخص و اطلاعات ضروری در مورد چگونگی وقوع جرم اخذ شود. باید توجه داشت که پیش از تحقیقات اولیه نباید این قبیل افراد در یک نقطه و در کنار هم نگه داشته شوند زیرا به تجربه ثابت شده است که چنانچه پیش از انجام تحقیقات، چند شاهد پهلوی هم قرار گیرند ناخواسته و ناخودآگاه باهم صحبت و تبادل اطلاعات می‌نمایند و در نتیجه ممکن است هنگام ادای شهادت مطالبی را در مورد حادثه مورد نظر عنوان نمایند که خود بطور مستقیم آن را ندیده و نشنیده‌اند بلکه صرفاً نقل قولی از سایر شهود باشد.

## ۲-۴-۴ تحقیق محلی

در مقام جمع‌آوری دلایل مربوط به وقوع جرم و له و علیه متهم، یکی از راه‌های معمول تحقیق محلی است. تحقیق محلی یعنی انعکاس اطلاعات شهود و مطلعین در پرونده جزایی. غالباً تحقیق محلی به همراه معاینه محل در یک زمان انجام می‌شود. هم وضع محل و هم کلیه اطلاعات محلی ها جمع‌آوری می‌گردد. هر تحقیق محلی مثل معاینه محل وضع مستقلی دارد و راه و رسم خودش را می‌طلبد که قاضی یا مامور انجام آن باید توجه داشته باشد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. در جریان تحقیق محلی شقوق مختلفی فرض دارد. ممکن است در موردی از تحقیق محلی هیچ مطلبی بدست نیاید و کسی اطلاعی ندهد و جرم در کمال اخفاء در محل واقع شده باشد. حتی در این صورت هم امکان دارد، مطلعین از سوابق متهم و مجنی علیه و روابط قبلی آنها مطلبی را بدانند که انگیزه وقوع جرم را بیان کند و قاضی را به سمت واقع امر بکشاند. ممکن است در تحقیق محلی اشخاص ناظر جریان ارتکاب بوده‌اند. اشخاص از شاهدین واقعه در همان ساعات اولیه جریان را شنیده‌اند و اطلاعات خوبی دارند ممکن است افرادی از متهم یا متهمین و یا منسوبین آنها و از شاکی و اطرافیان او مطالبی شنیده باشند که با تحقیق از آنها دادگاه به حقایقی از علت و نحوه ارتکاب جرم آگاه شود. در تحقیق محلی ممکن است از افرادی نامبرده شود که شکایت در ابتدا متوجه آنها نبود و بعد کم کم در معرض اتهام قرار گیرند و در نهایت مرتکب اصلی شناخته شوند. در تحقیق محلی ممکن است اطلاعات داده شود که حکایت از آن کند، اصلاً جرمی واقع نشده و شاکی برای اعراض خاصی صحنه‌سازی کرده‌اند. تحقیق محلی ممکن است با دیگر دلایل در یک جهت باشد و آنها را تایید کند و قاضی را به حقیقت نزدیک سازد. همین طور تحقیق محلی به کارشناس و اهل خبره کمک می‌کند که نظری صحیح ابراز دارند (سهرابی، ۱۳۸۸: ۴۰).

## ۲-۴-۵ کارشناس

هر گاه لازم باشد که تحقیقاتی از افراد گرفته شود و با نظر علمی و فنی تطبیق گردد ممکن است، مستقیماً خبره این ماموریت را عهده دار گردند. چنانچه ماده ۸۵ آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹ تصریح کرده هنگام تحقیق توسط اهل خبره چنانچه قاضی لازم بداند، می‌توان حضور یابد همان طور که در تحقیقاتی که ضابطین ماموریت انجام آنرا دارند. قاضی دادگاه می‌تواند حضور داشته باشد. قاضی می‌تواند هنگامی که به کارشناس ماموریت اظهار نظر توأم با تحقیق را می‌دهد خودش حضور یابد و شخصاً نظارت نماید. مثلاً ممکن است مرگ شخصی در اثر مسمومیت باشد و داروهایی که مصرف می‌کرده مشکوک بنظر آید از طریق پزشک یا متخصص داروسازی در قضیه تحقیق شود که چه موادی را با کدام تجویز و به چه میزان مصرف می‌کرده و آیا داروی مورد استفاده متناسب با بیماریش بوده یا خیر بعلاوه دارو در دسترس چه افرادی بوده آیا احتمال تعویض آن می‌رود تحقیق متخصص مثل پزشک قانونی در این رابطه ممکن است همراه با کالبد شکافی و آزمایش باشد. در مقام تحقیقات کیفری گر چه قاضی غالباً اطلاعات علمی و فنی و تخصصی در رشته‌های مختلف ندارد و به همین جهت از اهل خبره استفاده می‌کند تا نظر تحقیق دقیق در خصوص مورد بدهند. اما این قاضی است که بهر حال باید قانع بشود که تحقیقات و اظهار نظر خبره در جهت کشف حقیقت پیش رود و یا شفاهی به عمل آورده و آنرا در صورت جلسه قید نماید در صورتیکه بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید. این موضوع مهم و قابل توجه است. که قانون‌گذار قاضی را محور امر قضاوت می‌شناسد تمام کسانی که شهادت می‌دهند و یا نظر تخصصی ابراز دارند باید نظر قاضی را در صحت موارد اعلامی جلب نمایند. اگر مطابق

شرایط علمی و تحقیقات فنی و آزمایشگاهی نظر متخصص اعلام می‌شود و قاضی با اوضاع و احوال پرونده جای سوال برایش باقی می‌ماند باید سوالاتش را مطرح نماید و اهل خبره به آن پاسخ بدهند (معرفت، ۱۳۶۴: ۴۵).

در جریان این سوال و جوابها و ابراز نظریه علمی در صورتیکه بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت درکشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید. مثلا اگر فرضا لکه های زرد رنگی روی بازوی مقتول دیده می‌شود که از نظر پزشکی قانونی مهم نیست ولی فرضیه قاضی بر این است که آن لکه های آثار جسمی سخت است که با آن دستهای مقتول بسته شده است. پزشک قانونی با تحقیق و آزمایش باید بالاخره صریحا اعلام کند آن لکه ها به چه سبب پیدا شده است عامل بیماری و درونی داشتید یا آن طور که قاضی استنباط کرده نتیجه فشار جسم سختی بر بازوان مقتول بوه است. متخصص نمی تواند سوالات قاضی را هر چند که پایه علمی و تخصص نداشته باشد نادیده بگیرد زیرا مسئول کشف حقیقت قاضی است نه متخصص. متخصص نتیجه آزمایش و تحقیق را بیان می‌کند تفسیر و تحلیل آن و انطباق با موضوع با قاضی است در پرونده ایراد جرح با چاقو متهم ادعا دارد شاکی خود زنی کرده پزشک قانونی باید نظر تخصصی بدهد غالبا بر اساس ضوابطی که دارند چاقو خوردگی را از خود زنی تشخیص می‌دهند گاهی برحسب اتفاق جرح با چاقو طوری شکل می‌گیرد یک پنداری یک خود زنی تمام عیار است به همین جهت تنها گواهی پزشک قانونی نباید همیشه مبنا قرار گیرد (مدنی، ۱۳۸۰: ۴۰).

کشف حقیقت در امر کیفری با قاضی است. اهل نتیجه تحقیق و آزمایش خود را اظهار می‌نمایند. کارشناس خط می‌گوید: این خط بدلیل نقطه گذاری که دارد، زاویه حروف، عادت در کشیدگی سین و شین و لرزش دست با آن امضا متفاوت است نویسنده این خط نمی تواند صاحب آن، امضا باشد. پزشک قانونی اظهار می‌کند که مرگ در اثر ایست قلبی است و جراحات و خون مردگی های صورت و دستها نمی تواند عامل مرگ باشد. متخصص قفساسازی می‌گوید این قفل با هیچ کلیدی باز نمی‌شود هر کدام دلایلی بر اظهار نظر خود ابراز می‌دارند قاضی در هر مورد سوالاتی از کارشناس می‌کند ولی جواب قانع کننده ای به قاضی نمی‌دهد قاضی ناچار متخصصین دیگری را برای ابراز نظر دعوت می‌کند نظراتی که ابراز می‌کنند با متخصصین قبلی تفاوت دارد قاضی نظرات ابراز شده را نزد متخصصینی که اطلاعات بیشتری دارند می‌فرستد اشخاص یاد شده در صورت لزوم خود را پس از اخذ توضیح از متخصصین اولیه و یا با معاینه مستقیم بطور کلی به قاضی می‌دهند باز هم قاضی ملزم نیست که نظر جدید را درست بپذیرد باید با محتویات پرونده صحیح را دریابد و بر این تطبیق و استخراج استدلال کند. قاضی نمی‌تواند بدون استدلال بگوید نظر دسته اول یا دوم یا سوم درست است (سهرابی، ۱۳۸۸: ۳۰).

## ۲-۴-۶ تشخیص جنون متهم

هر گاه قاضی تحقیق در جریان تحقیقات متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم، مجنون بوده است. تحقیقات لازم را از کسان و نزدیکان و مطلعین به عمل آورده و نظر پزشک متخصص را هم در صورت جلسه قید می‌کند. دادگاه پس از بررسی پرونده، هر گاه تحقیقات را کافی دید؛ از نظر جزائی قرار موقوفی تعقیب صادر و در مورد دیه یا خسارات مالی در صورت مطالبه حکم مقتضی صادر می‌نماید. ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که جنون در لحظه ارتکاب به جنایت، موجب ارتفاع مسئولیت کیفری می‌شود. این ماده قانونی در جریان دادرسی پرونده‌ها کاربرد فراوانی داشته و معمولا متهمین و وکلای آنان

سعی داشته که با استناد به این ماده قانونی، سعی در رفع مسئولیت کنند. لذا در جریان دادرسی می بایست در تشخیص چنین مسئله‌ای، نهایت سخت گیری را اعمال کرد.

## ۲-۴-۷ تفتیش منازل و اماکن

پس از وقوع جرم، نوبت به کشف جرم می‌رسد و متهم یا متهمین باید مورد تعقیب قرار گیرد. قاضی دادگاه، قاضی تحقیق و ضابطین دادگستری باید تمام کوشش خود را در این حالت بکار انداخته وضعیت وقوع جرم روشن گردد و متهمین شناسائی و تحقیقات همه جانبه صورت گیرد.

### ۲-۴-۷-۱ تفتیش و بازرسی منزل

تفتیش منزل یک اقدام عادی و معمولی نیست که مامورین بتوانند هر وقت خواستند ولو در جهت کشف جرم به آن متوسل شوند. البته با توجه به گزارش های قضائی در دهه ۲۰ خورشیدی، در آن زمان مامورین شهربانی مجاز بودند که به تشخیص خود به منازل ورود کنند و نیاز به دستور قضائی نبود. بعدها با تقویت بنیه قضائی کشور، اعمال تحقیقاتی مامورین انتظامی محدود گشت و با تدوین قانون آئین دادرسی مدنی و کیفری، این مسئله نیز تحت چتر قانون قرار گرفت. مسکن هر کس به موجب قانون اساسی از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند (اصل ۲۵ قانون اساسی) و ماده ۹۶ (آئین دادرسی کیفری) تفتیش و بازرسی منزل را وقتی ممکن شناخته که حسب دلایل قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. تفتیش و بازرسی در روز به عمل می‌آید و هنگام شب در صورتی انجام می‌گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورت جلسه قید نماید. به این ترتیب مصونیتی که برای مسکن به موجب قانون اساسی مقرر گردیده به موجب همان قاضی مطلق نیست، مصونیت مسکن نمی تواند وسیله‌ای برای ارتکاب جرم و یا پنهان داشتن دلایل و مخفی نگهداشتن متهم باشد. مسکن هر کس قابل احترام است و هیچ کس بدون اذن صاحب منزل نمی‌تواند وارد شود. اما هرگاه این حرمت را صاحب منزل حفظ نکند. مامورین اجرای قانون هم تکلیف دارند بخاطر مصالح با اهمیت بیشتری این حرمت را بشکنند و به تفتیش و بازرسی منزل بپردازند. اگر اطلاعات موثقی باشد که در منزل شخصی متهمی مخفی شده تا در موقع مناسب فرار کند، باید منزل را مورد بازدید قرار داد، اگر دلائلی باشد که متهم به ارتکاب قتل لباس خونین خود یا مقتول را و اسلحه و ادوات ضرب و جرح را مخفی کرده باید به تفتیش منزل مبادرت نمود (بهرامی، ۱۳۸۷: ۳۳).

### ۲-۴-۷-۲ بازرسی اماکن و اشیاء

اماکن به محل‌هایی گفته می‌شود که مهیای استفاده عموم است. معمولاً اماکن صاحب و متصدی دارد و افراد تحت شرایطی و با هدف معینی و پرداخت هزینه‌ای مشخص از آن بهره می‌برند، مثل رستوران، هتل، سینما و اشیائی مثل اتوبوس، ماشین، قطار و ... اماکن و اشیاء مثل منزل جنبه خصوصی و شخصی ندارند. مع الوصف بعضی قسمت‌ها مثل اتاقی که شخص در هتل کرایه کرده همان حکم منزل را دارد.

## ۲-۵ تحقیقات در دعاوی حقوقی

دعاوی حقوقی به آن دسته از اختلافات بین افراد گفته شده که غایت قضائی آنها، جبران خسارت و حقوق ضایع شده است. تحقیقات در این حوزه به نسبت جرائم کیفری بسیار ساده تر بوده و لیکن صدور حکم با توجه به ادله جمع آوری شده میسر است. در این قسمت در رابطه با دادرسی دعاوی حقوقی بحث شده است. قضاء گویا کاری خدائی گون است. لفظ قضاء هم انگار در چنین بستری از معنا صورت بسته است و در لایه های زیرین معنایی خود با تمام شبکه تداعی معنای خاصی که می تواند به ذهن مخالب همراه کنند. گویی قاضی کسی باشد که دست به پشت پرده اسرار ازال دراز می کنند و کاشفانه اما نه چندان فروتنانه، مقتضای حقیقت و حق را کشف و اعلام می کند. کشف حقیقت، ظاهرا بخش نخست کار قاضی است. جایی که امر موضوعی را تشخیص می دهد و توصیف می کند و به یک اعتبار صغرای قیاس منطقی خود را می چیند. گام دوم، انتخاب و انطباق و در افکندن کبرای قیاس است. یعنی درست جایی که قاعده عام حقوقی یا در واقع، حکم مناسب موضوع را بر می گزیند و در نهایت، با ادغام دو گزاره، در قالب نتیجه، داوری نهایی خود بیان می کند و بدین ترتیب، اعلام می کنند که حقیقت چیست و مقتضای حق در این موضوع معین کدام است (شاکر، ۱۳۹۷: ۳۳).

## ۲-۵-۱ مسأله اثبات

در مورد اثبات در بخش تحقیقات کیفری توضیح داده شد. اثبات مرحله کشف است. مقامی است که آنچه در عالم واقع رخ داده یا موجود بوده یا هست بررسی می شود تا وجود یا عدم آن و تحقق یا عدم تحقق آن، بر سایرین و مشخصات نزد قاضی معلوم گردد. به دیگر سخن در مرحله اثبات هدف، اندیشه راه یافتن به موقع و شناخت حق از راه توسل به رویدادی است که آثار حقوقی مطلوب را دارد. خواه رویداد موضوع تردید حکم باشد یا واقعه ای مادی. به بیان دیگر، مرحله واقعیات که مستقل از علم و دانش برای خود وجود دارند، مرحله ثبوت و مرحله علم و اطلاع و کشف مرحله اثبات نامیده می شود. در این معنا، آیات، نوعی بازنمایی است. بازنمایی و احضار آن چه در عالم ثبوت موجود است، نزد دیگری که البته این دیگری در فرایند قضاوت، به طور خاص قاضی است که واقعه ای را که در خارج محقق شده ارزیابی می کند و می خواهد بداند چه اتفاقی در خارج افتاده است. دست پرمدعا، اما در واقع، کوتاه قاضی برای کنار زدن پرده از موقع آمره البته راهی ندارد جز این که به ابزار شکننده بشری تکیه کند. آنچه به طور تمام ادله اثبات دعوا نامیده می شود، در واقع آنچه آنچنان که از نام آن نیز بر می آید، راهنمایی است که قاضی را در مقام حق گذاری به سمت حقیقت دلالت می کند. با این همه، باید به یاد داشت که وقتی سخن از باز تنهایی و دلالت گفته می شود تا گزیر پای فهم انسانی با تمام خصوصیات و البته محدودیت هایش و نیز مسأله دلالت، با تمام انواع و خصایصش، به شیان کشیده می شود. به بیان دیگر، از یک سو درک از پدیده های پیرامونی فهمی است، یا چارچوبی بین اذهانی و مبتنی بر مشارکت همگانی در بر ساختن قالب های مفاهمه از سوی دیگر، دلالت هر دلیل، تابع کیفیت آن بوده و دست کم در تقسیم سنتی در منطق ارسطویی به سه بخش دلالت عقلی، دلالت بیعی و سرانجام، دلالت وضعی تقسیم می - گردند (رجب، ۱۳۹۳: ۴۴).

به دیگر سخن، اولاً فهم از پیش یافته های پیرامونی مستقل از بستر تاریخی متشکل از زمان، مکان، فرهنگ و ... که در آن زمان است، نیست و در چارچوب مشارکتی عام شکل می گیرد و ثانیاً، دلالت هر دلیل نیز اساساً تابع وضعیتی است که در کیفیت آن دلالت وجود دارد. بازتاب گزاره نخست فوق را داراست که می توان در مقررده جدید قانون مجازات اسلامی سراغ گرفت. تبصره ماده ۲۱۱ این قانون که خود در خصوص علم قاضی

است، مقرر داشته، مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علی قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد. در این مقرر، تمام مواردی که در صدر آن احصاء شده، در واقع اماره قضائی یا به تعبیری، شخصی یا موضوعی بوده، حسب مقتضیات و اوضاع و احوال هر پرونده متفاوت هستند. با این حال، سنجش و ارزیابی آن ها به تصریح قانونگذار براساس معیار یا به تعبیری فهم متعارف است و بدین ترتیب، در صورتی در صدور حکم مؤثر و معتبرند که نوعاً علم آور باشند. این تبصره نه فقط محدوده اعمال علم قاضی، دست کم در امر کیفری، را محدود و معین می کند، بلکه دامنه توجه و نحوه اعمال و تفسیر امارات اعم از قضائی و قانونی را نیز محدود به فهم متعارف می کند. چنین درک و دریافتی، در واقع ادراکات شخصی را و می تپد و به نوعی، معقولیت و بین الادهاتی بودن را شرط اجتناب ناپذیر فهم و تفسیر از پدیده های پیرامون و از آن جمله، فراین، امارات و سایر ادله اثبات قرار می داد (خرسندیان، ۱۳۹۷: ۲۰).

لذا به نظر می رسد اساساً سخن گفتن از "ادله اثبات" به نحو ناگزیری فی نفسه شیوه‌ای برای ارجاع به روش‌هایی مشترک و یکپارچه در مقام اثبات است. از سوی دیگر، نوع دلالت دلیل که از سنخ عقلی باشد یا وضعی؛ باز در چگونگی و میزان اثرگذاری آن در فرآیند اثبات مؤثر است. مسئله علم قاضی، پایه‌های محکم فقهی و حقوقی دارد. در ادامه در زمینه ادله اثبات در دادگاه ها صحبت شده و چنین به نظر می رسد که روش‌های تحقیق قضائی، اگر بر مبنای اصول ذکر شده در قانون نباشد، نمی تواند مستند به صدور حکم قرار گیرد. لذا مسئله علم قاضی که در اینجا به آن اشاره شد، می تواند تحت تاثیر ادله نوین قرار گیرد. به هر حال هر روش تحقیق؛ یا می بایست به جمع آوری اسناد در اثبات جرم منتهی شود و یا به طریق منطقی رأی قاضی را متأثر نماید. اما به صرف دلایل که صرفاً غیر قطعی و موجب افزایش احتمال است، نمی توان رأی قضایی صادر نمود. فصل بعدی که در مورد روش‌های نوین بازجویی صحبت شده است، در جهت پاسخگویی به سوال تحقیق که همانا مستند بودن این روش‌ها در صدور رأی می باشد، پرداخته شده است.

## ۲-۵-۲-۲- غایت قضا

با تمام طمطراق فراوانی که بر راه دشوار قاضی سایه می افکند، بسیاری و از آن جمله شماری از فقهای شیعه بر این باورند که غایت قضاء فصل خصومت و پایان دادن به اختلافی است که میان دو تن در رفته است. در این معنا، قلب تپنده قضاء، نه کار قاضی که دعوی است که پیش تر میان طرفین در گرفته است و هدف، پایان بخشیدن به این خصومت و اعاده آرامش به جامعه است. ناگفته پیداست این نکته که مبنای فضا را کدام یک دانست، فصل خصومت و کمک به استقرار نظم و تداوم همزیستی مسالمت آمیز در بستر اجتماع یا کشف حقیقت و عمل به مقتضای عدالت یا هر دو مستقیماً در رویکرد به کارکرد قضاء و صلاحیت قاضی و کیفیت به جریان افتادن فرآیند قضائی تأثیری بسزا دارد. رویکرد نخست که غایت اصلی را در قضاء فصل خصومت میان اصحاب دعوا می شمارد، نگاهی به نسبت آینده نگر و نتیجه گرا دارد؛ بنابراین، میان قاضی تحکیم و داوری که به انتخاب و رضای طرفین، "حکم" می شود و میان آنان "حکم" می کند، با قاضی منصوب شرعی تفاوت چندانی قائل نمی شود. در حالی که رویکرد دوم، به نظر نگاهی ذات‌گرایانه داشته و گویی که سودایی آرمان‌گرایانه را در سر می پروراند، مدعی اقامه عدل و عمل به مقتضای حق است. البته نگاه سومی را نیز می توان بازجست که ترکیبی از هر دو هدف را غایت قضاوت می شمارد، آن چنان که اساساً هدف اصلی حقوق را از یک



سو، حفظ نظم و از سوی دیگر، پاسداشت عدالت شمرده‌اند. با این حال، دشوار بتوان در موارد تعارض و تزاحم بی آنکه یکی را پر دیگری رجحان داد، از دشواری گسست (معرفت، ۱۳۶۴: ۴۵).

## ۲-۵-۳ ماهیت امر مورد رسیدگی

نه فقط مبنا و غایتی که برای قضا ترسیم می‌شود، بلکه طبع و ماهیتی که امر مورد رسیدگی در خود می‌پروراند خود می‌تواند آثار و تبعات مهمی از حیث نظام حاکم بر فرآیند رسیدگی داشته باشد. گاه اختلافی میان دو طرف (در اصطلاح فقهی، خصم) رسیدگی می‌شود و گاه، شخصی به خاطر نقض نهی مقنن و سرپیچی از امر شارع در پیشگاه قاضی حاضر می‌شود. مورد نخست، دعوی است که طی آن یکی ادعای تضییع حق خود از سوی دیگری را دارد. اما در مورد دوم، دغدغه اصلی علی‌الادعا مسأله نقض ارزش‌های مورد نظر قانونگذار و در نور دیدن مرزهای محترم اجتماع است (دشتی، ۱۳۹۱: ۶۰).

فقه‌ها نیز ظاهراً متوجه این تفکیک بوده‌اند که فضا شامل دو شق متفاوت و ممتاز می‌شود. نخست شقی که ادعای حق یکی بر دیگری را در بر می‌گیرد و به تعبیر فقیه تامی، "سید محمد کاظم طباطبایی یزدی"، از جنس "حکم کردن میان مردم به هنگام درگیری و اختلاف و برطرف کردن دشمنی پایان بخشیدن موضوع میان آن‌ها" است و شقی که در آن، به بیان مرحوم نراقی دوم "عقوبت دنیوی شرعی" است. طرفه این که، در میان غالب فقهای امامیه، قضا به دعوا و خصومت میان مردم و به یک اعتبار دعای حق الناسی منصرف است. در واقع، به نظر، در لسان فقهاء اجرای حدود و تعزیرات و قضاوت در این موارد، نه به عنوان مصداق خاص قضا بلکه در واقع به عنوان شیعه‌ای از ولایت و حکومت دانسته شده است و امر قضا در معنای اصطلاحی خود، منصرف به دسته نخست است که با تسامح، می‌توان آن را دعوی مدنی دانست و صورت دوم را دعوی کیفری در این معنا رسیدگی کیفری دست کم و در قدر مقنن، تا آن جا که منصرف از حقوق الناس از قبیل قصاص باشد، ناظر به اجرای حدود و پاسداشت حریم اوامر و نواهی شارع مقدس است (همان).

## ۲-۵-۴ ماهیت خاص قضاء

اگر پذیرفته شود که دو نوع دعوی متفاوت، در قضای اسلامی وجود دارد، که از سویی ماهیتی متفاوت دارند و از سوی دیگر، غایت متفاوتی را تعقیب می‌کنند، بدین ترتیب، چندان دور از ذهن نخواهد بود که منتظر بود ادله اثبات واحد در هر یک از دو نوع دعوا و البته، در هر یک از دو نوع قضاء نقش متفاوتی را بر عهده گیرند. مشهور این است که در دعوی مدنی، سیستم ادله اثبات قانونی حاکم است و ادله دعوا موضوعیت دارند؛ بنابراین، میزان دلالت دلیل را مقنن معین می‌کند و کار قاضی نه کشف مدلول واقعی دلیل، بلکه احراز تحقق شرایط دلالت و دلالت است. در مقابل، در دعوی کیفری دلیل، طریقت دارد و ملاک، حصول اقتناع وجدان نزد قاضی است. بنابراین، دست قاضی در سنجش هر دلیل و میزان دلالت آن باز است و این تشخیص قضائی اوست که نقش اصلی را بازی می‌کند. البته تشخیصی که ناگزیر پایان متعارف و مستند به شیوه‌های معقول و نوعاً مقبول و یقین آور باشد (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۵۰).

## ۲-۶-۱ ادله اثبات در دادگاه ها

قانونگذار بر مبنای فقه امامیه، برای اثبات موضوع مورد بحث (حقوقی یا کیفری) در دادگاه که مبنای صدور رأی قرار می‌گیرد، شرایطی را تعیین کرده است. از آنجا که قضات تحقیق، خود نیز حقوقدان می‌باشند، با اشراف به این قوانین، در حین تحقیقات در جهت یافتن اسناد محکمه پسند، حرکت می‌کنند. واقع نظارت قضایی در مسیر تحقیقات، زمینه‌ساز صدور حکم و مستند در دادگاه‌ها می‌باشد. دعاوی حقوقی و جرایم کیفری معمولاً از حیث تحقیقات تفاوت‌های با یکدیگر دارند. با توجه به مطالبی که پیش‌تر در مورد تحقیقات، در هر دو مورد گفته شد، در اینجا ادله اثبات در دادگاه‌ها که در حین تحقیقات نیز مورد توجه بوده و در حین تحقیق نیز قابل توجه است. بحث گردید. با توجه به اهمیت مسئله علم قاضی در جریان صدور رأی، که با هدف پژوهش کنونی نیز تناسب فراوان دارد، این مقوله به صورت مفصل‌تر از دیگر عوامل بحث شده است.

## ۲-۶-۱ ادله اثبات در دعاوی حقوقی

دعاوی حقوقی دعاوی هستند که در دادگاه عمومی مطرح می‌شوند و بیشتر مربوط به مسائل خسارت و جبران آن است. در واقع در دعاوی حقوقی، به جرایم و مجازات‌ها رسیدگی نمی‌شود. در قانون برای اثبات ادعایی که در دادگاه حقوقی مطرح می‌شود، پنج شیوه در نظر گرفته شده است: (سایت رأی مثبت).

### ۲-۶-۱-۱ اقرار

اقرار در پرونده‌های حقوقی به این معناست که شخص اقرار کننده موضوعی را که به ضرر خودش و به نفع دیگری است را بیان کند. در صورت اقرار شخص به زیان خودش، طرف مقابل دیگر نیازی به ارائه دلیل و مدرک ندارد (صالحی، ۱۳۹۷: ۴۴).

با توجه به وسعت موضوع، در بخش ادله اثبات جرایم کیفری، به طور مفصل‌تر در این باره بحث شده است.

### ۲-۶-۱-۲ سند

مهمترین دلیل برای اثبات ادعا در دعاوی حقوقی است. سند در ادله اثبات دعوی، هر نوشته‌ای است که قابل استناد باشد و دادگاه آن را به عنوان دلیلی برای اثبات ادعا بپذیرد (همان).

با توجه به وسعت موضوع، در بخش ادله اثبات جرایم کیفری، به طور مفصل‌تر در این باره بحث شده است.

### ۲-۶-۱-۳ شهادت

اگر به دو روش اقرار و ارائه سند، نتوان ادعا را ثابت کرد، می‌توان از شاهدان خواست تا شهادت بدهند. شهادت در امور حقوقی به این معنی است که از کسی که به صورت تصادفی یا غیر تصادفی، درباره موضوع دعوا چیزی شنیده یا دیده است، خواسته شود تا آنچه می‌داند را در دادگاه بیان کند (سلیمی، ۱۳۹۵: ۳۳).

با توجه به وسعت موضوع، در بخش ادله اثبات جرایم کیفری، به طور مفصل‌تر در این باره بحث شده است.

## ۲-۶-۱-۴ بازدید محل و تحقیقات محلی

در صورتی که یکی از دو طرف دعوا، به اطلاعات اهل محل استناد کند، حتی اگر نامی از اهالی محل که اطلاعات مورد نظر را دارند نبرد، دادگاه دستور تحقیق محلی صادر می کند تا بازید از محل و تحقیقات محلی صورت بگیرد (همان).

## ۲-۶-۱-۵ رجوع به کارشناس

در مواردی، هر دو طرف یا یکی از آنها می توانند از دادگاه بخواهند تا موضوع از طریق کارشناسی پیگیری شود. البته در مواردی که لازم باشد بدون درخواست طرفین، خود قاضی می تواند قرار ارجاع به کارشناس را صادر کند (همان).

## ۲-۶-۱-۶ قسم

قسم یا سوگند کم کاربرد ترین دلیل برای اثبات دعوی است و بیشتر به منظور پایان دادن به اختلاف از آن استفاده می شود. در واقع هر زمان که مدعی دلایل کافی برای اثبات ادعای خود نداشته باشد و طرف مقابل هم ادعای مدعی را رد کند، مدعی می تواند از طرف مقابل بخواهد که سوگند بخورد که حقیقت را می گوید (شاکر، ۱۳۹۷: ۴۴).

## ۲-۶-۲ ادله اثبات جرائم کیفری

در مورد مفهوم جرم کیفری، پیشتر توضیح داده شد. عموم پرونده‌های در دست بررسی نیروی انتظامی، کیفری می‌باشند. برخی از ادله اثبات جرم، با موارد تشریح شده در بخش دعاوی حقوقی مشترک بوده و لذا تفسیر کامل تر آن در این بخش عنوان گردیده است.

## ۲-۶-۲-۱ اقرار

اقرار در لغت به معنای ثابت کردن کسی را در کاری (دهخدا)، برپا داشتن (معین) و امری را پذیرفتن (عمید) آمده است. آدمی به ذائقه خود پرستی و خودخواهی میل دارد آنچه را به سود خود می‌داند جلب کند و هر چه را به زیان خود می‌داند دفع نماید. بنابراین هرکسی در برابر واقعیتی که به زیان اوست، با او انگیزه مواجه می‌شود. یکی راستگویی که یکی از غیر از طبیعی انسان است و براساس تعالیم دینی و اخلاقی او را به سوی بیان واقع سوق می‌دهد و دیگری خود پرستی که او را به پنهان داشتن واقع و می‌دارد. در چنین وضعی آرامش وجدان آدمی بهم می‌خورد. به همین جهت بسیار دیده شده که اشخاص پس از گذشت روزها و ماه‌ها و حتی سال‌ها مقاومت، سرانجام در برابر گزینه راستگویی تسلیم شده و با اقرار به جنایتی که مرتکب شده بود، خود را از شکنجه درونی رهانیده است. بزهکاران بسیاری بدون هیچ عامل خارجی با وجود علم به مجازات اعدام و یا حبس طولانی پس از مدتی درصدد اقرار بر آمده‌اند، اقرار دلیلی است محکم و جز در موارد استثنائی نمودار واقع امر است. بعلاوه هیچ کس بهتر از خود شخص به نهان افعال او آگاه نیست (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۶۰).

گواه هر قدر صادق، کنجکاو و تیز هوش باشد کمتر ممکن است مانند خود شخص بزهکار با آنچه انجام گرفته آگاه باشد و اقرار آن چیزی است که از جانب خود شخص بیان می‌شود. در اسلام اقرار در ردیف شهادت و

سوگند از ادله مهم است. در آیه های متعددی از قرآن کریم از اقرار سخن رفته است، مثل آیه ۱۳۴ سوره نسا یا آیه ۷۵ سوره آل عمران یا آیه ۱۷۱ سوره اعراف.

در احادیث نبوی هم به اقرار تاکید شده است پیامبر بزرگوار اسلام در دوران حکومت اسلامی بر اساس اقرار دو تن از مسلمانان به ارتکاب بزه به اجرای حد در مورد آنها فرمان دادند. در مورد حجیت اقرار به آیاتی از قرآن مجید و به نبوت و به اجتماع و عقل استناد شده است (خوانساری، ۱۳۹۴: ۸۰).

اقرار اعلام است. اعلامی که جنبه خبر دارد، خبر احتمال صدق و کذب آن می‌رود، مقرر باید از وقوع جرم خبر بدهد، اعلام کند، عبارات و کلماتی که معنی و مفهوم اقرار دارد بکار ببرد. با سکوت اقرار تحقق پیدا نمی‌کند اشاره اقرار نیست مگر کسی که نتواند صحبت کند. مثل لال که در اینصورت شخصی که اشاره او را می‌فهمد و مورد اعتماد او است باید اقرار او را منعکس کند و یا به صورت مکتوب باشد. شخص ممکن است با ارسال نامه و لایحه به مرجع قضائی اقرار کند و شرح وقوع جرم و اعمال مجرمانه خود را مرقوم دارد. اقرار ممکن است مطابق با واقع باشد یا کذب تشخیص صدق و کذب و میزان اثر دادن به آن با قاضی صادر کنند صادر کننده رای است (آخوندی، ۱۳۸۰: ۴۴).

اعلام و اخبار شخص باید در ارتباط با وقوع جرم باشد. جرم عمل خلاف قانونی است که برای آن مجازات معین شده است. اخبار و اعلام به ارتکاب عملی که جرم نیست، اقرار نمی‌باشد. عباراتی مثل من قرض گرفتم، معامله کردم، ساختمان ساختم، مسافرت رفتم، و... هیچکدام اقرار نیست. چرا که اعمال مورد بحث عنوان جرم ندارد. ولی وقتی می‌گویند برای انجام سرقت از بام بالا رفتم، در حالی که در اتوبوس نشسته بود. پول را از جیبش برداشتم، سیلی را به گوش برادرش نواختم، سم خریداری شده را در غذایش ریختم، و.. همه اخباری است از وقوع جرم.

وقتی می‌گوئیم از وقوع جرم خبر بدهد یعنی جرم در گذشته واقع شده. بنابراین اگر کسی وقوع جرم در آینده را به خود نسبت بدهد، تهدید است نه اقرار. عمل مجرمانه باید در گذشته قبل از اقرار واقع شده باشد. لازم نیست تمام آثار عمل مجرمانه ظاهر شده باشد. مثلاً مضروب در بیمارستان بستری است ضارب به ایراد ضرب اقرار می‌کند بعداً مضروب در نتیجه آن ضرب فوت می‌کند. اقرار صورت گرفته هر چند که قتل یعنی نتیجه ضرب بعداً پیدا شده است، طبعاً اقرار و هم در زمینه ایراد ضرب است. لازم نیست در اقرار کلمه جرم را بکار ببرد. همینکه انجام عمل را بپذیرد من با او بودم که دعوا شد و او به قتل رسید، در کنار من نشسته بودم که فلانی به او چاقو زد. من دیدم که سند را جعل می‌کنند. هیچکدام حاکی از اقرار نیست، هر چند که ملاحظاتی را راجع به موضوع جرم را ارائه می‌دهد در حالیکه وقتی انتساب عمل به خود گوینده باشد اقرار است (سلیمی، ۱۳۹۵: ۴۴).

در امور مدنی اقرار به امر مجمل صحیح است و دادگاه به تقاضای مقررله می‌تواند مقرر را وادار به توضیح نماید، و اقرار به هر لفظی که دلالت بر آن نماید واقع می‌شود حتی اشاره شخص لال که حاکی از اقرار باشد پذیرفته است. اما در امور کیفری اگر اقرار مجمل باشد مقرر را ملزم به توضیح و تفسیر نمی‌کنند و طبق قاعده معروف الحدود با شبهات از تعقیب او اگر دلیل دیگری نباشد صرف نظر می‌شود. چرا که در امور کیفری باید به اقرار اطمینان کرد. اقرار به کیفری با جان و حیثیت و شرافت افراد ارتباط پیدا می‌کند. در حالی که اقرار در مسائل مدنی عموماً مرتبط با اموال و دارائی‌های مادی افراد می‌باشد. فقها هم صراحت در اقرار کیفری باید بدون ابهام و اجمال و با صراحت کامل و بدون تلقین و در کمال آزادی بیان صورت پذیرد (حسینی نژاد، ۱۳۷۹: ۴۸).

برخلاف غیر قابل تقسیم بودن اقرار در امور مدنی، اقرار در امور کیفری قابل تجزیه است. زیرا قاضی در امور کیفری در اجرای احترام به اصل اعتقاد باطنی خود هر قسمت از اقرار که بتواند او را متقاعد به قبول اقرار نماید

مورد توجه قرار می‌دهد. قاضی کیفری به اختیار خود می‌داند در مقام سنجش اقرار قسمتی از آن را معتبر دانسته و بقیه را مردود اعلام کند. چنانچه متهم اقرار به ارتکاب جنایت نماید ولی در مقام دفاع به دفاع مشروع یا جنون متوسل شود، در چنین وضعیتی قاضی کیفری می‌تواند دفاع مشروع یا جنون را نپذیرد و تنها اقرار قبول کند. در مورد تعداد اقرار نیز هر گاه مجموع اظهارات متهم به نحوی باشد که نتوان نام واقعی اقرار بر آن نهاد تمسک اقرار کننده به اصل تجزیه ناپذیری اقرار مدنی می‌تواند در امور مدنی و به طریق اولی در امور کیفری غیر قابل قبول باشد (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۵).

اقرار در فقه جزائی در سبوت جرایم از کامل ترین و معتبرترین دلایل شناخته شده است و قاضی در صورت تحقیق، اقرار بی نیاز از توجه به دلائل دیگر بوده و ناگزیر از صدور حکم است. اقرار در فقه جزائی بر خلاف اقرار در حقوق موضوعه موضوعیت دارد و در صورتیکه اقرار در شرایط لازم شرعی به عمل آید، به تنهایی موجب ثبوت تقصیر است. / اینکه شخص با چه انگیزه‌های اقرار می‌کند، مؤثر در اقرار نیست. ممکن است ندای وجدان کسی را وادار به اقرار کند، ممکن است برخورداری از تخفیف قانونی او را وادار سازد (شکری و قادر، ۱۳۸۲: ۴۵).

اقرار بستگی به زمان خاصی ندارد فقط لازم است بعد از وقوع جرم باشد ممکن است شخص با اقرار باعث کشف و تعقیب جرم واقع شده گردد، ممکن است بعد از کشف جرم و تعقیب تعدادی افراد بیگناه باشد و برای نجات آنها حاضر به اقرار شود. ممکن است در زمانی که حکم علیه افراد دیگری که دخالت و شرکتی نداشته‌اند صادر شده درصد اقرار برآید و باعث نجات آنها در مرحله تجدید نظر شود. ممکن است در حالیکه حکم مجازات علیه دیگری در حال اجرا است اعتراف کند و موجبات اعاده دادرسی را فراهم سازد (همان).

در امور مدنی انکار بعد از اقرار مسموع نیست. کسی که اقرار کرد صد هزار تومان به زید مدیون است، نمی‌تواند انکار کند و مثلاً بگوید صد هزار تومان بدهکارم ولی حرفم را پس می‌گیرم و بدهکار نیستم و انکار دارم. این چنین انکاری قابل پذیرفتن نیست. اما اگر مدعی باشد که ارکان اقرار دست نبوده و آن را ثابت کند آن اقرار باطل و بلا اثر است. اقرار کننده باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد. بنابراین اگر ثابت کرد با تهدید و اجبار از او اقرار گرفته‌اند یا اگر ثابت کرد در اقرار قاصد نبوده در حال مستی یا خواب یا بیهوشی اقرار صورت گرفته چنان اقراری اعتبار ندارد. در امور حقوقی اگر خواننده دعوی به دروغ اقرار کند و قاضی علم به دروغ بودن اقرار داشته باشد نمی‌تواند به آن اقرار ترتیب اثر ندهد. در امور حقوقی اقرار همه دلایل را از اثر می‌اندازد. خواننده دعوی که هم شهود در پرداخت دین دارد و هم رسید پرداخت دارد و ضمیمه پرونده ساخته در آستانه ختم دادرسی به نفع خواهان اقرار به دین می‌کند تکلیف دارد برخلاف همه دلایلی که به نفع خواند منعکس شده به استناد اقرار که قاطع دعوی است او را محکوم کند هر چند که اقرار او خلاف واقع، خلاف استناد و سایر قرائن و امارات باشد. در امور کیفری، اقرار در عین اینکه اهمیت زیادی دارد، اما رجوع از اقرار و انکار اقرار، مورد بحث بسیار قرار گرفته، فقها در این زمینه آرا مختلفی دارند. در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ هم در مواردی انکار بعد از اقرار یا رجوع از اقرار به نوعی مؤثر واقع شده است (شاهرودی، ۱۳۸۰: ۸۸).

دادرسی دادگاه در جریان رسیدگی ممکن است با اقراری در ارتکاب جرم مواجه شود، که متهم اقرار کننده تائب باشد. مسئله توبه در حد پشیمانی در آئین دادرسی سابق از موجبات تخفیف در مجازات و در توان قاضی بود. در حقوق کیفری اسلام، توبه بعد از اقرار، منشا آثاری است، که از جمله به حاکم اختیار می‌دهد، حد را جاری نماید، یا مجرم را عفو کند. این وضع اختصاص به اقرار دارد و به سایر ادله سرایت نمی‌کند. فقها دلیل مسئله را اجماع دانسته‌اند، ظاهراً مدرک اجماع روایاتی است، که مورد عمل واقع شده است. روایت در مورد سرقه است که به این ترتیب است: مردی به حضور علی (ع) رسید و اقرار به سرقه نمود امام فرمود: (آیا چیزی از قرآن

می توان قرائت کنی؟) عرض کرد: بلی سوره بقره را. امام فرمودند: ( دستت را به سوره بقره بخشیدم). اشعت عرض کرد آیا حدی از حدود الهی را تعطیل می کنید؟ امام فرمود: ( وقتی که بینه بر حدی اقامه شد، امام اختیار بخشش را ندارد، ولی اگر با اقرار به ثبوت رسید، اما مخیر است، بخواهد می بخشد، نخواهد قطع می کند) (حلی، ۱۳۸۹: ۴۳).

و اینکه آیا همه حدود ثابت شده به اقرار را در بر می گیرد، یا نه مورد بحث است. قانون مجازات در مواردی بیان نموده است. مثل ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی: "هر کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی می تواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد بر او جاری نماید". ماده ۸۱ همین قانون بیان می دارد که "هر گاه زن یا مرد زائی قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود" ماده ۱۲۵ نیز بیان می دارد که "کسی که مرتکب تفخیز و نظائر آن شده باشد، اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می شود و اگر بعد از شهادت توبه کند حد از او ساقط نمی شود" بموجب ماده ۱۲۶ همین قانون نیز "اگر لواط و تفخیز و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند قاضی می تواند از ولی امر تقاضا عفو نماید" و مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ در مورد مساحقه. توبه بعد از اقرار وقتی امکان عفو را به وجود می آورد که شرایط ذیل را دارا باشد:

جرم با اقرار متهم ثابت شده باشد و نه با ادله دیگری که برای اثبات جرم وجود دارد. مثل، بینه، زیرا توبه واقعی را بعد از اقرار که مجرم مهیای مجازات شده بهتر می تواند درک کرد و در این مورد است که حاکم می تواند تشخیص بدهد واقعا توبه کرده و او را عضو کند.

- ۱- متهم بعد از اقرار توبه نماید. بعد از اقرار است که مجرمیت وی احراز می گردد و می شود او را عفو کرد والا اگر وقوع جرم از ناحیه او محل شک باشد موردی برای عفو نیست.
- ۲- مجازات جرمی که با اقرار ثابت شده است حدی از حدود الهی است و بنابراین موضوع جرم باید حق الله باشد بنابراین در حق الناس مثل حدقذف قاضی چنین اختیاری ندارد.
- ۳- قاضی مختار است یعنی حق استفاده از عفو، برای مجرم مسلم و محرز نیست بستگی به نظر ولی امر دارد، که با جمیع جهات بسنجد که عضو در خصوص مورد مناسب است یا اجرای مجازات.

#### ۲-۶-۲-۲ اسناد

در دعاوی مدنی، سند کاربرد فراوان دارد. در پرونده های حقوقی، غالبا اثبات حق و یا دفاع در مقابل ادعا، با ابراز سند تحقق می یابد. سند عبارت است (هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابلیت استناد داشته باشد) از تعریف فوق برای سند محرز است، یکی نوشتن بودن سند و دیگری قابلیت استناد و سند نوشته انواع بسیار دارد. خط و علاماتی که چند نفر در روابط خود معمول کرده اند و بر صفحه ای قرار داده اند، نوشته است. خطوط رمزی که متضمن معنی و مفهومی باشد، عنوان نوشته و سند را دارد. اوراقی که متعاملین هنگام وقوع معامله تنظیم و امضا می کنند، با هر سبک و عبارتی و بر روی هر وسیله ای اعم از کاغذ، پارچه، چوب، سنگ، آجر، فلز، و غیره آن نوشته است تفاوت نمی کند. خطوط سند با ماشین تحریر باشد، یا بر صفحه فلزی حک گرد و یا بادست روی کاغذ نوشته شده باشد. معمولی ترین نوشته آن است که روی کاغذ خطوطی قابل خواندن نوشته شود. معمولا فرم و شکل و اندازه سند مطرح نیست. نوشته وقتی سند است که قابل استناد باشد. استفاده از سند سابقه طولانی دارد قبل از اسلام از سند استفاده می شده با حاکمیت اسلام هم سند مورد استفاده دارد و در قرآن هم آمده که وقتی قرض داده می شود نوشته ای تنظیم گردد (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۲۰۵).

در امور کیفری باید دید سند چه وضعی دارد. آیا از دلایل اثبات محسوب می‌شود. آیا ممکن است جرائمی را با ارائه اسنادی ثابت نمود. نوشته گاهی به عنوان استشهاد است. یعنی چند نفر شهادت کتبی خود را می‌دهند. سند گاهی موضوع ارتکاب جرم است. اسنادی که مورد ادعای جعل قرار می‌گیرند و یا اتهام استفاده از سند مجهول به کسی وارد می‌گردد. یا گزارش خلاف واقع داده می‌شود با چک بلامحل صادر می‌شود همه این موارد سند به عنوان وسیله ای در ارتکاب جرم به کار می‌رود. یعنی خود سند موضوع ارتکاب جرم جعل، گزارش خلاف واقع استفاده از سند مجعول است در عین حال همان سند مجعول همان گزارش خلاف واقع دلیل بر وقوع جرم جعل و استفاده از سند مجعول بکار می‌رود (سهرابی، ۱۳۸۸: ۴۲).

در اثبات جعل گاهی از اساس تطبیق استفاده می‌شود. اساس تطبیق سندی است که صحت و اصالت آن مورد تردید نیست و با خط و ادعای سند مورد ادعای جعل مورد مقایسه و تطبیق قرار می‌گیرد، و از این طریق جعل بودن یا عدم آن استفاده می‌شود، یا جرم چک بلامحل وقتی اثبات می‌گردد که دارنده چک به بانک مراجعه کند و صادر کننده به میزان وجه چک موجودی نداشته باشد. در این صورت دارنده چک باید از بانک گواهی عدم پرداخت بگیرد، یعنی سندی که در اثبات جرم چک بلامحل به عنوان یک دلیل بکار می‌رود. ممکن است در دعاوی حقوقی، سندی مورد ادعای جعل قرار گیرد و همان دادگاه جعلیت سند احراز شود، بعد به اتکای حکم دادگاه اشخاص به عنوان متهم به جعل مورد تعقیب قرار گیرد و در همان دادگاه جعلیت سند احراز شود، بعد به اتکای حکم دادگاه اشخاص به عنوان متهم به جعل قرار گیرند. در این جا حکم دادگاه به صورت یک سند اثباتی، برای اتهام جعل در رسیدگی کیفری مورد استفاده قرار گرفته است. اساسا در یک معنی کلی، همه قوانین و احکام و قرار دادها که مبنای استدلال در دعاوی کیفری قرار می‌گیرند، سند محسوب می‌گردند. در جرایم کلاهبرداری، اختلاس، برداشتهای غیر قانونی از بیت المال، اثبات جرم متکی به سند، دفاتر و محاسبات است. اشخاص به صور مختلف درصدد فروش املاک و اراضی دیگران بر می‌آیند و خود را مالک معرفی می‌کنند. براساس اسناد مالکیت و دفاتر املاک موجود در سازمان ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی مجرمین به انتقال املاک مورد تعقیب قرار می‌گیرند. سوابق و اسناد دفاتر اداره گذرنامه و سازمان ثبت احوال باعث کشف بسیاری از جرایم مربوط به عبور و مرور غیر مجاز از مرز می‌گردند (مدنی، ۱۳۸۰: ۶۷).

در واقع آنچه در مراکز تحقیق قضائی و دادگاه‌ها می‌گذرد و رسیدگی‌ها و دلایلی که جمع آوری می‌شود به صورت سند در می‌آید و مقدمات احراز وقوع جرم یا برائت را فراهم می‌سازند. نظریات کارشناس، گواهی‌های پزشکی قانونی، اسناد موجود در سازمان های اداری، احکام صادره قضائی، دفاتر بازرگانی، همه فرامین و دستورات قدرت حاکم در شکل سند قابل استفاده و ارائه هست. همه این ها می‌تواند در جهت اثبات جرم هم به کار گرفته شود.

از جمله دلایلی که مخصوصا در ارتباط با اسناد موضوع جعل بکار گرفته می‌شود استکتاب است. جعل در ساختن اسناد برای بردن اموال دیگران، متاسفانه از جرایمی است که آمار زیادی را به خود اختصاص داده و در پاره‌ای یا موارد مراجع قضائی از آزمایشگاه تحقیقات جنایی برای کشف حقیقت استفاده می‌کنند. جعل به صور گوناگون صورت می‌گیرد، مثل ساختن کلید، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن در سند، پاک کردن تمام یا بخشی از نوشته، با استفاده از مواد شیمیایی و نوشتن مطالب تازه به جای نوشته های اصلی تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ واقعی آن، الحاق یا محو یا سیاه کردن سند. الصاق متقلبانه نوشته‌ای به نوشته دیگر، بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن. کلید اسنادی که افراد در روابط خود به آن استناد می‌کنند و یا بر اساس آن معاملات را انجام می‌دهند. ممکن است مورد جعل قرار گیرند. مثل اسکناس دفترچه پس انداز، گذرنامه، چک، سفته، شناسنامه، گواهینامه رانندگی، مدارک تحصیل، اسناد مالکیت کارت شناسائی، اسناد

قضائی، نامه های اداری، هر نوع سند رسمی و غیر رسمی در بسیاری موارد فوق به سرقت می‌روند و سارقین شخصا یا با کمک افراد دیگری زمینه جعل را فراهم می‌آورند. نام شخص را، سوابق فرد را، مبلغ سند را تغییر می‌دهند و به نحوی که مایل هستند آن را بکار می‌برند. قاضی جزائی از متخصصین کشف جعل و از آزمایشگاه با استفاده از انواع روش های علمی و فنی استفاده می‌کنند. در مراکز تحقیق به مطالعه انواع طرق استفاده تبهکاران، از اسناد می‌پردازند و به راههای جلوگیری از آن می‌اندیشند (سلیمی، ۱۳۹۵: ۴۸).

در جعل اسناد، برای شناسائی جاعل غالبا نیاز به اساس تطبیق و یا استکتاب است. اساس تطبیق سند محرز و مسلم الصدور است که با سند مورد ادعای جعل مقایسه می‌گردد. چنانچه سندی به عنوان اساس تطبیق در دسترس نباشد، از استکتاب استفاده می‌شود. کارشناس از متهم می‌خواهد که خطوطی را در حالات مختلف بنویسد تا اساس تطبیق قرار گیرد. ممکن است متهم منکر داشتن خط باشد. در این صورت سعی می‌شود از اسنادی که به خط اوست بیابند. تنها با استکتاب و اساس تطبیق نتیجه ای حاصل نمی‌گردد. خط و امضاء موضوع جعل با طریق علمی و از جمله کارشناس با اساس تطبیق باید مورد نظر و مقایسه قرار گیرند. اگر نوشته یا امضائی را به شخصی نسبت دهند، ولی وی منکر تحریر آن شود، کارشناس باید بررسی نماید آیا عادت‌های فردی تحریر این شخص در نوشته‌ای امضای مورد نظر وجود دارد یا خیر. برای دستیابی به عادت‌های فردی تحریر اشخاص، از دو گونه منابع استفاده می‌شود که عبارتند از: خطوط و امضاهای استکتابی و خطوط و امضاهای متعارفی و مسلم الصدور (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۵).

خطوط و امضاهای استکتابی خطوط و امضاهائی‌اند که کارشناس یا قاضی از شخص مورد نظر می‌خواهد تا آنها را تحت شرایطی که تعیین می‌گردد، تحریر نماید. طبعاً این قبیل خطوط و امضاها حاوی عادت‌های فردی تحریر نویسندگان آنها خواهد بود (همان).

خطوط و امضاهای متعارفی و مسلم الصدور خطوط و امضاهائی‌اند که معمولاً هر شخص در زندگی روزمره از خود به جای می‌گذارد. همانند نامه‌های دوستانه، گزارشات اداری، چک سفته های صادره و امثال آن که شخص قبلاً آنها را به دست خود نوشته یا امضا کرده و موجود است. بدیهی است اشخاص هنگام تحریر یا امضای این قبیل اسناد بدون هر گونه قید یا مانعی آزادانه عادت‌های فردی تحریر خود را در آنها بروز می‌دهند به کمک خطوط و امضاهای متعارفی می‌توان دریافت که شخص مورد نظر هنگام استکتاب عمداً تغییراتی در خط یا امضاهای خود داده است یا خیر.

## ۲-۶-۳-۳ شهادت

برای شهادت تعاریف متعدد شده از جمله (انتقال امری از ناحیه فردی که آن را دیده و شنیده به فرد دیگری که آن را ندیده و نشنیده است). این تعریف بسیار کلی است، و اختصاص به شهادت نزد قاضی ندارد، این تعریف در واقع مترادف با اعلام خبر صدق است. تعریف دیگر گواهی عبارت است (از این که شخص به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر نماید) (ساریخانی و حیدری، ۱۳۹۲: ۹۰).

این تعریف هم با اینکه شهادت در دعوی حقوقی و هم در دعوی کیفری را در بر می‌گیرد، خیلی دقیق نیست. تعریف را می‌توان با توجه به شرایطی که قانون پیش بینی کرده کامل‌تر کرد و به این صورت درآورد "شهادت عبارت است انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی واجد شرایط که آن را دیده و شنیده به قاضی محکمه علیه یکی از اصحاب دعوی و له دیگر با ادای سوگند و التزام به راستگویی" با این تعریف هر خبری نمی‌تواند شهادت باشد، هر مطلبی را نمی‌توان شهادت نامید. بنا به تعریفی که بعضی از مولفین حقوق جزا از شهادت در امر



کیفری نموده‌اند، شهادت عبارتست از " اعلام حقیقت وجودی امری که شاهد علم شخص نسبت به آن دارد. ام از اینکه امر مزبور را به چشم خود دیده یا اینکه آن را شنیده باشد (خزائی، ۱۳۹۷: ۸۵). بیان شخص وقتی شهادت است که گوینده تمامی شرایط شاهد را داشته باشد و واقعه را دیده یا شنیده باشد، ملتزم شود که تمام حقیقت را بیان کند و بر این امر سوگند یاد کند، اظهاراتش متضمن نفعی برای یکی و زیانی برای دیگری باشد. در امر جزائی ارتکاب و انتساب آن به شخص مجرم غالباً به وسیله شهادت شهود اثبات می‌گردد، لذا شهادت در بین ادله کیفری مهمترین دلیل محسوب می‌شود (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۴۴).

بموجب ماده ۱۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری " در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می‌نماید لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد:

۱- بلوغ

۲- عقل

۳- ایمان

۴- طهارت مولی

۵- عدالت

۶- عدم انتقال شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی

۷- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوی

۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی"

شاهد باید بالغ باشد، منظور این است که به سنی رسیده باشد که بتواند اهمیت شهادت را بفهمد. بموجب تبصره یک ماده ۱۲۱ " سن بلوغ در پسر پانزدهم سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است". با این ترتیب دختری که ۹ سال قمری داشته باشد، برای شهادت او از جهت سن مانعی نیست. با وجودی که ۹ سال تمام برای دختران شناخته شده. ماده ۱۳۱۴ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۶ می‌گوید: "شهادت اطفالی را که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند و فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود، مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل افراد را معتبر شناخته باشد". اگر این ماده در ارتباط با اطفال پسر بود با تبصره یک ماده ۱۲۱ فوق‌الذکر تطبیق می‌کرد. ولی در دختران کمتر از ۱۵ سال تمام چگونه باید آن را منطبق دانست، زیرا شهادت دختران کمتر از ۱۵ سال و تا ۹ سال تمام طبق تبصره یک ماده ۱۲۱ درست است و دیگر نوبت به آن نمی‌رسد که به عنوان (مزید اطلاع شهادت آنان استماع شود) در این جا می‌توان گفت در مورد دختران بعد از ۹ سال تمام بدلیل سن بلوغ شهادت آنان معتبر است و با قسمت اخیر ماده ۱۳۱۶ هم مغایرت ندارد.

شاهد باید عاقل باشد در قوانین ایران برای عقل و مقابل آن جنون تعریفی نشده اما طبق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی "هیچکس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود، مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد" با این ترتیب اصل بر این است که پسر در سن ۱۵ سال تمام و دختر در سن ۹ سال تمام که بالغ می‌شود، عاقل هم هست مگر اینکه جنون او در دادگاه ثابت شود. یعنی در حقوق ایران عاقل بودن افراد در سن مقرر بلوغ اصل و نیاز به اثبات ندارد. لیکن جنون استثنا و محتاج اثبات در مراجع قانونی است. مع الوصف قانون مدنی جنون را به دو نوع تقسیم نموده، جنون دائمی وقتی که دیوانگی پیوسته و پایدار باشد و جنون ادواری که گاهی شخص را دچار می‌سازد و در غیر آن زمان در حال افاقه است. مجنون دائمی برای همیشه و مجنون ادواری در حین جنون صلاحیت ادای شهادت را ندارند. شهادی که برای شهادت معرفی می‌گردد به عنوان اینکه عاقل است پذیرفته می‌شود، مگر اینکه حرکاتی از او سر بزند که حاکی از جنون او باشد، با طرف دعوی کیفری به عنوان اینکه شخص شاهد در زمان شهادت جنون داشته و یا بطور

دائم مجنون است او را جرح کند که در این صورت دادگاه باید به موضوع جنون رسیدگی کند (سلیمی، ۱۳۹۵: ۶۰).

شاهد باید با ایمان باشد. ایمان یعنی اسلام و این شرط بر مسلمانان بودن شاهد تاکید دارد. یعنی در دادگاه کیفری اسلامی و نزد قاضی مسلمان تنها گواهی معتبر است که مسلمان باشد. در قوانین قبل از انقلاب اسلامی چنین شرطی برای شاهد منظور نشده بود و گفته می‌شد شهادت اثر قطعی ندارد و تشخیص میزان ارزش و تاثیر گواهی به نظر دادگاه است در حالیکه در حقوق امامیه ایمان شریط شاهد است چرا که بینة با وصفی که مقرر شده با شرایطی که برای پیش بینی شده باید پذیرفته شود (نراقی، ۱۴۱۸: ۴۸).

طهارت مولد از جمله شرایطی است که برای قاضی هم لازم دیده شده است منظور آن است که شاهد از رابطه نامشروع بوجود نیامده باشد یعنی ولد الزنا نباشد. البته در جامه اسلامی که وضع خانواده مستحکم است و ازدواجها با محاسبه دقیق و با شناسایی صورت می‌گیرد و قبلا بین افراد روابط آزادی وجود ندارد اصل بر طهارت مولد همه افراد است با وجود این موارد استثنا هم وجود دارد و ممکن است با وجود این شرط اشخاص به شاهد اعتراض کنند و دلایلی بر عدم طهارت مولد وی داشته باشند که از موارد جرح شاهد است (همان).

شاهد باید عادل باشد عدالت یک صفت نفسانی است که باید با ترتیب درست به صورت ملکه ذهن آدمی در آید تا بتواند بر امیال و غرایز نفسانی غلبه کند و مرتکب گناهان کبیره نشود. عدالت با ارتکاب گناه کبیره زایل می‌گردد. اما اینکه دادگاه چگونه می‌تواند اطمینان حاصل کند که شاهد معرفی شده شرط عدالت را دارد و به شهادت او ترتیب اثر بدهد. اصل بر این نیست که هر کس به عنوان شاهد معرفی گردید عادل است شرط عدالت باید برای دادرسی اثبات گردد و تبصره یک ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی تصریح کرده که عدالت شاهد باید با یکی از طریق شرعی برای دادگاه احراز شود از جمله طرق شرعی برای احراز عدالت مصاحبت و مجالست قبلی دادرسی با شهادت هر گاه به نحوی ارتباط و تماس و مجالست مصاحبت وجود داشته باشد دادرسی شناسایی کلی از گواه دارد و می‌تواند تشخیص بدهد، گواه دارای صفت عدالت هست یا نه مثلا وقتی کسی که شهادت می‌دهد مدتها در همسایگی دادرسی زندگی می‌کند این تشخیص مشکل نیست. اگر این سابقه مصاحبت با تشخیص دادرسی نباشد ولی گواهانی باشند که بر عدالت او گواهی بدهند از این طریق عدالت محرز می‌گردد. تعداد گواهان نباید کمتر از دو نفر باشند. در سوابق فقهی با استفاضه یا شیعار در تشخیص عدالت استناد شده است. یعنی اگر مردم جامعه گواه را شخص معتبر و عادل بشناسند و با این نظر به او بنگرند و یا اگر وضع ظاهر او چنان باشد که همه به او احترام بگذارند و گمان آن را نداشته باشند که در عمل او گناه و جرم وجود دارد می‌شود عدالت را احراز کرد. قاضی با تماس روزانه‌ای که با افراد مختلف دارد، از رفتار و سخن و حرکات و برخورد افراد می‌تواند بیش از هر کس دیگری درستی و نادرستی و عدم گواه را تشخیص بدهد. عدالت شرط مهمی است در شاهد در سایه همین شرط ممکن است. استفاده از شهادت محدودیت زیادی پیدا کند و بسیاری از شهادت‌ها مردود اعلام گردد. طبق تبصره ۳ ماده ۱۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری کسی که سابقه فسق یا اشتها به فساد دارد، چنانچه به منظور ادای شهادت توبه کند تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی شهادتش پذیرفته نمی‌شود. با این ترتیب راه فریب و خدعه هم در پذیرفتن شاهد فاسق بسته شده با توجه نمی‌تواند وضع خود را به خاطر عوض نماید باید وضع عملی او عوض شود و صلاحیت او احراز شود.

شاهد نباید در قضیه ذی نفع تبصره دو ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی می‌گوید: "شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عینی یا منفعت یا حق در دعوی را داشته باشد پذیرفته نیست". معمولا کسی که در موردی ذی نفع است نمی‌تواند حقیقت را آن چنان که هست بیان کند. خواسته یا ناخواسته در جهت نفع خود سخن می‌گوید

کسی که ذی نفع است کلمات و عبارات و سنجش نمی تواند خالی از غرض باشد و لذا با این شرط تعیین تکلیف شده است شهادت وکیل طرفین، زوج یا زوجه، پدر و مادر، فرزندان طرفین و دیگر افرادی که ذی نفع محسوب شوند.

قبلا به جای وجود روابط دشمنی دنیوی عدم پرونده کیفری و یا حقوقی با یکی از طرفین قید شده بود. یعنی شاهد نمی بایست پرونده کیفری از درجه جنائی ده سال و جنحه پنج سال و دعوی حقوقی در حال حاضر با یکی از طرفین داشته باشد و هنگام سوال از هویت شاهد استعلام می شد که آیا پرونده کیفری قبلا داشته یا نداشته در این جا دشمن دنیوی مطرح شده برای اینکه اشخاص ممکن است کارشان به تشکیل پرونده کیفری یا حقوقی نرسیده ولی نسبت به مسائل مالی یا خانوادگی و ضررهایی که تصور می کنند به آنها وارد شده یکدیگر را دشمن دارند و او دشمن از موانع شهادت است. زیرا بیم آن می رود این دشمن دنیوی باعث می شود که علیه آن شخص شهادت خلاف واقع بدهد. در تبصره یک ذیل ماده ۱۵۵ آمده "در مورد عدالت دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد پذیرفته می شود" یعنی قاضی باید توجه کند اگر شاهد با طرف دعوی کیفری (متهم یا شاکی) دشمنی دارد شهادتش چه وضعی است اگر به سود دشمن است می پذیرد. اینکه ولگرد است و جا و مکان خاصی ندارد محل زندگی و اعاشه او معلوم نیست نمی تواند شهادت دهد، علت روشن است، متکدی همواره انتظار کمک و مساعدت دیگران را دارد و متقاضی دریافت وجه است و اطمینان به گفته اش نمی توان داشت و چه بسا با دریافت مبلغی پول شهادت دروغ بدهد و تحت تاثیر قرار بگیرد.

#### ۲-۶-۴ امارات

امارات جمع اماره به معنی علامات است. ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی در مقام تعریف می گویند: "اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود" با این تعریف اماره امر معلومی است که وسیله آن امر مجهولی که مورد ادعا است ثابت می شود. اموری که بوسیله امارت ثابت می گردد، معتبر است و امارات کاشف از واقع هستند، اگر علم قاضی به علم تام و علم ناقص تقسیم شود، اماره را می توان موجد علم ناقص شناخت و این بسیار مهم است. استفاده از اصول عملیه، هیچ وقت علمی را به وجود نمی آورد، در مقام مقایسه امارات با اصول عقلیه، امارات از اعتبار زیادی برخوردارند، اصول عملیه و عقلیه کاشف از واقع نیستند، یعنی متکفل اثبات دعوی یا ارتکاب جرم نمی باشد و تا زمانی کاربرد دارند، که دلایل و قرائنی وجود نداشته باشد. متهم تا وقتی از اصل برائت برخوردار است که دلیل با قرینه و اماره ای علیه او بدست نیاید (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۸). اماره بر دو نوع است اماره قانونی و اماره قضائی.

الف) اماره قانونی: اماره قانونی اوضاع و احوالی است که قانون آن را دلیل بر امری شناخته، کسی که در جریان دعوی اماره قانونی به نفع اوست، از ابراز دلیل دیگر معاف است. و اگر طرف مقابل منکر وجود اماره باشد، مدعی داشتن اماره باید وجود آن را اثبات کند و دادگاه باید اماره اثبات شده را مبنای حکم خود قرار دهد مگر اینکه دلیل خلاف امر موجود باشد، مثلا قانون کسی را که متصرف مالی است آن می شناسد اماره تصرف اماره ای است قانونی، هم در دعاوی حقوقی بکار گرفته می شود و هم در جرائم سارق که کیف دیگر را برده و در اختیار دارد و به استناد همین اماره تصرف، خود را مالک آن می شناسد پس این اماره به نفع اوست. در مقابل مالک واقعی، از اشیا متعلق به خود در کیف نام می برد در حالیکه سارق نمی توان آنها را نام برده و اساسا نمی داند در کیف چیست؟ و در این جا اماره قضائی شکل می گیرد و در مقابل اماره قانونی مؤثر واقع می شود (کریمی، ۱۳۸۸: ۸۸).

ب) اماره قضائی: اماره قضائی اوضاع و احوالی است که به نظر قاضی بدلیل بر امری و در این بحث دلیل بر وقوع جرم شناخته می‌شد، یعنی قاضی از آن اوضاع و احوال، نسبت به امر مجهولی قطع و تعیین پیدا می‌کند و اگر اوضاع و احوال چنین وضعی را برای قاضی بوجود نیاورد، عنوان اماره قضائی پیدا نمی‌کند، اماره قضائی در اثبات جرائم و انتساب به متهم کاربرد زیادی دارد. در واقع دلایل معنونی از طریق اماره به دلایل قانونی و پیوند می‌خورد. در امر کیفری همه چیز می‌تواند در شرایطی از نظر قاضی به شکل اماره قرینه در جهت اثبات ارتکاب جرم به کار گرفته است. وقتی شبانه حجره‌ای باز شده و اموالی ره سرقت رفته و دو نفر به اتهام سرقت تحت نظرند یکی از آن دو کلید ساز است. طبعا همین کلید ساز بودن اماره قضائی است علیه او که بیش از نفر دیگر در مظان اتهام قرار می‌گیرد (همان)

از جهات مختلف اماره قانونی و قضائی تفاوت دارند که چند مورد از آن بیان شده است: (ساریخانی و حیدری، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

۱- اماره قانونی به حکم قانون مشخص می‌شود و معتبر می‌گردد مثل اماره در مواد ۱۱۰، ۱۰۹، ۳۵، ۱۱۰ قانون مدنی در حالیکه اماره قضائی به نظر قاضی دلالت بر وقوع امری دارد.

۲- اماره قانونی محدود و در قوانین مختلفی معرفی شده در حالیکه اماره قضائی تا محدود هر وضعی و هر تغییر وضعی می‌تواند به عنوان اماره قضائی چیزی را اثبات کند.

۳- اماره قانونی شبیه به اصول عملیه است، کسی که اماره به نفع او جریان دارد از ارائه دلیل معاف است ولی همینکه اوضاع و احوال وضعی خلاف آن اصول عملیه یا اماره قانونی بوجود آوردند که به علم قاضی کمک کرد آن مبنای حکم قرار می‌گیرد.

۴- اماره قانونی مبتنی بر ظن نوعی است، که از اوضاع و احوال حاصل می‌گردد و قانون آن را به عنوان دلیل مصرفی می‌کند، و تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده قاضی باید طبق آن عمل کند، هر چه که نتواند موجب قطع برای دادرسی باشد، در حالیکه اماره قضائی از نظر کاشفیت وضع برتری دارد و برای قاضی اطمینان بخش تر است.

#### ۲-۶-۲-۵ قسامه

قسامه عبارتست از ادای سوگند ۵۰ نفر در قتل عمدی، و ۲۵ نفر در قتل شبه عمد و خطای محض از ساکنینی محلی که مجنی علیه یک قتل در آنجا یافت شده مبنی بر اینکه خود مرتکب، مرتکب جنایت نگردیده و اطلاعی هم از قاتل ندارند (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۹۰). فقها تعریف دیگری از قسامه ارائه داده‌اند به این مضمون که (قسامه عبارت از سوگندهای پنجگانه ای که اولیا و بستگان مقتول در موارد لوث برای اثبات ادعای خود علیه مظنون به قتل که ارتکاب قتل عمدی را انکار می‌کند در دادگاه ارائه می‌نمایند (ولیدی، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

تعریف دکتر حعفری لنگرودی از قسامه " ۵۰ قسامه است برای اثبات قتل عمد در قتل شبه عمد و خطائی ۲۵ سوگند است که مدعی (یا مدعی علیه در صورت امتناع از قسم و برای رفع تهمت) به تنهائی یا به شرکت ۴۹ نفر از خویشان مرد یا کمتر از ۴۹ نفر ادا خواهد شد" (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۴۴). یا اینکه قسامه عبارتست از "جماعتی که برای گرفتن چیزی سوگند بخورند و آن را بگیرند سوگندی که بین اولیای دم اجرا شود هنگامی که کسی را قاتل معرفی کنند و شاهد هم نداشته باشند و نیز به معنی آشتی و متارکه جنگ استعمال شده است" (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۵۵).

بین سوگند عادی و قسامه باید قائل به تفکیک شده در مقابل استناد به شهادت که در اصل با مدعی است، مدعی علیه که در مقام انکار قرار می‌گیرد ملزم به ادای سوگند می‌باشد. حال چنانچه مدعی علیه از ادای سوگند خودداری نماید، پرونده به زیان او منتهی و محکوم به بی‌حقی است، زیرا اغلب امتناع از ادای سوگند مساوی و معادل است با اقرار ضمنی در امور کیفری امتناع از ادای سوگند موجبی برای اعمال مجازات نیست و این تنها اقرار صحیح است که مجازات را ممکن می‌سازد. اقرار ضمنی نیز خود موجب بقای شک و تردیدی است که به نفع متهم بوده و به موجب قاعده (الحدود تدرء با شبهات) در چنین مواردی کیفرهای قانونی حدود منتفی می‌شود. بدین ترتیب امتناع از ادای سوگند مانع از صدور برائت نیست. در مقابل توسل به سوگند از طرف مدعی به عنوان دلیلی برای احراز ضرر و زیان مدنی ناشی از جرم قابل قبول نیست. ولی قاضی می‌تواند علی‌رغم خودداری متهم از ادای سوگند، استرداد اشیاء مسروقه مورد ادعا یا پرداخت دیه بوسیله قائل را مورد حکم قرار دهد. لازم به تذکر است که سوگند همراه با شهادت جایگزین وجود دو مورد شهادت از برای اثبات وقایع می‌گردد. بنابراین هنگامی که عده شهود قانونا برای شهادت مؤثر از برای صدور حکم کافی نباشد، مدعی می‌تواند برای تکمیل شهادت به ادای سوگند مبادرت نماید. در حقوق جزای ایران بر طبق بند (ب) ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو وزن عادل یا یک مرد و قسم مدعی ثابت می‌شود.

لوث لازمه اجرای قسامه است و تالوث موجود نباشد قسامه قابل اجرا نیست. یکی از مسائل خطیر در قانون حیاتی قصاص موضوع لوث در قسامه است چند تعریف از لوث:

دکتر لنگرودی در تعریف لوث بیان فرموده اند: "اماره‌ای است قضائی که موجب ظن قاضی به صدق مدعی می‌شود. چنانچه اگر مقتول در خانه کسی یافت شود لوث علیه ساکنان خانه و به نفع مدعی قتل علیه آنها وجود دارد" (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۵).

با مرحوم ابن ادریس فرمود: لوث اتهام آشکار و غالب می‌گویند زیرا معنای لوث یعنی قوت لذا می‌گویند (ناقه ذات لوث) ترجمه: مشتری قوی چون گمان قوی وجود دارد لذا می‌گویند لوث (روحی، ۱۳۷۴: ۴۴).

عده ای از فقها می‌گویند: در اجرای قسامه لوث معتبر نیست زیرا تمام روایاتی که در باب قسامه ذکر شده است لوث در او نیست و در روایات به نحو مطلق ذکر شده است. روی این جهت مرحوم مقدسی اردبیلی فرمود: (کان لهم علی ذلک جماعا اوفصاما اطلعت علیه) ممکن است برای کسانی که می‌گویند در قسامه لوث لازم است اجتماعی یا نصی بود که ما بر آن اطلاع پیدا نکرده ایم (همان: ۲۱۰).

از کلمات عده زیادی از فقها استفاده می‌شود که در قسامه لوث را معتبر می‌دانند و قول بعضی از آنها در معنای لوث بیان شده است. از جمله ابن قدامه فرمود: "با قسامه حکم نمی‌شود مگر آنکه بین مقتول و بین مدعی لوث باشد و لوث عبارتست از دشمنی که در حق شکر و وصف دیگر است نظر مالکی در لوث چنین است (کاری که آن غالباً ظن ایجاد شود که فلانی، فلانی را کشت" یا شافعی می‌گوید (لوث آن قرینه حالیه یا مثالیه ای است که دلالت می‌کند بر صدق مدعی و غالباً گمان می‌کند که او راست می‌گوید (همان).

همان طوری که با برخی از امارات برای قاضی لوث حاصل می‌شود در بعضی از مواقع ممکن است موانعی پیش بیاید که جلوی لوث از بین می‌رود به عنوان مثال چند نمونه مانع ذکر می‌شود.

چنانچه برای قاضی دو اماره متعارض نسبت به واقعه‌ای حاصل شود در این صورت لوث از بین می‌رود. برای مثال یک انسانی کشته شد و پیش او یک کارد آغشته به خون و یک حیوان درنده هم آن اطراف تر ایستاده بوده در این جا همان طوری که احتمال می‌رود انسانی این فرد را کشته احتمال می‌رود قاتل این فرد آن حیوان درنده باشد با توجه به تعارض دو اماره لوث باطل می‌شود.

در صورتی که یک نفر شاهد است و در ادای شهادت نسبت به مقتول به نحو ابهام بیان کرد گر چه قاتل را معین کرد مثلاً دو نفر مرده‌اند یکی شاهد بود از دور قاتل را دیده بود گفت زید یکی از این دو نفر را کشت مشخص نکرد آن کسی را که زید کشت آیا عمر بوده یا بکر در این صورت لوث نیست و اگر اولیای دم یکی از این دو بگویند زید پسرم را کشته است نسبت به راستگویی ولی دم در دعوی برای حاکم تصدیق و اطمینان قبلی حاصل نمی‌شود.

زیرا همان اندازه‌ای که ممکن است حرف شاهد نسبت به عمرو صحیح باشد به همان اندازه هم ممکن است نسبت به بکر صحیح باشد لذا از مصادیق متعارضین می‌شود و لوث باطل می‌شود.

در صورتی که قاتل یک نفر است ولی دم نسبت به یک اجتماعی به نحو مجهول ادعای قتل بکند بگوید یکی از این ها پسرم را کشته است در این صورت جای لوث نیست چنانچه مدعی قادر به اقامه بینه نباشد متهمین قسم یاد می‌کند و اگر همه قسم خوردند اما یکی حاضر به قسم نشد در این جا نسبت به آن فرد لوث حاصل است در این صورت اولیای دم اجرای قسامه را می‌کنند.

## ۲-۷ علم قاضی، دلیل مشترک در امور کیفری و حقوقی

طبق قوانین جزایی ایران قضات در عمل به علم خویش با وجود شرایطی که اشاره شد، مجاز به عمل کردن و صدور حکم هستند و این امر در حقوق برخی دیگر کشورها از جمله در فرانسه، اروگوئه و ایتالیا به طرق دیگری قابل مشاهده است.

در بررسی آثار و مکتوبات فقها در خصوص اثبات قتل به وسیله علم قاضی مشخص می‌شود که امام معصوم (ع) می‌تواند به استناد علم شخصی خود به طور مطلق حکم کند. ولی نسبت به غیر معصوم اختلاف نظر است؛ بدین شرح که مشهور فقهای شیعه از جمله صاحب جواهر این عقیده را دارند که قاضی غیر معصوم نیز همانند امام معصوم (ع) در همه دعاوی و جرائم اعم از حق‌الله و حق‌الناس نظیر قتل و قصاص می‌تواند به استناد علم خویش قضاوت کند. اما برخی از فقها بر این عقیده هستند که قاضی مطلقاً نمی‌تواند مطابق علم خود دعوی را ثابت کند (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۵۲).

در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آن‌ها رأی صادر می‌شود.

با عنایت به دلایل مطرح شده در خصوص اجازه اثبات دعاوی از جمله قتل به وسیله علم شخصی قاضی و از آنجاکه قانون‌گذار جمهوری اسلامی طبق اصل چهارم قانون اساسی باید تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزاء، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها را براساس موازین اسلامی تهیه کند، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون حدود و قصاص و مقررات آن نیز قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و قوانین متعاقب آن، تغییرات بنیادی در نظام جرائم و مجازات‌ها و رسیدگی به امور کیفری بر اساس موازین اسلامی و حقوق جزای ایران ایجاد و به موجب این تغییرات، علم قاضی در قوانین ایران پیش‌بینی شد. درحالی‌که قبل از انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبوده است (آشوری، ۱۳۸۷: ۴۳).

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در اکثر دستگاه‌های حقوقی، قضات از اختیارات وسیع برای کشف حقیقت امور مطرح‌شده برخوردار شده‌اند و این رویکرد ناشی از این اندیشه است که قضات تماشاگری منفعل نیستند بلکه وظیفه کشف حقیقت را دارند.

در ایران نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی باید کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی و غیره براساس موازین اسلامی باشد و قانون‌گذار بر مبنای همین اصل علم قاضی را از جمله ادله اثبات عنوان کرده و این اختیار را به قاضی داده است تا در صورتی که به وقوع حادثه‌ای از جمله قتل از روی حس یا از طریق سایر مستندات در پرونده علم پیدا کند بتواند از علم خود در اثبات جرم بهره‌گیرد (بهرامی، ۱۳۸۷: ۴۷).

## ۲-۷-۱ دلیل بودن علم قاضی

در موارد استناد قاضی در حکم به علم خود نظر فقها متفاوت است، مع‌هذا از نظر قانونی در مواد ۲۱۶، ۱۵۸، ۱۵۱، ۲۷ قانون حدود و قصاص و مواد ۱۹۹، ۱۲۸، ۱۲۰، ۱۲۰، ۲۳۱ ق.م. اسلامی و در چهار مورد به علم قاضی به عنوان طریق ثبوت جرم منجرا اشاره شده است در مواردی که علم قاضی جزء ادله ثبوت جرم تعیین شده است و یا اصولاً راه‌های ثبوت جرمی در قانون احصا نشده باشد، قاضی مجاز به مراجعه به علم خود است. ولی اگر دلائل اثبات جرمی در قانون به قید حصر ذکر شده باشد و علم قاضی جز ادله محصوره نباشد در چنین جرمی قاضی نمی‌تواند به علم خود مراجعه نماید. مثلاً راه‌های ثبوت زنا در مواد ۸۵، ۹۱، ۹۲ قانون حدود و قصاص سابق و مواد ۶۸، ۷۴، ۷۵، قانون مجازات اسلامی منجرا احصا شده و علم قاضی جز ادله محصوره نیست پس بر حسب ظاهر قانون قاضی مجاز به مراجعه به علم حاصله خود نیست کما اینکه ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی طرف باردار شدن زنی را که همسر ندارد، مستوجب حد نمی‌داند و صراحتاً مقرر می‌دارد: (حسینی نژاد، ۱۳۷۹: ۳۳).

"مگر آنکه زنا یا با یک از راه‌های مذکور در قانون ثابت شود" پس در این مورد علم قاضی از راه‌های ثبوت زنا نبوده و برای اثبات جرم مزبور کافی نیست. به هر حال در مواردی که علم قاضی معتبر است علم قاضی از باب کشف و طریقت است. در همین مورد کمیسیون استفتائات شوارای عالی و قضائی در تاریخ ۶۳/۳/۲۰ اعلام داشته است "حجیت علم قاضی از باب کشف و طریقت است و مختص به مجتهد نیست بلکه علم حاصل از طریق متعارفه برای قاضی ماذون نیز حجیت دارد و در عداد ادله شمرده شده است" (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

در پرونده کیفری هیچ قاضی مجاز نیست که هر گاه علم به بی‌گناهی متهم دارد با هر دلیلی او را محکوم کند اگر صدها نفر شهادت بدهند یا ده‌ها اثر علمی بر خلاف علم قاضی وجود داشته باشد، قاضی نمی‌تواند به علم خود اعتنا نکند و آنرا نادیده بگیرد. همین‌طور اگر قاضی علم به مجرمیت متهم پیدا کند، مجاز نیست خلاف علمی که برای او حاصل شده است، عمل نماید. زیرا جایگاه قاضی جایگاه اعتبار و اتخاذ تصمیم به حق است همه مقدمات دادرسی فراهم می‌شود تا نظر قاضی جلب گردد در طول دادرسی آنچه برای اصحاب دعوی و جامعه مهم است آن است که نظر قاضی موافق شود. یعنی اساسی‌ترین عنصری در رسیدگی به دعوی نقش دارد قاضی است. خلاصه اینکه قاضی نمی‌تواند تصمیمی برخلاف علم خود اتخاذ نماید مع‌الوصف براساس علم خود وقتی می‌تواند حکم صادر کند که بتواند موجباتی که برای او علم حاصل شده در پرونده قید نماید و رای خود را موجه نشان دهد (موذن زاده، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

## ۲-۷-۲ حجیت علم قاضی از نظر فقهای امامیه

اغلب فقها امامیه معتقدند که قاضی می‌تواند مطلقاً بر مبنای علم خود قضاوت کند. از جمله شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌نویسد: " برای حاکم این حق وجود دارد که در جمیع احکام مربوطه به حدود و قصاص با علم خود قضاوت نماید و فرقی نمی‌کند که جرائم از حق ا... باشد یا حق الناس و خواه اینک حصول علم قاضی قبل از تصدی به امر قضا باشد و یا اینکه بعد از اشتغال به امر قضا حاصل شده باشد و حتی در مورد اموال نیز قاضی می‌تواند مطابق علم خود عمل نماید" (ابن حمزه، ۱۳۸۷: ۴۲).

صاحب جواهر نیز در خصوص علم قاضی در کتاب خود می‌نویسد "هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد در مورد اینکه امام (ع) می‌تواند با علم خود در حق ا... و حق الناس مطلقاً قضاوت نماید و با اشاره به نظریات سایر فقها ادعای اجماع بر موضوع علم قاضی کرده است". بنابراین هرگاه قاضی با توجه به قرائن و شواهد و امارات و از مجموع محتویات پرونده برای او علم حاصل شد، لازم است تمامی آن مبانی که باعث علم او شده در تصمیمی که می‌گیرد تصریح نماید و اگر شهادتی بر خلاف آن علم وجود دارد، جهت عدم قبول شهادت را ذکر کند. هر یک از دلایل طریقت دارند و ارائه می‌شوند تا قاضی را به ظن و در حد اعلی به علم برسانند حال اگر قاضی عالم به مورد است باید به آن علم عمل کند حجیت آن طرف در مقابل علم معقول نیست (همان).

## ۳-۷-۲ شرایط تمسک قاضی به علم خود

در این خصوص نص صریح ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: "حاکم شرع می‌تواند در حق ا... و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری می‌نماید و لازم است مستند علم خود را ذکر نماید..." و متعاقب آن ماده ۱۲۰ ق.م.ا در باب نقاط نیز تکمیلاً اذعان می‌دارد: "حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل می‌شود حکم کند: پس مستفاد اینکه شرایط استناد قاضی به علم خود و طرق حصول علم برای قاضی صراحتاً در مواد فوق آمده است.

## ۱-۳-۷-۲ لزوم متعارف بودن طریق تحصیل علم

برای دلالت دلیل در امور کیفری حصول شرایط زیر لازم است (یوسفیان، ۱۳۸۱: ۴۵).  
الف: قانونی بودن خود دلیل ب: قانونی بودن مرجع تحصیل دلیل ج: قانونی بودن روش تحصیل دلیل.  
در توضیح بند آخر به عنوان قاعده کلی دلالت دلیل و دلالت آن در حصول علم قاضی اذعان می‌دارد؛ علمی می‌تواند مستند رأی قاضی قرار گیرد که از طرق متعارف و معمولی و در یک ارزیابی نوعی بدست آمده باشد ضرورت محصول این شرایط از آنجا قابل توجیه است که رأی صادره باید بتواند در مراجع بالاتر مورد ارزیابی مجدد قضات مراحل بالاتر دادرسی قرار گیرد. پس اگر حصول علم قاضی به نحو متعارف نباشد، حکم صادره در محاکم عالی نقض می‌شود. آرای بیشماری از شعبات دیوان عالی کشور وجود دارد که چون طریق حصول علم متعارف نبوده رأی در دیوان عالی کشور نقض گردیده است. طرق متعارف در قانون احصا نشده‌اند ولی از باب تمثیل می‌توان به معاینه محل، بازسازی صحنه جرم توسط قاضی، امارات و نظریات کارشناسی اشاره کرد. به عبارت بهتر طرق حصول علم برای قاضی یا شخصی هستند. یعنی از طریق مشاهدات حسی و حضور سریع در محل وقوع جرم پیدا می‌شود یا با مداخله عوامل دیگر حاصل می‌شود مثلاً کارشناسی که با ارائه نظریه تخصصی و کارشناسی خویش می‌تواند کمک بسزایی در حصول علم به قاضی بنماید. شورای عالی قضایی نیز



طبق نظریه مورخ ۱۳۶۲/۰۳/۲۰ و شعبه ۱۶ دیوان نیز در دادنامه شماره ۷۴۹-۱۳۶۹/۰۸/۲۹ بر لزوم متعارف بودن طریق حصول علم برای قاضی تاکید کرده‌اند (بازگیر، ۱۳۷۸: ۳۴).

مطلب مهم دیگر در باب متعارف بدون طریق تحصیل علم برای قاضی رسیدگی کننده در صدور حکم اینک علی رغم استدلال برخی قضات محترم، نظریه گواهی پزشکی قانونی نه می تواند موجب حصول علم به لواط ایقایی باشد و نه می تواند اثبات کند که آلت تناسلی داخل شده است، زیرا ممکن است آثاری که در مخاط مقعد باقی مانده در اثر انگشت با شیه دیگر باشد و در تایید ادعا می توان به حکم شماره ۶-۹۸-۷۴/۲ شعبه محترم ۲۷ دیوان عالی کشور که مشعر بر این معناست اشاره کرد. از طرف دیگر ضرورت متعارف بودن طریق تحصیل علم برای قاضی در راستای اجرای قاعده عام‌تری است که در اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون احیاء دادرسی آمده و همگی اتفاقاً مشعر بر این معنا هستند که آراء قضات محاکم بایستی مستدل و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رأی بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود و در این خصوص و لزوم مستند بودن حکم صادره به نظریه مشورتی شماره ۷/۷۲۳۹-۱۳۷۴/۰۳/۲۰ هم می‌توان استناد کرد. نکته قابل توجه دیگر اینکه مقنن با درک حساسیت و اهمیت مستند بودن حکم قضات و طرق متعارف تحصیل علم در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است، در مبحث سوم تحقق عنوان "راه‌های اثبات حد" به موجب ماده ۲۱۳ بند اول، بیان می‌دارد که "راه‌های اثبات جرایم موجب حد، بینه، اقرار با قرائن و شواهدی است که موجب علم بین و حتی برای قاضی باشد" در تبصره ۴ نیز بیان می‌دارد که "چنانچه مستند حکم علم حسی قاضی باشد، موظف است در حکم خود فراین و شواهد موجب حصول علم را تصریح نماید". البته تفاوتی که بین تبصره ۴ ماده ۱- ۲۱۳ لایحه جدید با ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی وجود دارد، این است که در ماده ۱۰۵ و ۱۰۲ مستند علم بایستی ذکر شود ولی در تبصره ۴ ماده ۱- ۲۱۳ لایحه جدید، دایره شمولی علم قاضی محدود گشته و با جمله شرطیه چنانچه مستند علم، علم حسی قاضی باشد، قاضی موظف به تصریح آن در حکم خود شده است و به نظر می‌رسد مقنن با تعبیر دایره شمولی علم قاضی و انحصار آن به علم حسی قاضی، به ضرر متهمین می‌رسد گام برداشته و حکم را در ارزیابی در مراحل بالاتر با مشکل مواجه می‌کند. چرا که با لحاظ مفهوم مخالف تبصره ۴ اگر مستند حکم، علم حسی قاضی نباشد قاضی رسیدگی کننده ضرورتی بر تصریح ندارد (خرسندیان، ۱۳۹۷: ۲۴).

#### ۲-۳-۷-۲ ضرورت ذکر منشاء پیدایش علم برای قاضی

یعنی قاضی مستند علم خود را بیان کند (م ۱۰۵ ق. م. ا) این قرائن قصبه علم آور می‌تواند نظریه کارشناس، تسامح و استفاضه مفید علم اخبار عادل واحد، اقرار به کمتر از حد مقرر، اقرار نزد قاضی تحقیق و ... باشد. بیان و ذکر مستند علم قاضی یک اثر بسیار ارزنده دیگر هم دارد. از این نظر که برای قضات مراحل بالاتر امکان بررسی صحت و صلابت رأی صادره در مرحله قبل را فراهم می‌آورد. چون امکان حضور قاضی در مراحل بالاتر رسیدگی نیست. بنابراین از لحاظ رویه عملی قاضی نمی‌تواند با اکتفاء به عباراتی نظیر "دفاعیات بلاوجه مهم" یا "استماع اظهارات طرفین" خود را فارغ از بیان نوع ادله استنادی طرفین نماید (حیدری، ۱۳۹۱: ۵۵). البته برخی نیز با فول به تفصیل معتقد شده‌اند که مستند علم قاضی چنانچه قبل از مسند قضاوت پیدا شده باشد حجت ندارد. ولی اگر بعد از انتصاب قاضی به قضاوت بوده باشد، دلیلیت دارد اولین دلیل قائلین به جواز استاد قاضی به علم خود چه در حق الله و چه در حق الناس، روایتی است که در این خصوص وارد شده و به

قاضی امکان استناد به علم خود را در جایی که راسه شاهد ققه‌ای بوده را می‌دهد. مضمون روایت این است: بر امام واجب است چنانچه ببیند مردی زنا می‌کند یا شراب می‌نوشد بروی حد را جاری کند و با وجود مشاهده وی، دلیل دیگری برای اثبات جرم لازم نیست، زیرا امام، امین خداوند بر خلق است و وقتی ببیند کسی سرقت می‌کند باید او را باز دارد و نهی کند در این رابطه به نیست اشاره کنیم. به نظر کسانی که تنها در صورتیکه مستند علم قاضی مشاهده بصری بوده باشد، علم را حجیت می‌دانند. زیرا در این روایت و سایر روایاتی که دلیل بر حجیت علم قاضی تلقی شده، کلمه "نظر" آمده است در زبان عرب، نظر به رویت دقیق با ضبط جزئیات اطلاق می‌گردد که علم‌آور است. بنابراین چنانچه مستند علم، درک حسی به غیر از گونه مشاهده بصری بوده باشد یا از طریق رویت سطحی و بدون دنت حاصل شده باشد در مقام تعارض باینه، تاب مقاومت ندارد و مقدم نیست، پس چنانچه قاضی راساً شاهد حضور متهم در زمان اتهام در محل دیگری باشد، برای وی یقین حاصل می‌شود که او نقشی در ارتکاب جرم نداشته است. در چنین موردی باید به علم خود عمل کند و به مدد این شهادت شهود دایر بر ارتکاب جرم واقعی است (دیانی، ۱۳۸۵: ۴۴). البته امام خمینی در دنباله مسأله، این اختیار را به قاضی داده است که چنانچه قاضی معیت نصب نشده باشد از قضاوت استنکاف و پرونده را به قاضی دیگری ارجاع دهد (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

#### ۲-۷-۳ لزوم به معرض تعارض طرفین قراردادان مستند علم

یکی از خصوصیات سیستم دادرسی اسلامی، رعایت اصول تعارضی، تدافعی و ترافعی بودن آن است که ملاک مشروعیت احکام محاکم است. این اصول هم در دادرسی‌های مدنی و هم در دادرسی‌های کیفری واجد اهمیت فراوان است که در دادرسی مدنی اصولاً تحت عنوان اصل تناظر، اصحاب دعوی از آن یاد می‌شود و ضمانت اجرای آن هم در بند ۳ ماده ۳۷۰ آئین دادرسی مدنی آمده است. و اصول ۳۶ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۹ از قانون اساسی هم به آن اشاره دارد. قاضی باید اصل تعارضی بودن دادرسی را نه تنها در روابط خود با اصحاب دعوا رعایت کند، بلکه مراقب آن در روابط بین طرفین نیز باشد. بنابراین قاضی حتی به فرض حصول علم برای خود با نظریه اداره تشخیص هویت، گواهی پزشکی قانونی، بازسازی صحنه جرم، تحقیقات کارآگاهان پلیس کشف جرم نمی‌تواند بلافاصله پس از وصول نظریه کارشناس و قبل از شنیدن هرگونه اظهار نظر اصحاب دعوا، یا بلافاصله پس از وصول یک مدرک قاطع از یکی از طرفین دعوا، برای خود رأی صادر نماید. هر چند نظر کارشناس با آن مدرک قاطع برای وی علم ایجاد نموده باشد. چون آنچه در این بحث واجد اهمیت است لزوم به معرض تعارض قراردادان مستند علم برای اصحاب دعوی است که تا در صورت عدم اثبات خلاف آن به عنوان مستند حکم قرار گیرد (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۴۴).

#### ۲-۷-۴ صدور حکم به واسطه علم قاضی

قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۰۵ و ۱۲۰ خود، حجیت علم قاضی را با رعایت شرایطی آن مطلقاً در حق الناس و حق الله پذیرفته و بایستی به این اطلاق و عموم پایبند بود. هر چند در فقه شیعه و اهل تسنن نظریات متفاوت ارائه شده دارد؛ اما با وجود نص صریح قانون، امکان استناد به این نظریات نیست، اصل ۱۶۷ قانون اساسی هم تنها در صورت نقد مقررات مدون اجازه رجوع به منابع معتبر را داده است. بر خلاف استدلال پاره‌ای از فقها و حقوقدانان قضاوت براساس علم، از اختصاصات ائمه معصومین، قضات جامع شرایط و ولی فقیه نیست هر چند در استناد اینها به علم قاضی و اجرای حدود الهی هیچ شک و تردیدی نیست

اما با توجه به واقعیات اجتماعی و نظر به اینکه در عصر غیبت بسر می بریم و تعداد قضات جامع الشرایط حقیقتاً به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد، قائل بودن به این نظریه یعنی تعطیلی حدود و اجرای احکام و مقررات در حالیکه هدف از تشکیل حکومت، اجرای حدود الهی است که در روایات وارده دارد. اجرای یک حد از حدود الهی به مثابه باریدن ۴۰ شبانه روز باران بر طبیعت دانسته شده و از لحاظ شرعی نیز داریم "و التکم فی القصاص حیاء یا اولی الالباب" (بقره/۱۷۴) یا "من أحيها فكأثما أحيأ الشام جمعياً" (مائده / ۳۲).  
بر خلاف استدلال بیشتر فقها و حقوقدانان، استناد قاضی به علم خود در صورت حصول آن واجب است نه جایز. زیرا در غیر اینصورت قاضی در معرض فسق و فجور قرار خواهد گرفته و به قاعده عقلی امر به معروف و نهی از منکر عمل نکرده است.

منظور از علم قاضی در بحث حجیت علم قاضی، علم متعارف و نوعی است بنابر این نظر آن دسته از حقوقدانانی که بین علم حسی و حتی قایل به تفکیک نشده و به اصطلاح ترک استفعال کرده‌اند قابل قبول نیست.

مسئله بسیار مهم دیگر اینکه علم قاضی در حق الله و هم در حق الناس و هم در جرایمی که مقنن در خصوص علم قاضی سکوت اختیار کرده و هم در جرایمی که به احصاء ادله اثباتی پرداخته شده است، قابل استناد و عمل است.

## ۲-۸ جمع بندی فصل

با بررسی مباحث این فصل، چنین نتیجه شده که در جریان رسیدگی به یک پرونده که شامل دو بخش تحقیق و صدور رأی می باشد؛ تفاوت‌هایی بین دعاوی حقوقی و جرایم کیفری مشهود است. البته موضوع پژوهش کنونی که روش‌های نوین بازجویی می‌باشد، عمدتاً جرایم کیفری را شامل می‌شود. لیکن جهت جامعیت کلام، تمامی امور حقوقی در پرونده های موجود، بررسی شده تا بتوان به رویه دادرسی بر مبنای بایسته‌های نوین بازجویی دست یافت. مستنداتی که مورد استناد قضات در صدور آراء قرار می گیرد، در قانون تصریح شده است. به نظر می‌رسد که بازجویی که خود بخشی از تحقیقات توسط ضابطین می‌باشد، می‌بایست با هدف دستیابی به یکی از ادله‌ای که در قانون در مورد آن صحبت شده است قرار گیرد. در غیر این صورت استناد به آنها، می‌تواند وجهت قانونی داشته باشد. بازجویی با روش‌های نوین مبتنی بر علم روانشناسی، می‌تواند به اقرار صریح متهم منجر شود؛ و یا دلیلی فراهم نماید که به موجب امارات، اثبات کننده جرم باشد. البته حقوق عرفی در اینجا بی‌تاثیر نیست. با تفاسیر بیان شده در این فصل، زمینه برای بحث در مورد وسایل علمی مرتبط با کشف جرم فراهم شده که در فصل بعدی به آن پرداخته شده است.

## فصل سوم: سازوکار بازجویی و روش‌های نوین آن

در فصل پیشین در مورد سازوکار تحقیق در امور قضایی، توضیح داده شد. مسئله بازجویی یکی از ابزارهای تحقیق قضائی است که معمولاً برعهده ضابطین دادگستری می‌باشد. البته بازپرس نیز بنا به نیاز پرونده، به فرآیند تحقیق و بازجویی وارد شده و لیکن معمولاً به تخصص ضابطین اعتماد کرده و در فرآیند جمع ادله جهت محکومیت بسنده می‌کنند. طبیعتاً روش‌های علمی برای تشخیص جرم، کارآیی فراوانی دارد. اما این که چه دلیلی، بر مبنای آنچه که در فصل پیشین گفته شد، برای اثبات جرم و یا اثبات حقوق دعاوی مورد پسند قرار می‌گیرد، قابل توجه است. در این فصل، ابتدا در مورد بازجویی، توضیحاتی داده شده و سپس بازجویی بر مبنای روانشناسی تشریح گردیده است. البته این بخش به گونه‌ای غیرحقوقی و تخصصی علمی پلیسی می‌باشد. به هر حال با هدف تفسیر حقوقی، نیاز است که مسئله روانشناسی این حوزه نیز بررسی گردد. توضیحات داده شده زمینه برای تفسیر حقوقی روش‌های نوین بازجویی که در فصل بعدی ارائه شده، فراهم نموده است.

### ۳-۱ بازجویی

وادار کردن کسی برای اقرار به جرم، کار راحتی نیست. حقیقت این است که بعضی مواقع کارآگاه‌ها با استفاده از توانایی خود در روانشناسی یک بی‌گناه را وادار به شهادت دادن و به پایان رساندن اعتراف نامه می‌کنند. هیچ‌گاه دو بازپرسی شبیه هم نیستند، اما بیشتر آنها از ضعف‌ها و نقص‌های طبیعی انسان بهره‌برداری می‌کنند. این نقص‌ها عموماً بر استرس ناشی شده از زمانی که افراد با نهایت مقایسه کردن روبرو می‌شوند، متکی است. مثل سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، کنترل کردن و وابستگی، حداکثر کردن و حداقل کردن نتایج منطقی. حتی سرسخت‌ترین مجرمان هم نهایتاً به اقرار مجبور می‌شوند. در ایالات متحده، پژوهشگران تخمین می‌زنند که چیزی بین ۴۲ تا ۵۵ درصد مجرمان در حین بازجویی به جرم خود اعتراف می‌کنند (سایت یاسا). بازجویی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل تحقیقات مربوط به جرم است؛ زیرا بازجو در خلال آن می‌تواند علاوه بر کسب اطلاعات جدید، پیرامون موضوع مورد تحقیق، از تطبیق اطلاعات موجود "نظیر اظهارات شهود و شاکی، نتایج بررسی صحنه جرم، گزارش آزمایشگاه تحقیقات جنایی و پزشکی قانونی و غیره" و پاسخ‌های متهم به صحیح یا غلط بودن و به طور کلی ارزش و اعتبار اطلاعات قبلی خود پی برده و متقابلاً از میزان صداقت متهم یا مظنون و صحت و سقم اظهارات وی و بالاخره میزان دخالت او در ارتکاب جرم آگاهی پیدا کند. در حقیقت، بازجویی عبارت است از هنر و فن طرح یک رشته سؤالات فنی و قانونی از متهم و یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور کسب اطلاعات صحیح درباره جرم واقعه (صانعی، ۱۳۹۷: ۶۸).

### ۳-۱-۱ اهداف بازجویی

اهداف بازجویی شامل چهار مورد ذیل خلاصه شده است: (رحمدل، ۱۳۸۴: ۶۸).

- دستیابی به حقایق با ارزش.
- رفع مظنونیت یا اثبات بی‌گناهی.
- شناسایی مجرم.
- اعتراف متهم.

بنابراین، بازجو در خلال بازجویی صرفاً به دنبال اخذ اعتراف نیست، بلکه منظور اصلی وی کسب اطلاعات صحیح درباره جرم واقعه است و چه بسا در نتیجه یک بازجویی درست و اصولی، متهمی بی‌گناه شناخته شود.

بدیهی است اگر هدف بازجویی صرفاً اخذ اعتراف باشد، احتمال دارد بازجو دچار اشتباه و گمراهی گردد؛ زیرا افرادی که به ارتکاب جرمی اعتراف می‌نمایند دو دسته هستند: (صانعی، ۱۳۹۷: ۶۹).

- دسته اول کسانی هستند که واقعاً مرتکب جرم شده و گناهکارند و به منظور رهایی از عذاب وجدان به دنبال بعضی از محرک‌های روانی می‌گردند تا به جرم ارتكابی اعتراف نمایند.
- دسته دوم کسانی هستند که واقعاً مجرم نیستند، ولی به خاطر تهدید، اکراه، اغوا و یا دلایل دیگر از قبیل اختلالات روانی و غیره به اعتراف به ارتکاب جرمی استنکاف می‌نمایند.

صرف نظر از جنبه‌های حقوقی و لزوم تفهیم اتهام و رعایت قوانین و آیین دادرسی کیفری که خود می‌تواند موضوع بحث مستقلی باشد و همچنین لزوم رعایت اصل بی‌طرفی و احتراز از پیش داوری‌های عجولانه و حدس و گمان‌های اساسی توسط بازجو و بالاخره برخورداری وی از ویژگی‌های همچون پشتکار، سرعت انتقال، حافظه قوی، تمرکز حواس، قابلیت انعطاف، خونسردی، صبر و حوصله و غیره.

### ۳-۱-۲ نکات مهم در حین بازجویی

نکاتی در رابطه با بازجویی که براساس تجربیات قضائی حاصل شده است، به قرار ذیل ارائه گردیده است: (سایت یاسا).

تاریخ و سرعت و نام بازجو در برگ بازجویی قید گردد و سؤالات به گونه‌ای باشد که از خلال پاسخ‌ها بتوان از مرور زمان و مکان وقوع جرم، مشخصات مرتکب، هدف و انگیزه وی از ارتکاب جرم، چگونگی عمل مجرمانه و وسیله ارتکاب جرم و نتایج حاصله از آن، مشخصات مجنی‌علیه و ..... اطلاعات کافی کسب کرد.

قبل از انجام دادن بازجویی، متهم به زندان عمومی اعزام نشود؛ زیرا به تجربه ثابت شده در این قبیل موارد متهم ضمن اینکه امکان ارتباط با خارج زندان و مبادله پیام با همدستانش را پیدا خواهد نمود، در اثر تماس با زندانیان سابقه‌دار و کهنه‌کار و بدآموزی آنها، در بازجویی‌های بعدی به‌گونه‌ای پاسخ خواهد داد که مسئولیت کیفری کمتری متوجه وی باشد و یا ذهن بازجو مسائل دیگری منحرف گردد.

بازجویی از متهمین و مظنونین بایستی هر چه سریع‌تر و با فاصله زمانی هر چه کوتاه‌تر از وقوع جرم انجام شود؛ زیرا در اثر گذشت زمان، علاوه بر اینکه احتمال فراموشی جزئیات امر برای مرتکب جرم بیشتر می‌شود، وی فرصت زیادتری برای فکر کردن و پیدا نمودن جواب‌های گمراه کننده پیدا خواهد نمود. به تجربه ثابت شده است، بیشترین و صادقانه‌ترین اعترافات در همان مراحل اولیه بازجویی و در بدو بازداشت متهم و قبل از اینکه فرصت تفکر و مشورت با دیگران را داشته باشد، بوده است (رعایت این نکته بدان معنی نیست که بازجویی باید عجولانه و بدون آماده شدن مقدمات کار انجام شود).

بازجویی باید به طور انفرادی و محرمانه و بدون حضور دیگران و به خصوص سایر متهمین و مظنونین انجام شود تا اولاً: متهم با احساس اطمینان کامل و بدون داشتن واهمه از اینکه کس دیگری حرف‌های او را می‌شنود مطالب خود را بیان کند، ثانیاً: سایر کسانی که در مظان اتهام هستند پی نبرند که چه مطالبی بازگو شده و چه مطالبی هنوز افشا نگردیده است (موارد محدودی که نیاز به مواجهه چند نفر متهم یا مظنون با هم باشد از این اصل مستثناست).

در تحقیقات جنایی، مجهولات هر مسئله را باید از روی معلومات آن به دست آورد و معلومات مسئله نمی‌تواند صرفاً زاینده تخیل و یا حدس و گمان باشد؛ لذا قبل از بازجویی از متهم یا مظنون باید از شاک و شهود مورد اطمینان تحقیق به عمل آید و سایر مستندات پرونده از قبیل گزارش معاینه محل و کارشناسی، عکس‌ها و

نوارهای صوتی و تصویری مربوط را دقیقاً مطالعه و مورد بررسی قرار داد تا براساس معلومات و تکمیل بازجویی، مجهولات روشن گردد. به همین دلیل توصیه گردیده بازجو قبل از انجام بازجویی، اطلاعات کاملی پیرامون بیوگرافی متهم از نظر میزان تحصیلات، وضع خانوادگی، شغل و درآمد، علایق، سوابق کیفری، مشکلات، اعتیاد احتمالی به مواد مخدر، الکل و قمار و همچنین جرم واقعه و رابطه وی با مجنی علیه به دست آورد تا براساس آن، بازجویی را سازماندهی کند. این مسئله از نظر روانی و برای ایجاد تفوق معنی بازجو بر متهم حائز اهمیت است؛ زیرا وقتی متهم دریابد بازجو اطلاعات وسیع و کاملی پیرامون وی و جرم واقعه دارد، کمتر به خود اجازه دورغ گفتن و فریب بازجو را می دهد.

در موارد حساس و مهم، هنگام بازجویی هیچ گونه مانع فیزیکی از قبیل میز تحریر و غیره بین بازجو و متهم وجود نداشته باشد، تا بازجو بتواند به طور مستقیم و با کنترل و زیر نظر قرار دادن حرکات و عکس العمل های متهم و تمرکز کامل حواس، بازجویی را انجام دهد؛ به همین دلیل بهتر است در اتاق بازجویی به جز دو عدد صندلی چیز دیگری نباشد. در صورت امکان در این قبیل موارد می توان ترتیبی اتخاذ نمود تا همکاران بازجو از اطلاق دیگر و با استفاده از میکروفون و دوربین مخفی و امثال آن، بدون اطلاع متهم و به طور غیر محسوس در جریان بازجویی قرار گرفته و حرکات و عکس العمل های متهم و پاسخ های وی را مورد تجزیه و تحلیل و بهره برداری قرار دهند.

در جرایم مهم، اگر متهم در ابتدا و قبل از تکمیل بازجویی به ارتکاب جرم اعتراف کرد، بازجویی برای روشن شدن جزئیات امر و حصول اطمینان کامل ادامه یابد تا بعداً اگر متهم از اعتراف پشیمان شد، نتواند منکر ارتکاب جرم گردد. همچنین اگر اقرار کننده متهم واقعی نباشد و برای گمراه کردن بازجو و ایجاد اختلال در روند تحقیقات مربوط به جرم و یا اختلالات روانی و غیره خود را به جای متهم اصلی معرفی کرده باشد، موضوع روشن گردد.

سؤالات بازجویی کوتاه، مشخص و عاری از ابهام باشد و پاسخ ها عیناً و بدون دخل و تصرف نوشته شود و اگر متهم با سواد باشد بهتر است خودش پاسخ ها را بنویسد. در هر حال، حین بازجویی حتی الامکان سعی شود رشته کلام متهم و یا نوشته وی قطع نشود تا او آزادانه تمام مطالب خود را منعکس نماید.

در بازجویی، سؤالات القایی نباشد، به عنوان مثال، چنانچه سؤال شود: "ساعت ۹ شب گذشته که شما در منزل آقای (الف) بودید، آقای (ب) چند ضربه چاقو به وی زده است" درست نیست، زیرا سؤال کننده به مخاطب القا می کند که شب گذشته ساعت ۹ شب در منزل آقای "الف" شاهد بوده که آقای "ب" چند ضربه چاقو به وی زده است. در صورتی که باید سؤال شود: "شما شب گذشته ساعت ۹ کجا بودید؟" و اگر مخاطب جواب داد: "در منزل آقای (الف) بوده است" در سؤال بعدی پرسیده شود: "غیر از شما دو نفر چه کسانی آنجا بودند؟" و اگر مخاطب پاسخ داد: "آقای (ب) آنجا بوده است" در سؤال بعدی پرسیده می شود: "آقای (ب) چیکار کرد؟" چند مطلب را نباید در قالب یک سؤال گنجانده؛ به عنوان مثال، "شما شب گذشته چه ساعتی از منزل خارج شدید؟ به کجاها رفتید؟ و با چه کسانی ملاقات داشته اید؟" این سؤالات به صورت یک سؤال صحیح نیست و بهتر است هر یک از موارد فوق به صورت مستقل مورد پرسش قرار گیرد.

بازجو نباید متهم را به اقرار تشویق کند و یا برای جلب اعتماد وی و اخذ اقرار وعده هایی که عملی نیست به او بدهد؛ زیرا متهمین و به خصوص اشخاص سابقه دار به خوبی در می یابند که چنین وعده هایی خارج از اختیارات و مقدرات بازجو می باشد و عملی نیست و اگر هم متهم به وعده ها امیدوار گردد ولی بعداً عملی نشود، باعث سلب اعتماد وی می گردد.

شیوه بازجویی از کسی که متهم بودن وی محرز می‌باشد، با کسی که در مورد متهم بودن او تردید وجود دارد، متفاوت است.

### ۳-۱-۳ مرحله اصلی بازجویی

به طور کلی، هر چه دلایل ضعیف‌تر و اطلاعات بازجو راجع به جرم و متهم کمتر باشد، در ابتدای بازجویی باید سعی شود سؤالات به طور مستقیم و در رابطه با اصل موضوع نباشد، بلکه ابتدا با طرح سؤالات حاشیه‌ای و در عین حال مرتبط با موضوع، بازجویی آغاز گردد تا از خلال پاسخ‌های مخاطب و پس از کسب اطلاعات بیشتر سؤالات اصلی مطرح گردد (کرو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۳۳).

۱. در جرایم مهم نظیر قتل و آتش‌سوزی عمدی و.... متهم به صحنه جرم برده شود (چنانچه صحنه جرم به هم خورده باشد بازسازی گردد) که از نزدیک جزئیات را تشریح نماید. در این قبیل موارد چنانچه شخص خود را به جای متهم اصلی جا زده باشد و یا تناقضی در اظهاراتش باشد در عمل روشن خواهد شد.

۲. توسل به تهدید و ارعاب و فحاشی و اهانت و شکنجه در بازجویی برای اخذ اعتراف، نشانه ضعف بازجو در کار خود می‌باشد و متهم از این گونه برخوردها در می‌یابد که بازجو دلیل و مدرک قاطع و قابل استنادی در اختیار ندارد که به وسایل فوق متوسل شده است.

۳. کم اهمیت جلوه دادن جرم واقعه؛ اظهار همدردی و همدلی با متهم (به عنوان مثال، به وی گفته شود هر کس دیگری هم جای شما و در آن موقعیت قرار می‌گرفت همان کاری را می‌کرد که شما انجام دادید) و انتقاد از شاکی و مجنی‌علیه موجب جلب اعتماد متهم و ترغیب وی به همکاری با بازجو و گفتن حقایق می‌گردد.

۴. وجود اختلاف و تضاد بین متهمین، فرصت مناسبی است تا بازجو با بهره‌گیری از آن بتواند اطلاعات خوبی در مورد هر یک به دست آورد.

۵. در بازجویی باید شرایط سنی، جنسی، موقعیت اجتماعی، میزان تحصیلات و اعتقادات مذهبی شخص، مورد توجه قرار گیرد. بازجویی از زنان حتی‌الامکان توسط بازجوی زن و آلاً با حضور شخص ثالث و بی‌طرفی که مرتبط با پرونده نباشد، انجام شود تا بعداً ادعاهای دروغی علیه بازجو مطرح نشود. همچنین بازجویی از کودکان به‌گونه‌ای باشد که باعث ترس و آسیب روحی و روانی آنها نگردد.

### ۳-۱-۴ مستند نمودن نتیجه بازجویی

با توجه به آنچه که در فصل پیشین بیان شد، جهت اثبات جرم در دادگاه نیاز به ادله‌ای است که مصادیق آن در قانون ذکر شده است. هر دلیلی نمی‌تواند مبنای محکومیت قرار گیرد. به اصطلاح دلایل محکمه پسند می‌بایست ارائه گردد. بر همین مبنای مستند نمودن نتایج بازجویی می‌بایست به موارد ذیل توجه داشت: (ابوطالبی، ۱۳۸۵: ۴۴).

۱. سپردن مطالب به حافظه و سپس در فرصت مناسبی آنها را مکتوب نماید؛ که این روش از جهت قطع نشدن رشته افکار بازجو و دقت کامل به گفتار طرف مقابل و عدم اختلال و گسیختگی در افکار متهم

<sup>۱</sup> Crowe



- و جلوگیری از پریشانی و آشفستگی روحی وی خوب است، ممکن است در اثر طولانی شدن بازجویی، بازجو قسمت‌های مهمی از مطالب را فراموش کند و مکتوب ننماید.
۲. یادداشت برداری؛ یعنی بازجو نکات مهم و قابل توجه اظهارات متهم را یادداشت نماید، در این روش، چون بازجو فقط نکات مهم را یادداشت می‌کند و نکات به ظاهر جزئی یادداشت نمی‌شود، چه بسا در همین نکات جزئی مسائل با اهمیتی نهفته باشد. از طرفی چون احتمال دارد بازجو حین یادداشت مطالب نتواند حواس خود را روی آنچه متهم می‌گوید، متمرکز نماید امکان دارد متوجه بعضی نکات مهم و با ارزش اظهارات وی نشود. در یادداشت برداری، متهمی که برای اعتراف دو دل و مردد است وقتی متوجه می‌گردد اظهاراتش ثبت می‌شود ممکن است از بیان حقایق و اعتراف امتناع ورزد. حتی اگر قرار باشد شخص ثالث اظهارات متهم را یادداشت نماید به دلیل فوق و همچنین به خاطر حضور شخص ثالث احتمال دارد متهم به راحتی و آزادانه مطالب را بیان ننماید.
۳. ضبط صدا یا صدا و تصویر، که بهترین وسیله مستندسازی بازجویی است؛ زیرا علاوه بر اینکه تمام جزئیات مطالب مطرح شده ضبط می‌گردد، متهم بعداً نمی‌تواند ادعا کند با تهدید و اکراه از وی اعتراف گرفته شده است. در مورد ضبط صدا و تصویر دو نکته حائز اهمیت است:
- اول این که ضبط صدا و تصویر غیرمحسوس باشد تا متهم هنگام بیان مطالب از اینکه صدا و تصویرش ضبط می‌گردد نگران نشود و از بیان حقایق خودداری نکند.
  - دوم اینکه صدا و تصویر ضبط شده از نظر فنی قابل اثبات و از نظر حقوقی قابل استفاده باشد.

برخی موارد، با وجود آنکه ادله اثبات جرم تلقی نمی‌شود، اما می‌تواند مبنای بازرسی قرار گیرد. برای مثال صدای ضبط شده از حیث اثبات جرم اعتباری ندارد و این مسئله در آیین دادرسی کیفری نیز صراحتاً بیان شده است. اما این مورد می‌تواند سرنخی برای تحقیقات باشد. یا در جایی دیگر بیان شده که گزارشات از منبع ناشناس به هیچ عنوان مستند نیست. برای مثال شخص ناشناسی که تلفنی موردی را به پلیس گزارش می‌کند، نمی‌تواند مستند قرار گیرد. اما می‌تواند مبنای بازرسی و تحقیقات قرار گیرد. اساس روش‌های بازجویی که در این فصل در مورد آن صحبت شده است، به خودی خود نمی‌تواند ادله اثبات جرم قرار گیرد، اما در جریان دادرسی و تحقیقات بسیار مفید بوده و همچنین می‌تواند ادله‌ای برای بازداشت‌های موقت قرار گیرد. با توجه به موارد مذکور، نیاز است که بنیان‌های علمی روش‌های بازجویی بررسی شود که در ادامه در مورد آن صحبت شده است.

### ۲-۳ حقوق ناظر بر کشف دروغ

در یکی دو دهه اخیر، بحث دروغ سنجی در پایه علم روانشناسی و یا با استفاده از ابزارهای الکترونیکی، تقویت شده است. در کامن‌لای آمریکا برای نخستین بار نتایج حاصل از چنین موارد، مبنای صدور حکم قرار گرفت. دروغ سنجی موجب ورود به حریم شخصی افراد می‌شود که به گونه‌ای مخالف با نص صریح قانون اساسی می‌باشد. مطابق آیین دادرسی کیفری، تنها در صورت لزوم و به حکم قانون می‌توان به حریم شخصی افراد وارد شد. در این قسمت در مورد حقوق مرتبط با کشف دروغ صحبت شده است.

## ۳-۲-۱ فرآیند کشف دروغ

هیجانان، جزء لاینفک سیستم سازگاری بدن هستند. هیجانان شدید، به ویژه ترس، معمولاً در جایی که واقع-بینی لازم باشد، مانع از درست فکر کردن می‌شوند، زیرا رفتار تدافعی را تقویت می‌کنند. هیجانان شدید، حداقل به سه طریق از درست فکر کردن جلوگیری می‌نمایند؛ نخست اینکه، انسان وقتی تصور می‌کند موقعیتی بحرانی است، آنقدر مضطرب می‌شود که قادر نیست در مورد مسأله تمرکز کند. دوم اینکه، در اثر توزیع مجدد خون به هنگام ترس شدید، خون کمتری به مراکز بالاتر مغز می‌رسد. در نتیجه این مراکز نمی‌توانند درست عمل کنند، سوم اینکه، هیجانان باعث کاهش کنترل اندیشه بر رفتار می‌گردند. انسان تحت فشار هیجانی شدید، بیشتر تمایل دارد فوراً کاری انجام دهد (حتی اگر اشتباه باشد) و منتظر نمی‌ماند با توجه به تجربه خود به موقعیت بنگرد. چنین رفتاری را با این فرضیه می‌توان توجیه نمود که به هنگام مقابله با خطر، نوع رفتار فرد را "مغز پسین" تعیین می‌کند، که گاه به آن "مغز قدیمی" می‌گویند. زیرا نخستین بخش مغز است که در جنین رشد می‌کند، مغز پسین یا قدیمی که از مخچه، بصل النخاع، پل و سیستم فعال‌ساز شبکه‌ای تشکیل شده، مسئول بقاء انسان یا فعالیت‌های غیرارادی مانند ضربان قلب با تنفس است، بر روی این قسمت، منطقه وسیع تری به نام مخ یا به اصطلاح "مغز جدید" قرار گرفته است، مغز قدیم که زیر سطح هوشیاری عمل می‌کند، عامل رفتار تکانه‌ای انسان است. وقتی انسان با موقعیتی مواجه می‌شود که سلامتی‌اش را به خطر می‌اندازد (آقابابایی و احمدی ناطور، ۱۳۹۱: ۱۲).

در اثر تحریک طبیعی، که منشأ آن در مغز پسین است، به شیء تهدید کننده آسیب می‌رساند، یا از آن می‌گریزد، سیستمی که دستگاه‌های دفاعی بدن را برای رویارویی با این شرایط اضطراری آماده می‌کند، بخش خودکار سیستم عصبی سمپاتیک است. در یک آزمون دروغ سنجی، این ترس است. ترس از شناسایی، ترس از عواقب کار، چنانچه فرد شناخته شود که باعث فعال شدن سیستم سمپاتیک می‌شود تا بدن برای مقابله با وضعیت اضطراری آماده شود. آزمون‌شونده‌ای که به واسطه عواملی نظیر عقاید مذهبی که در آن دروغ به هر دلیلی که باشد گناه است. یا فردی که تحت تربیت محافظه کارانه بوده یا سخت منضبط است و برای او دروغ گفتن مایه ننگ محسوب می‌شود، نسبت به دروغی که هیچ خطر آنی برای او ندارد واکنش نشان خواهد داد. کشمکش درونی و نگرانی در آزمون دروغ سنجی تا حدودی گریزناپذیر است و می‌توان انتظار داشت واکنشی هر چند جزئی از سوی آزمون‌شونده در طول آزمون بروز کند (تینر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۵۵).

روش‌های دروغ سنجی به دو دسته کلاسیک و نوین تقسیم می‌شوند. روش‌های کلاسیک دروغ سنجی، شامل ارزیابی تعداد و نحوه تنفس حین کار با دستگاه، بررسی خاصیت گالوانیک پوست و بررسی فشار خون و ضربان قلب می‌باشد. روش‌های نوین دروغ سنجی با تجزیه و تحلیل فعالیت‌های مغزی در حین آزمون صورت می‌گیرد که یکی از این روش‌ها، اف ام ار ای<sup>۲</sup> است. این روش به معنای تصویربرداری از مغز با امواج نزدیک مادون قرمز، دروغ‌سنجی با استفاده از مؤلفه مغزی P300، دروغ‌سنجی با استفاده از مؤلفه مغزی سی ان وی<sup>۳</sup> و برخی روش‌های دیگر که نتایج حاصل از آنها نسبت به روش‌های کلاسیک دروغ سنجی از درصد اطمینان و صحت بالاتری برخوردار است. یک عصب شناس معتقد است که امروزه توافقاتی وجود دارد، مبنی بر اینکه روش‌های قدیمی دروغ سنج مثل آزمایش دروغ سنج دیگر مؤثر نیستند و کارایی لازم را ندارند (راجو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹: ۶۰).

<sup>۱</sup> Teubner

<sup>۲</sup> FMRI

<sup>۳</sup> CNV

<sup>۴</sup> Raju

اسکن مغز، امکان مشاهده بلادرنگ هرگونه فعالیت مغزی افراد را به دانشمندان می‌دهد. برخی به این نتیجه رسیده‌اند که هنگامی که فرد دروغ می‌گوید، فعالیت مغزی او نسبت به هنگامی که راست می‌گوید بیشتر است (همان).

### ۲-۲-۲-۲ نقض حریم خصوصی در آزمون دروغ سنجی

پیشرفت خیره کننده بشر در تکنولوژی اطلاعات، قدرت جمع‌آوری، ذخیره و تبادل انواع اطلاعات را افزایش داده است. این تکنولوژی، در کنار دستاوردهای مثبت، تهدیدها و آسیب‌هایی هم متوجه آزادی و حریم خصوصی انسان نموده است، دروغ‌سنج نیز به عنوان یکی از محصولات عصر تکنولوژی که استفاده از آن در برخی کشورها (مانند ایالات متحده آمریکا) معمول است، نگرانی‌هایی را در باب تجاوز به حریم خصوصی افراد در جامعه جهانی پدید آورده است، پیشرفت‌های تکنولوژی عصب‌شناسی نیز در زمره پیشرفت‌های قرن اخیر است که توانایی تصویربرداری از مغز برای پی بردن به حالات ذهنی خودآگاه و ناخودآگاه افراد را بدون اجازه یا آگاهی ایشان افزایش داده است (توبنر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۴۴).

طبیعتاً این پیشرفت‌ها نگرانی‌هایی را در باب مسأله حمایت از حریم خصوصی به وجود آورده است که لازم است دولت‌های مردم سالار با سازماندهی راه‌کارها و تضمینات حقوقی نسبت به این مسأله واکنش مقتضی نشان دهند. به برخی از جلوه‌های حریم خصوصی که در موارد استفاده از دروغ‌سنج مورد تعرض قرار می‌گیرند، اشاره شده است:

### ۳-۲-۲-۱ تفتیش عقیده

یکی از موارد نقض حریم خصوصی در آزمون‌های دروغ سنجی، “تفتیش عقیده” است. تفتیش عقیده به طور کلی براساس آموزه‌های حقوق بشر و نیز قوانین اساسی کشورهای مختلف ممنوع است، عقیده یکی از جلوه‌های روشن حریم خصوصی است. به همین لحاظ، یکی از جنبه‌های حمایت از حریم خصوصی، مورد حمایت قرار دادن افکار و عقاید انسان‌هاست. بدین معنا که انسان‌ها اختیار دارند افکار و مکتوبات خود را فقط با میل و اراده خود، به هر نحو و به کسانی که می‌خواهند اظهار کنند. در کشور ایران، اصل ۲۳ قانون اساسی به حمایت از افکار و عقاید افراد پرداخته است و مقرر می‌دارد: “تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد” کشف عقیده و افکار اشخاص لزوماً از طریق اجبار فیزیکی صورت نمی‌گیرد. در روند تفتیش عقیده، حتی اگر اجبار محسوس و مشخصی در کار نباشد، اما از روش یا وسیله‌ای استفاده شود که جنبه‌های پنهان شخصیت فرد را بدون رضایتش آشکار سازد، مانند استفاده از دستگاه‌های دروغ‌سنج با برخی تست‌های پیچیده شخصیت، باز هم نقض حریم خصوصی تحقق یافته است، به همین دلیل، در برخی از کشورها استفاده از چنین تست‌ها و دستگاه‌هایی ممنوع اعلام شده است (محسنی، ۱۳۸۹: ۴۴).

### ۳-۲-۲-۲ افشای سوابق شخصی

تکنولوژی دروغ سنجی یک فرد را وادار می‌کند که خود را مقصر و گناهکار قلمداد کند و به اعمال گذشته‌اش که چه بسا ضرورتی به افشای آنها نیست، اعتراف کند. سپس آزمون‌گران و افراد مافوق آنان تصمیم می‌گیرند

<sup>۱</sup> Teubner

که آیا این اطلاعات خفت آور و رسواکننده را به سایر نهادها و ادارات ارائه دهند یا خیر. این مسأله که اطلاعات زیان آور و رسواکننده بدست آمده از یک آزمایش دروغ سنج می‌تواند در اختیار افراد و سازمان‌ها و شرکت‌ها قرار گیرد، به خصوص برای متقاضیان استخدام و کار در بخش دولتی یا خصوصی یک تهدید واقعی محسوب می‌شود، ضمن این که کاوش و تجسس در مسائل شخصی در یک آزمایش دروغ‌سنج، تجاوز به حق حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود (آقابابایی و احمدی ناطور، ۱۳۹۱: ۲۵).

### ۳-۲-۲-۳ تحقیقات خاص

یکی دیگر از موارد نقض حریم خصوصی، استفاده از فناوری دروغ سنجی در تحقیقات خاص مانند تحقیقات برای کشف جرم یا کشف تمارض و ... است. در خصوص استفاده از دروغ سنج در تحقیقات جنایی، این ابزار هنوز نتوانسته است اعتماد مراجع قضایی را به خود جلب کند و تنها به عنوان یک ابزار کمکی در تشخیص جرم مورد استفاده است. پیشرفت فناوری و استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی موجب گردیده است که میزان بالایی از امنیت اشخاص در جامعه به دلیل امکان سوء استفاده از این فناوری‌ها به مخاطره بیفتد، در شرایطی که از ابزارهای پیشرفته با قابلیت جمع‌آوری گسترده و دقیق اطلاعاتی استفاده می‌گردد، انتظار معقول و متعارف برای تضمین حمایت از آزادی شخصی و حریم خصوصی افراد از راه‌های گوناگون و از جمله پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای نقض آن افزایش می‌یابد، به کارگیری ابزار و فناوری‌های مختلف به منظور دستیابی به اطلاعات محرمانه و زوایای پنهان افکار و شخصیت افراد مانند هیپنوتیزم، تست های روان شناختی، دستگاه دروغ‌سنج و تعرض به آزادی فردی، ورود بی‌اجازه به خلوت افراد و به عبارتی نقض حریم خصوصی آنان است. در این گونه آزمایش‌ها سؤال‌هایی در مورد مذهب زندگی و تمایلات جنسی، عقاید سیاسی، مسائل نژادی و ... مطرح می‌شود که به عنوان مثال در تست‌های استخدام، معمولاً هیچ ارتباطی به عملکرد و نحوه انجام کار در سازمان و کارمندان مربوطه ندارد. این روش‌ها کاوش در اطلاعاتی است که سوژه تمایلی به ارائه آن نداشته و قبح آن، کمتر از نصب دوربین در خلوت افراد با خواندن نامه‌های الکترونیکی کارمندان برای جمع‌آوری اطلاعات درباره آنان نیست. تمامی اطلاعات جمع‌آوری شده به این شیوه‌ها، مسائلی خصوصی هستند که افراد، حق محرمانه نگهداشتن آنها را داشته و نقض آن غیراخلاقی است، بنابراین، نقض حریم خصوصی افراد با استفاده از وسایلی همچون دروغ‌سنج از طرف دولت‌ها با اهداف سیاسی و یا امنیتی، از طرف کارفرمایان، شرکت‌ها و یا مشاغل مختلف با اهداف استخدام بازاریابی، تجارت با رقابت، و از سوی افراد عادی به منظور باج خواهی، سرگرمی، ایجاد هیجان و ... با توجه به اعمال ارتكابی، انگیزه، میزان صدمه وارده، عرف، شرایط اجتماعی و انتظار معقول از حریم خصوصی، باید به دقت مورد جرم‌انگاری قرار گیرد، به نحوی که حداکثر حمایت ممکن در قوانین پیش بینی گردد. در نظام قضایی کشورهای مختلف، قوانین معدودی برای محدود یا ممنوع کردن استفاده از دروغ‌سنج در حوزه‌های مختلف وجود دارد. در حالی که جرم‌انگاری این مسأله و حمایت از حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد در مقابل آن، نیازمند دقت و توجه بیشتری از سوی قانونگذاران می‌باشد (خرسندیان، ۱۳۹۷: ۲۳).

### ۳-۳ تئوری روانشناسی کشف دروغ

آن‌چنان که بیان شد علم روانشناسی می‌تواند مبنای تحقیقات قضایی قرار گیرد. بسیاری از بازجویی‌ها بر مبنای همین علم است که جدای از منابع الکترونیکی همچون دستگاه دروغ‌سنج فعالیت می‌کنند. در این بخش به جزئیات بخش روانشناسی دروغ‌سنجی پرداخته شده است. البته با توجه به موضوع پژوهش که حقوقی می‌باشد، ورود به جنبه‌های تخصصی روانشناسی خارج از حوصله پژوهش بوده و لیکن تنها جهت معرفی و ارتباط با بخش حقوقی بیان شده است.

#### ۳-۳-۱ نشانه‌های فریب

نخستین مرحله از بازجویی، شناسایی عوامل فریب است. در واقع بازجو می‌بایست با عوامل فریب آشنایی داشته و براساس آن، به صحت یک گفته شک کند. مجدداً تأکید شده که ورود به بحث‌های تخصصی روانشناسی خارج از محدوده پژوهش کنونی است و تنها جهت معرفی به مصادیقی از آن اشاره شده است (منفرد و شهلائی، ۱۳۸۵: ۳۳).

#### ۳-۳-۱-۱ زبان بدن

زبان بدن، انگشت‌ها، دست‌ها، بازوها و پاها و همچنین حرکات این اندام‌ها، احساسات واقعی را به خوبی آشکار می‌کند. بیشتر مردم نمی‌دانند که بدن‌شان با زبان خاص خود با آنها صحبت می‌کند، بنابراین می‌کوشند با کلماتشان افراد را فریب دهند، اما حقیقت همیشه می‌تواند به راحتی آشکار شود (همان).

#### ۳-۳-۱-۲ حالات اصلی: هماهنگی و تضاد

حالات اصلی هماهنگی و تضاد، باید ژست‌های افراد را به صورت مجزا و همچنین مرتبط با کلامی که فرد در حال بیان است، بررسی کرد. این قسمت، مرتبط است با رابطه کلام و ژست‌های مربوط به آن به علاوه، ناهماهنگی آشکار مانند تکان دادن سر به اطراف، در حالی که فرد جواب مثبت می‌دهد، نشانه‌ای بسیار ظریف و زیرکانه، ولی در واقع علامتی از وجود فریب است. این حرکات، هم به صورت ارادی و هم به صورت غیرارادی اتفاق می‌افتد (همان).

گاهی در تأکید بر مطلبی تلاش می‌شود، ولی چون ژست به آن تحمیل شده، طبیعی به نظر نمی‌رسد. وقتی شخصی می‌داند که به دنبال چه چیزی است، ژست مربوطه، بی‌درنگ آشکار شده و به کمکش می‌آید. ناهماهنگی بین ژست‌ها، کلمات و احساسات نیز نشانه‌های مهمی است، زیرا با پیامی دوگانه مواجه است، مانند اینکه زنی هنگام لبخند زدن، همزمان به درستی که همسرش او را ترک کرده، اظهار تأسف می‌کند. می‌بایست مراقب ابراز واکنش اولیه فرد بود. این ابراز اولیه احساسات واقعی است و شاید تنها کمتر از یک ثانیه طول بکشد. توجه شود که فقط با شخص آن را مخفی نکرده می‌توان واکنش را مشاهده کرد. حتی اگر شخصی قادر به درک نمایش چنین احساس گذرای نباشد، این واقعیت که احساس فرد تغییر کرده، خود دلیلی کافی برای ساختگی بودن این احساس اوست (همان).

### ۳-۱-۳-۳ تعامل اجتماعی اشخاص

شخصی می‌خواهد از نگرش فردی در مورد خود او و رابطه‌اش با محیط اطراف آگاه شود. اینکه شخص در مورد آنچه می‌گوید چگونه رفتار می‌کند، نشانه خوبی از درجه آرامش اوست. در اصل، اعتقاد بر این است که وقتی شخصی به اشتباه متهم می‌شود، حالت تدافعی به خود می‌گیرد. در واقع، فقط شخص خاصی حالت تدافعی به خود می‌گیرد. کسی که بی‌گناه است، معمولاً حالت تهاجمی از خود نشان می‌دهد. اگر ماری و جان (اسم اشخاص) در جروبحث باشند و ماری، جان را در موردی متهم کند، طبیعتاً جان به طور خودکار ژست تدافعی به خود نمی‌گیرد. اگر جان واقعا بی‌گناه باشد، به چیزی که ماری می‌گوید اعتراض می‌کند، بعد حالتی تهاجمی به خود می‌گیرد. نکات بعدی به تفاوت‌های این در حالت ذهن اشاره دارد (لیبرمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۴۳).

### ۳-۱-۳-۴ بیانات

به گفته یکی از اندیشمندان "آنها بیان شده مضمون واقعی کلام، خبیانه‌ترین دروغ‌ها، اغلب در سکوت گفته می‌شود". اولین واژه‌هایی که برای بیان احساسات از آنها استفاده می‌شود، پنجره‌ای به روی احساسات واقعی باز می‌کنند. هنگامی که تصمیم گرفته می‌شود، کی را فریب دهد، از لغات، جملات و رفتارهای معینی استفاده می‌شود که گمان می‌شود حقیقت را با پیام منتقل می‌کند. در مورد روش‌های گوناگون از کلامی یا غیرکلامی فکر می‌شود که می‌شود آن را تأکید کرد. اینکه چه روشی برای بیان و ابراز به کار برده شود، نشانه این است که تا چه حد به مطلبی که گفته می‌شود، اعتقاد و باور وجود دارد، اختلافات ظریفی بین حقیقت و دروغی که سعی می‌شود راست به نظر رسد، وجود دارد. واژگانی که برای بیان و ابراز پیام خود از آنها استفاده می‌شود، خیلی بیشتر از آنچه گمان می‌شود، احساسات واقعی را نمایان می‌کند (همان).

### ۳-۱-۳-۵ بیان مطلب

یکی از اندیشمندان بیان داشته که "چه سودی در دروانی است، وقتی حقیقت به خوبی همان هدف را می‌رساند". همین اندیشگر بیان می‌کند که آرایشگری را می‌شناسم که بعد از انجام کارش برای دریافت انعام دست توی کیف مشتری مونث می‌کند و هیچ کس هرگز از دست او عصبانی نمی‌شود، زیرا این کار را با چنان معصومیتی انجام می‌دهد که ناچار خنده‌تان می‌گیرد. روش او باعث می‌شود که این عمل متفاوت به نظر برسد (همان).

دو فروشنده می‌توانند تمام کتاب‌های بازاریابی را مطالعه کنند و همه فوت و فن فروش را یاد بگیرند، با این حال، یکی از آنها خیلی بیشتر از دیگری در فروش موفق می‌شود. با این که هر دو از کلمات مشابهی استفاده می‌کنند، این الفاظ پیام‌های متفاوتی را منتقل می‌کند. چگونگی گفتن مطلب به اندازه اینکه چه چیزی گفته شود، مهم است (همان).

تأکید بر قسمت‌های مختلف جمله، معانی کاملاً متفاوتی را می‌رساند. به جمله: "میشل در حال دزدی از رئیس دستگیر شد" توجه شود، با تأکید روی قسمت‌های گوناگون، می‌توان چند نوع معنی مختلف از آن برداشت کرد.

<sup>۱</sup> Lieberman

|      |             |    |      |        |    |
|------|-------------|----|------|--------|----|
| میشل | در حال دزدی | از | رئیس | دستگیر | شد |
| الف  | ب           | پ  | ت    | ث      | ج  |

الف: با تأکید بر روی میشل، اهمیت این که چه کسی دزدی کرده است، نشان داده می شود.  
 ب: تأکید بر در حال دزدی، نشان می دهد که دزدی، جزء خصائل و اخلاقیات میشل نیست.  
 پ: تأکید بر روی از، نشان دهنده این است که دزدی میشل از رئیس خودش عجیب به نظر می رسد.  
 ث: تأکید بر کلمه رئیس، نشانگر این مطلب است که دزدی میشل از هر رئیسی عجیب است.  
 ت: تأکید بر دستگیر، نشان می دهد که دستگیری او غیرمتعارف است.  
 ج: تأکید بر شد، توجه شنونده را به این موضوع که این عمل در گذشته اتفاق افتاده، جلب می کند.  
 این بخش به کندوکار در مورد ظرایف ارتباط می پردازد. بازجو متوجه می شود که چگونه افکار پنهان گوینده، همیشه به طرز بیان کلمات وابسته است.

### ۳-۱-۶ شرح حال روانشناختی

این نکات مربوط به این است که دروغگو چگونه فکر می کند و چه عناصری از داستانی که می گوید گم می شود. او فریب را در ذهن خود می پرورد. اینکه مردم چه دیدی از دنیا دارند، اغلب نشان دهنده این است که آنها خود را چگونه می بینند. اگر فکر می کنند دنیا گردابی پر از دروغ و فریب است، چه با خود نیز پر از دروغ و فریب باشند. می بایست مراقب افرادی بود که همیشه می گویند دنیا چقدر فاسد شده است. ضرب المثلی قدیمی می گوید: "مدتها طول می کشد تا بتوان کسی را شناخت". مخصوصاً اگر شخص فردی را ناگهان به دروغگویی متهم کرد، آن فرد باید از خود بپرسد: "چرا او این قدر بدگمان است"، در روانشناسی از این موضوع به عنوان فرافکنی نام برده اند. در واقع به همین دلیل هنرمند قلبی اولین نفری است که دیگری را به فریب متهم می کند. اگر مدام از یک نفر در مورد انگیزه ها و فعالیت هایش سؤال می شود، باید زنگ خطری در ذهنش به صدا درآید. چند وقت یک بار شنیده می شود مردحسودی مدام نامزدش را به خیانت متهم می کند تا بفهمد خودش در موردی که دختر را متهم می کند چقدر مقصر به نظر می رسد (بالمر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۵۵).  
 همچنین اگر این فرد همیشه می پرسد که آیا او را باور دارید یا نه؟ باید مراقب بود. همینطور مراقب شخص بدبین و بدگمانی باشید که احساس می کند همه می توانند دست او را بخوانند و در مورد ظاهر راستگوی خود مرنبا سوال می کنند. اگر جواب شما نشان دهنده نظر واقعی شما نباشد، شخص فریبکار ممکن است از شما بپرسد حرف منو باور نمی کنی، می کنی؟ (همان).  
 در این مورد قاعده کلی خوبی وجود دارد: "اکثر افرادی که حقیقت را می گویند، انتظار دارند که دیگران آنها را باور کنند".

<sup>۱</sup> Balmer

### ۳-۱-۷ نشانه های عمومی فریب

مطالب زیر شامل نکاتی درباره فریب است که می‌توان با اطمینان زیاد جداگانه با با همراهی نکات دیگر استفاده کرد: (جرجی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۶۰).

آخ جون. واقعا خوشحالم که موضوع تمام شد.

زمانی که در یک گفت‌وگو، موضوع عوض می‌شود، دقت شود و به مطالب گوش فرا داده شود. آیا فرد خوشحال-تر می‌شود؟ آیا آرامش بیشتری پیدا می‌کند؟ حتی ممکن است لبخندی بزند و با خنده‌ای عصبی سردهد. به حالت بدن او توجه شود. آیا آرام‌تر می‌شود و کمتر حالت تدافعی به خود می‌گیرد؟ اینکه یک افشاگری، چقدر سریع و به صورت ناگهانی، خلق‌وخو و حالت فرد را تغییر می‌دهد، نشانگر ناراحتی او از موضوع طرح شده است. توصیه شده که او را امتحان کنید که چقدر سریع صحبت را عوض می‌کند. اگر فرد در موضوع شرم‌آوری متهم شده که بیگناه است، رنجیده می‌شود و اصرار می‌کند کندوکار بیشتری در موضوع، چه در همان زمان یا در آینده انجام شود. می‌بایست به یاد داشت که شخص خاطی مایل است موضوع عوض شود، اما بی‌گناه، همیشه تمایل دارد که حرف‌های بیشتری مطرح شود (همان).

### ۳-۲-۲ دروغ سنجی

نشانه‌های فریب که در قسمت قبل توضیح داده شد، ابزاری برای تشخیص دروغ است. لذا با هدف کاربردی نمودن آنها، این بخش ارائه گردیده است.

### ۳-۲-۳-۱ فاز اول: حمله، سه مرحله‌ای مقدماتی

گاهی این تکنیک خودش به تنهایی جرم را نمایان می‌کند، اما اگر نکرد، بازجو، اهرمی از دست نداده است و می‌تواند به مرحله دوم برود. این مقدمات می‌تواند به عنوان محک آسیب‌پذیری شخص به کار گرفته شود و میزان دلواپسی او را در موضوعی خاص نشان دهد (هول<sup>۲</sup> و ویتریل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷: ۶۰).

### ۳-۲-۳-۲ فاز دوم: حمله یازده مرحله‌ای

این مرحله شامل یک نتیجه مستقیم و ده نتیجه دیگر است. از هر کدام که مناسب‌تر است، استفاده می‌شود. این مراحل که به دقت نگاشته شده است، بازجو را در بهترین موقعیت ممکن برای کشف حقیقت قرار می‌دهد. دریافته می‌شود که عبارت‌پردازی خواست بسیار مهم است، یعنی آنچه مقدم بر درخواست است و نیز چیزی که به دنبال آن می‌آید، شرایط و موقعیت همه چیز است (همان).

### ۳-۲-۳-۳ فاز سوم: یازده گلوله نقره‌ای

در این باره چنین بیان شده که "اگر هنوز راضی نیستند، این‌ها را شلیک کنید. شاید شخص هنوز اعتراف نکرده باشد، ولی می‌دانید که او با شما صادق نبوده است". اگر احساس می‌کنید به شما دروغ گفته اما هنوز کاملاً

<sup>۱</sup> Georgi

<sup>۲</sup> Howells

<sup>۳</sup> Weatherill



اعتراف نکرد. این مرحله راهی به شما نشان می‌دهد که بتوانید حقیقت را کشف کنید. با این که این گلوله‌ها می‌تواند به هر ترتیبی شما می‌خواهید شلیک شود ولی برخی بر بعضی دیگر برترند. بنابراین آن را که با شرایط و موفقیت سازگارتر است، زودتر انتخاب کنید (همان).

### ۳-۳-۳ تاکتیک‌های شناسایی فریب و جمع‌آوری اطلاعات در گفت‌وگوهای دوستانه

یکی از اندیشمندان در این باره گفته است که "حقیقت اولین قربانی گفتمان اجتماعی است". وقتی فردی دروغ می‌گوید و بازجو مطمئن است و بازجویی کامل هم ممکن نیست، اقداماتی می‌بایست صورت پذیرفته شود. بازجوهای حرفه‌ای معمولاً از در دوستی وارد شده و به اصطلاح از زیرزبان حرف می‌کشند. مراحل چنین اقدامی به شرح ذیل می‌باشد.

#### ۳-۳-۳-۱ پرسش از جزئیات

در طول گفت‌وگو به راحتی سوالات کلی و واضحی در مورد سوءظن پرسیده می‌شود. تا فرد مقابل شروع به یادآوری اطلاعات کند. اگر دارد حقیقت را می‌گوید، سریع و راحت جواب می‌دهد. اگر دروغ می‌گوید، نکاتی که در مورد فریب وجود دارد، برای کشف حقیقت به بازجو کمک می‌کند. مهم‌تر از همه، توجه شود که چه مدت طول می‌کشد تا او اطلاعات را به یاد آورد. اگر دارد دروغ می‌گوید، برای جواب مدتی مکث می‌کند، زیرا در ابتدا مجبور است، پاسخش را در ذهن مرور کند تا مطمئن شود منطقی است. داستان‌های دروغین، فاقد جزئیات است، زیرا هرگز اتفاق نیفتاده است (ماسیپ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۰).

توصیه شده که سؤالاتی بپرسید که به شما پاسخ‌های عینی بدهند، نه جواب‌های ذهنی. برای مثال، اگر فکر می‌کنید کارمندی در منزل بوده و به جای آن به شما گفته به تعطیلات رفته است. از او نپرسید از آب و هوای فلوریدا لذت برده است یا خیر؟ معمولاً جواب این نوع سوالات وقت زیادی از مردم می‌گیرد. به جای آن، این سؤال را بپرسید: ماشین اجاره کرده بودی؟ به طور اتفاقی، سؤالات مشابه بیشتری بپرسید و تا پاسخ بله به هر سؤال داد جزئیات بیشتری بپرسید. اگر دروغ بگوید، می‌کوشد پاسخ‌های کوتاه و سراسر بدهد و وقتش را صرف جواب به سؤالات بعدی کند. مردم دوست دارند که در مورد خودشان صحبت کنند. تنها راهی که فرد دوست دارد موضوع بحث را عوض کند، این است که از سخن گفتن درباره آن احساس ناراحتی کند. اگر شما سوالات ساده و بی‌ضرر بپرسید، انتظار دارید که او به گفت‌وگو ادامه دهد نه که آن را قطع کند. اغلب مردم دوست دارند در مورد رستوران جدیدی که رفته‌اند، مسافرتشان و یا شغلی که آن را رد کرده‌اند و... زیاد صحبت کنند، وگرنه، یقیناً دروغ می‌گویند لذا شما به پرسش ادامه دهید (همان).

#### ۳-۳-۳-۲ بازی‌های ذهنی

جمله‌ای ارزشمند از اندیشمندان بزرگ روانشناسی می‌گوید که "من با واشنگتن فرق دارم، من استاندارد بالاتر و بهتری در اصول اخلاقی دارم. واشنگتن نمی‌توانست دروغ بگوید. من می‌توانم، اما نخواهم گفت" این بخش دو ابزار بسیار قدرتمند ارائه می‌کند. اولین ابزار نشان می‌دهد که چگونه در همان مرحله اول فریب مانع فریب

<sup>۱</sup> Masip

خوردن شد. دومی نیز یاد می‌دهد که چگونه از نیت واقعی اشخاص در شرایط مختلف آگاه شد (لیبرمن، ۱۹۹۹: ۷۰).

بهترین دفاع، حمله خوب است. زمانی که دروغ می‌گویند، می‌توان به سادگی به کمک تکنیک‌هایی که آموخته شده، حقیقت را دریافت. البته، بهترین زمان درگیر شدن با دروغ، پیش از شنیدن آن است. این روش زمانی استفاده می‌شود که بازجو می‌خواهد حقیقت را نسبت به رفتار قبلی فرد دریابد. در اینجا یک سناریوی احتمالی وجود دارد: مادری مظنون شده که پسر دوازده ساله‌اش سیگار می‌کشد. روش‌های برخورد با مسئله به ترتیب، از بدترین تا بهترین طبقه‌بندی شده‌اند.

الف: "تو سیگار می‌کشیدی؟ اگه بفهمم می‌کشم." این برخورد وحشتناک است. اما متأسفانه متداول‌ترین روش است. هنگامی که مادر عصبانی است، با تهدید به تنبیه و مجازات، پسر را مجبور به اعتراف می‌کند. این روش هر نوع انگیزه را برای اعتراف از بین می‌برد و چه بسا فرزند، دروغ بگوید.

ب: "تو سیگار می‌کشی، مگه نه؟" این برخورد کمی بهتر است. زیرا نشان می‌دهد که مادر، دلیل یا شواهدی برای اثبات حرفش دارد. این برخورد گاهی جواب می‌دهد. ممکن است کودک نخواهد دروغگویی را به عمل بسیار زشت سیگار کشیدن اضافه کند.

پ: "می‌خواهم در مورد کشیدن سیگار با تو صحبت کنم." این روشی است که آن را پیشرفته‌ترین برخورد ممکن و متصور دانسته‌اند. کودک احساس می‌کند که مادرش از قبل می‌داند که او سیگار می‌کشد. تمرکز و کانون درخواست توجه بحث کردن روی موضوع می‌شود، نه خود آن. امکان دارد مادر جواب بگیرد نمی‌خواهم در موردش حرف بزنم. که به هر حال، حتی در این جمله، حقیقت برملا شده است.

ت: "من همه چیز رو در مورد سیگار کشیدن و مخفی کردن اون می‌دونم. می‌دونی، من از این موضوع خوشحال نیستم، ولی می‌خوام بهم قول بدی تا به سن بیست و یک سالگی نرسیدی، مشروب نخوری."

این بهترین روش برخورد از چهار مورد فوق است، زیرا به جهات بسیاری توجه دارد. اولاً، یک موضع است؛ مادر همه‌چیز در مورد سیگار کشیدن را می‌داند. ثانیاً، از در حقیقت بدیهی استفاده می‌کند. جملاتی مانند مخفی کردن موضوع و می‌دونی که من از این موضوع خوشحال نیستم، حال و هوای گفت و گو را به صمیمیت هدایت می‌کند. کودک دو چیز می‌شنود که می‌داند حقیقت دارد: یکی این که عمل خود را مخفیانه انجام داده و دیگر، این که مادر از این موضوع ناراحت است. بنابراین او مایل است با روی باز هرچه را که اتفاق می‌افتد بپذیرد. ثالثاً، مادر دیگر سخت‌گیری نمی‌کند. تنها کاری که کودک باید انجام دهد، این است که قول دهد مشروب نخورد و آنگاه در خانه آزاد است و تهدید و مجازاتی وجود ندارد. جز جملاتی صادقانه به همراه گرفتن یک قول واقعی.

رهنمودهایی که باید در این مرحله به یاد داشت، از قرار زیر است: (همان).

- ۱- فرض بگیرید شک شما واقعیت دارد.
- ۲- حداقل دو موضوع بدیهی را بیان کنید (موضوعاتی که فکر می‌کنید هر دو واقعی بودن را می‌دانید).
- ۳- به جای تهدید درخواست کنید. درخواست شما باید برای فرد مقابل منطقی و قابل قبول باشد.

### ۳-۳-۴ تکنیک‌های پیشرفته دستیابی به حقیقت

با جمع‌بندی مسائلی که تاکنون گفته شد، پیشرفته‌ترین تاکتیک‌های دستیابی به حقیقت در بخش انتهای بیان شده است. در این باره یکی از اندیشمندان می‌گوید که "دروغ مصلحتی زیاد، به تلقب منجر می‌شود" این بخش پیشرفته‌ترین تکنیک‌های دستیابی به حقیقت را در اختیار بازجویان قرار می‌دهد. با استفاده از هیپنوتیزم و سیستمی که آن را خراب، نگاری نامیده‌اند، می‌توان مستقیماً در گفت‌وگو بدون اینکه فرد آگاه باشد، به ذهن ناخودآگاهش فرمان رانید. با استفاده از این تکنیک می‌توان به مؤثرترین نحوه دیگران را وادار به گفتن حقیقت نمود. این تکنیک‌ها استثنایی است، لذا می‌بایست آنها را با استدلال و احتیاط به کار برد. دستورات پنهان این تکنیک برای این است که پیشنهادها، مستقیماً در ضمیر ناخودآگاه فرد کاشته شود، دستوره‌های پنهان یعنی دستوراتی که در یک جمله گنجانده شده است. این دستورات می‌تواند به همراه مراحل حمله و گلوله‌های نقره‌ای استفاده شود. دستورات پنهان با حروف مورب در جمله زیر نشان داده شده‌اند (کادر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۰).

"این که حقیقت را بگویی یا حقیقت را نگویی کاملاً به تو بستگی دارد."

این مرحله به صورت کلی در سطح ناخودآگاه ذهن دریافت می‌شود. دستور "حقیقت را بگو" مستقیماً به سطح ناخودآگاه ذهن می‌رود. این تکنیک بسیار ساده است و تنها دو معیار دارد. ابتدا برای تأثیر بیشتر، دستور باید با یک فعل عملی شروع شود، زیرا بازجو به مغز می‌گوید کاری انجام دهد. دوم، تمام دستور باید از بقیه جمله با چیزی که علامت مشابه نامیده می‌شود، جدا باشد. عبارت دستور با یکی از روش‌های زیر شروع می‌شود:

- ۱- در حال دستور دادن، شدت صدای تان را کاهش یا افزایش دهید.
- ۲- درست قبل و بعد از دستور، مکثی کوتاه کنید. برای مثال، آگاهی ما فقط... محور می‌شویم... از آنچه می‌خوانیم.
- ۳- اشاره با دست در حال دستور دادن، موقتا ذهن هشیار و آگاه را مختل می‌کند، و بعد جمله پنهان توسط ذهن ناخودآگاه به صورت یک دستور، دریافت می‌شود. شما به یک زن آشکار با مکث طولانی نیازی ندارید. این موضوع شخص را گیج می‌کند و از خود می‌پرسد شما چه کار می‌کنید. هدف، معمولی و راحت به نظر رسیدن است.

این روال کمک می‌کند تا شخص با گفتن حقیقت آرامش بیشتری پیدا کند. این کار با تقسیم فرد به دو انسان مجزا صورت می‌گیرد، البته نه با اره برقی. در واقع بازجو ذهن شخص را تقسیم می‌کند و دو قسمت حاصله را مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.

فرد قدیمی است که بر علیه فرد جدید که هرگز صدمه‌ای نمی‌زند، دروغ می‌گوید. این مرحله، از گناه فرد مورد نظر به شدت می‌کاهد، زیرا دیگر احساس نمی‌کند که باید اعمال امن قدیمی را توجیه کند. روند تفکیک در درمان بیماری فوبیها بسیار مؤثر عمل می‌کند.

### ۳-۳-۴-۱ علائم بصری

تکنیک علائم بصری بر مبنای اصول زیر عمل می‌کند: (الهداد<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۰).

<sup>۱</sup> Kader

<sup>۲</sup> Elhadedy

هنگامی که شخصی فکر می‌کند، بسته به اطلاعاتی که دنبال آن است، به قسمت‌های مختلفی از مغزش دسترسی پیدا می‌کند که می‌توان این روند را با نگاه به چشمانش دریافت. افراد راست دست، خاطرات بصری را با حرکات چشم‌ها به بالا و چپ به یاد می‌آورند. در افراد چپ دست، برعکس، چشم‌ها به بالا و راست می‌رود. وقتی شخص راست دست می‌خواهد تصویر با واقعیتی را ایجاد کند، چشمانش به سمت بالا و راست می‌روند و عکس این موضوع برای افراد چپ دست صادق است.

### ۳-۴-۳-۲ تداعی حقیقت

پاولف در طول آزمایش‌هایش، با لوله‌ای که طراحی کرده و در دهان سگ قرار داده بود، غذای پودر شده را به دهانش می‌ریخت تا بتواند میزان بزاق دهان سگ را که از لوله‌ای خارج می‌شد، اندازه بگیرد. اما بتدریج پاولف متوجه شد فقط زمانی که او وارد اتاق می‌شود، سگ بزاق ترشح می‌کند. ترشح بزاق سگ نمی‌توانست واکنش غیرارادی باشد. زیرا دفعات اول که پاولف وارد اتاق می‌شد، چنین اتفاقی نمی‌افتاد، بلکه ترشح وقتی اتفاق می‌افتاد که ظاهر پاولف برای سگ تداعی غذا می‌کرد. درست است، ظاهر پاولف به اتفاقی در آینده یعنی غذا مربوط می‌شد. او این عمل را واکنش ذهنی با واکنش شرطی نامید. کم کم با ترجمه‌ای غلط، آن را پاسخ شرطی نام دادند (همان).

### ۳-۴-۳-۳ بهشت و جهنم

این تکنیک، آخرین حربه است. با این امید و انتظار که همه این مراحل، با داوری عقل سلیم و نزاکت همراه باشد. از هیپنوتیزم می‌توان برای درمان فوبیا، اضطراب و حملات ترس، استفاده کرد. این تکنیک برای القای این است که ترس از فریب، نگرانی فزاینده به وجود می‌آورد. اگر فریب با درد همراه باشد و لذت، با حقیقت، آنگاه اعتراف به حقیقت تنها راه کاستن درد است (بوستامنه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۴۰).

ما از فرایندی مانند تداعی استفاده می‌کنیم، بجز زمانی که مسئله‌ای بد و دردناک برای شخص اتفاق می‌افتد، مثل اینکه پایش را به زمین بکوبد و با همسایه خود جروبخت کند، در اینجا بازجو باید تداعی کننده به کار ببرد. هر وقت که او مایوس با عصبانی شود، تداعی گر را به کار ببرد، بعد سؤال را بپرسد و اگر به جواب مطلوب نرسید و احساس کرد دروغ می‌گوید، آنگاه تداعی کننده درد را به کار ببرد. او سریعاً از دروغ گفتن به بازجو درد را تداعی می‌کند که تنها راه کاستن آن، اعتراف به حقیقت است. برای تداعی بیشتر از یک تداعی گر متفاوت که به تجربیات خوشایند فرد مربوط باشد، مانند تفریح، غذا خوردن، استراحت و غیره... استفاده شود.

### ۳-۴-۳-۴ توصیه به بازجوها در مورد رفتار متهم

نود درصد تصمیماتی که می‌گیریم بر پایه احساسات است. سپس از منطق برای توجیه آنها استفاده می‌کنیم. اگر براساس یک مبنای محکم منطقی از کسی درخواست کنید، شانس بسیار کمی در متقاعد کردن او دارید. اگر چون به حقیقت نرسید، بگویید "صداقت بهترین سیاست است" یا "دروغ فقط همه را آزار می‌دهد"، نمی‌

<sup>۱</sup> Bustamante

توانید کسی را تحت تأثیر قرار دهید. شما باید منطق و طرز فکر معقول را به جمله‌ای احساسی برگردانید و به شخص، امتیازات مستقیمی بدهید تا اعتراف کند (وانگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۸۸).

برای مثال، مادری که با کودکش صحبت می‌کند ممکن است بگوید وقتی دروغ می‌گی، منو می‌رنجونی. می‌خواوم بتونم بهت اعتماد کنم. اعتماد کردن به تو یعنی تو مسئولیت بیشتری داری، می‌تونی بیشتر کیف کنی، مثلاً زیاد بخوابی و یا با دوستت بری باغ وحش، شما باید امتیازات ویژه‌ای پیشنهاد کنید که با احساسات شخص جور درآید. مرحله‌های حمله و گلوله‌های نقره‌ای، همه احساسی است.

اینکه ما چگونه با یک خبر خوب یا بد برخورد می‌کنیم، به چگونگی درک شخص از موضوع بستگی دارد. اگر شخص به صورت غیر عادی در مورد موضوعی افسرده شود، معمولاً علت آن سه نوع تغییر ذهنی است. (۱) فرد احساس می‌کند که این موقعیت دائمی است؛ (۲) فرد موقعیت را بحرانی‌تر از آنکه هست می‌پندارد و (۳) فرد فکر می‌کند که این موضوع فراگیر است و به تمام حوزه‌های زندگی‌اش حمله و نفوذ می‌کند. هرگاه یک و یا همه این عقاید حاضر و برجسته شود، به صورت ناگواری نگرانی و ناامیدی فرد را افزایش می‌دهد (همان).

برعکس، هنگامی که فکر می‌کنیم مشکل موقتی، جدا از بقیه مشکلات و بی‌اهمیت است، خیلی نگران نمی‌شویم. با بزرگ و کوچک کردن مصنوعی این عوامل در ذهن دیگران، می‌توانید به سرعت رفتار آنها را نسبت به هر موقعیتی، چه مثبت و منفی، تغییر دهید.

وقتی فردی در موقعیت خود کاملاً تثبیت شد. فیزیولوژی او را می‌توانید تغییر دهید. حالت احساسی فرد مستقیماً به حالت فیزیکی او ربط دارد. اگر در یک موقعیت انکار با امتناع باشد، وادار کند بدنش را تکان دهد. این مسئله باعث می‌شود از حالتی به نام نقل شدن ذهن جلوگیری شود و وی آسان‌تر موقعیت روانی خود را تغییر دهد. اگر نشسته است، وادارش کنید بلند شود و دور اتاق قدم بزند، اگر ایستاده است، او را وادار کنید بنشیند. زمانی که بدن ما در یک حالت ثابت قرار دارد، همان‌طور ذهنمان می‌تواند بی‌تحرک و منجمد باشد. بدون دادن اطلاعات اضافی از کسی نخواهید تا عقیده‌اش را عوض کند. به یاد داشته باشید زمانی که با شخص صحبت می‌کنید، او با من خودش به شما گوش می‌دهد و شما باید آن را سازگار کنید. بسیاری از مردم تغییر عقیده و نظرشان را علامت ضعف می‌دانند. زیرا یعنی تسلیم شده‌اند و شما برده‌اید. بنابراین به جای اینکه از او بخواهید نظرش را عوض کند، اجازه دهید تا براساس اطلاعات اضافی تصمیمی جدید بگیرد. سیاستمداران میل وافر به این کار دارند، زیرا دوست ندارند هیچگاه بی‌برنامه به نظر برسند. آنها به ندرت می‌گویند که نظرشان را در مورد مسئله‌ای تغییر داده‌اند؛ به جای آن، می‌گویند که موقعیتشان تحول و تکامل پیدا کرده است، گویا از ابتدا برنامه‌ریزی‌اش را کرده بودند (همان).

برای مثال، می‌توان گفت "می‌فهمم چرا اونو گفتی، اما با توجه به این حقایق یک مقدار اطلاعات جدید برای توجیه تغییر ذهنیتش من فکر می‌کنم که تو به من به توضیح بدهکاری"

البته، نحوه معرفی اطلاعات جدید به او بسیار مهم است. هرچه اطلاعات جدیدتر باشد، یا جدیدتر به نظر برسد مؤثرتر است. اگر اطلاعات باعث شود تا موضوعی مطرح شود که چند وقت پیش اتفاق افتاده و او اصلاً خبر نداشته، مایل نیست تا در مورد ندانستن آن، احمق به نظر برسد. بنابراین، هرچه اطلاعات جدیدتر باشد، بررسی افکارش آسوده‌تر است.

گاهی لازم است برای رسیدن به راه حل، مشکل را بزرگ‌تر جلوه داد. مثلاً در کتاب مرجع بیان شده که "چند وقت پیش در منزل یکی از دوستانم، پسر ساله‌اش از این که چرا برای صبحانه بستنی ندارند، عصبانی بود. با

<sup>۱</sup> Wang

موافقت دوستم به پسرش گفتم: حق با توست، استوارت! تو حق داری به خاطر این موضوع دلخور بشی ولی عصبانیت دلیلی نداره. می تونی دو ساعت تمام، بگیری اونجا بشینی تا عصبانیت از بین برود. لازم به ذکر نیست که استوارت خیلی زود بر عصبانیتش فائق آمد" (همان).

### ۳-۴ ادله اثبات جرم در پلیس علمی

امروزه در جرم‌یابی روش‌های جدیدی برای اثبات قطعی وقوع جرم در سراسر دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد که نتایج آن می‌تواند در تعیین محکوم و تبرئه کردن متهمان، با اطمینان بسیار بالا به کمک پلیس علمی بیاید. افزایش دقت این روش‌ها باعث شده است به طور گسترده در تحقیقات جنایی مورد توجه قرار بگیرد و دادگاه‌ها نیز در بررسی‌های خود از این روش‌ها استفاده کنند. در بخش‌های پیشین در مورد روانشناسی بازجویی که بخش اعظم روش‌های نوین بازجویی را تشکیل می‌دهد، صحبت شد. اما دیگر بایسته‌های نوین در کشف جرم دخیل‌ند که در این بخش تحت عنوان پلیس علمی بدان پرداخته شده است.

### ۳-۴-۱ مفهوم پلیس علمی

براساس اهمیت موضوع جرم‌یابی، شاخه‌ای از علوم مربوط به علم جرم‌یابی تحت عنوان پلیس علمی<sup>۱</sup> یا پلیس تکنیک به علوم جدید افزوده گردید. امروزه بهره‌جویی از روش‌های علمی با تکیه بر فناوری‌های نوین شناخت قاضی را واقعی، عینی، مطمئن، بی‌طرفانه و قابل کنترل نموده است، برای تعریف پلیس علمی بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی گفته‌اند پلیس علمی به کشف بزه، شناسایی و تعقیب بزهکاران می‌پردازد. در نظر دیگر پلیس علمی رشته‌ای مرکب و مختلط از دانش‌های مهم روز است که در جستجوی شناخت حقیقت و چگونگی وقوع عمل مجرمانه با روش‌های علمی می‌باشد که از جمله وظایف پلیس علمی می‌توان به تشخیص هویت مجرمین از طرق گوناگون اشاره نمود. در اغلب کشورهای دنیا برای کشف علمی جرائم و تشخیص هویت، اداراتی را در سازمان پلیس ایجاد کرده‌اند؛ مانند اداره تحقیقات جنایی در پلیس کشور آلمان، اداره تحقیقات جنایی فدرال در ایالت متحده آمریکا و پلیس قضایی در سازمان پلیس کشور بلژیک. در کشور ایران نیز این وظایف بر عهده اداره آگاهی قرار داده شده که اخیراً به پلیس آگاهی تغییر نام یافته است (حمیدی نسب، ۱۳۹۷: ۴). البته هنوز، فاصله زیادی بین امکانات پلیس ایران با پلیس دیگر کشورها وجود داشته که نیاز به ارتقاء آن احساس می‌گردد.

### ۳-۴-۲ تشخیص هویت و بایسته‌های جدید مرتبط بدان

اداره تشخیص هویت در ایران بین سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ (ه.ش) زمان حضور مستشاران سوئدی در نظیبه با دو بخش انگشت‌نگاری تن‌پیمایی به عنوان شعبه هفتم تأمینات تأسیس شد که سنگ بنای اداره کل تشخیص هویت امروزی را تشکیل می‌دهد (همان).

در سال ۱۳۳۲ (ه.ش) با توجه به رشد جمعیت و تغییر وضعیت کشور و مجرمان، سازمان نوین تشخیص هویت به منظور جمع‌آوری پیشینه بزهکاران از طریق حفظ و نگهداری آثار انگشت آنان، تعیین هویت اجساد و اشخاص زنده، بررسی فنی صحنه جرم و اعمال روش‌های علمی و تجزیه و تحلیل آلات و اسباب به دست آمده

<sup>۱</sup> scientific police

از صحنه‌های جرم پایه‌گذاری شد و در آغاز توجه مسئولان معطوف به بخش انگشت‌نگاری بود. تاریخچه انگشت‌نگاری نیز از دست و پای انسان به ۴۰۰۰ سال قبل و به زمان ساخت اهرام مصر باستان باز می‌گردد (همان).

### ۳-۴-۳ سیستم‌های بیومتریک تشخیص هویت

سیستم‌های بیومتریک با گسترش روزافزون فن‌آوری اطلاعات در سال‌های اخیر از رشد بالایی در زمینه شناسایی و بررسی هویت برخوردار گشته‌اند. بیومتریک از دو کلمه یونانی bios (زندگی): کلمه rmetrics (تخمین) تشکیل شده است که به معنی استفاده اتوماتیک یا نیمه اتوماتیک از ویژگی‌های فیزیولوژیک با ویژگی‌های رفتاری که به بدن انسان بستگی دارند و برای تشخیص نیاز به تأیید هویت فرد می‌باشند. سیستم‌های بیومتریک براساس اطلاعاتی که از تفاوت‌های فیزیولوژیکی و رفتاری انسان‌ها به دست می‌آید و در هر شخص منحصر به فرد می‌باشد، عمل می‌کند. با عنایت به این خصوصیت برای شناسایی هویت اشخاص به وسایلی نیاز است که براساس ویژگی‌های بدن اشخاص آن‌ها را بازشناسی کند که از آن با عنوان تشخیص هویت در شاخه پلیس علمی یاد می‌شود (نجف زاده<sup>۱</sup> و اسدی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۱۸۰).

### ۳-۴-۳-۱ کارکرد سیستم‌های تشخیص هویت

یک سیستم بیومتری اساساً یک سیستم تشخیص الگو است که یک شخص را براساس بردار ویژگی‌های خاص فیزیولوژیک خاص یا رفتاری که دارد بازشناسی می‌کند، بردار ویژگی‌های پس از استخراج معمولاً در پایگاه داده ذخیره می‌گردد. تفاوتی که بین سیستم‌های تشخیص هویت و تأیید هویت وجود دارد، در این است که تشخیص هویت یک جستجوی یک در چند است و بدین صورت است که سامانه ابتدا باید مشخص کند که آیا فرد در بانک اطلاعاتی موجود است یا خیر و در صورت وجود فرد در بانک اطلاعاتی مشخص کند که این مشخصات شناسایی شده چه کسی است. در صورتی که سیستم تأیید هویت بررسی می‌کند که آیا فرد مطابق با هویت ادعا شده است یا خیر؟ تأیید هویت یک سیستم مقایسه یک به یک است؛ سامانه کد ورودی را با کد موجود و ادعا شده مقایسه کرده و بررسی می‌کند آیا تشخیص هویت داده شده درست است یا خیر؟ (همان).

### ۳-۴-۳-۲ بخش‌های سیستم تشخیص هویت

سیستم‌های تشخیص هویت دارای چهار بخش اسامی می‌باشند: (حمیدی نسب، ۱۳۹۷: ۵).

- بلوک سنسور: که کار دریافت اطلاعات بیومتری را بر عهده دارد.
- بلوک استخراج ویژگی‌ها: قسمت پردازش برای استخراج ویژگی‌ها از اطلاعات مرحله قبل.
- بلوک مقایسه: کار مقایسه بردار حاصل شده با قالب‌ها را بر عهده دارد.
- بلوک تعمیم: هویت را شناسایی می‌کند که با هویت را قبول یا رد می‌کند.

<sup>۱</sup> Nadjafikhah

<sup>۲</sup> Asadi

### ۳-۴-۳ انواع سیستم‌های تعیین هویت

سیستم‌های تعیین هویت به طور کلی بر اساس ۱- متعلقات، ۲- دانش و شناخته ۳- ویژگی‌های فردی مشخص بنا شده است، تقسیم می‌شوند (همان).

از جمله خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی که انسان می‌تواند به عنوان یک ویژگی در بیومتری به کار ببرد عبارتند از:

- عمومی بودن.
- متفاوت بودن.
- دوام داشتن.
- قابل به دست آوردن.

اهم مزایای سیستم‌های تشخیص هویت عبارت‌اند از: (همان).

- در سامانه‌های بیومتریکی امکان تقلب در آن‌ها بسیار کم است و می‌توانند به عنوان سامانه‌های ایده آل تشخیص هویت مورد استفاده قرار گیرند.
- در سیستم‌های تشخیص هویت نیازی به این که شخص اطلاعاتی را حفظ و یا یادآوری کند و یا اینکه چیزی را به همراه خود داشته باشد نیست.
- سیستم‌های تشخیص هویت با ارائه کارکرد بهتر هزینه‌های و بالاتر خود را جبران کرده است.

از جمله مزایای روش‌های تشخیص هویت نوین با سنتی عبارت است از: (همان).

۱. فرض داده نمی‌شود.
۲. دزدیده نمی‌شود.
۳. کم یا فراموش نمی‌شود.
۴. خراب نمی‌شود.

### ۳-۴-۴ شیوه‌های نوین تشخیص هویت در پلیس علمی

یکی از مباحث مهم در جامعه امروزی که دغدغه بسیاری از کارشناسان و همچنین کاربران می‌باشد، بحث امنیت و تشخیص و تأیید هویت است. امروزه شیوه‌های مختلفی برای تشخیص هویت بیومتریک استفاده می‌شود که شامل سه دسته کل می‌باشد: (فیشر<sup>۱</sup> و توبنر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۵۵).

### ۳-۴-۴-۱ تکنیک‌های بیومتریک فیزیولوژیک

اثر انگشت، اثر کف دست و پا، اسکن عنبیه، اسکن با هندسه دست و انگشت، اسکن صورت، اسکن صدا و اسکن شبکیه، طیف الکترومغناطیسی پوست، ناخن، کارت‌های شناسایی بیومتریک، تپش‌های قلب و ... (همان).

<sup>۱</sup> Fischer

<sup>۲</sup> Teubner



### ۲-۴-۴-۳ تکنیک های بیومتریک رفتاری

اسکن صوت یا تحلیل گفتار، طرز حرکت، چگونگی کار با کیبورد، حرکات لب، ورید و رگها، دست خط و امضای دستی و تشخیص چهره، صدا، فرکانس رادیویی، ناخن (همان).

### ۳-۴-۴-۳ تکنیک بیومتریک شیمیایی

مرتبط با عواملی از قبیل قند خون، دی ان دی، اثر شیمیایی بوی بدن می باشد (همان).

### ۳-۴-۴-۳ اثر انگشت

این شیوه از قدیمی ترین روش های تشخیص هویت می باشد که در نیمه های قرن ۱۹ میلادی تحقیقات بر روی آن آغاز گردید. اثر انگشت از برآمدگی ها و فرورفتگی های مختلف به وجود آمده که دو ویژگی مهم آن انتهای برآمدگی و دو شاخه شدن برآمدگی مینوتیا می باشد، در بسیاری از سیستم های تشخیص اثر انگشت از ویژگی های سطح بالاتری مانند کلاس الگوی اثر انگشت، چگالی برآمدگی استفاده می شود. در روش جدیدی که دانشمندان کره ای کشف کرده اند. برای تشخیص هویت از طریق عرق انگشتان به جای خطوط انگشتان استفاده می کنند، سرانگشتان انسان دارای منافذی است که از آن ها قطرات بسیار ریز غرق ترشح می شود. با فشار انگشت روی یک سطح می توان به نقشه منظمی از شکل قطره ها دست یافت که این نقشه و اثر انگشت هر شخص با شخص دیگر متفاوت می باشد (حمیدی نسب، ۱۳۹۷: ۷).

### ۴-۴-۴-۳ روش الگوی رگ های پشت دست

این روش در دو مرحله صورت گرفته است: مرحله ثبت و گردآوری داده ها و مرحله تایید که از شبکه عصبی در آن استفاده می شود. روش دیگری که در این الگو وجود دارد، روش الگوی مرگ پشت دست از ترکیب فیلتر کاپور و هیستوگرام گرادیان جهت دار می باشد (همان).

### ۵-۴-۴-۳ روش الگوی کف دست

در این روش از الگوی خطوط و انحناهای موجود در دست فرد استفاده می شود. دقت این روش در مورد بیومتریک اثر کف دست بیشتر از اثر انگشت می باشد (همان).

### ۶-۴-۴-۳ روش ژئومتری الگوی هندسه دست

در این روش از یک دوربین CCD برای ثبت نقاط کلیدی دست استفاده می شود. خوبی این روش این است که نسبت به کثیفی دست حساس نیست (صالحی، ۱۳۹۷: ۶۰).

### ۷-۴-۴-۳ روش الگوی چهره

در این روش برای تشخیص هویت از روی چهره، روی ویژگی های ثابتی چون چانه، دهان، بینی، چشم و به کار می کند. در این روش باید به حالت چهره نیز توجه گردد. از چهره به چندین نحو مختلف به منظور بیومتریکی استفاده می شود (همان).

- ساختار هندسی چهره
- ساختار ظاهری پوست
- مشخصه گرمایی صورت
- لبخند

### ۳-۴-۸ روش های الگوی گوش

از گوش به دو شکل برای تشخیص هویت استفاده می‌شود: (خوش قلب، ۱۳۹۷: ۳۰).

- ۱- شکل و ساختار لاله گوش در افراد مختلف متفاوت است که در استفاده از روش هندسی لاله گوش از ترکیب زاویه‌ها و نسبت بین فاصله‌های نقاط مشخص استفاده می‌شود.
- ۲- الگوی صدای خروجی از کانال گوش برای هر فرد با فرد دیگر متفاوت است.

روش نیز در این الگو مبتنی بر ویژگی الگوریتم SST است که یک استراتژی تناظریابی مبتنی بر ویژگی می‌باشد. جهت فرآیند شناسایی الگو در تصاویر استفاده شده است. این الگوریتم به دلیل خاصیت هایی چون مقاومت در برابر تغییرات ابعاد تصویر، چرخش، نویز و زاویه دید برای استخراج ویژگی ها استفاده می‌گردد. از جمله روش دیگر تشخیص هویت با استفاده از تصاویر گوش با استفاده از روش الگوی مشتق به هم پیوسته و گشتاور شبه زرنیک می‌باشد.

### ۳-۴-۹ روش الگوی انطباق تصاویر رادیوگرافی دندان

در این روش از خط محیطی دندان که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های که باعث تشخیص تفاوت میان دندان‌ها می‌شود استفاده می‌گردد (همان).

### ۳-۴-۱۰ روش الگوی نحوه راه رفتن

از این روش معمولاً برای شناسایی فرد به صورت مخفی به کار می‌رود و با استفاده از توالی از تصاویر دریافتی شخص از راه دور قابل شناسایی می‌باشد. روشی توسط پلیس آلمان برای الگوی راه رفتن بر مبنای الگوریتم DTW اصلاح شده و مجموعه‌های نازی ارائه شده است که در آن دلناز تشخیص از الگوریتم جدید DTW استفاده شده است (همان).

### ۳-۴-۱۱ روش الگوی تپش قلب سیگنال قلب

هر قلب الگوی یکتای خود را برای تپش دارد که از طریق حسگرهایی چون ECG قابل نمایش هستند. البته این روش هنوز وقت و اطمینان کافی را ندارد و هنوز در آغاز کار می‌باشد. دقت تشخیص در بهترین حالت ۹۰ درصد است (ولیدی، ۱۳۹۷: ۴۴).

### ۳-۴-۴-۱۲ روش الگوی عنبیه چشم

عنبیه قسمت فیزیولوژی است که دارای بافت واحد و پیچیده‌ای در بین دیگر ویژگی‌های بیومتریک همانند صورت و اثر انگشت می‌باشد. این الگو کاملاً ثابت و همیشگی است. این الگو با روش‌های مختلفی توسط محققان برای تشخیص هویت استفاده می‌شود از جمله:

۱- الگوی عنبیه به وسیله شبکه عصبی خود سازنده SOM.

۲- الگوی عنبیه و تبدیل والش.

۳- روش استفاده از تکنیک پردازش موازی با استفاده از پردازنده‌های گرافیکی در تشخیص هویت با کمک الگوی عنبیه.

۴- روش تجزیه و تحلیل الگوهای عنبیه با استفاده از شبکه عصبی.

### ۳-۴-۴-۱۳ روش شناسایی عنبیه با استفاده از منطق فازی و شبکه ICM

در این روش برای افزایش سرعت آشکارسازی مرزهای عنبیه از تئوری فازی و برای افزایش سرعت استخراج ویژگی از ICM<sup>۱</sup> استفاده شده است. روش الگوی استفاده از تبدیل موجک و SVM در الگوی عنبیه در این روش قسمت‌های اضافی چشم با استفاده از لبه‌یاب و تبدیل‌های حذف شده و سپس با استفاده از موجک دو بعدی ویژگی عنبیه استخراج و از PCA برای کاهش تعداد مؤلفه بهره‌جسته و با SVM دسته‌بندی انجام می‌گیرد (همان).

### ۳-۴-۴-۱۴ روش الگوی DNA

دی ان ای کدی یک بعدی و منحصر به فرد است و این روش جز دقیق‌ترین شکل بیومتریک است و از معایب آن سریع نبودن به شمار می‌رود.

### ۳-۴-۴-۱۵ روش‌های ترکیبی

از جمله روش‌های ترکیبی برای تشخیص هویت یک سری روش‌های ترکیبی نیز وجود دارد که بسیار قابل اطمینان‌تر و دقیق‌تر از سیستم‌های تک روش می‌باشد. که به صورت مختصر به آن اشاره شده است (همان).

- روش ترکیبی و ویژگی‌های اثر انگشت و چهره

- روش ترکیبی ویژگی اثر انگشت و عنبیه چشم. در این روش از سه پایگاه داده CASIA MIMUZMMIUI استفاده شده است.

روش ترکیبی ویژگی رگ‌های پشت دست و ماشین بردار پشتیبان در روش پیشنهاد شده از ترکیب سه بردار ویژگی استخراج شده از توصیفگر گابور، هیستوگرام و گرادیان جهت‌دار و الگوی جهت‌دار محل استفاده شده است. دقت روش پیشنهادی ۹۹,۱۷ می‌باشد.

از جمله روش‌های تشخیص هویت دیگر که به اختصار اشاره شده، عبارت است از: (حمیدی نسب، ۱۳۹۷: ۸).

○ تشخیص هویت از طریق گفتار گوینده با استفاده از روش کواشیزاسیون برداری.

<sup>۱</sup> Intersecting cortical model

- تشخیص هویت شوینده با استفاده از خود همبستگی و خود همبستگی نسبی.
- ارائه یک سیستم تشخیص هویت بیومتریک چند عامله جهت استفاده در سیستم‌های تشخیص هویت بلادرنگ

### ۳-۴-۱۶ روش مقایسه شیوه های مختلف تشخیص هویت

برای اندازه‌گیری کارایی و قابلیت اطمینان تکنولوژی‌های مختلف بیومتریک، شاخص‌های مختلفی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: False Acceptance Rate (FAR) که به خطای نوع اول معروف است و درصد پذیرش افراد نامعتبر توسط سیستم تصدیق هویت را نشان می‌دهد. False Rejection (Rate) (FRR) که درصد عدم پذیرش افراد معتبر را نشان می‌دهد و به خطای نوع دوم معروف است، FAR، FRR با هم نسبت عکس دارند و جایی که FAR، FRR برابر می‌شوند، EER (Equal Error Rate) نامیده می‌شود و هر چه این مقدار کمتر باشد، سیستم بهتر عمل کرده و تعادل خوبی در حساسیت آن وجود دارد (همان).

### ۳-۴-۵ فرآیند تحقیق و کشف جرم توسط پلیس علمی ایران

تحقیق در لغت به معنی بررسی و پژوهش برای رسیدن به واقع امر است، در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷، ماده ۱۹ بیان می‌شود که "تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله‌ی واقع آن و تعقیب متهم از بد و پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد". در واقع از روش‌های عمده پلیس علمی برای تحقیق تشخیص هویت فرد مجرم استفاده از سیستم‌های بیومتریک و روش‌های تشخیص هویت می‌باشد که در ایران در حال حاضر به سه روش عمده انگشت نگاری، چهره نگاری و عکاسی انجام می‌شود.

### ۳-۴-۵-۱ عملکرد پلیس ایران و انگلستان در حوزه روش‌های به کارگیری تشخیص هویت مجرمین

عملکرد پلیس ایران در این حوزه به استفاده از دلایل علمی مثل خون، شیشه، DNA، منی، مو، ابزار انگشت-نگاری، چهره‌نگاری، عکاسی و ... می‌باشد، در حالی که پلیس انگلستان علاوه بر استفاده از این موارد از روش‌های مدرن "بیومتریک" از جمله تشخیص هویت ویدیویی، سان گونه، گروهی، رویارویی گواه و مظنون و مواردی دیگر که به اختصار در این تحقیق به آنها اشاره شده است بهره می‌برند (نجف زاده و اسدی، ۲۰۱۹: ۱۸۰). در کامن‌لای این کشور، استناد به گزارشات این روش‌ها جهت صدور رأی، مشاهده شده است و لیکن در سطح کامن‌لای آمریکا قرار نداشته و در برخی موارد احکام مبتنی بر چنین گزارشاتی در دادگاه عالی و در جریان تجدیدنظرخواهی رد شده‌اند.

### ۳-۴-۵-۲ پلیس علمی و ادله اثبات در دادگاه

در فصل پیشین به طور مفصل در مورد سازوکار تحقیق قضائی توضیح داده شد. توضیحاتی که در این فصل در مورد بایسته‌های نوین بازجویی توضیح داده شد، همگی با این هدف است که به تهیه مدرک محکمه‌پسند منتهی شود. آنچه در اصطلاح دلیل اهمیت دارد، تشخیص واقعیت امر ادعا شده می‌باشد. طبق ماده ۱۹۹ آیین

دادرسی مدنی در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استفاده طرفین دعوا هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام خواهد شد. در کل بار اثبات دلیل در امور قضایی به عهده مرجع قضایی است. به همین دلیل ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، رئیس یا دادرس را شخصا مکلف به انجام تحقیقات لازم می‌نماید. همچنین در امور جزایی، اصل این است که جرائم یا هر نوع دلیلی قابل اثبات می‌باشد، زیرا برخلاف امور حقوقی که اثبات اعمال حقوقی به شرایط و قالب‌های معینی نیاز دارند، در امور کیفری بیشتر وقایع مجرمانه متنوع و نامحدود بوده و دلیل انتساب آنها به متهم بس دشوار است، براساس ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که پیشتر در مورد آن صحبت شد، علم قاضی را در کنار اقرار، شهادت، قسامه و سوگند از جمله ادله اثبات دعوا معرفی می‌کند و ماده ۲۱۱ علم قاضی را عبارت از یقین حاصل از مستندات می‌داند. همچنین در مواد ۱۶۱، ۲۱۲ قانون- گذار تصریح می‌کند که حتی در صورت اقامه ادله قانونی برخلاف علم قاضی، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی باید با ذکر مستندات علم خود براساس آن رأی صادر کند. حال فراهم آوردن علم برای قاضی ممکن است، مبتنی بر تحقیقات علمی از جمله ارجاع امر به کارشناس صورت گیرد. نظریه کارشناسی وسیله علم آور مناسبی برای قاضی است که در امور کیفری جایگاه مهمی دارد.

اگر نظریه کارشناسی برای قاضی ایجاد علم نکند، قاضی می‌تواند از آن تخطی کند ولی قاضی نمی‌تواند از نظر دقیق و صحیح کارشناسی که نوعا مفید علم است سرباز زده و آن را بدون دلیل مردود اعلام دارد، در همین راستا شورای قضایی بخشنامه‌ای به کلیه دادسراها و دادگاه‌های کیفری سراسر کشور ابلاغ نموده است: "هر چند در برخی جرائم از طریق اثبات دعوی در قانون ذکر شده، لکن چون این امر از باب طریقت و حصول علم برای قاضی است و قاضی برای حصول قطع و یقین از هیچ نوع تحقیقی که علم را تحصیل کند، منع نگردیده است؛ مقتضی است که رسیدگی‌ها استفاده از طریق علمی کشف جرم را مورد تخلف قرار ندهد و از وسایلی که دانش بشری در این زمینه فراهم نموده است استفاده کنند.

در دنیای رو به رشد امروز که به سرعت به سمت استفاده از فناوری‌های نوین در حرکت است، استفاده از فناوری‌هایی همچون سیستم‌های تشخیص هویت در زمینه تعیین و تایید هویت اشخاص در زمینه اثبات ادله دعوی کمک شایانی کرده است. هرکدام از شیوه‌های نوین تحقیق قضائی نامبرده در این پژوهش دارای نقاط قوت و قدرتی است که با ترکیب آنها با دیگر روش‌های امنیتی می‌توان ضعف‌های موجود را از بین برد. امروزه تعیین و تشخیص هویت افراد در ادله اثبات دعوی یک عنصر حیاتی به حساب می‌آید. در دعوای کیفری، ادله کشف حقیقت به دلیل اقناع وجود دادرسی تحت عنوان علم قاضی قرار گرفته و استناد به آنها به عنوان دلیل اثبات دعوا بسیار ساده‌تر است. در نتیجه برای اثبات جرایمی که در آن به علم قاضی تصریح شده یا قانون در مورد آن ساکت باشد، مانند جرایم تعزیری طبق ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی جدید، در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود به رد ادله‌ی دیگر رأی صادر می‌کند. به همین دلیل استفاده از تکنیک‌های نوین تشخیص حقیقت می‌باشد.

### ۳-۵ خلاصه فصل

در این فصل به بیان تقریباً غیرحقوقی و عموماً تخصصی روانشناسی و دیگر علوم، به روش‌های نوین تحقیق قضایی اشاره شد. البته سعی شد که جزئیات به طور کامل مطرح نگردد و بررسی بیشتر آن به عنوان خارج از مطالعه به علاقه‌مندان توصیه شود. اما به هر حال نکته این است که پیشرفت‌های علمی، زمینه برای کشف حقیقت را فراهم داشته و می‌توان از این ابزار در بازرسی‌ها و دیگر عناصر تحقیق قضائی، استفاده نمود. خطاپذیری بسیاری از این روش‌ها، بر همگان محرز است. بسیاری از علوم حتی با وجود اعتماد کامل مردم بدان، باز هم دارای خطاپذیری می‌باشند. گزارشات چنین روش‌هایی به عنوان یک سند در حیطه اثبات جرم با گمانه‌زنی‌های روبرو است. در فصل دوم در زمینه ادله اثبات جرم به طور مفصل بحث شد. این‌که بتوان گزارش کارشناسان حوزه‌های علمی را به عنوان یک سند محسوب نمود، بسته به نوع پرونده مفتوح در دادگاه دارد. البته گزارش‌هایی موجود است که کامن‌لای ایالات متحده آمریکا، به عنوان پیشگام در مستند نمودن این گزارش‌ها قرار دارد. این کشور که انحصار بسیاری از علوم و تکنولوژی کشف حقیقت را در اختیار دارد، با توجه به اطمینان کامل بدان و گستره تقویت علم قاضی در حقوق این کشور، در بسیاری از آراء از گزارشات علمی استفاده نموده است. به نظر حقوقدانان، چنین اعتماد کامل و سند انگاشتن گزارشات علمی، از نظر حقوقی چندان پذیرفته شده نیست. حقوق کشور ما با توجه به تأثیرپذیری از حقوق عرفی، مستند به حقوق نوشته است و لذا نمی‌توان به طور صددرصد کامل گزارشات علمی را مبنای صدور حکم قرار داد. با توجه به تفسیری که در انتهای فصل به عمل آمد، چنین به نظر رسید که به کمک گزارشات علمی، تنها می‌توان علم قاضی را تحت تأثیر قرار داد و به استناد این مسئله حقوقی، نسبت به سند انگاشتن گزارشات علمی اقدام کرد. در غیر این‌صورت صرف استناد به اصول علمی در دادگاه پذیرفته شده نیست. البته این مطلب یک فرض است و در فصل بعدی این مورد به طور کامل تفسیر شده و ضمن استناد به مفاد حقوقی، مثال‌های حقوقی با هدف آشنایی با حقوق عرفی مرتبط با این حوزه، آورده شده است.

# فصل چهارم: استناد به نتایج روش‌های نوین بازجویی در دادرسی‌های قضائی

در فصل‌های پیشین، سازوکار بازجویی به روش‌های نوین بازجویی، با توجه به چتر پوششی قانون، بررسی شد. چنین نتیجه شد که قانون برای اثبات یک امر، شرایطی را تعیین کرده که هرگونه روش نوین جهت اثبات یک مسئله می‌بایست در چارچوب آن قرار گیرد. روش‌های نوین بازجویی که عمدتاً بر پایه علوم تازه کشف شده می‌باشد، در صورت انطباق بر شرایط قانونی، می‌تواند خود دلیلی بر اثبات جرم باشد. اما استفاده از این فنون در حین بازجویی، می‌بایست تابع مقررات آیین دادرسی و همچنین با پیش بینی مناسب و سندیت اثبات دعوا باشد. در غیر این صورت به راحتی می‌تواند توسط قاضی مردود اعلام شود. لذا گرفتن هرگونه اعتراف از متهم که با استفاده از روش‌های نوین بازجویی صورت می‌گیرد، می‌بایست در چارچوب قانون و به خصوص اصل آزادی در اعتراف که در قانون اساسی نیز بدان اشاره شده است، قرار گیرد. پس از سندیت موضوع، پرونده جهت صدور رأی به دادگاه ارسال شده و بر مبنای آنچه که در فصل‌های پیشین بیان شد، قاضی براساس آن قرار مجرمیت و یا محکومیت را صادر می‌کند. در این فصل ابتدا با مقدمه‌ای بر چارچوب حقوقی بازجویی و بیان ضمانت‌های حقوقی در رابطه با استناد بدان، ادله‌ای که در فصل پیشین برای اثبات دعوا بیان شد، براساس اعتبار حقوقی بحث شده است. هر یک از ادله اثبات، خود دارای درجه بندی بوده و بر دیگری رجحان دارند. لذا اولویت تهیه ادله اثبات جرم، برای بازجویی می‌بایست مشخص شود. در ادامه با تفکیک دو بخش تحقیق و صدور رأی؛ و همچنین در بخش صدور رأی، در دو بخش حقوقی و کیفری، اختیارات قاضی در مورد استناد به گزارشات چنین روش‌هایی بحث شده است. طبیعی است که علاوه بر حقوق نوشته که مبنای رأی قاضی قرار می‌گیرد، حقوق عرفی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و استناد به آرای صادر شده و به خصوص آراء دیوان، نقش مهمی در فرایند قضائی در این حوزه دارد. لذا سعی شده که علاوه بر تفسیر حقوقی و عنوان ضمانت‌های مصرح در قانون، مثال‌های حقوقی مرتبط نیز آورده شده و بصورت جزئی نیز اشاره‌ای به موارد مشابه در خارج از کشور شود. با بحث‌های بیان شده در این فصل، زمینه برای نتیجه‌گیری نهایی و پاسخ دهی به سوالات تحقیق فراهم شده است. در فصل پیشین در مورد علم قاضی صحبت شد. صرف دادن اختیار مطلق به علم قاضی با وجود تفسیرهای حقوقی که انجام شده است، منتفی است و قاضی می‌بایست اماراتی که علمش را تحت تاثیر قرار داده را بیان کند. امارات برحسب اعتماد بدان، دارای درجه قوت و وضعی بوده که قانون نوشته قادر به درجه بندی دقیق آن نیست. به هر حال هراندازه اعتماد به روش‌های نوین بازجوئی بیشتر شود، استناد علم قاضی بدان، اعتبار بالاتری دارد. برای مثال عکاسی از بدو ورود به جهان، وسیله مناسب و قابل اعتمادی برای اثبات یک مسئله بود، اما اکنون با ورود فوتوشاپ و قابلیت تغییرات در چهره، نسبت به اعتماد بدان تردید ایجاد شده است. دستگاه دروغ‌سنج که انحصار آن در اختیار ایالات متحده آمریکا است، برای مسئولین این کشور، اعتماد بالایی داشته و بسیاری از احکام به استناد آن صادر شده است. اما در کشور ما، گزارشات ضد و نقیضی در این باره منتشر شده که اعتماد کامل بدان، هم اکنون قابل تائید نیست. و یا بسیاری از علوم دیگر، بسته به اعتماد ایجاد شده، قوت سند را افزایش می‌دهد. لذا در این فصل با بیان مثال‌های حقوقی، جنبه‌های اعتبار یک اماره مورد بحث قرار گرفته است. به هر حال روش‌های نوین بازجوئی مبنای علمی داشته و در مرور زمان، اعتماد بدان ها دستخوش تغییر می‌شود. اما عدالت می‌بایست با دقت و حساسیت فراوان پیگیری شده و استنادهای مورد اعتماد در این مورد انجام شود.



## ۴-۱ بازجویی در چارچوب قانون

مسئولیت بازجویی، چنانکه بیان شد، بر عهده ضابطین متخصص دادگستری می‌باشد. اما این نکته را می‌بایست مدنظر قرار داد که هدف از بازجویی، کشف حقیقت است و اگر این حقیقت به واسطه زور و اجبار به دست آید هیچگونه اعتباری ندارد. اقرار داوطلبانه، اقراری است که اگر کسی بدون اجبار اقرار به امری کند، مدعی نمی‌تواند آن را تجزیه کرده و قسمتی را که به نفع او است، قبول و قسمتی که به ضرر اوست، رد کند. ولی اقرار در امور کیفری ایجاد شک و تردید می‌کند و به نفع متهم تفسیر می‌شود، در واقع بیانگر قاعده فقهی "الحدود تدرا بالشبهات" است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴: ۴۳). به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار ممنوع است. این اصل به صورت منطقی و جهان‌شمول در تمامی نظام‌های حقوقی جهان مشاهده شده است. طبیعتاً در حالت اجبار، ممکن است شخص اقرار به دروغ روی آورد تا از خود محافظت نماید. طبیعتاً و منطقی‌اً چنین اقراری قابل قبول نیست. در تفسیر قانون اساسی توسط شورای محترم نگهبان، آمده است که علاوه بر مسائل شکنجه، هرگونه اجبار و فشار غیر منطقی با هدف اخذ اقرار، مستوجب لغو اعتبار آن است (بزرگمهر، ۱۳۸۹: ۴۴). لذا این اختیار، مطرح است که تنها براساس روش‌های نوین بازجویی که مبتنی بر غیراجباری بودن می‌باشد، بتوان از متهم اقرار اخذ کرد. از سوی دیگر قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ به تفصیل در این باره سخن گفته و ضمانت‌هایی را برای عدم اخذ اقرار به وسیله شکنجه، تعیین نموده است. به موجب مفاد این قانون، هرگونه تنبیه و آسیب بدنی و اشخاص ممنوع بوده و اقرار حاصل از آن کاملاً بدون اعتبار است. از سوی دیگر ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمانت‌های دیگری را برای ممانعت از اقرار اجباری وضع کرده است که به موجب آن، ضابطین دادگستری در صورت شکنجه‌های متهم با هدف قرار به حبس و جزای نقدی و حتی دیه محکوم می‌گردند. با توجه به ضمانت‌هایی که در قوانین مطروحه موجود است، مسئولین تحقیق قضایی، تنها این اختیار را دارند که در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام یک فرد با هدف تامین، متهم را به طور موقت بازداشت نمایند و تا زمان حصول براهت از وی، مانع از فرار وی شوند. به موجب مواد ۲۲، ۳۲ و ۳۳ آیین دادرسی کیفری، قاضی تحقیق حق دارد که در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام، بازداشت موقت را تا زمان حصول نتیجه تمدید نماید. روش‌های نوین بازجویی که به گونه‌ای قرائن و امارات اتهام می‌باشد تا زمان تعیین تکلیف موضوع، اختیار بازداشت را به قاضی تحقیق می‌دهد و این ضمانتی است برای مسئولین تحقیق قضایی که با استفاده از روش‌های نوین، به کشف حقیقت مبادرت ورزند، تنها می‌بایست مسئله اجبار و فشار غیرمنطقی جهت اخذ اقرار را خط قرمز فعالیت خود قرار داده تا بتوان به نتایج حاصله، منطقی‌اً اعتماد کرد.

بالاترین درجه از ادله اثبات، اقرار و پس از آن شهادت است. این دو مورد م بایست در شرایط خاصی تعیین شده تا درجه اعتبار لازم را داشته باشند. پیشتر در مورد اقرار توضیح داده شد. همچنین از ابتدای فصل تاکنون در مورد عدم اعتبار اقرار اجباری به عنوان مهم‌ترین ویژگی اقرار توضیح داده شد. شهادت نیز چنین ویژگی داشته و هرگونه شهادت در حالت اجبار، بدون اعتبار است. حتی شهادت افرادی که به نحوی با یکی از طرفین ارتباط داشته و ذینفع رأی صادره می‌باشند، قابل تأیید نیست. در این قسمت، در مورد شرایط اقرار با هدف حفظ جایگاه و اعتبار آن، توضیح داده شده و حتی در بحث روش‌های گرفتن اقرار که هدف اصلی بازجویی است، نکات تکمیلی از فصل پیشین، عنوان گردیده است. در مورد شهادت نیز با ذکر مثال‌هایی، بحث‌های حقوقی انجام شده است.

#### ۴-۱-۱ جایگاه اقرار

چنانچه در فصل دوم بیان شد، ادله اثبات دعوا شامل اقرار، اسناد، امارات، قسم، علم قاضی و چند مورد جزئی دیگر می‌باشد. باتوجه به رویه عرفی موجود در دادگاه‌ها می‌توان اقرار را بالاترین سند در اثبات جرم دانست. البته اقرار می‌بایست بر منطق استوار باشد و لیکن اقرار دروغ نیز باید شناسایی گردد. اما اگر اقرار صریحا به زیان فرد اقرار کننده باشد و دیگر قرائن و امارات دلیل منطقی بر رد آن ارائه نکنند. اقرار پذیرفته شدنی است و بر سایر ادله ارجحیت دارد. در صورت عدم وجود اقرار صریح، دیگر ادله می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. بی‌گمان اهمیت اقرار در امور کیفری و مدنی به حدی است که آن را ملکه دلایل دانسته‌اند. ولی اقرار و دلایل دیگر بایستی به صورتی باشد که اقناع وجدان قاضی را ایجاد کند. ضرورت اقناع وجدانی خود اثری از آثار اصل برائت است. اقناع وجدان قاضی در نتیجه‌ی کسب اقرار و دیگر ادله بایستی که از حدود قانون و مقررات تخطی نکند. زیرا اصولا اقراری که از راه شکنجه و عنف به دست می‌آید، فاقد ارزش و اعتبار بوده و دارای ارزش قضایی نیست که اصل سی و هشتم قانون اساسی نیز موید این مطلب است. به نظر می‌رسد روش‌های فنی کسب اقرار می‌تواند مؤثر واقع شوند. بعنوان مثال دستگاه دروغ سنج که در بعضی از کشورها و بخصوص در فرانسه مورد استفاده واقع می‌شود. در این روش نقش دستگاه دروغ سنج ده درصد و کارشناس فنی که با دستگاه دروغ‌سنج کار می‌کند نود درصد است که با افزایش مهارت شخص کار کننده با دستگاه مزبور می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت. علم قاضی و اقناع وجدان قاضی نقش بسیار مهمی در کسب اقرار و دیگر ادله و در نهایت صدور حکم دارد. یک قاضی خوب و دارای مهارت دادرسی بایستی بیش از هر چیز دیگر یک روان‌شناس مجرب باشد و به نظر می‌رسد قوه قضاییه بایستی در این زمینه تمهیداتی ببیندیشد که قضات دوره‌های آموزشی روانشناسی را بگذارند تا بتوانند در مواجه شدن با متهمان و کسبه اقرار از آنان به صورت علمی‌تر برخورد کرده و دیگر شاهد صدور احکام متکی بر کشفیات ذهنی و حدسی نباشیم.

در بررسی روی حقوق کامن‌لا، علم قاضی بالاترین درجه اعتبار را در بین ادله اثبات دارد. این مورد در مثال‌های حقوقی متعدد مشاهده شده است. اما همان‌طور که بیان شد، در رویه حقوقی کشور ما، اقرار در صورتی که منطبق بر منطق باشد، می‌تواند به عنوان بالاترین دلیل اثبات جرم قرار گیرد. در مواردی حتی خود اقرار کننده به دروغ بودن آن واقف نیست. لذا می‌بایست بر پایه منطق حاکم بر یک ماجرا، حقیقت‌های پوشیده را کشف نمود. روش‌های نوین کشف حقیقت که در اختیار پلیس آگاهی قرار دارد با همین هدف است. در اینجا نکات حقوقی اخذ اقرار بیان شده است.

#### ۴-۱-۱-۱ اقرار در دادگاه و اقرار در خارج از دادگاه

ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی در تعریف اقرار بیان داشته است "اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود". آئین دادرسی مدنی سابق در ماده ۳۶۶ خود مقرر می‌دارد "اقرار اگر در حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه داده شده است به عمل آید، اقرار در دادگاه، وگرنه اقرار در خارج از دادگاه می‌باشد". همچنین ماده ۳۶۷ سابق همین قانون مقرر می‌دارد "اقرار کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا لوایحی که در دادگاه احضار شده باشد و شفاهی است در صورتی که در حین مذاکره در دادگاه به عمل آید". در مورد تعاریف حقوقی مرتبط با اقرار، در فصل دوم، به تفصیل صحبت شد و جهت اطاله کلام از آن می‌گذریم، نکته قابل توجه این که اقرار کتبی در دادگاه از دیگر اقرارها مهمتر بوده و قاضی می‌تواند به آن ترتیب اثر بیشتری بدهد. البته اگر اقرار کتبی در خارج از دادگاه در یکی از دفاتر اسناد رسمی به عمل آمده و یا در

یک سند رسمی با لایحه به عمل آمده باشد، دارای همان اثر خواهد بود. اقرار در دادگاه یا اقرار قضایی به عمل آمده در مقابل قاضی در ضمن محاکمه مربوط به یک دعوی دارای آثار و نتایج خاصی است به طوری که علیه اقرار کننده دلیل تام و کاملی است و فاضی ملزم به تایید صحت آن می‌باشد (زارع شعار، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

در بررسی چند نمونه قضایی، چنین مشخص شده که اقرار علاوه بر مکتوب شدن در حین تحقیق، می‌بایست در دادگاه، علناً توسط قاضی صادرکننده حکم، استماع شود. اگر متهم در حین محاکمه، تمام بیانات خود را تکذیب نمود و اقرارهای حین بازجویی را به فشار روحی و دیگر عوامل نسبت داد، اقرار از اعتبار بالای خود خارج شده و به عنوان یک امارت و نشانه تلقی می‌شود و اعتبار آن تقلیل می‌یابد. در این حالت استناد قاضی به این امارت بستگی به نوع پرونده و دیگر ادله‌ای داشته که بر علم قاضی تأثیرگذار است.

#### ۴-۱-۱-۲ اقرار صریح و ضمنی

اقرار متهم در حقوق جزایی موضوعیت نداشته و فقط امکان دارد، طریق علم و استنباط در دادگاه و تشخیص توجه اتهام به متهم باشد. بنابراین چنانچه متهم به اتهام منتسبه اقرار نماید، باید اقرار او صریح و منجز باشد و جای هیچگونه شک و شبهه‌ای برای دادگاه باقی نگذارد تا حکم دادگاه، ضمن دلایل دیگر بتواند نسبت به محکومیت او رأی دهد. بنابراین اقرار باید صریح و منجر باشد. در اقرار معلق هیچگونه تأثیری در رأی دادگاه نخواهد داشت (حمیدی نسب، ۱۳۹۷: ۸).

#### ۴-۱-۱-۳ اقرار کلی و جزئی

اقرار کلی و جزئی متوجه مسائل مدنی می‌شود. اقرار جزئی در مسائل کیفری بدین صورت است که شخص مقرر فقط به قسمتی از عمل انجام شده، اقرار می‌نماید. مانند آنکه مقرر بگوید شخصی را کشته‌ام ولی نمی‌دانم آن شخص کیست و در کجا دفن شده و اقرار کلی بدین صورت است که مقرر بگوید که این مقتول را من کشته‌ام و این جنازه آن است و یا فلان وسیله آن را کشته‌ام و تمامی قراین و امارات نیز موید این مطلب باشد. بنابراین اقرار جزئی فاقد ارزش در امور کیفری می‌باشد (زارع شعار، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

اما این گونه اقرار می‌تواند جریان بازجویی و تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد و یا به عنوان شهادت استفاده شود. مثال حقوقی در رابطه با شهادت ناقص بیان شده که تفسیر آن قابل تعمیم به اقرار جزئی است. در یک مثال حقوقی، زنی به زنا با محصنه با مردی غریبه متهم بود، یکی از شاهدین بیان داشت که "من این زن را در بازار با مردی دیدم، این مرد شوهرش نبود، اما الان حضور ذهن ندارم که آیا همان مرد، این متهم است یا خیر؟" قاضی پرونده این شهادت ناقص را به عنوان اماره لحاظ کرد و به استناد آن و همچنین گزارش بازجوی پرونده که نااهل بودن زن، و صدق گفتار شاهد را گزارش کرده بود، ابتدا از مرد متهم، رفع مسئولیت نمود. زن نیز هرچند که از مسئولیت زنا با محصنه تبرئه شد (چون عمل جنسی اثبات نشده بود)، اما به سبب عدم وفاداری به همسرش که در قانون مدنی بدان اشاره شده، به سه ماه حبس محکوم شد. در اینجا قاضی به این شهادت یک نفره و ناقص تنها به عنوان امارتی دال بر عدم وفاداری به همسر تکیه کرد. در عین حال مرد متهم نیز تبرئه شد. این مثال حقوقی در مورد شهادت، در مورد اقرار نیز قابل تعمیم است.

#### ۴-۱-۱-۴ طریقیّت و موضوعیت اقرار و اقرار وجدان قاضی

اقرار در امور کیفری طریقیّت دارد. مثلاً اقرار در قتل عمد با استناد به قرائن و امارات دیگر می‌تواند مثبت قتل باشد. ولی اقرار در امور کیفری موضوعیت ندارد و باید مقرون به قرائن و امارات بوده به طوری که برای قاضی ایجاد علم و یقین کند. اقرار وجدان کیفری است که در اثر دلالت ادله و قرائن و امارات بر موضوعی خاص، به نحوی که نسبت به آن موضوع برای اشخاص، نوعی علم یا ظن قریب به یقین حاصل شود. قاضی در چنین شرایطی یعنی در حالی که نسبت به موقوف یقین حاصل کرده یا دست کم در شرایطی که شکی معقول، مانع اظهار نظر وی نیست، می‌تواند درباره مجرمیت متهم و حدود مسئولیت وی تصمیم بگیرد، ضرورت اقرار وجدانی، خود اثری از آثار اصل برائت است. در سیستم اقرار وجدانی دلایل همگی طریقیّت دارند و اقرار سیدداله محسوب نمی‌شود و شهادت ارزشی افزون بر اعتماد نظر کارشناسی ندارد. بنابراین اگر دادگاه با ملاحظه قرائن و امارات دیگر، اقرار متهم و هر دلیل دیگر را از دلایل خارج نماید، موجب شکستن حکم نمی‌باشد (حکم شماره ۶۱۵ مورخ ۱۳۲۰/۰۳/۳۱ شعبه پنجم دیوان عالی کشور).

با هدف بررسی این موضوع، به یک پرونده حقوقی توجه شود. خانم م از همسر خود آقای پ جدا شده بود و با مردی دیگر با نام آقای خ ازدواج نمود. خانم م با همسر دوم خود رابطه بسیار خوبی داشت و با وجود آن که وی خلافکار، و دارای سابقه کیفری بود، اما روابط خوبی بین آنها برقرار بود. همسر دوم ۵۰ سال سن داشته و ۲۰ سال سابقه کیفری در پرونده خود داشت. آقای پ که با خانم دارای یک فرزند مشترک دختر بودند، در مورد حضانت با یکدیگر اختلاف داشتند. یک روز که همسر اول آن زن به منزل وی مراجعه نموده بود، در منزل با او درگیر شد و در نهایت به مرگ زن منجر گردید. همسر دوم آن زن پس از دیدن جنازه همسرش متواری شد و پس از مدت‌ها توسط پلیس دستگیر گردید. آقای خ که احساس می‌کرد هیچ گاه نمی‌تواند از بار مسئولیت خارج شود، به ناچار اعتراف کرد و در اعترافات چنین بیان داشت که من از عمر ۵۰ ساله خود ۲۰ سال در زندان بوده‌ام و اگر بگویم من وی را نکشته‌ام کی باور می‌کند. افسر پرونده که بنابه قرائن روانشناسی متوجه اقرار اجباری وی بود، آقای پ را فراخواند و با عصبانیت به وی چنین القاء کرد که "این مرد (آقای خ) به خاطر تو اعتراف کرده است. این مرد به خاطر تو جان خود را فدا کرده است. آیا تو وجدان راحت داری ما دلایلی داریم که دال بر محکومیت توست، اما این مرد اعتراف کرد و اگر نمی‌کرد، تو محکوم به قتل بودی". سپس حکم آزادی آقای پ را داد و این مسئله موجب شد که مرد مجدداً به اداره پلیس بازگشته و به جرم خود اعتراف کند. با اعتراف وی، آقای خ آزاد شد و همسر اول (آقای پ) اعتراف کرد که پس از درگیری با زن، به سر او ضربه زده است. اما قضیه به همین‌جا ختم نشد. چرا که گزارش پزشکی قانونی مرگ زن را به دلیل خفگی اعلام کرده بود. مظنون دوم خانم ش شریک همسر دوم آن زن (آقای خ) بود که در موارد اعمال خلاف قانون، شریک یکدیگر بودند. در بازجویی‌ها چنین محرز شد که خانم ش سال‌ها پیش قصد داشته با آقای خ ازدواج کند. ولی آقای خ با خانم م ازدواج کرد. پلیس آگاهی همان رویه که پیشتر برای همسر اول آن زن (آقای پ) پیش گرفته شده بود، برای آن زن نیز تکرار کرد و نهایتاً به اقرار آن زن منجر گردید که وی به منزل مراجعه کرده و پیکر نیمه جان زن را دیده است، سپس دست به گلولی او گذاشته و وی را خفه کرده است.

از این پرونده چنین مشخص می‌شود که اقرار، اگر بر منطق استوار نباشد، می‌تواند دلیل بر رد و کشف حقیقت تازه می‌باشد. در صورتی که کل یک قضیه بر پایه یک منطق شکل گیرد، می‌توان تحقیقات را ختم کرده و پرونده را به دادگاه ارجاع داد. طبیعتاً اگر سرگرد پرونده، به روانشناسی تسلط کافی نداشت، دو نفر بیگناه دیگر به پای دار رفته و حتی آقای پ خود به بی‌گناهی خویش باور نداشت و از اصل قضیه بی‌خبر بود. پیشتر نیز به این نکته اشاره شده بود که گاه اقرار کننده به بی‌گناهی خود باور ندارد و در حین تحقیقات پلیس مشخص

می‌شود. روش بکار گرفته شده نیز کاملاً بر پایه اختیار در اقرار بود و همان گونه که بیان شد، افسر، متهمین را پس از القای روانی آزاد کرد و آنها پس از عذاب وجدان به جرم خود اعتراف نمودند. لذا اقرار که بالاترین نوع دلیل اثبات جرم است از همگی اخذ شد.

#### ۴-۱-۲ دیگر روش های علمی اخذ اقرار

همان طور که بیان شد، محدودیت اخذ اقرار، عدم اجباری بودن آن است. لذا هر روش دیگر که بتواند بر پایه چنین اصلی، به اقرار بیانجامد، اعتبار حقوقی دارد. در ادامه به چند روش جدید علمی اخذ اقرار که در مراجع حقوقی معتبر می‌باشد، اشاره شده است.

#### ۴-۱-۲-۱-۱ تحصیل اقرار از طریق تست تصویری یا پروژکتور

در تست معروف به روش با وادار کردن شخص به مشاهده یک سری ده گانه از لکه‌های جوهر و اعلام درک و استنباط خود از آنها و در تست معروف T.T.A با نشان دادن یک سری عکس به بازجویی شونده و درخواست بیان تصورات خود از این عکس‌ها از طریق ساختن داستان برای هر عکس در تست آسزوندی با نشان دادن چند عکس و درخواست بیان نظر خود یا معرفی دو نمونه جالب و غیر جالب از میان آنها و همچنین در تست میرا برای شناخت انحرافات غیرارادی شخص، از جمله روش‌های تشخیص دروغ از راست می‌باشد (بریان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۶۰).

#### ۴-۱-۲-۲-۱-۲ تحصیل اقرار با استفاده از روش تداعی معانی

یکی دیگر از روش‌های صحت و سقم اظهارات متهم، طریق تداعی معانی یا تسلسل افکار است که یونگ مبتکر آن بود و با روش‌های دیگر تکمیل شده است. روش کار در این شیوه بدین صورت است که تعدادی از کلمات که با عمل مجرمانه ارتباط دارد، انتخاب و در لیستی با کلمات معمولی مخلوط می‌شود، کلمات انتخابی را برای متهم می‌خوانند و از او می‌خواهند که برای هر کلمه مترادف آن را بیان کند و آنگاه جواب داده شده را یادداشت می‌کنند. قسمت حساس و قابل توجه این روش آن است که متهم در مقابل بعضی کلماتی که با جرم ارتباط دارد، مکث می‌کند. این آزمایش چند بار تکرار می‌شود تا نتیجه مطلوبی حاصل شود (همان).

#### ۴-۱-۲-۳-۱-۳ تحصیل اقرار از طریق دستگاه پلی گراف

پلی گراف دستگاهی است که به دروغ سنج شهرت یافته و کامل‌ترین ماشینی است که تاکنون برای کشف دروغ ساخته شده است. عملکرد این ماشین عبارت است از ثبت یا به زبان بهتر ترسیم فنوم‌های روانی و فیزیولوژیکی بدن انسان به هنگام دروغ گفتن به صورت نمودار؛ یا به عبارت دیگر عکس‌العمل‌های فشار خون و همچنین تغییرات مقاومت الکتریکی پوست را که در اثر فشار ناشی از دروغ ظاهر می‌شود، ثبت می‌نماید (جانسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۸۰).

<sup>۱</sup> Bryan

<sup>۲</sup> Johnson

در ایالات متحده آمریکا گزارش این روش کاملا در دادگاهها معتبر است و نمونه‌های زیادی از صدور احکام سنگین به واسطه این گزارشها مشاهده گردیده است. اما در کشور ما هنوز اعتماد کامل بدان نبوده و به تنهایی نمی‌تواند دلیل اثبات یک موضوع قرار گیرد؛ مگر به کمک چند اماره دیگر که تقویت کننده یک فرضیه باشد.

#### ۴-۱-۲-۴-۴ تحصیل اقرار از طریق روش روانی - درمانی (نارکو آنالیز)

این روش، روش روانی - درمانی با روانشناسی است. با تحقیقات جنایی خاص است که به موجب آن تحت تاثیر داروهای شیمیایی معین و ایجاد حالت شبه بی‌هوشی می‌توان از شخص مورد آزمایش یا تحقیق حرف‌های صحیح بدست آورد. روش مزبور به استفاده از سرم حقیقت نیز معروف است، زیرا با خوراندن یا تزریق ادویه مختلف می‌توان از دروغگویی متهمین جلوگیری کرد (همان). این روش تاکنون در کشور ما مشاهده نشده و گزارشی از صدور رأی بر مبنای آن نیست. لذا نمی‌توان در این باره اظهار نظر دقیقی کرد. نکته دیگر این که بعدها متهم می‌تواند به اجباری بودن اقرار به وسیله این روش استناد کند و موجب بی‌اعتباری اقرار شود. اما نمونه‌های استناد به این روش در صدور حکم، در کامن لای انگلستان مشاهده شده است.

#### ۴-۱-۲-۵ جایگاه اقرار در دیگر کشورها

در سیستم حقوق فرانسه، برای محکومیت متهم در تمام جرائم، اخذ اقرار ضروری نیست، محکومیت باید براساس دلایل و قراین و اماراتی باشد که موجبات یقین و اعتقاد قاضی را به ارتکاب جرم توسط متهم فراهم سازد. پیشرفت‌هایی که در مورد کارشناسی‌های علمی در این کشور حاصل شده است، بدون اینکه قاضی را قانون و در عمل مشروط و مقید بدان سازد، در استفاده از طریق کشف علمی جرایم و کارشناسی ترغیب می‌کند. در حقوق فرانسه و اقرار در دادگاه بر هر دلیل دیگری اولویت دارد و قضات رسیدگی کننده توجه بیشتری به آن می‌کنند. اگر چه اقرار، مقام و منزلت ایام قدیم را ندارد، اما به عنوان یکی از دلایل مهم در پرونده کیفری مطرح است. در ماده ۳۲۸ آیین دادرسی کیفری فرانسه، اقرار مثل هر دلیل دیگری به سنجش آزادانه قضات واگذار شده است، دادگاهها را ملزم به قبول آن نمی‌کند. اقرار در انگلستان و سیستم قضایی آن بر دو نوع می‌باشد: یکی اقراری که متهم قبل از بازجویی و محاکمه می‌نماید؛ بدین صورت وقتی که دادگاه برای او برگ اخطار می‌فرستد از طرف پلیس نیز یک برگ مخصوص که برای اقرار تنظیم گردیده است، فرستاده می‌شود و متهم با اقرار به ارتکاب جرم کار مامورین قضایی و پلیس را راحت کرده و از اطاله وقت جلوگیری می‌نماید. در این گونه اقرارها معمولا دادگاه رعایت تخفیف در مجازات متهم را نموده و او را به کیفر کمتری محکوم می‌نماید. دیگر اینکه متهم در بدو امر به ارتکاب جرم اقرار نکرده و در دادگاه حاضر می‌شود، که در این صورت یا در دادگاه اقرار نموده که با توجه به دلایل دیگر موجود در پرونده، به وضع وی رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌شود یا اینکه اصولا انکار نموده و از خود دفاع می‌نماید. ناگفته نماند که در جنایات بزرگ اقرار اگر چه راسا و قبل از محاکمه باشد، اگر به همراه دلایل دیگر نظیر شهادت شهود و غیره نباشد، موجب محکومیت نخواهد شد (پیمانی، ۱۳۵۶: ۴۴).

#### ۴-۱-۲ جایگاه شهادت

یکی دیگر از اهداف بازجویی، کسب حقیقت از طریق شهادت است. پس از اقرار، شهادت را می‌توان بالاترین دلیل بر حقیقت‌یابی عنوان کرد. یک مثال حقوقی در مورد شهادت جزئی نیز بیان شد که به دلیل قابلیت تعمیم به اقرار جزئی، در آن بخش بیان شد، بررسی آن نمونه در این بخش نیز قابل اهمیت است. در این قسمت به ماهیت حقوقی این دلیل اثبات، اشاره شده است.

#### ۴-۱-۲-۱ کیفیت شهادت در جرایم شرعی

مطابق ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، نصاب شهادت در همه جرایم، دو شاهد مرد است، اما در خصوص کیفیت شهادت در جرایم شرعی علی‌رغم رعایت این حد نصاب، این موضوع با توجه به نوع جرم مربوطه، دارای مختصات و قواعد خاص خود می‌باشد.

حدود اولین موضوع مجازات‌های شرعی است که اقسام آن با نصاب‌های مختلف بوسیله شهادت اثبات می‌گردد، اثبات جرایم زنا معمولاً با شهادت چهار مرد است که در زنا مستوجب رجم و قتل تنها همین نصاب مقبول است و در حد زنا مستوجب جلد و تبعید شهادت دو مرد با چهار زن و جلد تنها با همین نصاب و در مابقی حداقل سه مرد با دو زن (در صورت فقدان چهار مرد) کافی است. در لواط و تفخیز تنها شهادت چهار مرد لازم است، در حدود سرقت، مساحقه، شرب، مسکر، قذف، فوادی، سب النبی، محاربه، بغی و افساد فی الارض، این تعداد شهادت به عدد دو می‌رسد، همانگونه که مشخص است اصل بر همان شهادت دو نفر است، مگر در جرایمی چون زنا و لواط که به علت احتیاط در دماء و نفوس حد نصاب آن به عدد چهار رسیده است (حیدری، ۱۳۹۱: ۸۰).

در باب شهادت دیات مقنن، با توجه به آنکه موضوع مذکور تنها با پرداخت مال و اموال مادی جبران می‌گردد، سختگیری آنچنانی در اثبات آن از طریق شهادت شهود اعمال نکرده است؛ و از آنجا که جنبه مدنی نیز دارد (با اختلاف نظر)، لذا با شهادت یک مرد به انضمام دو زن یا شهادت یک مرد با یک قسم قابل اثبات است. البته خاطر نشان می‌شود که ذیل ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی به صراحت بیان شده "جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است"؛ اما در مورد اینکه قسم می‌تواند جایگزین شهادت زنان شود یا خیر ساکت است و می‌توان گفت در این مورد دو دیدگاه می‌تواند مطرح باشد: اول اینکه با توجه به اینکه دیه متمایل به جنبه مدنی است، لذا اگر نتوان به شهود زن دسترسی یافت به جای آن قسم اقامه می‌شود، دیدگاه دیگر اینکه این امر ممکن نیست و این به حقیقت اقرب است، چرا که اولاً قانونگذار به صراحت از شهادت یک مرد با دو زن سخن گفته و ذکری از قسم نکرده است و نیز اینکه اصول برائت و تفسیر به نفع متهم نیز این نظریه را مورد تأیید قرار می‌دهد.

قصاص نفس یا عضو تنها زمانی که رفتار مرتکب صبغه عمدی دارد، جاری می‌شود و اگر این‌گونه نباشد نوبت به دیه می‌رسد. حد نصاب شهادت در قصاص نفس تنها دو گواهی دو مرد عادل است و با طرق دیگر (یک مرد با دو زن یا یک مرد با قسم که مربوط به قتل‌های غیر عمدی است) ثابت نمی‌شود. در مورد قصاص عضو و اینکه با شهادت چند نفر ثابت می‌گردد؛ صراحتی در قانون جدید وجود ندارد، اما با توجه عموم مواد و نیز کلیت صدر ماده ۱۹۹ بایستی گفت که با شهادت دو مرد ثابت می‌گردد.

مهمترین بحث در شهادت به نظر اختصاص به تعزیرات دارد؛ چرا که نوع و میزان مجازات در تعزیرات متعین نیست و با توجه به اوضاع و احوال گوناگون از سوی قاضی بر مبنای قانون تعیین می‌شود. از این رو به طریق

اولی نیز شرایط و خصوصیات شهادت در اثبات این دسته از جرایم از پیش تعیین نشده و آزادی عمل در آن بیشتر است که می‌تواند نظام کیفری را با انعطاف بیشتری همراه سازد، اصولاً نصاب شهادت، گواه دو نفر است مگر در موارد استثنایی که پیشتر بدان اشاره گردید.

در تعزیرات نیز این نصاب دو نفر است، مگر اینکه قانونگذار استثنا زده باشد، صدر ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی موید این ادعاست که بیان می‌دارد: "نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا، موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعیده شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است، در این مورد هرگاه دومرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند، تنها حد شلاق، ثابت می‌شود، جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است".

#### ۴-۱-۲-۲ رجوع و شهادت کذب

دو وجه مهم که سبب مسئولیت کیفری و تاثیر در پیامد شهادت و همچنین تاثیر در حکم قضایی دارد، رجوع از شهادت و شهادت دروغین می‌باشد. رجوع و از شهادت و کذب بودن گواهی از سوی گواه و یا گواهان، موضوعیست که همواره در جریان دادرسی امکان وقوع آن است و قاضی نیز در برخی از شرایط امکان شناسایی این و درک از کیفیت و درستی تمام و کمال شهادت را دارا می‌باشد. همچنین در برخی از شرایط و پس از گواهی گواهان، علی‌رغم درستی گواه، امکان آن وجود دارد که شاهد در ادای شهادت خود و یا در بخشی از آن به دلایل مختلفی، تغییراتی ایجاد کند و یا در مجموع آن را رد کند، تغییر در کیفیت و یا درستی و نادرستی ادای شهادت بالاخص در شهادت کذب موضوع خطیری می‌باشد که قانونگذار نیز توجه خاصی بدان مبذول داشته، چرا که در برخی از اوقات حکمی براساس گواهی، سبب قصاص و تلف شدن جانی و یا حکم‌های حبس و ... اصدار می‌گردد که سرنوشت قربانی و خانواده آن را تحت تأثیر قرار داده و روح عدالت و وجدان عمومی را خدشه‌دار می‌سازد (زارع شعار، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

ممکن است شاهد از شهادتی که داده، رجوع نماید یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است؛ در این صورت به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود، رجوع از شهادت، نیاز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد؛ کافی است شاهد مدعی گردد به جهتی از جهات مثل تطمیع، تهدید، یا اشتباه و نظائر آن شهادت نادرست داده است، در این صورت دادگاه به چنان شهادتی ترتیب اثر نمی‌دهد. براساس حالات مختلف رجوع از شهادت پیامدهای گوناگونی قابل تصور است، اما من حیث المجموع، اگر براساس آن شهادت حکم صادر شده باشد، در مرحله تجدید نظر حکم فسخ می‌گردد، ولی اگر حکم قطعی شده باشد، به لحاظ خدشه دار بودن شهادت اعاده دادرسی قابل پذیرش نیست؛ فقط زیان‌دیده می‌تواند خساراتی که از شهادت کذب دیده از باب تسبیب مطالبه نماید. به موجب ماده ۱۹۸ قانون مدنی، رجوع از شهادت شرعی، قبل از اجرای مجازات موجب سلب اعتبار شهادت می‌شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.

شهادت کذب از جمله جرایم علیه اجرای عدالت قضایی و از موانع عدالت قضایی می‌باشد، شاهد که به دادگاه مراجعه می‌نماید، با اداء شهادت کذب نزد مقامات رسمی دادگاه موجبات تضییع حقوق افراد و جامعه را فراهم می‌نماید. جدا از اینکه شهادت به نحو کذب از نظر شرعی حرام و اخلاقی مذموم می‌باشد؛ از قدیم‌الایام تاکنون عمل مذکور جرم انگاری شده و مجازات‌هایی بر آن تعیین گردیده است.



اداء شهادت دروغ باید در دادگاه به عمل آید، دادگاه اعم از عمومی و اختصاصی می‌باشد، لذا استشهادیه محلی کذب مشمول شهادت کذب نمی‌باشد.

اداء شهادت نزد مقامات رسمی باشد، این مقامات رسمی اختصاصی به مقام قضایی ندارد و شامل مراجع انتظامی نیز می‌شود. ولی اگر کسی در اداره ثبت احوال شهادت کذب داد مشمول بند د ماده ۴ قانون جرایم و مجازات‌ها مربوط به اسناد سجلی مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد.

در شهادت کذب و دروغین، همین که جاعل بداند در عمل ارتكابی حقیقت را تحریف می‌کند و این تحریف موجب زیان مادی یا معنوی شخص و یا جامعه می‌شود، تقصیر او ثابت است. این جعل واقعیت و شهادت دروغین، سبب تقصیر و مسئولیت کیفری برای مسبب و یا مسببان آن می‌گردد.

ماده ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌کند: "هرکس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد، سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد" (ماده ۱۵۲). هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است (ماده ۱۵۳).

شهادت دروغ موجب بطلان حکم است و هر حکمی که بر این اساس صادر شود بلااثر است. مطابق قواعد کلی مسئولیت مدنی، هرگاه کسی سبب ورود خسارت گردد. باید جبران نماید و در شهادت کذب نیز شاهد باید خسارت زیان دیده را جبران نماید. در امور کیفری یکی از جهات درخواست تجدید نظر و اعاده دادرسی دروغ بودن شهادت شهود است.

مسئولیت کیفری جرم ادای شهادت کذب، یکی از جرایم تعزیری بوده و قانونگذار در ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی به تعیین مجازات تعزیری برای آن اقدام نموده است. مجازات تعزیری مزبور، شامل حبس و یا جزای نقدی می‌باشد. با این وجود تبصره ماده مذکور مقرر کرده است:

"مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است". بدین ترتیب شهادت دروغ ممکن است مستوجب یکی از مجازات‌های تعزیری، حدی، قصاص و دیات و یا ترکیبی از آنها باشد.

این مجازات به تصریح ماده ۶۵۰ عبارت است از سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی، به موجب ماده ۱۹ قانون جدید مجازات اسلامی، حبس مذکور در ماده ۶۵۰ کتاب تعزیرات از مجازات‌های تعزیری درجه ۶ و جزای نقدی آن از درجه ۷ محسوب می‌شود.

در کتاب دوم از قانون مجازات اسلامی ۹ عنوان مجرمانه حدی پیش‌بینی شده است. تنها عنوانی از حدود را که می‌توان از طریق ادای شهادت کذب مرتکب شد، حد «قذف» می‌باشد. «قذف» در اصطلاح شرعی عبارت است از نسبت زنا یا لواط دادن به مسلمان عقیف که حرام بوده و از گناهان بزرگ محسوب می‌شود. به موجب ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ "قذف عبارت است از نسبت دادن دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مرده باشد"؛ و براساس نص قرآن، موجب حد است، کیفر اصلی قذف، هشتاد تازیانه (ماده ۲۵۰ قانون اخیرالذکر) برای قاذف بوده و کیفر تبعی آن نیز عدم قبول شهادت قذف کننده است. بدین ترتیب اگر شهادتی که شاهد در دادگاه نزد مقامات رسمی بیان می‌دارد کذب بوده و در عین حال متضمن نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگری باشد شاهد به هر دو مجازات تعزیری و حدی محکوم خواهد گردید، البته باید به این نکته

توجه داشت که حد قذف از حقوق الناس محسوب شده و اجرای مجازات آن منوط به مطالبه مقذوف (در اینجا کسی که علیه وی شهادت داده شده است) می باشد.

جرم شهادت دروغ، اصولاً از جرایم مستوجب قصاص یا دیه نمی باشد، بلکه از آن جهت که این جرم می تواند منجر به قتل یا ضرب و جرح دیگری شود، ممکن است شاهد کاذب محکوم به قصاص یا پرداخت دیه گردد. به عبارت بهتر ادای شهادت کذب از باب تسبیب می تواند منتهی به جرایم مستوجب قصاص یا دیه گردد. در بین فقها نیز این موضوع محل بحث بوده است، در عین حال اکثر فقها مخصوصاً فقهای امامیه شهادت کذب را در صورت وجود سایر شرایط در صورتی که منجر به قتل یا ضرب و جرح شخصی گردد، مستوجب قصاص یا دیه می دانند. حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله صراحتاً به امکان سببیت شهود در اعدام یا قصاص اشاره نموده اند. ایشان در مساله ۳۹ از کتاب قصاص بیان می دارند: "اگر دو شاهد به چیزی مانند ارتداد که موجب قتل است، شهادت دهند و یا چهار نفر به آنچه موجب رجم است، مانند زنا، شهادت دهند و بعد از اجراء حد یا قصاص، ثابت گردد که آنها شهادت کذب داده اند، نه قاضی و نه مأمور اجراء، ضامن نمی باشند و قصاص بر شهود کاذب ثابت می گردد که باید فاضل دیه به آنها رد شود؛ و اگر ولی دم به دروغ و کذب تقاضای قصاص نماید و شهود نیز شهادت کذب دهند در مورد اینکه آیا قصاص بر همه آنها و یا بر ولی دم و یا بر شهود خواهد بود چند وجه وجود دارد که نزدیک ترین آن به صحت و درستی، مسؤلیت شهود است. بنابراین با توجه به نظر اخیر و نیز با عنایت به تبصره ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی چنانچه شهادی با ادای شهادت منجر به قصاص یا اعدام فردی گردد، علاوه بر مجازات تعزیری این جرم، حسب مورد می تواند به قصاص یا پرداخت دیه نیز محکوم شود.

#### ۴-۱-۲-۳ جایگاه شهادت در ادله اثبات

«شهادت» به عنوان ادله اثبات دعوی دارای پیشینه تاریخی و فقهی است که در نظام حقوقی ایران و به ویژه پس از پیروزی انقلاب با توجه به تاثیر انگاره های معانی شریعت در چهره قوانین، توجه خاصی بدان شده است، در حقوق کیفری نیز از شهادت به عنوان دلیل اثبات حق یا اثبات جرم یاد شده و ضوابط و ترتیبات مربوط به آن ذکر شده است، در روند دادرسی قضایی، اگر شهادت شهود به عنوان ادله ارائه گردید و شهود حاضر به ادای شهادت شوند، مقام قضایی باید شهادت شهود را استماع کند، قانونگذار کیفری ضمن مشخص نمودن ترتیبات رسیدگی در دادگاه، به لزوم استماع اظهارات شهود اشاره می کند، استماع شهادت شهود باید واجد شرایط و تشریفات باشد تا اینکه شهادت اداء شده بتواند، به عنوان دلیل و در پرونده کیفری و صدور حکم مورد استناد قرار گیرد. شهادت در صورتی معتبر و در اثبات دعوی مؤثر است که شرایط لازم در شاهد و نوع ادای شهادت موجود باشد، شرایطی که رعایت آن در مورد شاهد، ضروری است، بعضی مربوط به میزان درک و شعور و قدرت تعقل و تشخیص شاهد است؛ مانند شرط بلوغ و عقل و برخی مربوط به اعتماد به شاهد و اطمینان از صحت گفتار او می باشد، مانند شرط عدالت و مورد ثقه بودن، تعداد شهود نیز از جمله امور مؤثر در شهادت است و بسته به اهمیتی که موضوع مورد شهادت دارد، ممکن است تعداد شاهد لازم برای مؤثر بودن شهادت در موضوعات مختلف فرق کند، بطور متعارف و معمول شهادت دو نفر عادل لازم است ولی در برخی موارد شهادت چهار نفر لازم دانسته شده و در مواردی هم موضوع با شهادت یک نفر ثابت می شود. مهمترین جرم انگاری در حقوق کیفری ایران در زمینه مسؤلیت کیفری شاهد، مربوط به ادای شهادت کذب می باشد. این جرم در حال حاضر موضوع ماده ۱۵۳ (کتاب تعزیرات) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. مجازات شهادت کذب

بنابر تبصره ماده مذکور ممکن است علاوه بر مجازات تعزیری، حسب مورد یکی از مجازات‌های حدی، دبه و قصاص باشد، به عبارت بهتر، بنابر نظر اکثریت فقها و حقوقدانان، شهادت کذب در برخی موارد می‌تواند منجر به قصاص نفس شاهد نیز گردد. جرایم دیگری که در راستای بررسی مسؤولیت کیفری شاهد با آن مواجه هستیم، موضوع مواد ۷۸ و ۷۹ قانون سابق و مواد ۱۸۲ و ۲۰۰ قانون جدید مجازات اسلامی در ارتباط با جرم زنا و لواط است، در این جرایم، شاهد هر چند لزوماً به ادای شهادت دروغ و کذب دست نزده است، لیکن به دلایل دیگر قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. این جرایم وقتی تحقق می‌یابند که در جرم زنا اظهاراتی متفاوت و مختلف را نسبت به یک جرم اظهار نموده و یا پس از ادای شهادت از سوی برخی از ایشان، برخی از شهود از ادای شهادت امتناع و استنکاف ورزیده و در نتیجه شهود به حد نصاب لازم قانون نرسند، در این حالات، شهود به حد قذف محکوم خواهند گردید. مسلماً این نوع جرم انگاری صرفاً بر مبنای سیاست خاص شارع و قانون- گذار در جرم پوشانی جرایم حدی از جمله زنا قابل توجیه و توضیح می‌باشد؛ زیرا در این جرایم اثبات یا عدم اثبات اینکه کدام یک از شهود به بیان حقیقت پرداخته و کدام یک برخلاف حقیقت شهادت داده‌اند، هیچ ضرورتی ندارد و کلیه شهود حتی شهودی که صرفاً به بیان واقعیت پرداخته‌اند نیز به مجازات مقرر محکوم خواهند شد؛ به عبارت دیگر، بنا بر مصالحی، در شرایطی که سیاست نظام‌های حقوقی تشویق شاهد به ادای شهادت می‌باشد و حتی امتناع از آن جرم‌انگاری شده است، در حقوق کیفری ایران به منظور حفظ آبروی افراد و جلوگیری از اشاعه برخی جرایم و جرم پوشانی مدنظر، سیاستی متفاوت در جهت تشویق افراد به عدم شهادت نسبت به این جرایم خاص اتخاذ گردیده است.

در یک مثال حقوقی در نیروهای مسلح، دو نفر از نیروهای کادر رسمی با یکدیگر درگیری فیزیکی داشتند و علت را فحاشی به یکدیگر نامیدند. دو نفر از پرسنل وظیفه که در این هنگام، مشغول انجام امورات اداری بودند در آنجا حضور داشتند و به نظر، به درخواست یکی از طرفین که مسئول آن قسمت و مافوق سربازها بود، برای شهادت فراخوانی شدند. بخش قضایی پادگان، بازجویی از شهود را انجام داد. مسئولین مربوطه، متوجه این موضوع شده که گفته‌های شهود با یکدیگر تناقض دارند و عموماً به دلیل رابطه سلسله مراتبی، به نفع مافوق خود صحبت می‌کنند. به دستور فرمانده پادگان که به درخواست بخش قضایی صورت گرفت، موقتاً قرار بازداشت موقت برای دو سرباز صادر شد. این حکم از اختیارات قانونی فرمانده پادگان نشأت گرفته است. پس از ۴۸ ساعت، هر دو سرباز، واقعیت را بیان کرده و مشخص شد که هر دو در عمل دروغ می‌گفتند. علت دروغگویی، ترس از مافوق خود در گروهان، می‌باشد. پرونده به سازمان قضایی نیروهای مسلح فرستاده شد. دو سرباز تبرئه شدند، چرا که به دلیل ترس از مافوق به دروغگویی پرداختند. در نهایت گفته‌های دو سرباز که بنابه نظر کارشناسی یکسان شدند، به عنوان دلیل اثبات جرم تلقی گردید و مافوق آنها به دلیل فحاشی محکوم شد.

#### ۴-۲ بازجویی از منزل در اثبات ادله دعوا

عموماً تفتیش منزل در جرائم کیفری معمول بوده و فصل سوم آئین دادرسی در امور کیفری در مواد ۹۶ به بعد شرایط آن را تعیین کرده است. در دعاوی حقوقی، هر چند به صورت نادر، اما گاه ضرورت اقتضاء می‌کند که تفتیش از منزل صورت گیرد و روش‌های نوین بازجویی در آن اجرا شود. یکی از روش‌های نوین در این مورد، استفاده از سگ در شناسایی هدف می‌باشند. قابل ذکر است که نادر بودن تفتیش منازل در دعاوی حقوقی، موجب شده که قانون‌گذار در آئین دادرسی مدنی از آن نامی نبرد. در بررسی این قانون، مفادی مرتبط با ورود

به منزل در امور حقوقی موجود نیست و این مسئله از جهاتی دیگر مشروعیت حقوقی می‌یابد. اصل بیست و دوم قانون اساسی بیان داشته که مسکن هر فرد از تعرض مصون است، مگر به حکم قانون. این اصل مهم چنین بیان داشته که تنها در زمان اقتضاء می‌توان نسبت به تفتیش محل اقدام کرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۵۸۰ ضمانت کیفری را برای مسئولین متخلف از این قانون بیان داشته است. در این قسمت هدف آن است که ماهیت حقوقی بازجوئی از منزل در اثبات دعوای حقوقی بررسی شود که در چند قسمت بدان رسیدگی شده است.

#### ۴-۲-۱ منابع حقوقی

مبحث پنجم از فصل دهم آئین دادرسی مدنی، به مسئله معاینه محل و تحقیق محلی اشاره دارد. هر چند که صراحتاً نامی از بازرسی منزل نیامده است، اما به استناد مفاد آن می‌توان حکم تفتیش منزل را صادر کرد. به موجب ماده ۲۴۸ همین قانون، دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار معاینه محل را صادر نماید. موضوع قرار و وقت اجرای آن باید به طرفین ابلاغ شود. البته همان‌طور که بیان شد، هنگام اقتضای ضرورت، تفتیش از منزل شخصی، ماهیت حقوقی خواهد یافت. جزئیات بیشتری در مورد تفتیش منزل در قانون مشخص نشده و تنها به ذکر کلیات آن در قوانین مذکور اشاره شده است. مطابق با کلیات قانون، تفتیش از محل می‌بایست با حفظ حقوق مالکیت افراد بوده و در صورتی که ضرورت اقتضا کرده و به اموال آسیب رسد، محل تأمین خسارت از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. حقوق عرفی نیز در این مبحث نقش مهمی داشته که در بخش مثال‌های حقوقی در مورد آن صحبت شده است. در مورد روش‌های نوین بازرسی از منزل، می‌توان چنین بیان کرد که کلیاتی که در قانون در مورد تفتیش منزل بحث شده، حتی مفادی که در آئین دادرسی کیفری و خود قانون مجازات اسلامی در مورد تفتیش منزل ذکر شده، به صورتی در مورد تفتیش منزل عمومیت داشته و در غیاب قانون جامع تفتیش منزل، همگی به صورت عمومی در مورد تفتیش صادق است. لذا روش‌های نوین بازجوئی که مطابق با حقوق شهروندی باشد، از نظر قانون پذیرفته‌شده است. هرگونه ابزار جدید بر پایه علمی که برای تفتیش منزل استفاده شده، در زمره روش‌های نوین بازجوئی از منزل قرار دارد. نکته قابل توجه دیگر این که بسیاری از پرونده‌ها، جنبه ترکیبی حقوقی و کیفری داشته و در این موارد، به استناد آئین دادرسی کیفری هم می‌توان عمل کرد. مثلاً فردی که به دلیل سرقت، به دیگری مظنون است. درخواست تفتیش منزل را دارد، پرونده از دو جنبه حقوقی و کیفری قابل بررسی است. همان‌طور که در مثال‌های حقوقی آتی بدان پرداخته شده، منبع حقوقی مستند بازرسی منزل در این حالت می‌تواند آئین دادرسی کیفری قرار گیرد. اما در موارد صرفاً دعوای حقوقی، با توجه به کمبود منابع حقوقی مرتبط، حکم تفتیش منزل به سختی صادر شده و لیکن امکان‌پذیر است. حقوق عرفی نیز جایگاه ویژه خود را داشته که در ادامه مثال‌های حقوقی به تبیین آن پرداخته است (کانون‌یان، ۱۳۸۳: ۸۸).

#### ۴-۲-۲ استناد به نتایج بازجوئی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، هر دلیلی که بر پایه روش‌های نوین بازجوئی بدست آید، به‌عنوان یک دلیل در اثبات دعوا مطرح است. گاه ممکن است به‌واسطه آن، متهم لب به اقرار بگشاید که در این صورت بالاترین دلیل اثبات دعوا می‌باشد. اما اگر نتوان اقرار و یا شهادت را اخذ کرد، به‌عنوان اماره، علم قاضی را متأثر می‌کند. البته

در نظام حقوقی کامن‌لا، چنانچه پیشتر اشاره شده و در ادامه نیز مطالبی بیان گردیده است، استناد به این روش‌ها، جایگاه ویژه‌ای داشته و حتی از اقرار نیز بالاتر است. اما در حقوق کشور ما، در صورتی که این نتایج به اقرار و یا شهادت منتهی نشود، به‌عنوان یک اماره در اختیار علم قاضی قرار خواهد گرفت.

#### ۴-۲-۳ درخواست جبران خسارت

مطابق با کلیات منابع حقوقی مرتبط با تفتیش منزل، چه در دعاوی حقوقی و چه در امور کیفری، اموال می‌بایست از تعرض مصون باشند. اما گاه اقتضاء ایجاد کرده که به اموال آسیب رسد. مثلاً ممکن است باهدف بازرسی از یک اتاق که درب‌هایش بسته است، شیشه اتاق شکسته شود. و یا ممکن است به‌قصد بررسی داخل وسایل خواب افراد، توسط مأمورین پاره شوند. و یا در مواردی دیگر حضور سگ‌های پلیس در آن منزل به نזافت آن آسیب زند. در صورتی که دلیلی محکمه‌پسند از بازرسی بدست آید، معمولاً این حقوق در وسعت جرائم سنگین حادثه گم‌شده و معمولاً از دیدگاه حقوقی پیگیری نمی‌شود. اما در صورتی که دلیلی از بازجویی یافت نشد، صاحب اموال می‌تواند درخواست خسارت را به دادگاه ارائه داده و با نظر دادستان، از محل بیت‌المال، خسارت پرداخت می‌شود. بنا به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز در صورتی که منشا اطلاعات کذب یافت شود و در این باره مقصد شناخته شود، وی ملزم به پرداخت این مبلغ خواهد بود.

#### ۴-۲-۴ مثال‌های حقوقی

در اینجا به چند مثال حقوقی توجه شود.

در سال ۱۳۸۶ در شهرستان کرمانشاه آقای اص بنگاه‌دار ورشکسته، که بدهکاری زیادی داشت و به خاطر چک‌های بلامحل، در آستانه ورود به زندان قرار گرفته بود، به گفته چند نفر از بدهکاران که قصد تأمین بدهی از اموال وی را داشتند و متوجه شدند که منزل و دیگر اموال وی به‌قصد فرار از دین به نام پدرش منتقل شده است، عنوان نمودند که ما شاهد خرید طلا توسط این فرد در سال گذشته بوده‌ایم. پس از بازجویی پلیس امنیت از طلافروشی، عنوان داشته شد که اص در سال گذشته مقادیر زیادی طلا به نام خود خریده نمود. محل اقامت وی با حکم بازرسی منزل صادره از دادستانی اخذ شد و به کمک دستگاه‌های فلزیاب مقدار حدوداً ۵۶۵ گرم طلا که در زیرشیروانی منزل روستایی پنهان نموده بود یافت شد. پس از انتقال همه موارد به اداره پلیس امنیت و ادامه بازرسی‌ها، به‌خصوص توسط دستگاه مخصوص فلزیاب، کاغذهای خرید که به نام همین فرد صادر شده بود، یافت گردید. از آنجاکه در زمان تفتیش منزل، همسر اص در قهر منزل پدری به سر می‌برد، ادعای آنکه طلاها را برای همسرم خریده‌ام، کافی به نظر نرسید و به‌حکم قانون از محل فروش طلاها، بدهی طلبکاران تأمین شد.

در مثالی دیگر در شهرستان پاکدشت استان تهران در سال ۱۳۸۸ آقای "ز" کارخانه‌دار که در محل کار با انباردار خود دچار اختلاف شده بود و مدعی بود که از محل انبار، سرقت شده است و به استناد چند نفر شاهد که عنوان داشته بود کالاهای سرقت شده که عموماً مواد غذایی می‌باشند، توسط این فرد به منزل خود منتقل شده است، حکم بازرسی منزل صادر و به کمک سگ‌های تشخیص مواد غذایی، محل انبار که در زیرزمین منزلش به‌صورت مخفی کنده شده بود، یافت گردید. پس از بازجویی‌های دقیق، به جرم خود اعتراف

کرد و این پرونده که هم جنبه حقوقی و هم جنبه کیفری داشت، با اقرار متهم، جهت صدور رأی به شعبه دادگاه ارسال شد.

در مثال دیگر در شهر تهران، در سال ۱۳۹۵ زنی که به همسر خود مشکوک بود که همواره در مسافرت‌هایی که به واسطه مأموریت در شرکتش دارد، با زنی غریبه همراه است و چندبار نیز محل حرکت وی را تعقیب نموده بود، متوجه منزل جدید شده که برای معشوقه خود اجاره کرده بود، با مراجعه وی به شعبه دادگاه خانواده، حکم بازرسی منزل را از دادستانی اخذ کرد. افسر وظیفه‌شناس پلیس، پس از ورود به منزل و عدم یافتن شخص دیگر و همچنین تنها بودن آن مرد، بیان داشت که چرا باوجود متأهل بودن، جدا از همسر زندگی می‌کنی که آن مرد جواب داد، من که جرمی مرتکب نشده‌ام. افسر وظیفه‌شناس که به داخل آشپزخانه رفته بود، به آرامی ظرف شیشه‌ای روی کابینت را به زمین انداخت و شکست. با صدای شکسته شدن آن، صدای جیغ زن بلند شد و از محل بلند شدن صدا که در داخل کابینت مخفی شده بود، همگی به اداره پلیس منتقل شده و به تمامی موارد اعتراف نمودند. این دلیل برای دادگاه کافی به نظر رسید و برای مرد و زن متخلف قرار محکومیت صادر شد.

در مثال حقوقی دیگر در شهرستان هرسین استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ خانواده‌ای که کودکشان به سرقت رفته بود و به یکی از اقوام خویش (ن.ن) مشکوک بودند، با ارائه برخی ادله، حکم بازرسی از منزل آن فرد مظنون را از دادستانی اخذ کردند. به کمک سگ‌های زنده‌یاب به آن منزل رفته و هیچ موردی یافت نشد. فردی که از منزلش تفتیش شده بود، به دادستانی شکایت بود که درخواست اعاده حیثیت و همچنین هزینه نظافت منزل که به واسطه ورود سگ‌ها کثیف شده بود را داد. پس از آن که سارق اصلی کودک یافت شد و از نظر دادستانی به اصرار پدر و مادر طفل آقای ن.ن متهم شد. پرونده دیگر به دادگاه حقوقی ارسال شد و اعاده حیثیت و همچنین خسارت نظافت منزل برای پدر و مادر طفل منظور گردید که پس از آن، با رضایت شاکی متوقف شد.

در مثالی دیگر در سال ۱۳۹۸، در شهرستان کرمانشاه خانم ی شاغل در بیمارستان که به قصد ازدواج با یکی از همکاران خود، در ارتباط بود و مقداری عکس رد و بدل کرده بود، و به تفاهم ازدواج نرسیدند، پس از سال‌ها متوجه پخش شدن عکس‌هایی شد و به دادگاه شکایت نمود که عکس‌های زیادی از وی نزد همکارش است. دادگاه حکم تفتیش منزل را صادر نمود و پس از بررسی لپ‌تاپ شخصی آن مرد، در منزلش که توسط پلیس فتا انجام شد، متوجه عکس‌های مخفی در لپ‌تاپ شد و پس از آن پرونده جهت رسیدگی به دادگاه ارسال شد. در تفسیر این مثال‌های حقوقی، برخی جنبه صرفاً حقوقی و برخی دیگر جنبه ترکیبی حقوقی-کیفری داشت. با بررسی مفاد آن چنین مشخص شده که قوانین کلی که در آئین دادرسی مدنی و کیفری در مورد تفتیش منزل ذکر شده و تنها به صرف وجود اماره‌ای مبنی بر مخفی شدن یک اثر، حکم تفتیش منزل صادر می‌شود، در مورد دعاوی حقوقی صادق است. لذا شاکی می‌بایست با ارائه دلایل، اثبات نماید که احتمال مخفی‌کاری توسط متشاکی وجود داشته و با تفتیش از منزل، دلیل اثبات اخذ گردد. اگر این دلایل کافی نباشد، می‌تواند مبنای اعاده حیثیت و خسارت وارده در حین تفتیش قرار گیرد. اما با توجه به اینکه در جمع آوری این دلایل توسط شاکی، معمولاً ضعف‌هایی وجود دارد، تفتیش منزل در دعاوی حقوقی به ندرت صورت گرفته و عمدتاً در مسائل کیفری و یا دیگر پرونده‌های ترکیبی حقوقی کیفری قابلیت اجرا دارد.

#### ۴-۳ گزارشات بازجویی به عنوان ادله اثبات

همان طور که بیان شد، هدف اصلی از بازجویی کشف حقیقت است. لذا اثر اصلی بکارگیری روش‌های بازجویی در کشف حقیقت است. مطابق آئین دادرسی مدنی و کیفری، ادله اثبات جرم شامل اقرار، سند، شهادت، قسامه و علم قاضی می‌باشد. بالاترین ادله در رویه قضائی ایران، اقرار منطبق بر قرائن است و پائین ترین دلیل، علم قاضی بدون استناد می‌باشد که قانون بدان اشاره کرده است. لذا در دو بخش مستقیم و غیرمستقیم به بحث در این باره پرداخته شده است.

#### ۴-۳-۱ مستقیم

اثر مستقیم روش‌های بازجویی، علم قاضی به استناد گزارش‌های مرتبط بدان است. پیش‌تر در مورد علم قاضی مفصلاً صحبت شد. قانون، استناد قاضی به علم خود، که مبتنی بر قرائن باشد را به رسمیت شناخته است. این استناد می‌بایست مبتنی بر امارات بوده و اگر دلیل قاضی برای استفاده از علم خود منطقی به نظر نیاید، می‌تواند موجبات لغو حکم صادره توسط مراجع مافوق را فراهم دارد. مطابق مثالی که در ادامه (بخش اشاره به کامن لا) بیان شده است، در نظام حقوقی آمریکا که مبتنی بر کامن‌لاست، چنین گزارش‌هایی بالاترین درجه اعتبار در صدور احکام را دارد که مورد انتقاد برخی دیگر از حقوقدانان نیز قرار گرفته است. این کشور را می‌توان پیشگام در استناد به چنین گزارش‌هایی دانست که البته بحث در مورد آن خارج از پژوهش کنونی است. اما در نظام حقوقی کشورما استناد به چنین مواردی در پایین‌ترین درجه اعتبار قرار دارد. چنان که بیان شد، اقرار می‌بایست در جلسه محاکمه و در حضور قاضی صادرکننده رأی بیان شود. در این صورت می‌توان به استناد اقرار، رأی صادر نمود. اما اگر متهم با وجود اقرارهای پیشین، در جلسه دادگاه منکر واقعیات شد، دیگر نمی‌توان آن را اقرار نامید. لیکن اقرارهای پیشین به عنوان امارت و نشانه مورد استناد قاضی قرار می‌گیرد. در اینجا گزارش‌های بازجویی که اقرارهای پیشین ظهر آن است، به قاضی کمک کرده که در مورد مسئله‌ای حکم صادر کند. از این مطلب چنین بیان می‌شود که اقرار با وجود مراحل پیچیده قانونی، تنها با وجود استماع در جلسه محاکمه، اعتبار کامل اقرار را دارد. در مورد امارات نیز پیشتر مطالبی بیان شد. هر وسیله‌ای که بتواند به یک موضوعی علم دهد، امارت نامیده می‌شود. قاضی به استناد امارت می‌تواند حکم صادر کند. اینکه حکم قاضی براساس علم خود تا چه حد منطقی است، بسته به حقوق عرفی دارد.

در اینجا به دو مثال حقوقی توجه شود. در یک مثال، آقای الف با آقای دال معامله فروش ملک را انجام داد. اما به سبب خیار تفلیس، معامله فسخ گردید. معامله شفاها فسخ شد و بر روی کاغذ، فسخ آن گزارش نشد. پس از مدتی آقای الف مجدد ملک خود را به شخصی دیگر می‌فروشد. آقای دال به سوءاستفاده پرداخته و مدعی است که ملک من به فروش رفته است و در واقع استناد به فروش مال غیر نمود. بازپرس و دادیار پرونده به تحقیق در این باره پرداختند و روش‌های نوین بازجوئی نیز مستند گردید. نکته قابل توجه اینکه در هنگام صحبت در مورد فسخ معامله، خانمی از مشتریان شرکت آقای دال در آنجا حضور داشت که بعدها برای شهادت فراخوانده شد و بیان نمود که به گوش خود شنیدیم که معامله فسخ شده است. گزارشات دادیار و بازپرس نیز چنین بیان داشت که معامله شفاها فسخ شده ولی کتبا گزارش نگردیده است. چنین است که آقای دال نیز احتمالاً چند بار به قصد اخاذی به آقای الف تلفن زده که در صورت پرداخت مبلغی مشخص حاضر به رضایت و آزادی اوست. البته اسناد موثقی در این باره موجود نبوده که البته سوابق شرارت آقای دال نیز در پرونده موجود بوده و علم قاضی را تحت تاثیر قرار داد. در اینجا قاضی با اتکا به علم خود، و استناد به امارات، بیان شده، به

خصوص گزارشات دادیار که به بازجویی از هر دو طرف دعوا پرداخته بود، و همچنین با حضور یک شاهد زن، حکم براءت آقای الف را صادر کرد، اما به محکومیت آقای دال رأی نداد. طبیعتاً حضور یک شاهد زن برای چنین اثباتی کافی نبود. اما با توجه به گزارشات بازجویی دادیار، نسبت به صدور برادت اقدام شد. چرا که روانشناسی این مقام قضائی، صدق گفتار آقای دال را مورد تردید قرار داد. بدین صورت گزارش بازجویی به صورت تقریباً مستقیم مورد استناد جهت صدور رأی قرار گرفت.

در جریان یک مثال دیگر، آقای الف که به آتش‌سوزی منزل فردی متهم بود و دیگر قرائن به خصوص تهدید پیشین وی به آتش‌سوزی دلیلی بر اتهام وی ارزیابی می‌شد، ابتدا توسط دادگاه بدوی به ۵ سال زندان و پرداخت جریمه محکوم شد. سپس همسر دوم وی که ازدواج آنها کاملاً مخفیانه بوده است و همچنین پیشتر نیز خانواده وی بیان داشته بودند که در روز وقوع حادثه، وی در شهرستان بود، اما به دلیل فامیلی نزدیک (اقارب) شهادت آنها برای دادگاه پذیرفته شده نبود. سرانجام همسر دوم وی در دادگاه حضور یافت و بیان داشت که در روز حادثه، ایشان در شهرستان نزد وی بوده است و لیکن به دلیل اختفای ماجرا حاضر نشد که از وی طلب شهادت کند. پرونده جهت اعاده فرستاده شد و سپس حکم به براءت ایشان صادر گردید. قاضی استناد را علم خود و دیگر امارات دانست. در اینجا نیز این نکته قابل توجه است که شهادت یک زن، به خصوص همسر متهم، برای اعاده دادرسی و صدور حکم براءت کافی نبود. لیکن به عنوان امارت لحاظ شد. از سوی دیگر گزارشات پلیس آگاهی و بازپرس پرونده، صدق گفتار این مرد را به اثبات می‌رساند. لذا به استناد گزارشات بازجو و بازپرس و همچنین شهادت این زن، دادرسی اعاده شد.

از این مثال‌ها چنین برداشت شده که ادله‌ای که قاضی می‌تواند از آن به عنوان علم خود استفاده کند، می‌بایست به نسبت منطقی باشد که البته اگر دلایل چندان محکم نباشد، زمینه صدور حکم تجدیدنظر خواهی را فراهم می‌نماید. لذا هر اندازه که علم قاضی نسبت به استنادها محکم‌تر باشد، اعتبار حقوقی و حکم صادره نیز افزایش می‌یابد. هر چند که ادله علم قاضی پایین‌ترین درجه استناد است، اما مواردی که در استناد علم قاضی به عنوان امارت مطرح است، می‌تواند به تقویت نسبی آن بیانجامد. فلذا روش‌های نوین بازجویی هر اندازه که مستندتر به عوامل علمی باشد و در غیاب دیگر ادله اثبات جرم که در مورد آنها بحث شد، می‌تواند برای صدور حکم مورد استناد قرار گیرد.

#### ۴-۳-۲ غیر مستقیم

همان‌طور که بیان شد، علم قاضی به استناد گزارش‌های واصله از روش‌های نوین بازجویی، اثر مستقیم است و در صورتی که روش‌های بازجویی، به دیگر ادله همچون شهادت و اقرار که بالاترین نوع دلیل اثبات است بیانجامد. حتی اگر اقرار در دادگاه توسط متهم انکار شود، بازهم اظهار پیشین وی به عنوان امارتی قوی برای علم قاضی محسوب می‌شود. اینکه روش‌های بازجویی بتواند به اقرار صریح متهم ختم شود، بسته به مهارت بازجو و استفاده از روش بکار گرفته شده مرتبط است. بسیاری از این روش‌ها ریشه فقهی و مذهبی داشته که در اینجا به برخی از آنان اشاره شده است.

#### ۴-۳-۱ توصیه‌های فقهی

روش‌های علمی پلیسی، پلیس علمی و سایر بررسی‌ها و مطالعه در آثار علوم و روانشناسی جنائی اندیشه و روان مجرم را تجزیه و تحلیل می‌کند، یک پلیس که بهره‌ای از روانشناسی جنائی داشته باشد، می‌تواند از دقت



غیرارادی، تغییرات ناگهانی رنگ چهره اشخاص، تمایلات آنان را تشخیص دهد. علی (ع) می‌فرماید کسی که چیزی را پنهان نمی‌کند، مگر آنکه در لابلای گفتار یا در چهره اش آشکار می‌گردد. روانشناسی جنائی بما می‌آموزد که به محض وقوع جنایات باید از مظنون‌ها بی‌درنگ بازپرسی به عمل آید تا نتوانند برای فرار از عدالت مطالبی بسازند و فرصت سر هم بندی نا بجای مطالب برای اغواء بازپرس و قاضی و محکمه درست کنند، یا تبانی نمایند.

دادرسی در جهان امروز و در عصر ما با شیوه‌های گوناگون کشف جرم و بازپرسی همراه است، که می‌تواند از دستگاه پیچیده و پیشرفته در این زمینه کمک بگیرد. جرم، خود نیز ضوابط و شرایط ویژه دارد و مجرم ممکن است دارای انگیزه و تحت تأثیر علل و عوامل گوناگون دست به ارتکاب جرم بزند، آگاهی از این شیوه‌ها و از این علل و عوامل، می‌تواند قاضی را در کشف جرم و علل آن، یاری دهد، و با کشف حقیقت حکم واقعی و بحق صادر نماید. و روانشناسی قضائی امروز یک امر جا افتاده در دادرسی است و امروز در اکثر دانشکده‌های حقوق و روانشناسی قضائی تدریس می‌شود.

قاضی جزائی یا کیفری با آشنائی به علوم روانی هنگام بازجویی با صدور حکم دچار اشتباه نمی‌شود. از رفتار متهم گرفته تا شهود و حتی تماشاجی و افراد حاضر در دادگاه خود موضوع روانشناسی قضائی را تشکیل می‌دهد.

بسیاری از علومی که در رابطه با کار قضا و دادرسی بویژه در حقوق جزا بکار می‌رود، از قدمت زیادی، برخوردار نیست، مثلاً در علوم جنائی مربوط به مطالعه در خصوصیات شخص مجرم از لحاظ علم تشریح وظایف‌الاعضاء است که از اواسط قرن نوزدهم پس از بروز نظر لمبروز ایتالیائی توسعه یافته است. معرفت النفس جنائی، یعنی تحلیل اندیشه و روحیه مجرمین، علم طب دماغی، اندیشه و افکار مجرمین را مطالعه می‌کنند. علم الاجتماع جنائی، که موضوع آن بحث از عوامل اجتماعی جرم است، پزشکی قانونی، دقت در آثار محل وقوع جرم و یا شخص مجنی علیه می‌باشد و می‌تواند به کیفیت ارتکاب جرم و هویت فاعل جرم نظر دهد. و به جرات می‌توان گفت که علی (ع) مبتکر بسیاری از این علوم برای نخستین بار بوده است. داوری آن حضرت درباره پنج نفر که مرتکب زنا شده بودند، در محضر خلیفه به سنگسار محکوم گردیده و بسوی مجازات رهسپار بودند، یادآوری درباره دو زنی که مدعی بودند پسر از آن اوست با وزن کردن شیر زنی که مدعی بود پسر زائیده وزن دیگر دختر، و تفریق در گواهان و ... گویای این حقیقت است (حسنی، ۱۳۷۱: ۵۳).

#### ۴-۲-۲- شیوه های مختلف قضائی علی (ع)

قضاوت‌های ویژه آن حضرت که از آن گاهی به قضاوت‌های محیر العقول تعبیر می‌شود، بر چند بخش می‌توان تقسیم کرد: (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۵)

۱- رویه و اعمال ویژه قضائی که صرفاً برای کشف حق است به نحوی که برای متهم و مجرم جز اقرار و اعتراف راهی نماند.

۲- رویه آزمایش و سنجش که در آزمایشگاه‌های امروزی متداول است و علی (ع) مبتکر آن بود مثل وزن کردن شیر زنائی که مدعی پسر زائیدن بودند و قرار دادن لباس بظاهر آلوده به جنایت در آب جوش.

۳- روش‌هایی برای کشف حیل و نیرنگ طرف دعوا به نحوی که بر همگان آشکار شود.

۴- رویه استنطاق و بازجویی خاص به نحوی که دروغ متهم در نزد همه حاضران آشکار گردد.

۵- و در مواردی که حضرت با به کارگیری فرمول‌های دقیق ریاضی مشکل مالی و نزاع‌های ارثی و مالی را حل کرده است و مسأله دیناریه آن حضرت و تقسیم هفده شتر در بین سه نفر با سهام ۱۱ بدون آنکه شتر کم بیاید و یا مجبور به پرداخت قیمت شود.

۶- روش‌هایی که به طرف تلقین افکار می‌دهد، به نحوی که اقرار نکند و این تنها در مواردی که بر حسب دستور شرع لازم است، در مواردی که طرف و افراد مبدا بی‌جهت اعتراف به گناه کنند که پس از ثبوت اقرار و اعتراف حکم خدا و حد باید اجراء گردد.

مهمتر از همه آنست که علی (ع) علم قضا از وحی پیامبر (ص) آموخت و از سر چشمه بیکران علوم الهی و وحی نبوی بر خوردار شده است.

او هنگام اعزام برای قضاوت به یمن توسط پیامبر (ص) گفت: یا رسول الله من جوانم شاید همه علوم قضا را ندانم، پیامبر فرمود: اذن منی، نزدیک من بیا و آنگاه دست روی سینه آن حضرت نهاد و فرمود: خدایا دل و فکر او را با دانش بی‌پایان هدایت کن و زبانش را ثابت و استوار دار. آن حضرت فرمود: پس از آن حتی در مسأله و موردی از قضاوت بین دو نفر تردید نکردم و در هیچ امری شک ننمودم!!

و بهمین جهت ابتکارات جالبی حضرت در امر قضا داشت و نکته و رموزی از قرآن در رابطه با احکام قضائی استنباط می‌کرد که برای همگان جالب و تازگی داشت.

#### ۴-۳-۲- رویه جدید قضائی علی (علیه السلام)

بسیاری از حقوقدانان در رابطه با قضا و دادرسی مسأله خصوصیات مجرم و حالات روحی و روانی و وضع خاص او را در مسأله کیفر و عدم آن دخیل می‌دانند و معتقدند که نباید درباره همه یکسان حکم کرد و همه را یکسان کیفر نمود. چنان که برخی از حقوقدانان غرب‌زده ممکن است قوانین جزائی و کیفری اسلام را به‌باد انتقاد بگیرند که چگونه برای زنا و دزدی و ..... در همه موارد یک حکم دارد. با این که قاضی باید عنصر جرم و حالات مجرم را در نظر بگیرد، که باید گفت چنین نیست، گر چه حکم کلی است، ولی ویژگی‌هایی در آن نهفته است که قاضی می‌تواند براساس آن کیفر را سنگین و یا سبک نماید، چنانکه علی (ع) انجام داد، علی (ع) مبتکر این نوع دادرسی است، و نمونه‌های زیادی از دادرسی‌های آن حضرت در این رابطه نقل شده که به یک نمونه آن اشاره می‌شود:

مرحوم کلینی در باب نوادر کافی از اصبع بن نباته نقل می‌کند که "پنج مرد زانی را نزد عمر آوردند و او دستور داد که حد زنا (صد تازیانه یا سنگسار) را درباره تمام آنان اجراء کنند. علی (ع) در مجلس حاضر بود، فرمود: "ای عمر این حکم آنان نیست." عمر نیز گفت: "تو حد و حکم را اجراء کن" علی (ع) فرمود: "این یکی را گردن بزنند، دومی را سنگسار کنند، سومی را صد تازیانه و چهارمی را پنجاه ضربه شلاق و پنجمی را هم تعزیر نمایند."

عمر و سایر حاضران تعجب کردند که در جریان واحد چگونه علی پنج نوع حکم صادر می‌کند و توضیح خواستند، حضرت فرمود:

اولی مسلمان نیست و در ذمه است، و چون با زنا با مسلمان از ذمه خارج شده است، حکمش قتل است، نه حد زنا! دومی زنا محصنه کرده است، زن داشت و با امکان زناشویی مرتکب زنا شده است، حکمش سنگسار است و سومی زنا معمولی و غیر محصنه نموده است که باید صد ضربه شلاق بخورد (حد زنا) چهارمی چون

برده و عبد است و حد عبد نصف حر است، پس باید پنجاه ضربه شلاق بخورد، پنجمی مجنون است و دیوانه تکلیف ندارد، پس حد ندارد و برای این که بترسد و خلاف نکند تنبیه بشود، باید تعزیر شود.

#### ۴-۳-۲-۴ رویه تغریق در بازجویی

در کافی و تهذیب از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که جوانی با گروهی هنگام ورود در مسجد با گریه از علی (ع) استمداد کرد، که قضاوت کند. او گفت: پدرم با اینها به مسافرت رفت مال زیادی همراه داشت و همه آمدند ولی پدرم نیامد، وقتی که می‌پرسم می‌گویند مالی به جا گذاشت!! او (شریح) هم قضاوت کرد و آنان را سوگند داد و سوگند هم خوردند، ولی من یقین دارم پدرم با اینها رفت و مال زیادی هم با خود داشته است و این قضاوت صحیح نیست (خوئی، ۱۳۹۱: ۲۲).

علی (ع) آنان را فرستاد و جریان را از شریح پرسید آنهم جریان قضاوت خود را گفت ادعا و انکار و جوان بینه نداشت اینها هم منکر بودند که سوگند خوردند. حضرت فرمود: آیا درباره چنین قضیه مهم این‌گونه سطحی قضاوت می‌کنند، ولذا تحکم فی مثل هذا؟ حضرت در پاسخ شریح فرموده و الله الاحکمن فیهم بحکم ما حکم به قبلی الا داور النبئی، آنگاه چند تن از اعضاء شرطه را می‌طلبید و هر یک از آنها را به یکی می‌سپارد و می‌گوید، می‌پندارید که نمی‌دانم چه بر سر پدر این جوان آورده‌اید. هر یک را به ستونی می‌بندد و چشمه‌ایشان را می‌پوشاند، آنگاه مفتی مخصوص خود ابی رافع را می‌طلبید، و مردم را حاضر می‌سازد و می‌گوید: هر چه گفتند و اقرار کردند بنویس و هر وقت من تکبیر گفتم شما نیز تکبیر بگوئید. آنگاه ریز جریان را از یک یک آنان پرسید، کی خارج شدید، چه روزی از کجا در کدام شهر، در چه سالی، و تا کی، فلائی با شما بود، و کجا بیمار شد، چگونه دفن شد. پس از شنیدن جریان حضرت تکبیر گفت چون دیگران نمی‌دانستند که رفقاییشان چه گفتند دقیقاً اقرار کردند (سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۳۳).

#### ۴-۳-۲-۵ استفاده عاطفی و روانی

جوانی فریاد می‌زد که این مادرم است و دو سال شیرم داده مرا طرد می‌کند. زن انکار و شواهدی هم داشت. عمر جوان را محکوم کرد بزندان. از علی استمداد کرد. آن حضرت جوان و زن را خواست حرف‌های آنان را شنید و شاهدان که خواهران زن بودند، گواهی دادند این زن اصلاً شوهر نکرده است و دوشیزه است. حضرت فرمود: اختیار من می‌دهد؟ همه گفتند: آری، گفت: این زن و این جوان را برای هم تزویج می‌کنم، مهریه ۴۰۰ درهم از خود، پس از عقد و پرداخت مهریه، عروسی کنند. زن عرض کرد: ای پسر عم رسول خدا مرا به پسرم تزویج می‌کنی او بیچه منست...!!! جریان را کاملاً اعتراف کرد (زهیلی، ۱۴۱۸: ۴۴).

درباره دو نفری که از مناطق کوهستانی به قصد حج آمده بودند، هر یک مدعی بود که دیگری غلام من است، هر چه کردند هیچ یک اقرار نکرد، و هر دو قسم خوردند که دیگری غلام من است. حضرت فرمود: به نظرم نمی‌خواهید راست بگوئید، آنگاه فرمود: شما سرتان را از این سوراخ بیرون کنید و به آن دیگری نیز گفت سر خود را از این سوراخ بیرون نمائید. و چنین کردند. سپس با صدای بلند گفت: قنبر شمشیر پیامبر خدا (ص) را برایم بیاور که می‌خواهم گردن غلام را بزنم و آنکه واقعا غلام بود، فوراً گردن خود را از دیوار بیرون کشید، ولی دیگری ماند. و به اولی گفت: تو که می‌گفتی غلام نیستم، گفت: آری اما چون به من خیلی ظلم کرده بود خواستم از این راه خلاص شوم، حضرت غلام را به او سپرد و سفارش کرد که آزارش نکند (همان).

درباره ادعای دو زن نسبت به یک بچه که در عهد عمر نتوانستند آنان را قانع کنند حضرت اول نصیحت کرد ولی مؤثر نشد، فرمود می خواهم بچه را نصف کنم، نصف را به تو و نصف دیگر را به این یکی بدهم، یکی ساکت ماند و دیگری گفت: ترا بخدا اگر مصمم بر تقسیم هستی نکن و بچه را بده به او. من مادر او نیستم، حضرت به دومی فرمود: اگر مادرش بودی احساس عاطفی داشتی و حاضر به مرگ او نمی شدی او هم اعتراف کرد (زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۴).

رویه آزمایش و سنجش که امروز یکی از طرق کشف جرم و مجرم آزمایش های مختلفی است که از او به عمل می آید، این شیوه جدید و نوظهور در رابطه با آزمایش خون و..... وجود دارد، و قرن ها پیش امیر مومنان بکار بسته است.

#### ۴-۳-۲-۶ وزن و سنجش

دو کودک نوزاد یکی پسر و دیگری دختر که مادرانشان هر دو مدعی بودند دختر از آن دیگری است و پسر مال خودش است. نصایح علی (ع) درباره آنان مؤثر نشد و همچنان پافشاری می کردند طبق دستور حضرت شیر هر دو زن وزن شد و آنکه شیرش سنگین تر بود فرمود: مادر پسر است و دیگری مادر دختر (عبدالرحمان، ۲۰۱۰ م، ۴۴).

#### ۴-۳-۲-۷ آزمایش

زنی که با شیوه نادرست و حيله عجیبی می خواست جوان معشوق خود را متهم سازد و به لباس و... خود سفیده تخم مرغ مالیده بود و بعنوان سند جرم و تجاوز آن جوان ارائه داده بود، و برای همگان ثابت شده بود زن مورد تجاوز قرار گرفته، ولی علی (ع) فرمود: آب جوش و داغ حاضر کنند و سپس لباس آلوده را در آب جوش نهادند، کاملاً روشن شد که این سفیده تخم مرغ است نه جنایت (عاملی، ۱۴۱۱: ۵۵). در رابطه همسر جوان دوشیزه پیرمردی که می پنداشت حمل زن نامشروع است و حتی عثمان پس از سؤالاتی دستور اجراء حد زنا بر زن حامله جوان داده بود، حضرت فرمود: امکان نفوذ نطفه بدون دخول و سلب بکارت نیز هست. پس از سؤال جواب و آزمایش معلوم شد که زن جوان حامله، باکره است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۴۴).

#### ۴-۳-۳ ترتیب اهمیت ادله کشف شده

با توجه به آنچه که بیان شد و همچنین مثال های حقوقی که استنادهایی در احکام مشاهده شده است، می توان در جمع بندی ادله اثبات در دادگاه ها، ترتیب ذیل را برای اعتبار ادله بیان داشت.

- ۱- اقرار واقعی منطبق بر منطق مسئله.
- ۲- شهادت واقعی منطبق بر منطق مسئله.
- ۳- اسناد و گزارش هایی که صحت آنها به اثبات رسیده است.
- ۴- علم قاضی به استناد امارات (بسته به قوت امارات، رأی صادره از اعتبار متفاوتی برخوردار می باشد).

قاضی در صدور رأی خود مستقل است و این مورد در آیین دادرسی های مدنی و کیفری بیان گردیده است. دخالت قاضی دیگر در امر صدور پرونده، از نظر قانونی منتفی شده است. این مسئله می تواند به ضمانت حقوقی

قوی‌تری در علم قاضی منجر شود. به هر حال چنین به نظر رسیده که اعتبار حکم صادره به استناد علم قاضی می‌تواند براساس حقوق عرفی و مثال‌های حقوقی معتبر گردد.

در جریان یک پرونده جنائی در تهران، مردی که خود اقرار نموده بود همسرش را به قتل رسانده و وی را در جایی نامعلوم دفن نموده است، ابتدا به پزشکی قانونی معرفی شد و سلامت عقلی برای گزارش گردید. بازجویی به روش‌های نوین و مبتنی بر علم روانشناسی چنین برداشت شد که سخنان وی کاملاً متناقض بوده و نمی‌تواند دلیلی بر چنین کاری باشد. به خصوص آنکه همسر وی فوت شده و بنا به تحقیقات محلی محل دفن وی مشخص است. دادگاه حکم برائت برای وی صادر کرده، اما دو روز پس از آزادی، ضمن شکافتن دیوار منزل، جسد سوخته همسرش را به پلیس نشان داد. پرونده اعاده دادرسی شد و اینبار با توجه به اقرار صحیح و منطبق بر واقعیت، قرار محکومیت صادر شد. نکته قابل توجه در این مثال حقوقی آن است که گزارش بازجویی حتی با وجود اقرار صریح که البته بر واقعیت منطبق نبود، در نهایت مورد استناد علم قاضی قرار گرفت و تنها زمانی که اقرار، با واقعیت تناسب داشت، دلیل بالاتری قرار گرفته و موجب محکومیت گردید.

در یک مثال حقوقی دیگر، فردی که به جرم قتل عمد در حال محاکمه بود، به درخواست وکیل، و همچنین گزارش پزشکی قانونی که بیماری دو قطبی وی را تأیید کرده بود، در لایحه‌ای به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی که بیان کرده بود، جنون در هر مرحله از جنایت، موجب رفع مسئولیت کیفری است، استناد نمود. قاضی پس از ارجاع مجدد پرونده به دایره تحقیقات به موجب ماده ۲۰۵ آئین دادرسی مدنی، نتیجه تحقیقات (برپایه روش‌های روانشناسی) بیماری دو قطبی وی را تأیید کرد. لذا استناد به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی صورت گرفت و مسئولیت کیفری رفع شد.

اما در جریان پرونده‌ای دیگر که متهم به قتل محکوم گردیده بود، وکیل به استناد ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی در مورد رفع مسئولیت در زمان مستی و گزارش پزشکی قانونی در مورد مستی متهم، لایحه‌ای ایراد داشت. نتیجه بازجویی مستی فرد در زمان وقوع جنایت را نشان داد که قاضی با رد این موضوع، وی را مسئول قتل و مجرم شناخت.

در جریان قتل معشوقه یکی از ورزشکاران معروف کشور به دست همسرش، که افکار عمومی را به شدت تحت تاثیر قرار داد؛ با وجود آن که متهم به قتل اقرار کرد، اما نتایج بازجویی از عدم تعادل روانی وی حکایت داشت. همچنین در بازسازی صحنه جرم توسط مسئولین پلیس آگاهی، کارشناسان تشخیص دادند که این قتل توسط وی انجام نشده است. با وجود اقرار وی و همچنین حکم سلامت روانی توسط پزشکی قانونی دادگاه از این زن رفع مسئولیت نمود. بعدها در ادامه تحقیقات پلیس، قاتل واقعی یافت شد.

در بررسی این چند مثال حقوقی، چنین بیان شده که بالاترین دلیل برای اثبات در دادگاه، اقرار برپایه قرائن صحیح است. این مسئله در آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده و ضمانت استناد بدان در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بیان شده که "هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچ گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قرائن و امارات نیز موید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می‌کند".

با توجه به این ضمانت، چنین مشخص است که اقرار با وجود دیگر قرائن، که صحت آن را اثبات می‌نماید، بالاترین درجه استناد در اثبات یک مسئله در دادگاه هاست. اما اگر چنین موردی مقدور نبود، ماده ۱۹۷ همین قانون ضمانت دیگری را پیش کشیده است. به موجب این ماده، دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و

ابهام و روشن شدن موضوع لازم است، از طرفین و شهود و مطلعین خواهد نمود. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد، دادگاه بدون این که متهم را مجبور به پاسخ دهی کند، رسیدگی را ادامه می‌دهد. لذا قاضی مجاز است که در صورتی که دلیل اول ثابت نشد، به دیگر ادله روی آورد. بدین صورت اولویت استناد به ادله مطابق با حقوق نوشته و همچنین حقوق عرفی که پیشتر مثال‌هایی از آن بیان شد، مطرح گردید. اما اینکه اگر نتایج بازجویی، اقرار متهم را مطابق با واقعیات نداند، این خود می‌تواند دلیلی بر رد این سند باشد. با هدف حفظ شهادت سالم نیز ماده ۲۰۱ آیین دادرسی مدنی و همچنین مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی، ضمانت‌هایی را برای شهادت صحیح ذکر کرده‌اند که می‌تواند در اثبات یک مسئله در سیستم قضایی به کار گرفته شود. در بند پنج ماده ۲۷۲ آیین دادرسی ضمانت دیگری برای استناد به روش‌های نوین بازجویی بیان شده است که به موجب آن حتی پس از صدور رأی به تشخیص مسئولین قضایی می‌توان دادرسی را اعاده نمود. لذا اولویت ادله اثبات شده به صورتی که پیشتر بیان شد، می‌باشد.

#### ۴-۳-۴ نگاهی اجمالی به ادله اثبات جرم در کامن لا

همان طور که می‌دانیم نظام کامن‌لا بر پایه حقوق عرفی است و حقوق نوشته در آن جایگاه بسیار ضعیفی دارد. در مورد روش‌های نوین بازجویی، ایالات متحده آمریکا پیشگام در اعتباربخشی به نتیجه گزارش‌های این مورد است. دیگر نظام‌های کامن‌لا نیز چنین مواردی مشاهده می‌شود (سایت قوه قضائیه اتحادیه اروپا)، لیکن ایالات متحده آمریکا به صورت مطلق با ادله قوی به نتایج چنین بازجویی‌های استناد می‌کند در این باره چند مثال حقوقی بیان شده است:

در مورد پرونده آقای برونو پنجاه ساله که با ایسا هفده ساله، برادرزاده همسرش، که همسن دختر خودش بود، رابطه برقرار نمود (دختر با شوهرعمه‌اش رابطه داشت). روابط عاشقانه این دو روز به روز تقویت شد تا اینکه برونو با هدف مخفی نگاه داشتن این ماجرا، اقدام به ربودن و حبس ایسا کرد. آدم‌ربایی در منطقه خارج از شهر رخ داد و ایسا پس از چند روز حبس، گریخته و در حین فرار، هدف گلوله قرار گرفت و جان سپرد. در جریان رسیدگی به این پرونده، برونو اتهام داشتن رابطه نامشروع و ربودن این دختر را بر عهده گرفت، اما اتهام قتل را عهده‌دار نشد. پس از بازجویی‌های انجام شده بر مبنای روانشناسی و همچنین نتایج دستگاه دروغ سنجی، دادگاه اظهارات وی را صحیح دانست و در کمال ناباوری، حکم آزادی وی را صادر نمود. پس از پایان جلسه دادگاه، برونو آزاد به خانه بازگشت. پس از یک سال از آن ماجرا، مشخص شد که همسر برونو (عمه ایسا) که به رابطه وی و همسرش پی برده بود و به آنها مشکوک گشته بود، از اصل ماجرا باخبر بود و در حین فرار وی را هدف گلوله قرار داد، به گونه‌ای که برونو متوجه ماجرا نشد (تروجه<sup>۱</sup> و گلاج<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۱۰). مسئله اقرار ناقص که پیشتر در مورد آن صحبت شد، در اینجا نیز قابل بحث است.

در بررسی یک پرونده جنایی در ایالات متحده آمریکا، دختر یک خانواده، در حین خواب با شلیک چند گلوله کشته می‌شود. مامورین پلیس آن کشور، از تمام اعضای خانواده مقتول تحقیق به عمل آورند و به برادر کوچکتر مظنون شده که به کمک دستگاه دروغ سنج و دیگر روش‌های نوین، تشخیص می‌دهند که این فرد خواهر خود را به قتل رسانده است. پس از گذشت شش سال، هنوز متهم به قتل زبان نگشاده و دیگر اسناد و

<sup>۱</sup> Troje

<sup>۲</sup> Gluch

مدارک نیز چنین مسئله‌ای را تأیید می‌نماید. اما نظر کارشناسی پلیس، بر این است که مقتول توسط برادر خود به قتل رسیده است. نهایتاً پس از شش سال، دادگاه فدرال حکم حبس ابد را برای برادر این دختر صادر نمود. در جریان یک مثال دیگر، زنی که به خیانت همسر و سپس قتل وی متهم بود، هیچگاه حاضر به اقرار نشد. با روش‌های نوین بازرجویی، نتیجه آن شد که وی به همسرش خیانت کرده و او را به قتل رسانده است. حتی مردی که وی با او رابطه عاشقانه داشت، یافت نشد. دادگاه به استناد نتایج بازرجویی، زن را به حبس ابد محکوم کرد (سایت کنگره آمریکا)

در بررسی این مساله حقوقی و همچنین دیگر موارد بیان شده، چنین نتیجه می‌شود که در ایالات متحده آمریکا گزارشات مبتنی بر روش‌های علمی بازرجویی بالاترین حد ادله اثبات را داشته و حتی از اقرار نیز بالاترند. علم قاضی مستند به روش‌های نوین، بالاترین درجه اعتبار اثبات جرم را دارا می‌باشد. البته انتقادهای زیادی به این رویه وارد است که خارج از موضوع پژوهش کنونی بوده و جهت اطاله کلام از آن می‌گذریم. نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا بصورت قوی‌تر از دیگر نظام‌های کامن‌لا، نتایج حاصل از بازرجویی را به عنوان قویترین دلیل اثبات جرم تلقی کرده و حتی از اقرار صریح نیز مستندتر است. البته موضوع پژوهش، بررسی نظام حقوقی کامن‌لا و یا مطالعه تطبیقی نمی‌باشد و لذا این بحث در همین محدوده کافی به نظر می‌رسد. تنها به طور مختصر به جایگاه شکنجه در گرفتن اقرار از مجرمان سیاسی اشاره شده که بیشتر جنبه‌های روش‌های نوین بازرجویی انجام شده مدنظر است.

#### ۴-۳-۱- جایگاه شکنجه در ایالات متحده آمریکا

پرواضح است که ایالات متحده آمریکا در جایگاه ابرقدرتی خود، در نقاط مختلف جهان حضوری فعال دارد. لذا جایگاه بازداشت و اعتراف‌گیری در این کشور، خارج از محدوده حقوق داخلی آن حرکت کرده و در راستای سیاست‌های توسعه‌طلبی کاخ سفید قرار دارد. اعضای القاعده مهم‌ترین هدف تحقیقات سازمان سیا قرار دارند. از روش‌های نوین بازرجویی که درباره این افراد بکار گرفته شده است، عمل غرق مصنوعی، اعدام مصنوعی، و در مواردی غیراخلاقی، شکنجه‌های نامتعارف گزارش شده است. عمل اعدام مصنوعی چیزی شبیه آنچه در ماجرای فقهی اشاره شد، است. بدین معنا که با فرض اعدام، متهم زبان به اقرار می‌گشاید. مشابه این مسئله در کتب فقهی وجود دارد. از دیدگاه روانشناسی، این چنین اقدامات، می‌تواند زبان به اقرار راستین بگشاید. بدین صورت که افراد از ترس مرگ مصنوعی، به تمام حقایق اقرار کرده و می‌تواند سر نخ ماجرای دیگری را بگشاید. اما دیگر روش‌های شکنجه نامتعارف، با روش‌های نوین بازرجویی سازگاری ندارد. چراکه اصل کلی گرفتن اقرار، که در آن اعتراف حاصل از شکنجه بی‌اعتبار است، در آن اجرا نگردیده است. اما اعدام مصنوعی که در منابع فقهی نیز ریشه دارد، می‌تواند روشی مناسب برای گرفتن اعتراف راستین قرار گیرد. در گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشر، به مراتب به شکنجه‌های نامتعارف سازمان سیا باهدف گرفتن اقرار اشاره شده است. از دیدگاه حقوقی می‌توان به چند نکته مرتبط با این موضوع اشاره کرد. نخست این که قوانین گرفتن اعتراف برای حقوق داخلی و مسائل غیرامنیتی آمریکا تبیین شده است و در مسائل امنیتی، کامن لای آمریکا هر اقدام مقتضی باهدف پیشبرد اهداف ملی را مجاز می‌داند. در حقوق داخلی این کشور، همچون دیگر کشورها، گرفتن اقرار با شکنجه ممنوع است و در مسائل غیرامنیتی کاملاً رعایت شده و رسیدگی به شکایات این حوزه با دقت

انجام می‌شود. اما در مورد مسائل امنیتی، اثر مستقیم بازجوئی‌ها معمولاً به سیاست‌گذاری‌های حوزه امنیتی و نظامی بازگشته و جنبه محاکمه کیفری و یا دعوی حقوقی ندارد (هال<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۴۵).

لذا اثبات جرم در این حوزه صورت نگرفته و نتایج حاصله با اهداف مذکور انجام می‌شود. لذا کامن‌لای آمریکا هر اقدام مقتضی در این حوزه را مجاز شمرده است. از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، دستگیری اتباع خارجی و بازجوئی از آنان همراه شکنجه، عملی نکوهش شده، است. هرچند که حقوق داخلی آمریکا اجرای چنین عملی را بلامانع خوانده است، لیکن از دیدگاه حقوق بشر و بین‌الملل دارای مشکلاتی است که به واسطه ابرقدرتی آمریکا نادیده انگاشته می‌شود. همان‌طور که عیان است، حقوق بین‌الملل توسط فاتحان جنگ جهانی دوم نگاشته شد و جایگاه ویژه‌ای به این قدرت‌ها داده است (همان). از این مسائل نتیجه گرفته می‌شود که تعارض حقوق بین‌الملل با شکنجه‌های سازمان سیا، قابلیت پیگیری سیاسی نداشته و تنها به محکومیت حقوقی ایالات متحده آمریکا منجر می‌شود. همان‌طور که بیان شد، کامن‌لای آمریکا در مسائل امنیتی اختیارات کاملی به سازمان سیا داده و هدف، تنها پیگیری‌های امنیتی در این حوزه است که اسناد چندانی از آن موجود نیست. برای مثال گرفتن اعتراف به هر نحو ممکن، چه اصولی و چه غیراصولی، از اعضای القاعده که مخفیگاه‌های آنان را لو دهد، سرنخی برای ارتش آمریکا بوده که نسبت به پیگیری موضوع اقدام کرده و در صورت صحیح بودن ادعا، اقدامات مقتضی همچون هدف قرار دادن پایگاه‌ها را در دستور کار خود قرار دهد. و یا کسب اطلاعات بیشتر در مورد ساختار گروه القاعده به تقویت بنیه اطلاعاتی ارتش آمریکا در برخوردهای موردنظر با آن منتهی می‌شود. درواقع می‌توان خارج بودن ساختار قضائی از چنین بازجویی‌ها را ویژگی اصلی آن دانست. این مسئله کم‌وبیش در کشورهای دیگر مشاهده شده و تنها در موارد مقتضی، دادستان ویژه برای نظارت حقوقی بر اعمال مقامات امنیتی منتصب می‌شود. در مورد شکنجه‌های سازمان سیا، به‌طور کلی خارج از سیستم قضائی بوده و تنها حیطه امنیتی دارد. لذا هدف، اثبات یک مدعا نیست. بلکه هر اماره‌ای می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. درواقع هدف در اینجا تنها کسب اماره اساس و اثبات آن برپایه مسائل حقوقی مدنظر نخواهد بود. در مسائل غیرامنیتی، مسئولین تحقیق قضائی، با روش‌های نوین بازجوئی سعی در اقناع قاضی دادگاه در صدور رای را دارند که گاه موردپذیرش قرار نمی‌گیرد. درواقع چارچوب اثبات جرم و یا اثبات دعوا در آثار بازجوئی می‌بایست رعایت شود. اما در مسائل امنیتی غیر قضائی، هدف تنها آن است که اماره‌ای با شدت قوت مشخص تعیین شده و در دستور کار بعدی قرار گرفته و یا حداقل رویه اطلاعاتی را تقویت نماید. لذا اقرار با شکنجه که در اثبات جرم هیچ نقشی ندارد، در مسائل امنیتی سرنخی برای آغاز تحقیقاتی دیگر بکار گرفته می‌شود. کامن‌لای آمریکا، سازمان سیا را در این مورد محق دانسته و منابع حقوق بین‌الملل باوجود محکومیت این اقدامات، قادر به پیگیری‌های بیشتر نخواهند بود. اما روش‌های نوین بازجوئی در این حوزه می‌تواند موردتوجه مسئولین تحقیقات قضائی باشد. شکنجه برای کسب اقرار در هیچ‌یک از سیستم‌های حقوقی جهان پذیرفته شده نیست ولی مسئله اعدام مصنوعی، با توجه به ریشه فقهی آن، عملی کاملاً تصدیق شده در این حوزه است که مدل‌های مختلف آن را روانشناسان این حوزه ارائه داده‌اند. به‌صورت کلی هدف این است که به متهم چنین القاء شود که قرار است اعدام شود. منظور از اعدام روش‌های مختلف مرگ، همچون تیرباران، غرق شدن، گردن زدن و ... است که متهم از ترس چنین واقعه، خود لب به سخن بگشاید. سازمان سیا مکرراً از روش غرق مصنوعی استفاده کرده که به کرات گزارش شده که افراد فاقد اعتراف، از دیدگاه کارشناسان این حوزه، خالی از اطلاعات عنوان شده‌اند (همان: ۵۰).

<sup>۱</sup> Hall



#### ۴-۴ آثار روش‌های نوین بازجویی در مرحله تحقیق

به موجب مفاد آیین‌نامه دادرسی مدنی و کیفری، این اختیار به قاضی تحقیق داده شده که در صورت وجود قرائن مبنی بر اتهام یک فرد و احتمال فرار وی تأمینات لازم را برقرار کند. حتی مجوزهای ورود به منزل و دیگر موارد مرتبط با تحقیق قضائی، بنا به تشخیص و اختیار قاضی تحقیق صورت می‌گیرد. جزئیات خاص در این‌باره مشخص نشده و همین مبنای اختیار حقوقی و ضمانت اجرای تأمین را معین می‌سازد. مدت زمان لازم برای حبس افراد مظنون، به درستی مشخص نشده، اما هراندازه که ظن بدان‌ها بیشتر باشد، اختیارات قاضی تحقیق برای تمدید مدت حبس بیشتر است. بنابراین روش‌های نوین بازجویی این اختیارات را به قاضی تحقیق داده که بتواند قرار تأمین را برای متهمین صادر کند. با توجه به کلیاتی که در آیین دادرسی مدنی و کیفری در مورد آن صحبت شده، این مورد را می‌توان مستند به حقوق عرفی دانست. اینکه نتیجه یک بازجویی تا چه حد می‌تواند ظن به متهم را افزایش دهد، به اختیارات قاضی سپرده شده و می‌تواند براساس آن تصمیم بگیرد که البته مثال‌های حقوقی در این‌باره جایگاهی ویژه دارد.

آقای میم از تهران، با خانم ت نامزد نموده و پدر و مادر آقای میم رضایت به این وصلت نداشتند. هنگامی که این دو نامزد برای یک مسافرت به بیرون از شهر رفتند، با یکدیگر مجادله داشته و خانم ت به تهران بازگشت. آقای میم تا مدتی مخفی بود. با شکایت پدر و مادر آقای میم به ظن حضور خانم ت که با او مسافرت رفته بود، به عنوان مظنون به بازداشتگاه منتقل شد. پس از بازگشت آقای میم، به درخواست پدر و مادرش، به طور کامل مخفی شد تا بازداشت خانم ت به درازا بکشد. در جریان تحقیق، که با استفاده از روش روانشناسی بازجویی صورت گرفت، به تشخیص پلیس آگاهی، این دختر در ناپدید شدن همسرش نقشی ندارد. قاضی تحقیق با توجه به این استدلال، حکم آزادی وی را با شرط قول شرف به عدم خروج از شهر تهران صادر نمود. پس از چند روز آقای میم به منزل بازگشت. افراد محلی به اطلاع پلیس رسانده که وی پیدا شده است. به دستور قاضی تحقیق، وی بازداشت شد و از او بازجویی گردید. در ابتدا سعی کرد که حقیقت را کتمان کند، اما در روانشناسی بازجویی سرانجام اقرار نمود که به درخواست پدر و مادرش این عمل را مرتکب شده است. بنا به دستور قاضی تحقیق، پدر و مادر وی بازداشت شدند و خود آقای میم آزاد شد. از این مثال حقوقی چنین برداشت می‌شود که در هر دو مورد اتهام آقای میم و خانم ت تنها گزارش کارشناس بازجویی در مورد صحت گفتار برای قاضی تحقیق کافی بود. خوانم ت که صحت گفتارش مشخص بود، به حکم قاضی و تنها با قول شرف نسبت به عدم خروج از تهران آزاد شد. آقای میم نیز پس از بیان اظهارات آزاد شد و لیکن پدر و مادر وی به بازداشتگاه منتقل شدند، اختیارات قاضی تحقیق در رابطه با گزارشات واصله قابل تامل است. اقرار مبتنی بر قرائن آقای میم نیز که موجب بازداشت والدینش شد، قابل توجه می‌باشد.

در جریان یک مثال حقوقی دیگر، آقای سلیمی که دارای دو فرزند پسر و دختر بود، پس از آن که دخترش طلاق گرفت و خود مسئول آن ازدواج ناموفق بود، خود را مقصر دانست و اقدام به خودکشی کرد. اما پسر وی با هدف نسبت دادن قتل به داماد خانواده، طناب اعدام را پاره نموده و صحنه خودکشی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که قتل صورت گرفته است. جالب اینکه گزارش پزشکی قانونی نیز خفگی را عامل مرگ اعلام کرد و بنا به ادله‌ای که این مرد با داماد خود اختلاف داشته است، سریعاً داماد بازداشت شد. مامور باهوش آگاهی به قضیه مشکوک شد. وی با پسر خانواده مصاحبه نمود و وی را برای بازجویی دعوت کرد. در روانشناسی تحقیق وی به اصل ماجرا پی برد و در گزارشات خود به فرماندهی پلیس آگاهی تهران بزرگ، مورد را گزارش نمود. بر پایه این گزارش به منزل مراجعه شد و از روی نرده چوبی خانه، اثر طناب دار یافت شد. پسر هیچ‌گاه به جرم

خود اعتراف نکرد، اما به دستور قاضی پرونده، داماد خانواده آزاد شد و با جمع آوری قراینی مبنی بر اثر انگشت پسر بر روی نرده چوبی که اثر طناب دار بر روی آن بود، پرونده مختومه برای صدور رأی به دادگاه ارجاع شد. در جریان یک قتل دیگر در تهران، آقای صالحی توسط همسر خود کشته شد. برادر کوچکتر که شاگرد مغازه-اش بود، پس از قتل به منزل وارد شد، اما به جای آن که به پلیس اطلاع دهد، بر سر گاو صندوق رفته و مقداری پول دزدید. با توجه به سابقه اعتیاد این مرد، مضمون اصلی شناخته شد و سریعاً به بازداشتگاه منتقل شد. نتایج بازجویی تحقیق، بدون آنکه وی به هیچ مسئله اعتراف نماید، وی را مظنون اصلی نامید. پس از گذشت یک ماه از بازداشت، متهم به دزدی پول از منزل و عدم اطلاع پلیس اقرار نمود، اما مسئولیت قتل را عهده دار نشد. اقرار ناقص در اینجا مورد توجه است. چرا که در محدوده جرم مرتکب شده، محکومیت برای وی صادر می شود. قرائن نیز این اظهار ناقص را پذیرفته بودند. کارشناسان آگاهی همواره بر اتهام این فرد تاکید کردند و قاضی تحقیق نیز حکم بازداشت ایشان را تمدید نمود. سرانجام پس از گذشت چهارماه، به تحقیق افسر دیگر پرونده، همسر وی برای یک مسافرت خارج از کشور به دبی رفته بود، اما بلافاصله با پرواز بعدی به ایران بازگشت و این مسئله ظن اصلی قرار گرفت و پس از انتقال این زن به بازداشتگاه سریعاً به مسئله اعتراف کرد. از این مثال و مثال قبلی چنین برداشت می شود که بر مبنای روش های نوین بازجویی بر مبنای علمی، قاضی تحقیق می تواند قرار اخذ تامین را مشخص کند و ضمانت های آن صریحاً در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری بیان شده است. همچنین جزئیاتی در مورد چگونگی اثبات ادله جهت ظن موجود نبوده و لذا بنا به حقوق عرفی و تنها به تشخیص قاضی تحقیق، می توان قرار تامین برای متهم را صادر کرد که روش های نوین بازجویی می تواند ادله این امر قرار گیرد.

#### ۴-۵ آثار روش های نوین بازجویی در مرحله صدور رأی

در بخش پیشین، اختیارات قاضی تحقیق در مورد استناد به روش های نوین بازجویی در جریان تحقیقات پرونده بررسی شد و چنین عنوان شد که اختیارات در این حوزه وسیع است. اما پس از ختم تحقیقات، پرونده برای صدور رأی به دادگاه ارسال می گردد. مطابق ماده ۲۰۵ آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و همچنین ماده دیگر در قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی که قاضی دادگاه، جریان تحقیقات پرونده را ناقص بداند، می تواند مجدداً آن را به تحقیقات بازگشت دهد. در جریان صدور رأی، اختیارات قاضی به مانند قاضی تحقیق در استناد به روش های نوین بازجویی، وسیع نیست. در واقع حقوق عرفی و حقوق نوشته هر دو اختیارات قاضی در این حوزه را محدود می کنند. لذا در این بخش در دو مبحث دعاوی حقوقی و سپس جرایم کیفری، استناد به این روش ها در ادله اثبات بررسی شده است و سعی شده که بیشتر به مثال های حقوقی در این حوزه توجه شود.

#### ۴-۵-۱ دعاوی حقوقی

در دعاوی حقوقی، دو اختیار برای قاضی منظور شده است. نخست تعدیل قضایی و دوم تعیین مسئولیت. تعدیل قضایی به معنای حداکثر انعطاف در حیطه اختیارات حقوقی قاضی در صدور حکم است. این مورد بیشتر در شروط غیر منصفانه کاربرد دارد. مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی، هیچ کس حق ندارد که حق قانونی خویش را وسیله اضرار به دیگران قرار دهد. تشخیص این مسئله توسط تحقیقات قضایی امکان پذیر است و با

توجه به آن که نمی‌توان حقوق افراد را نادیده انگاشت، تنها می‌توان به تعدیل روی آورد. به هر حال قاضی برای تعدیل احکام اختیاراتی دارد که نتایج حاصل از بازجویی به روش‌های بیان شده، اگر مستند به رفع مسئولیت نباشد، در کمترین توقع می‌تواند تعدیل کننده احکام قرار گیرد. اما در مورد تعیین مسئولیت، می‌توان به روش‌های نوین بازجویی نیز استناد نمود. به مثال‌های فقهی که پیشتر در مورد دعوی دو زن بر سر یک فرزند و یا دعوا بر سر پسر و دختر بیان شد و توسط روش‌های مطروحه، حقیقت کشف گردید، می‌تواند مثال‌های خوبی در زمینه تعیین مسئولیت‌های این حوزه قرار گیرد. در ادامه به چند مثال حقوقی در این مورد پرداخته شده و تفسیرهایی برای آن ذکر گردیده است.

در جریان یک دعوی حقوقی در شهرستان اصفهان که به مسائل مالی و صدور چک مربوط بود، به درخواست قاضی پرونده، دادیار داسرا مسئول تحقیقات تخصصی در این مورد گردید. بنا بر گزارش دادیار، آقای صادقی پیشتر در چند پرونده، سابقه رباخوری داشته است. در تحقیقات محلی بدون جمع‌آوری سند، به رباخواری این فرد مجدداً اشاره شده است. طرف دیگر پرونده، آقای سلیمی به خوشنامی در بازار معروف است. در بازجویی انجام شده، شخصیت این فرد برای افراد محرز است. چک صادره به امضای آقای سلیمی می‌باشد، اما مبلغ ظاهراً توسط شخص دیگر نگاشته شده است. لذا چنین به نظر می‌رسد که با هدف نزول، پول به آقای سلیمی داده شده و ایشان با حفظ نام قرض چک سفید امضاء به آقای صالحی داده است. قاضی پرونده با استماع این نظریات رأی باز را برای آقای سلیمی صادر کرد. بدین معنا که قرار حبس با سپردن وثیقه معادل ۸۰ درصد مبلغ چک به دادگاه سپرده شده و اجرای رأی بدین صورت است که روزانه آزاد و شبانه می‌بایست به زندان باز گردد. در بررسی این پرونده چنین به نظر می‌رسد که قاضی براساس حقوق نوشته که چک دلیلی بر بدهکاری می‌باشد و نیز مستند نبودن دیگر اظهارات که دادیار پرونده گزارش نموده است. نمی‌تواند حق قانونی طلبکار بودن آقای صالحی را نادیده بگیرد. اما از اختیارات قانونی خویش استفاده کرده و با توجه به قرائن غیر مستند حاصل از روش‌های روانشناسی بازجویی، حکم باز را برای این متهم صادر نمود که بتواند راهی برای پرداخت بدهی‌اش باز بگذارد. چرا که می‌توان روزها به اشتغال بپردازد و بدهی خود را پرداخت کند. همچنین وثیقه تعیین شده نیز با کمال ملاحظه به عنوان قرار تامین صادر گردید. نکته دیگر اینکه وجود اسناد که در اینجا همان چک می‌باشد، بر تمام اظهارات ارجحیت دارد و قرار محکومیت براساس آن صادر شده است. سند برتر از علم قاضی قرار دارد. براین‌اساس قاضی تنها براساس علم خود توانسته است که حداکثر انعطافات را در صدور حکم لحاظ نماید.

در یک مثال حقوقی دیگر در شهرستان کرمانشاه، فردی که برای کار در یک شرکت مهندسی مبلغ شصت میلیون تومان سفته به عنوان ضمانت داده بود، پس از خرابی دستگاه پرینتر، سفته‌ها به اجرا گذاشته شد. در اولین جلسه رسیدگی، آقای رحیمیان (متشاککی پرونده) بیان داشت که آن سفته‌ها تنها در قبال ضمانت کار داده شده و مبنای بدهکاری ندارد. اما شاککی بیان داشت که این سفته‌ها از بابت بدهکاری است. پرونده برای تحقیقات بیشتر به داسرا بازگردانده شد. در بازجویی تخصصی به گزارش کارشناسان، صحت گفتار آقای رحیمیان مورد تأیید است. همچنین قیمت کارشناسی پرینتر خراب شده سه و نیم میلیون تومان بود. بر این مبنای قاضی پرونده به استناد قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به پرداخت خسارت پرینتر رأی داد. در اینجا چند نکته قابل توجه است. قاضی پرونده سعی داشته که قضیه را تقریباً سازش‌کارانه حل و فصل نماید؛ چرا که استفاده از سند بدهکاری که به عنوان ضمانت داده شده است، خود می‌تواند مصداق خیانت در امانت باشد. از سوی دیگر جرم کیفری برخواسته از سپردن سفته، نیز برای آقای رحیمیان منظور بوده که قاضی تنها به

مسئولیت مدنی اشاره نمود. تنها خسارت واقعی وارد شده، توسط وارد کننده آن می‌بایست مرتفع شود. لذا این حکم را می‌توان تعدیل یافته تلقی کرد. در واقع به‌گونه‌ای سازش کارانه جانب هر دو طرف لحاظ شده است. در جریان یک مثال حقوقی دیگر در شهرستان همدان، شرکتی در حوزه مخابراتی که شصت میلیون تومان سفته از کارکنان خود گرفته بود. در مورد استعفای یکی از کارکنان شرکت دچار اختلاف شدند و سفته‌ها را به اجرا گذاشتند. متشاکمی پرونده آقای مروی در دادگاه بیان داشت که ایشان با حقوق کم، سعی در نگه داشتن من دارد. هیچ قانونی نمی‌تواند من را به کار اجباری وادار نماید. اما ایشان سفته‌هایی که برای ضمانت اخذ شده جهت ممانعت از خروج من، استفاده می‌کند. آقای ب، به عنوان شاکی بیان داشت که ایشان موظف است که برای خروج از شرکت با ما هماهنگ کند. لیکن اکنون که بدون اطلاع، ترک کار نموده است، از این سفته‌ها استفاده می‌کنم. چرا که ترک یک‌باره کار ایشان به شرکت من زیان زده است. در بازجویی تخصصی در دادرسی استان همدان، که توسط بازپرس انجام شد، گزارش شده که به نام محتویات بازجویی، آقای ب به طور ناخواسته در سوالات اقرار کرد که از چند ماه پیش درخواست خروج از شرکت به اطلاع رسیده است. این موارد از سوال بیچ نمودن در بازجویی حاصل شد، لذا پس از چند بار اطلاع ترک کار در طی دو ماه، آقای مروی که شغل بهتری در شمال کشور گیر آورده است، به ترک کار در همدان اقدام نمود. قاضی با استماع چنین اظهارات و همچنین استناد به گزارشات بازجویی، به استناد علم خود، استفاده از سند ضمانتی را مصداق خیانت در امانت نهاد و پرونده برای بررسی کیفری آقای ب و همچنین شخصیت حقوقی شرکت ایشان به شعبه صالح ارجاع داد. همچنین آقای مروی از تمامی اتهامات تبرئه، و عمل ایشان نیز مطابق با قانون اعلام شد. از این مثال حقوقی چنین برداشت شد که این بار تعدیل در کار نبوده و تعیین مسئولیت حقوقی و کیفری براساس گزارشات بازپرس که براساس روش‌های نوین بازجویی به گرفتن اعترافات ناخواسته در حین سوالات بود و همچنین استناد به علم قاضی صادر گردید.

در جریان مثال حقوقی دیگر، خانم نون از آقای عزیزی به خاطر بدهکاری شکایت نمود و همچنین گواهان بدهکاری تنها شهود و دستخط وی بود. در واقع به موجب یک دست نوشته، مبلغ مشخصی به قرض داده بود و اکنون از پرداخت آن امتناع می‌کرد. آقای عزیزی در حال فروش مغازه‌اش بود، لذا خانم نون درخواست برداشت بدهی خود از محل فروش مغازه را صادر کرد. دادگاه ابتدا به توقیف مغازه و ممنوعیت انتقال سند، به اداره ثبت اسناد نامه نگاشت. اما آقای عزیزی اعلام کرد که ملک پیش از آغاز دعوا و همچنین پیش از بدهکاری به فروش رفته است. تنها یک قولنامه دستی به دادگاه ارائه شده که تاریخ انعقاد آن پیش از تاریخ قرض دادن پول بود. در جریان بازجویی توسط دادیار، این ادعا صحیح ارزیابی شد. بنابر گزارش دادیار سوالات در مورد تاریخ‌ها به چند روش مختلف پرسیده شده است. در هیچ یک از روش‌های سوال پرسیدن، آقای عزیزی سخنان متناقض بیان نداشته در روزها و ساعت‌های عقد قرارداد در واقع در چند جنبه سوالات پرسیده شد. بازجویی در دو روز متوالی انجام شد. لذا به نظر می‌رسد که ایشان در گفتار خود صادق است. قاضی به استناد این گزارش، آزادی سند توقیف شده را اعلام کرد. از این مثال چنین برداشت می‌شود که در اینجا تعیین مسئولیت و همچنین صدور حکم، مسئله‌ای به جز تعدیل قضایی است که بنا به گزارشات بازجویی انجام شد. همچنین روش بازجویی که سوالات در چند جنبه مختلف پرسیده شد و بیان داشته شد که ایشان در گفتار خود صادق است، علم قاضی را تحت تاثیر قرار داد. از سوی دیگر سند دست نوشته‌ای که تاریخ آن به قبل از بدهکاری باز می‌گشت، بعنوان اماره‌ای بر صحت این گفتار تلقی شد. این رأی در دادگاه تجدید نظرخواهی، فرجام خواهی شد و اجرای آن قطعی گردید. البته دیگر مثال‌های حقوقی در این حوزه نتیجه برعکس داشت و قاضی حق ممتاز را برای بدهکاری تعیین نمود. اما در این مورد خاص، معامله از پیش انجام شده، به رسمیت شناخته شد.

نتیجه نهایی اینکه در جریان دعاوی حقوقی، استناد به نتایج روش‌های بازجویی به هر طریق ممکن می‌تواند علم قاضی را تحت تاثیر قرار داده و هم در جریان تعیین مسئولیت و هم در جریان تعدیل قضایی مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۴-۵-۲ جرائم کیفری

در جرایم کیفری، قاضی به استناد گزارش‌های حاصل از بازجویی، همانند آنچه که در دعاوی حقوقی و مثال‌های مرتبط بدان بیان شد، می‌تواند نسبت به تعدیل و یا تغییر مسئولیت‌ها حکم صادر کند. مبنای دادرسی نیز مواد آیین نامه دادرسی و همچنین دیگر مواد قانونی بوده که پیشتر در مورد آن بحث شد. نکته قابل توجه اینکه در جرائم کیفری که مستوجب حد و قصاص می‌باشند، تعدیل قضایی وجود ندارد. لذا این مبحث به دو قسمت تقسیم شده که در حوزه جرایم مستوجب حد و قصاص و دیگر جرایم کیفری بحث شده است. مثال‌های حقوقی نیز به قصد آشنایی با حقوق عرفی این حوزه بیان شده است. چنین نتیجه شده که جرائم کیفری که غیر از مواردی که مستوجب حد و قصاص می‌باشند، اختیارات قاضی به مانند آنچه که در بخش دعاوی حقوقی گفته شد، می‌باشد. اما در جرایم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضایی وجود ندارد و قاضی تنها بنا به ادله حاصله می‌تواند نسبت به تبیین مسئولیت کیفری و تعدیل آن، اقدام کند. البته در جرایم سنگین‌تر استنادهای منتهی به صدور حکم می‌بایست قوی‌تر قرار گیرد، چرا که مراجع تجدید نظر در این باره دقت بیشتری داشته و حتی در جرایم سنگین، مرجع تجدیدنظرخواهی دیوان عالی کشور می‌باشد. استناد به گزارشات بازجویی با هدف صدور حکم می‌بایست متناسب با جرم انجام شده، بیشتر به امارات نزدیک باشد. در ادامه به تفکیک جرایم کیفری در این باره بحث شده است.

#### ۴-۵-۲-۱ جرایم غیر از حد و قصاص

در این گونه جرایم همانطور که گفته شد، اختیارات قاضی به مانند آنچه که پیشتر در زمینه دعاوی حقوقی مطرح شد، می‌باشد. در این باره به چند مثال توجه شود. در یک مثال حقوقی، یک سرباز در نیروهای مسلح اعلام داشته به وی تیراندازی شده است و یک تیر به شانه وی اصابت نمود. گزارشات مرتبط با آن در حال تکمیل شدن و ارائه به بنیاد جانبازان جهت دریافت درجه جانبازی بود. اما کارشناس مسائل نظامی در این باره نظری جدید اعلام نمود. وی در ساعت‌ها بررسی محل حادثه و همچنین برخی قرائن تخصصی مرتبط با امور نیروهای مسلح که بنا به محرمانه بودن، از انتشار آن خودداری شده است، این نظر را بیان داشت که سرباز خودزنی کرده است. سرباز تا مرحله دادرسی هیچگاه به این امر اقرار نکرد. هر چند که تمام قرائن تخصصی به این مورد مربوط بود، اما سرباز حاضر به اعتراف نشد. پس از اثبات شلیک گلوله از تفنگ که سرباز در اختیار داشت (توسط کارشناس اسلحه)، به عنوان یک اماره، تحقیقات کامل شده و به دادگاه نظامی ارسال شد. دادگاه نظامی مجازات کیفری مصرح در قانون را برای سرباز تعیین کرد. استناد حکم نیز به گزارش کارشناسی و کارشناس دیگر (اسلحه) مرتبط با شلیک گلوله از تفنگ مربوطه بود. سرباز پس از یک‌ماه گذراندن دوران محکومیت به این مسئله اقرار نمود و بیان داشت که چون فرمانده وی با مرخصی‌هایش موافقت نکرده و مدت ۱۵۰ روز بدون مرخصی مانده، با هدف گرفتن مرخصی استعلاجی به این امر اقدام کرده است. از این مثال حقوقی چنین برداشت می‌شود که در برخی حوزه‌های

تخصصی، بیان جزئیات آن در قالب حقوقی سخت بوده و اثبات آن جرایم در آن حیطه امکان‌پذیر است که معمولاً با نظر کارشناسان خبره تعیین می‌شود. در اینجا به نظر یک کارشناس با تجربه استناد شد و تنها اماره-ایی که علم قاضی بدان داشت، شلیک گلوله از تفنگ همان سرباز بود (کارشناس دوم). این در حالی است که گزارش کارشناسی اولیه به مسئله شلیک گلوله از تفنگ اشاره نکرده بود. لذا حکم بر مبنای آن، در زمانی صادر شده بود که هیچگونه اقراری در کار نبود. اگر رسیدگی به این کارشناس خبره سپرده نمی‌شد، شاید آن سرباز هم اکنون به ناحق، درجه جانبازی را دریافت کرده بود.

در مثالی دیگر، باز هم در نیروهای مسلح، فردی که اقدام به چاقوکشی علیه دیگری نمود، به دادسرای نظامی ارجاع شد، وی به تمام موارد اقرار صریح نمود و جریان تحقیقات کاملاً عادی به اتمام رسید. اما بنابر گزارش یگان مربوطه بر مبنای آزمایش‌هایی که در بدو خدمت سربازی از مشمولین بعمل می‌آید. نامبرده در گروه "ب" به معنای افراد فاقد تعادل روانی می‌باشند که بنا به قانون نیروهای مسلح می‌بایست از سپردن امور نظامی همچون نگهبانی بدان‌ها خودداری نمود و اصولاً در موارد غیرنظامی همچون نظافت و نگهبانی بدون سلاح، از آنها استفاده می‌شود. در جریان بازجویی‌ها در دادسرای نظامی نیز گزارشی در مورد عدم تعادل روانی وی و همچنین درخواست بخشش وی با هدف رفع مسئولیت کیفری چنین افرادی داده شد. اما دادگاه نظامی مسئولیت وی را محرز داشت و تنها به تعدیل قضایی دست زد، با وجود تصریح قانون مجازات نیروهای مسلح در این باره که مجازات حبس پیش‌بینی شده است، دادگاه به تبعید وی به جنوب شرق کشور رأی داد و ایشان برای ادامه خدمت به یگان مربوطه واقع در استان سیستان و بلوچستان معرفی شد. این مسئله نمونه بارزی از تعدیل قضایی است که بنا به گزارشات بازجویی و همچنین دیگر آزمون‌های تست روانی که در بایگانی پرونده ایشان بوده است صورت گرفت. اما با وجود آنکه این اسناد، می‌توانست برای رفع مسئولیت کیفری استفاده شود، انجام نشد و تنها تعدیل قضایی به کار گرفته شد.

در مثال دیگر، این بار در دادگاه انتظامی قضات، که به علت امنیتی بودن آن، جزئیات زیادی از آن منتشر نشده است، بنابر گزارش بازپرسی، متهم از قضات خوش‌نام و معروف بوده که دلایل مستندی برای محکومیت ایشان وارد نگردیده است. لذا از حیث تحقیقات می‌تواند تبرئه شود. گزارشات بازجویی نیز ساختگی بودن این پرونده را تایید می‌کند. اما دادستان در اقدامی متناقض، دستور ارجاع این پرونده به دادگاه را صادر کرد. با توجه به آیین نامه اجرایی دادگاه انتظامی قضات، اختلاف نظر بین بازپرس و دادستان توسط رئیس دادگاه قابل حل و فصل است. رئیس دادگاه حکم دادستان را معتبر دانسته و در بررسی پرونده بدون توجه به گزارشات بازپرس که از روش‌های بازجویی حاصل شده بود، محکومیت همکار سابق خویش را اعلام کرد. البته همان‌طور که بیان شد، به دلیل امنیتی بودن اطلاعات بیشتری از این پرونده در دسترس نیست. اما علم قاضی می‌تواند بدون توجه به نتایج بازجویی بوده و به مرجع بالاتر آن، که اسناد دیگر می‌باشند توجه کند. هرچه اطلاعات دقیق در مورد اسناد ارائه شده در دسترس نیست، اما به نظر می‌رسد که قاضی پرونده می‌توانست به استناد گزارش بازجویی بازپرس حداقل به تعدیل قضایی دست بزند، اما ایشان اسناد را معتبر دانسته است و حکم مقتضی را صادر نمود.

در بررسی مثال‌های بیان شده، چنین نتیجه شد که هم تعدیلات و هم تعیین مسئولیت‌های کیفری، مطابق با اسناد و اماراتی بوده که در طول تحقیق به دست آمده، قابل تبیین است. البته کیفیت امارتی که علم قاضی در استناد احکام بدان توجه می‌کند، قابل بحث است و می‌بایست توان کشف حقیقت را داشته باشد. در صورتی که امارت متأثر کننده علم قاضی، چندان معتبر نباشد، احتمال لغو آن در مرجع تجدیدنظر خواه وجود داشته و این احتمال بسته به سنگین بودن جرم، بیشتر است.

در جریان رسیدگی به این گونه جرایم، تعدیل قضایی وجود ندارد و تنها می‌تواند مسئولیت را منتسب و یا مرتفع نمود. پیشتر در مورد مثال حقوقی فرد دوقطبی مطالبی بیان شد. قتل‌هایی که توسط این افراد رخ می‌دهد و معمولاً متهم و وکلای آنها به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی متوسل شده که در نظر دارند به استناد به جنون، از مسئولیت کیفری رهایی یابند، گزارشات پزشکی قانونی می‌تواند نظر قاضی را در رابطه با این وضعیت را متاثر سازد. اما نکته قابل توجه اینکه، در قانون مذکور بیان شده که جنون در هر مرحله از جنایت مسئولیت کیفری را مرتفع می‌سازد. این در حالی است که گزارشات پزشکی قانونی تنها جنون دائمی را به تأیید می‌رساند، و لیکن جنون لحظه‌ای قابل تشخیص نیست. از سوی دیگر حتی مستی در حین انجام جنایت مستوجب رفع مسئولیت کیفری است (ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی). این جاست که استناد به روش‌های نوین جهت کشف حقیقت کاربرد دارد. گزارشات پزشکی قانونی و شمول ماده یادشده در قانون مجازات اسلامی از راهکارهای کشف این حقیقت است، اما در تعیین جنون لحظه‌ای بنابه نتایج بازجویی که از روش‌های روانشناسی برخاسته است، می‌تواند رأی قاضی را تحت تاثیر قرار دهد که نمونه‌هایی از آن پیشتر بیان شد. در بررسی موارد دیگر هم انتساب مسئولیت و هم رفع مسئولیت مشاهده شده است. هیچ‌یک از مثال‌ها نقض رأی در مرجع فرجام‌خواهی را گزارش نکرده است. این مسئله را می‌توان به اختیار قاضی و بنا به امارتی نهاد که بر مبنای آن، علم قاضی حاصل می‌شود و لذا کیفیت بازجویی در این باره اهمیت ویژه دارد. البته به کرات توصیه شده که با توجه به مسئولیت سنگینی که براساس این ماده قانونی سلب و یا منتسب می‌شود، می‌بایست نهایت سختگیری را در بررسی‌ها انجام داد. مرجع فرجام‌خواهی این قبیل احکام دیوان عالی کشور بوده که نظارت دقیقی بر روند دادرسی دارد و لذا در مسئله مذکور می‌بایست تمام قرائن مستند را جمع‌آوری و بر مبنای آن علم قاضی را متاثر کرد. دیگر روش‌ها جهت تعیین دقیق جنون لحظه‌ای معمولاً بدون اعتماد است.

در جریان یک مثال حقوقی دیگر، آقای عادل کارمند بیمه ایران با پست کارشناس خسارت با سابقه ۲۰ سال خدمت، در یک تصادف کشته می‌شود. کیف سامسونت شخصی وی نیز پس از تصادف به سرقت می‌رود. جریان عادی روال دفن جنازه و به مانند یک حادثه معمولی بود. اما با هوشیاری دوست و همکار ایشان در بیمه، روند آن صورت دیگر پیدا کرد. با همکاری پلیس آگاهی و یکی از کارمندان بیمه، پرونده‌های مهم بیمه‌ای که احتمال می‌رفت تصادف ساختگی به واسطه آن باشد، بررسی شد. کارمند بیمه، همکار پلیس شد و به عنوان کارشناس خسارت به انبار آتش زده فرش رفت. چنین عنوان شده که این آتش‌سوزی کاملاً ساختگی بوده و تعداد اظهار شده فرش سوخته نادرست است. همان فرد به کارمند بیمه پیشنهاد رشوه نمود و بیان داشت حاضر است هر مقدار پول دهد، در صورتی که این تعداد فرش به عنوان سوخته تلقی شود. با چنین امارتی که نشان از وقوع یک حادثه برنامه‌ریزی شده داشت، مامورین پلیس آگاهی نیز به عنوان مشتری فرش وارد شده و بر مبنای صحبت‌های همان افراد، مشخص شد که تصادف ساختگی با هدف ربودن کیف شخصی وی که حامل سندی بر مبنای آتش‌سوزی ساختگی بود، به دست آمد. تمامی گزارشات پیوست پرونده شد و افراد دخیل در این تصادف ساختگی بازداشت شدند. اما پس از دستگیری، افراد متهم به هیچ یک از موارد اقرار نکرده و در دادگاه نیز خود را بی‌گناه خواندند. اما گزارشات مربوط به عملیات پلیس آگاهی ریز به ریز در ظاهر پرونده قرار گرفت و قاضی بنابه ادله آن و همچنین گزارش پلیس راهنمایی و رانندگی در رابطه با شدت سرعت ضربه به مقتول، قاتل را مجرم شناخته و حکم قصاص را صادر نمود. از این مساله حقوقی مشخص شد که تعدیل قضایی

در این باره وجود نداشته و تنها انتصاب مسئولیت با گزارش فعالیت پلیس در این حوزه قابل استناد بود. ضمن اینکه هیچ گاه قاتلین به جرم خود اقرار نکردند.

در مثال حقوقی دیگر، مردی که زنش از خانه قهر کرده و به منزل پدرش رفته بود، برای دلجویی به آنجا رفت و وی را سوار ماشین کرده و به منزل بازگرداند. اما در حین راه، دوباره به مجادله پرداختند و مرد، همسر خویش را به قتل رساند و در جاده رها کرد. با یافت شدن جنازه و همچنین تحقیقات پلیس آگاهی و دیگر قرائن که در موقع حادثه این دو در یک ماشین بودند و همچنین گزارش پلیس راه که چند دقیقه پیش از قتل این دو در یک ماشین از پلیس راه رد شدند و همچنین گزارشات بازجویی، به یقین، مرد قاتل شناخته شد. اما مرد ادعا می نمود که زن خود را از ماشین به بیرون پرت کرده و در این باره مسئولیتی نداشته است. این در حالی است که کارشناسان بازجویی این اظهارات را دروغ می خواندند. هیچگاه اقرار انجام نشد و تنها بنابه گزارش یاد شده حکم قصاص را صادر نمود و در دیوان عالی کشور نیز فرجام خواهی شد. در این مورد خاص، امارات مرتبط با محکومیت بسیار قوی بود. در واقع اقرار نکردن متهم به قتل، تنها یک مضحکه بود. لذا علم قاضی می تواند کاملاً به استناد چنین امارت قوی، حکم قصاص دهد.

در یک مثال حقوقی دیگر، زنی که زناى محصنه انجام داده بود، به کمک مرد دیگر، اقدام به قتل همسر خود نمود و سپس این قتل، افشا شد. تحقیقات کامل شده و اقرار نیز از مردم متهم اخذ گردید. آن مرد اظهار داشت که وی اقدام به قتل کرده است، اما زن نیز بیان داشت که من هیچ نقشی نداشته‌ام. گزارشات پلیس آگاهی و دیگر قرائن نشان از آن داشت که قتل با همدستی زن با مردی که با او رابطه نامشروع داشت، صورت گرفته است. این گزارشات پس از بازجویی‌های فراوان و به روش‌های روانشناسی که پیشتر بیان شد، صورت گرفت و توسط چندین کارشناس خبره به تایید رسید. اما جالب این که قاضی پرونده حکم قصاص مرد را صادر نمود، ولی زن را از مسئولیت کیفری مبرا دانست. قاضی گزارشات بازجویی در رابطه با مسئولیت کیفری زن که به مباشرت و یا معاونت جرم متهم بود، کافی ندانست. ولی عامل اصلی قتل را به قصاص محکوم کرد.

در جریان مثال‌های حقوقی، چنین برداشت شد که ارتفاع مسئولیت کیفری و یا انتساب آن در حیطه جرایم مستوجب حد و قصاص، تنها بنا به قوت قرائنی بوده که در ظاهر پرونده موجود است و علم قاضی نیز می تواند مستند به آنها رأی صادر کند. با توجه به سنگین بودن این جرائم توصیه شده که نهایت سخت گیری و دقت در دادرسی این پرونده‌ها انجام شود. با توجه به آنکه سلب و یا رفع مسئولیت چنین احکامی، موجب جابجایی بسیاری از حقوق، به خصوص اولیای دم می‌گردد، نیاز است که این پرونده‌ها با حساسیت بسیار بالا و تنها با قرائن بسیار محکم، دادرسی شود.

#### ۴-۶ خلاصه فصل

در این فصل، چنین بیان شد که در بین ادله اثبات، اقرار مبتنی بر قرائن، بالاترین اعتبار را دارد. تشخیص پازل یک پرونده حقوقی بر عهده مسئولین قضائی تحقیق بوده که به ضابطین دادگستری تفویض شده است. لذا تا زمانی که احساس شود، در پرونده نکات مبهم در جریان است، تحقیقات ادامه دارد، چه بسا که گاه اقرار کننده خود به بی‌گناهی‌اش واقف نیست. در این باره مثالی نیز بیان شد که شخص اقرار کننده، نمی‌دانست که قتل توسط عامل دیگر اتفاق افتاده است. در جریان تحقیق، کلیه ادله‌ای که ظن به افراد را تقویت می کند، اختیار قاضی در ممانعت از فرار آنها برقرار است. لذا بنا به تشخیص قاضی تحقیق که اختیارات خاصی به وی سپرده



شده است، می‌تواند قرار بازداشت‌های موقت را تا مدت‌ها تمدید کند. پس از ختم تحقیقات، نتایج بازجویی یا بصورت مستقیم در قالب امارات و یا غیرمستقیم در قالب اقرار و شهادت، به دادگاه ارسال می‌شود. با توجه به ماهیت حقوقی پرونده قضائی، تصمیم قاضی در رابطه با آن، مختلف است که حقوق عرفی نقش ویژه‌ای در صدور حکم دارد. در جرائم کیفری مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضائی وجود نداشته که به استناد مثال‌های مختلف، که برحسب درجه قوت، معتبرند، می‌توان مسئولیت‌ها را سلب و یا منتسب نمود. البته توصیه شده که با دقت و حساسیت بالا به این مسائل رسیدگی شود. در دیگر جرائم و دعاوی، قابلیت تعدیل مطرح است. بدین معنا که با حفظ وضعیت مسئولیت‌ها، می‌توان احکام صادره را با نهایت انعطاف صادر نمود. علاوه بر مثال‌های حقوقی معاصر که بیان شد، مثال‌های حقوقی متعلق به صدر اسلام نیز عنوان گردید که به صورت کلی موید این نکته بود که نتایج حاصل از روش‌های علمی کشف حقیقت، بنا به ماهیت آن، دارای درجه بوده که در نگاهی دیگر با توجه به ماهیت مسئولیت‌های مطرح شده در پرونده‌ها، می‌توان بدان‌ها استناد نمود که حقوق عرفی در چنین موارد، نقش تعیین کننده‌ای دارد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این قسمت، با توجه به مسائل مطروحه در فصول گذشته، نتیجه‌گیری نهایی انجام شده است. فرضیاتی که در ابتدای تحقیق بدان‌ها اشاره شد، مبنای فعالیت قرار گرفت و با تفسیر موارد مرتبط بدان، به تأیید و یا رد آن پرداخته شد. پس از تفسیر در مورد نتایج حاصله مبتنی بر سؤالات و فرضیات، در انتها مبتنی بر نتایج، پیشنهادهایی باهدف کاربردی نمودن نتایج، ارائه شده است.

### الف - یافته‌ها

از دیدگاه جرم‌شناسی، منطق واقعیات می‌بایست بر یکدیگر منطبق باشند. لذا روش‌های بازجویی، نمی‌تواند کاملاً به اثبات یک حقیقت منتهی شود. اصل حاکم بر کشف حقیقت، منطق حاکم بر جهان است. اگر نتیجه یکی از روش‌های علمی پلیسی مؤید یک واقعیت باشد، می‌بایست دیگر فرضیات در این خصوص بررسی شود. در واقع حاصل یک عمل که چندین فرضیه می‌باشد، نمی‌توان به اثبات یک فرضیه، دیگر موارد را نادیده انگاشت. وظیفه خطیر مسئولین قضائی، کشف حقیقت به‌گونه‌ای است که انکار آن غیرممکن باشد. روش‌های نوین بازجویی در مرحله اول، می‌بایست اجبار در بیان وقایع را خط قرمز خود قرار دهد. طبیعتاً منطق‌هایی در این روش‌ها مشهود است که نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت و لذا بر پایه این منطق‌ها، عدم صحت یک گفتار مشخص می‌شود. نتایج حاصله به تحقیقات ختم‌شده می‌دهد و مسیر آن را تصحیح می‌کند. صرف این‌که چه ادله‌ای اعتبار دارد و یا ندارد، حتی به فرض عدم اعتبار دلایلی مانند گزارش از منبع ناشناس، می‌تواند در جریان تحقیقات، جهت‌دهی کند. لذا استفاده از هر یک از روش‌های کشف حقیقت، در جریان مسیریابی صحیح تحقیقات مؤثر است. نکته قابل توجه دیگر، خطاپذیری این روش‌هاست. طبیعتاً تا زمانی که دقت یک روش برای عموم به اثبات نرسد، نمی‌توان نسبت به اثبات جرم به استناد آن‌ها اقدام کرد. در مورد دستگاه دروغ‌سنجی، تاکنون اعتماد کامل بدان یافت نشده و حداقل در کشور ما گزارش‌های موثقی در این حوزه مشاهده نگردیده است. اما اگر این دستگاه به‌واقع بدون هیچ‌گونه خطاپذیری، بتواند دروغ را تشخیص دهد و شبهه‌ای در آن نباشد، طبیعتاً به‌عنوان سند در اثبات جرم می‌تواند استفاده شود. اما در وضعیت کنونی حداقل قادر است که در جریان تحقیقات، اختیارات قاضی تحقیق در بازداشت موقت را شامل شود. با توجه به این‌که جزئیات چندانی در مورد اختیارات مسئولین قضائی تحقیق، در قانون ذکر نشده است، لذا قاضی تحقیق محق است که به استناد این روش‌ها، دستورات مقتضی را صادر نماید. در واقع به علم قاضی تحقیق، اموراتی همچون تفتیش منزل و بازداشت موقت، می‌تواند به استناد آن‌ها صورت پذیرد. البته نکته قابل توجه در اینجا این است که قرار بازداشت موقت اگر طولانی شود، می‌تواند به‌نوعی اجبار در اعتراف منجر شود که متأسفانه قانون‌گذار از این مسئله غافل بوده است. در جریان صدور رأی، همان‌طور که بیان شد، قاضی پرونده به‌مانند مسئولین قضائی تحقیق، اختیارات وسیعی ندارند. البته کیفیت پرونده‌های موجود در دادگاه، نوع دلیل اثبات متناسب خود را می‌طلبد. در پرونده‌هایی که نتیجه آن محکومیتی خفیف است، طبیعتاً دلیل اثبات جرم، حتی اگر چندان قوی نباشد، نمی‌تواند موجب نقض آراء شود و عدالت را برقرار می‌سازد. اما در جرائم سنگینی چون قتل نفس که تغییر در وضعیت یک حکم، می‌تواند به از دست رفتن حق اولیای دم منجر شود؛ استنادهای صدور احکام می‌بایست تقویت شده و در قضاوت، نهایت اطمینان به عادلانه بودن رأی صادره حاصل شود. در واقع جریان اثبات

جرم، می‌بایست به‌گونه‌ای بوده که دلایل ارائه‌شده بر اکثریت صاحب‌نظران این حوزه، قابل قبول باشد. لذا بر این اساس نتیجه می‌شود که بنا به نوع حکم، ادله اثبات در محاکم قضائی می‌تواند متغیر باشد.

قانون‌گذار در مورد روش‌های بازجوئی مبتنی بر علم روانشناسی، چنین عقیده دارد که استفاده از این روش‌ها باهدف گرفتن اقرار، می‌بایست به‌گونه‌ای باشد که متهم را تحت فشار شدید قرار ندهد و به‌گونه‌ای داوطلبانه اقرار را اخذ کند. در تفسیر قانون اساسی توسط شورای محترم نگهبان، مصادیق ماده ۳۸ قانون اساسی در مورد اقرار تحت شکنجه، هرگونه وسیله‌ای که منجر به اقرار اجباری شود، حتی از حیث روانی، تعیین شده است و لذا محدوده مشخص استفاده از این روش‌ها، عدم فشار بر متهم، به‌روش‌های شکنجه، فشار روانی، حبس طولانی و دیگر روش‌ها است. عمده کاربرد این روش‌ها، تشخیص دروغ است که در این صورت، به جریان پرونده کمک زیادی می‌کند. در صورتی که روانشناسی بازجوئی، دروغ را محتمل بداند، می‌تواند اقرار بازداشت موقت را تمدید نمود و یا با تغییر در روند بازجوئی، بیشتر به سمت کشف حقیقت حرکت کرد. البته اقرار ناخواسته در حین کلام که در مثال حقوقی شرکت مخابراتی بیان شد، حتی می‌تواند جریان صدور رأی را متأثر کند. گاه می‌توان از روانشناسی تحقیق، نکاتی را از سخنان متهم برداشت کرد که اقرار ناخواسته محسوب می‌شود، سپس می‌توان در حین بازجوئی، ضمن تمرکز بر آن، دیگر جنبه‌های حقیقت را کشف نمود. در مورد آثار روش‌های نوین بازجوئی به دو گروه مستقیم و غیرمستقیم تقسیم شد. اثر غیرمستقیم این روش‌ها که شامل اقرار و شهادت است، بیشتر مورد نظر مسئولین تحقیق قضائی بوده تا صرف گزارش حاصل از این روش‌ها. اقرار به‌عنوان بالاترین دلیل اثبات جرم شناخته می‌شود. لذا اگر بتوان به اقرار مبتنی بر قرائن رسید، بالاترین دلیل اثبات جرم در دادگاه‌هاست. لذا هدف کلی روانشناسی بازجوئی می‌تواند همین مورد باشد که مور انتظار مسئولین قضائی و انتظامی کشف تحقیق است.

در مورد چالش‌های حقوقی استناد به چنین گزارش‌ها، توضیحاتی بیان شد. حقوق عرفی نقش تعیین‌کننده‌ای در این حوزه دارد. اگر به کمک روش‌های مذکور، نتوان اقرار و یا شهادت را کسب کرد، خود گزارش‌ها به دادگاه ارسال می‌گردد. روش‌های روانشناسی یقیناً علم قاضی را تحت تأثیر قرار داده و به‌عنوان یک اماره لحاظ می‌شود. ممکن است اماره‌های دیگر نیز در جریان باشند. مثلاً در مثال حقوقی شهادت به این نکته اشاره شد که یک شاهد زن برای اثبات یک مورد وجود داشت. طبیعتاً چنین شهادتی اعتبار حقوقی ندارد و درجه اهمیت آن تنها به یک اماره تقلیل می‌یابد. اما این اماره در کنار گزارش‌ها بازجوئی مبتنی بر روانشناسی، می‌تواند علم قاضی را متأثر کند. اگر قاضی بتواند مسئولیت‌هایی را بر مبنای این امارات تعیین کند، می‌بایست امارات قوی متناسب با جرم حاصله را استناد علم خود قرار دهد، اما اگر علم خود را برای تبیین مسئولیت کافی نداند، اختیار تعدیل برای وی منظور است. مثال‌هایی از تعدیلات قضائی مطرح شد و چنین عنوان شد که به‌جز جرائم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضائی می‌تواند توسط قاضی صورت گیرد که حتی گزارش‌ها حاصل از روانشناسی بازجوئی، اگر دلیلی بر اثبات جرم نباشد، علم قاضی را برای تعدیل متأثر می‌کند. تعدیلات با توجه به اختیارات قاضی صورت گرفته و تقریباً نمی‌توان موردی را یافت که در مراجع تجدیدنظرخواهی، این تعدیلات نقض شده باشد. لذا در اختیارات قاضی بوده که اگر بنا به علم خود که می‌تواند بر مبنای روش‌های روانشناسی بازجوئی بدون هیچ سند دیگری باشد، حکم را تعدیل کند. اگر قرائن غیرمستند دیگری نیز در جریان بود، به‌گونه‌ای که به تقویت حقیقت موجود بیانجامد، اختیار قاضی برای تغییر مسئولیت‌ها، ماهیت حقوقی دارد. مثال‌هایی در فصل چهارم بیان شد که بر مبنای آن جریان دادرسی حقوقی را تحت تأثیر قرارداد. به‌هرحال بسته به کیفیت پرونده، برای اثبات حقیقت، قرائن متناسب خود را طلب می‌کند که برای احراز یک حقیقت،

حتی با وجد عدم وجود اقرار و شهادت، در صدور رأی مؤثر است. به نظام حقوقی کامن لا نیز اشاره شد که گزارشات بازجوئی اعتبار بالایی در صدور رأی دارد.

در مورد ضمانت‌های حقوقی در روش‌های نوین بازجوئی، ابتدا به مسئله اجبار اشاره شده است. به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی که اجبار در اقرار را موجب رد این دلیل می‌داند، و همچنین تفسیر شورای محترم نگهبان، و از سوی دیگر قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱، ضمانت‌های لازم برای عدم اجبار در اقرار هستند. از همه مهم‌تر ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، برای ضابطین دادگستری که به شکنجه متهمین پرداخته‌اند، مجازات حبس و انفصال از خدمت دولتی را تعیین کرده است. ضمانتی برای چنین عمل غیرقانونی می‌باشد. از سوی دیگر آئین دادرسی سازمان قضائی نیروهای مسلح و دادگاه انتظامی قضات، مجازات‌های دیگری را برای بازجوئی که به این اصول توجهی نکرده‌اند و خلاف قانون عمل نموده‌اند، در نظر گرفته است. علم قاضی با وجود اینکه به موجب ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی، صرف دلیل مطلق برای صدور رأی است. اما با وجود صراحت این قانون در علم مطلق و برداشت‌های اکثر افراد در این حوزه، به عقیده حقوقدانان و مفسرین قانون مجازات اسلامی، ظاهر این ماده چنین بیان نمی‌دارد و مستندات علم قاضی می‌بایست ذکر شود. به عقیده حقوقدانان برجسته، ضمانت استناد به علم قاضی به ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مرتبط است که ضمانت را از جهت متعارف بودن علم قاضی تبیین می‌کند. همچنین در تکمیل آن به ماده ۱۲۰ همین قانون اشاره شده که بیان داشته "مستفاد اینکه شرایط استناد قاضی به علم خود و طرق حصول علم برای قاضی صراحتاً در مواد فوق آمده است". لذا ضمانت‌های استناد به علم قاضی، اولاً در مواد قانون مدنی و مجازات اسلامی و همچنین برخی دیگر از قوانین همچون حد و قصاص بیان شده و قاضی مجاز است که به علم خود در ادله اثبات، باهدف کشف حقیقت استفاده کند، اما در همین ماده‌ای که بیان شد، ضمانت مستند بودن علم قاضی بیان شده است. لذا اختیارات قاضی در استفاده از علم خود، کاملاً مطلق نیست. از سوی دیگر به موجب اصول آئین دادرسی مدنی، ادله‌ای همچون اقرار و یا شهادت، می‌بایست در حین جلسه دادگاه توسط قاضی استماع شود. این مسئله، ضمانتی برای تأیید تمامی بیانات در طی جریان تحقیق و دادرسی است. قاضی بیاناتی که در حین جلسه می‌شنود، به‌عنوان مهر تأییدی بر تمام جریانات دادرسی زده و بدین‌صورت اعمال صورت گرفته در طول جریان پرونده رسمیت می‌یابند. در صورت رد تمامی بیانات در دادگاه، مستندات پیشین به‌عنوان اماره استفاده شده و اعتبار آن تقلیل می‌یابد. در واقع نمی‌توان به اقرار و یا شهادتی که در جریان دادگاه رسماً بیان نشده است، استناد نمود. این مورد، ضمانتی برای اجرای صحیح جریان تحقیق است. چراکه درجایی دیگر از آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، به قاضی صادرکننده رأی این اختیار داده شده که در صورت احساس در نقص پرونده، جریان تحقیق را مجدداً به جریان اندازد. لذا مسئولین تحقیق، نمی‌توانند به‌صرف مختومه اعلام شدن پرونده، از مسئولیت اعمال خود شانه خالی کنند. ممکن است به تشخیص قاضی، اقرار به اجبار انجام شده و یا جریان تحقیق کاملاً اشتباه بوده باشد، در این صورت مجازات‌هایی که در مورد آن‌ها توضیح داده شد، گریبان گیر مسئولین تحقیق قضائی خواهد بود. به‌رحال رد ادعاهای پیشین، جریان دادرسی را متأثر می‌کند و احتمال دارد جریان تحقیق را مجدد به چرخه اندازد که در صورتی که رد ادعا غیرواقعی تشخیص داده شود، مجازات‌های دیگری در انتظار متهم است. در مورد اقرار و شهادت دروغ، قانون مجازات اسلامی، تمهیداتی اندیشیده که ضمانتی برای ادعای صحیح در جریان تحقیقات قضائی است. اما نکته قابل توجه این‌که آئین‌نامه اجرایی نیروهای مسلح و همچنین دادگاه انتظامی قضات، نظارت خاصی بر عملکرد تحقیق تعیین نکرده‌اند و تنها بازرسی نهادهای مذکور، مسئول رسیدگی به شکایات مرتبط می‌باشند، در این خصوص نیاز است که قانون نظارت بر امورات مذکور، تدوین و مصوب گردند.

مطابق آنچه تاکنون بیان شد، اگر جریان تحقیقات بر پایه روش‌های نوین بازجوئی، بر پایه آنچه در مورد آن توضیح داده شد، انجام گرفته باشد و بایسته‌های حقوقی در مورد آن لحاظ شود، می‌تواند در دادگاه مورد استناد قرار گیرد. بالاترین درجه ادله اثبات، ابتدا به اقرار و سپس به شهادت صحیح تعلق داشته که البته تکمیل بودن پازل ماجرا می‌بایست برای مسئولین قضائی محرز شود. در غیر این صورت مجموعه امارات می‌بایست علم قاضی را متأثر نماید. هر اماره برحسب میزان اعتماد بدان، درجه قوت داشته و علم قاضی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. بسته به نوع پرونده، از درجات متفاوتی از امارات استفاده می‌شود. گزارش‌های بازجوئی نیز نوعی اماره است که بسته به نوع روش بکار رفته در بازجوئی، علم قاضی را مستند می‌کند. چنین نتیجه شد که در دعاوی حقوقی، گزارش‌های حاصل از روش‌های نوین بازجوئی می‌تواند اختیار قاضی برای تعیین مسئولیت و یا تعدیل احکام صادره را فراهم کند. در جرائم کیفری غیر از حد و قصاص نیز چنین وضعیتی مشهود است. ولی در جرائم حدی، قاضی اختیار تعدیل نداشته و تنها تعیین مسئولیت در این باره به اختیار قاضی سپرده شده است. اما در جریان تحقیقات، اختیارات قاضی تحقیق این اجازه را داده که براساس قرائنی که بدست آمده است، قرار بازداشت موقت و دیگر موارد تأمین را صادر کند که نتایج حاصل از بازجوئی نیز مؤید این مورد است.

## ب- پیشنهادات

پیشنهادات علمی برای موضوعات تحقیق تحصیلات تکمیلی و پیشنهادات عملی برای مسئولین ارائه شده است.

### ب-۱ پیشنهادات علمی

- بررسی تطبیقی تعدیل قضائی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان.
- بررسی تطبیقی استفاده از روش‌های علمی بازجویی در کشف جرم در نظام حقوقی کشورمان با کامن‌لای ایالات متحده آمریکا.
- بررسی استفاده از روش‌های نوین بازجوئی در جرائم دریایی، به موجب قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳.
- بررسی تاثیر اقرار داوطلبانه در کیفیات مخفه.
- بررسی مسئولیت کیفری جرائم بیماران دو قطبی و روش‌های علمی اثبات حالت جنون لحظه‌ای.

### ب-۲ پیشنهادات عملی

- به قانونگذار کشور پیشنهاد می‌شود که با اصلاح ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی، محدوده اختیار قاضی در استناد علم خود را مشخص کرده و در بندهای متوالی، شرایط استنادهای مذکور را بیان نماید.
- به قانونگذار کشور پیشنهاد شده که با اضافه کردن ماده قانونی به قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱، مراحل تحقیق قضائی در دایره نیروهای مسلح را با هدف کشف اقرار اجباری، تبیین کرده و ضمانت‌های آن را نیز تبیین نماید.
- به قانونگذار کشور پیشنهاد شده که با اصلاح قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اختیارات مقامات تحقیق قضائی را در مورد بازداشت موقت محدودتر کرده تا به صرف بازداشت طولانی، متهم مجبور به اقرار اجباری نشود.

- به قانونگذار کشور پیشنهاد شده که با تهیه و تدوین قانون پلیس علمی، به روش‌های نوین کشف حقیقت که هنوز مورد اعتماد عمومی قرار نگرفته است، اعتبار حقوقی بخشند و زمینه تربیت نیروهای متخصص این حوزه را تسهیل بخشند.
- به قانونگذار کشور پیشنهاد شده که با اصلاح ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی که صرف اعلام اقرار اجباری را بدون دلیل و شاهد می‌پذیرد، زمینه تحقیقات با هدف کشف حقیقت را در جریان دادرسی فراهم کند.

# منابع

## ۱- کتب

### ۱-۱ کتب فارسی

۱. انصاری، ولی الله (۱۳۸۰) کشف علمی جرائم، تهران، نشر میزان.
۲. آخوندی، محمود (۱۳۸۰) تفسیر آئین دادرسی کیفری، تهران، میزان.
۳. آشوری، محمد (۱۳۸۷) آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت.
۴. بازگیر، یدالله (۱۳۷۸) علل نقض آرای محاکم کیفری در شعب دیوان عالی کشور، تهران، بازگیر.
۵. بزرگمهر، امیرعباس (۱۳۸۹) تاثیر روانشناسی در شهادت به عنوان اثبات دعوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بهرامی، بهرام (۱۳۸۷) بایسته های ادله اثبات، تهران، انتشارات نگاه بینه.
۷. پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۵۶) دلایل قضائی در حقوق انقلابی فرانسه، تهران، چاپ خرم.
۸. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۹) ادله اثبات دعوا، تهران، گنج دانش.
۹. دشتی، محمودی (۱۳۹۱) ادله اثبات دعوا، تهران، نشر جاودانه.
۱۰. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۵) ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، انتشارات تدریس، تهران.
۱۱. روحی، علی اکبر (۱۳۷۴) آئین دادرسی در اسلام، قم، اهل بیت.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۸۸) ادله اثبات دعوا، تهران، نشر مجد.
۱۳. شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۰) بایسته های فقه جزا، تهران، میزان.
۱۴. شکری، رضا؛ قادر، سیروس (۱۳۸۲) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳) اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر میزان.
۱۶. کریمی، عباس (۱۳۸۸) ادله اثبات دعوا، تهران، نشر میزان.
۱۷. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲) حقوق جزای اختصاصی، تهران، میزان.
۱۸. لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰) ترمینولوژی حقوق، تهران، قلم.
۱۹. محسنی، فرید (۱۳۸۹) حریم خصوصی اطلاعات، تهران، دانشگاه امام صادق.
۲۰. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۰) تفسیر آئین دادرسی کیفری، تهران، میزان.
۲۱. منفرد، رحیم؛ شهلائی، ابوالقاسم (۱۳۸۵) مهارت کشف دروغ، (ترجمه)، تهران، انتشارات نقش و نگار.
۲۲. ولیدی محمد صالح (۱۳۹۷) حقوق جزای اختصاصی، تهران، قلم.

## ۱-۲ کتب عربی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حمزه (۱۳۸۷) الوسیله، انتشارات دارالفکر، قم.
۳. اصفهانی، راغب (۱۳۷۷) المعجم الفاظ قرآن کریم، قم، دارالفکر.
۴. حلی (۱۳۸۹) فخر الدین ابی طالب محمد، قم، نشر اسماعیلیان.
۵. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۰) تحریر الوسیله، تهران، انتشارات دارالقلم.
۶. خوانساری، احمد (۱۳۹۴) جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق.
۷. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۱) تکمیل المنهاج، تهران، نشر خرسندی.
۸. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبه الحیاء.
۹. زهیلی، وهبه (۱۴۱۸) الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، چ چهارم.
۱۰. سیحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴) المحصول فی علم الاصول، قم.
۱۱. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴) المراسم العلویه و الأحکام النبویه فی الفقه الإمامی، قم، منشورات الحرمین، چاپ اول.
۱۲. طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۰۴) ریاض المسائل، مؤسسه آل بیت، قم.
۱۳. عاملی، محد بن علی موسوی (۱۴۱۱) نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، قم.
۱۴. عبدالرحمان، محمود، (۲۰۱۰ م) معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، بی جا، ۳ جلدی، جلد دوم.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵) تفسیر نورالثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چ چهارم.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴) تذکره الفقهاء، انتشارات قم.
۱۷. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳) جواهر الکلام، بیروت، دارالکتب.
۱۸. نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۹) مستند الشیعه، قم، آل بیت.

## ۱-۳ کتب لاتین

۱. Balmer, A. (۲۰۱۸). *Lie Detection and the Law: Torture, Technology and Truth*. Routledge.
۲. Becker, R. F., & Dutelle, A. W. (۲۰۱۸). *Criminal investigation*. Jones & Bartlett Learning.
۳. Bryan, I. (۲۰۱۹). *Interrogation and confession: A study of progress, process and practice*. Routledge.
۴. Denzin, N. K. (۲۰۱۷). *The research act: A theoretical introduction to sociological methods*. Routledge.
۵. Georgi, H. (۲۰۱۸). *Lie algebras in particle physics: from isospin to unified theories*. CRC Press.
۶. Howells, G., & Weatherill, S. (۲۰۱۷). *Consumer protection law*. Routledge.
۷. Johnson, J. M. (۲۰۱۹). Making a Difference With Participatory Democracy: An Alternative Vision of Taking Qualitative Research to the Public Realm. *Qualitative Inquiry*, ۱۰۷۷۸۰۰۴۱۹۸۵۷۱۰۱.



- ا. Lieberman, D. J. (۱۹۹۹). *Never be lied to again: How to get the truth in Δ minutes or less in any conversation or situation*. Macmillan.

## ۲- مقالات

### ۱-۲ مقالات فارسی

۱. آقابابایی، حسین؛ احمدی ناطور، زهرا (۱۳۹۱) فناوری دروغ سنجی تعدید بر علیه حریم خصوصی ۳ (۲) ۲۸-۷.
۲. باقری اصل، حیدر (۱۳۸۵) نظریه تفصیل مبادی علم قاضی، فلسفه و کلام ۱ (۹) ۱-۳۰.
۳. حسنی، علی اکبر (۱۳۷۱) رویه های قضائی، درسهایی از مکتب اسلام، ۳۲ (۲) ۴۷-۵۴.
۴. حمیدی نسب، مریم (۱۳۹۷) حمیدی نسب، مریم، ۱۳۹۴، بررسی شیوه های نوین تشخیص هویت در ادله اثبات دعاوی حوزه پلیس علمی، نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران، تهران، مرکز همایشهای توسعه ایران ۲ (۳) ۱-۹.
۵. حیدری، الهام (۱۳۹۳) اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ۵ (۲) ۸۹-۱۱۰.
۶. خرسندیان، علی (۱۳۹۷) بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری ۲۲ (۴) ۱۲-۲۵.
۷. رجب، محمدعلی (۱۳۹۳) مبنای قضاء در اسلام براساس ادله اثبات دعوی و جرم شامل قطع قاضی اقرار بینه و قسم، شهر قانون ۱۰ (۱) ۴۳-۴۵.
۸. رحم دل، منصور (۱۳۸۴) حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۱ (۱۲) ۶۷-۷۰.
۹. روستائی نژاد، علی؛ اوسط خانجانی، علی (۱۳۹۶) جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی، مطالعات علوم سیاسی ۳ (۴) ۲۶-۴۲.
۱۰. زارع شعار، حسین (۱۳۹۵) اقرار کیفری در حقوق ایران، مجله فقه و مبانی حقوق ۷ (۲۱) ۱۷۵-۱۸۳.
۱۱. ساریخانی، عادل؛ حیدری، مسعود (۱۳۹۲) بررسی فقهی و حقوقی ابراز شهادت توسط اطفال، صلنامه پژوهش های قه و حقوق اسلامی ۹ (۳۱) ۸۳-۱۰۲.
۱۲. سهرابی، یعقوب (۱۳۸۸) بررسی فقهی و حقوقی حجیت علم قاضی، کانون وکلای دادگستری، ۱۴ (۱) ۱۳-۴۴.
۱۳. صانعی، پرویز (۱۳۴۳) دستگاه های دروغ سنج و تاریخچه و طرز کار آنها، مجله حقوق امروز ۱۱ (۱) ۶۷-۷۰.
۱۴. صانعی، پرویز (۱۳۹۷) دستگاه دروغ سنج و طرز کار آن، مجله حقوق امروز، ۱۱ (۱۰) ۶۷-۷۰.
۱۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۶۴) حجیت علمی قاضی در ارتباط با رجوع به کارشناسی، مجله مطالعات حقوقی و قضائی ۲ (۱) ۴۰-۵۰.
۱۶. موذن زاده، حسنعلی (۱۳۷۹) علم قاضی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۲ (۲) ۱۷۷-۲۱۳.

## ۲-۲ مقالات لاتین

۱. Bustamante, T. (۲۰۱۹). Law, Moral Facts and Interpretation: A Dworkinian Response to Mark Greenberg's Moral Impact Theory of Law. *Canadian Journal of Law & Jurisprudence*, ۳۲(۱), ۵-۴۳.
۲. Elhadedy, H., LATIF, M. A., Elsonbaty, A., KADER, A. A., Liu, W., & Zhou, Q. (۲۰۱۹). BRIGHT AND DARK SOLITONS IN OPTICAL MATERIALS WITH POLYNOMIAL LAW NONLINEARITY. *PROCEEDINGS OF THE ROMANIAN ACADEMY SERIES A-MATHEMATICS PHYSICS TECHNICAL SCIENCES INFORMATION SCIENCE*, ۲۰(۱), ۳۷-۴۳.
۳. Grubin, D., & Madsen, L. (۲۰۰۵). Lie detection and the polygraph: A historical review. *The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology*, ۱۶(۲), ۳۵۷-۳۶۹.
۴. Kader, A. A., Latif, M. A., & Zhou, Q. (۲۰۱۹). Exact optical solitons in metamaterials with anti-cubic law of nonlinearity by Lie group method. *Optical and Quantum Electronics*, ۵۱(۱), ۳۰.
۵. Masip, J., Levine, T. R., Somastre, S., & Herrero, C. (۲۰۲۰). Teaching Students About Sender and Receiver Variability in Lie Detection. *Teaching of Psychology*, ۴۷(۱), ۸۴-۹۱.
۶. Maxwell, N. (۲۰۱۹). Aim-Oriented Empiricism and the Metaphysics of Science. *Philosophia*, ۱-۱۸.
۷. Montasari, R., Hill, R., Carpenter, V., & Montasari, F. (۲۰۱۹). Digital Forensic Investigation of Social Media, Acquisition and Analysis of Digital Evidence. *International Journal of Strategic Engineering (IJoSE)*, ۲(۱), ۵۲-۶۰.
۸. Nadjafikhah, M., & Asadi, N. (۲۰۱۹). Lie symmetry analysis and conservation laws of ZDE. *Applied Sciences*, ۲۱, ۱۷۵-۱۸۳.
۹. Newig, J., Jahn, S., Lang, D. J., Kahle, J., & Bergmann, M. (۲۰۱۹). Linking modes of research to their scientific and societal outcomes. Evidence from ۸۱ sustainability-oriented research projects. *Environmental Science & Policy*, ۱۰۱, ۱۴۷-۱۵۵.
۱۰. Troje, D., & Gluch, P. (۲۰۱۹). Populating the social realm: new roles arising from social procurement. *Construction Management and Economics*, ۱-۱۶.
۱۱. Wang, M., Geng, Z., & Peng, X. (۲۰۱۹, July). Obstacle avoidance control for non-holonomic vehicles on Lie group SE (۲): a rotating attractive vector approach. In ۲۰۱۹ Chinese Control Conference (CCC) (pp. ۴۸۵-۴۹۰). IEEE.
۱۲. Wolpe, P. R., Foster, K. R., & Langleben, D. D. (۲۰۰۵). Emerging neurotechnologies for lie-detection: promises and perils. *The American Journal of Bioethics*, ۵(۲), ۳۹-۴۹.

### ۳- پایان نامه ها

#### ۳-۱ پایان نامه های فارسی

۱. ابوطالبی، وحید (۱۳۸۵) تجزیه و تحلیل مولفه های شناختی سیگنال الکتریکی مغز و کاربرد آن در دروغ سنجی، دانشگاه امیرکبیر (دکتری).
۲. حیدری، الهام (۱۳۹۱) اصل آزادی تحصیل و ارزیابی در دادرسی کیفری ایران و انگلستان (مقطع دکترا)، دانشگاه تهران، پردیس قم.
۳. سلیمی، علی (۱۳۹۵) ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
۴. شاکر، مهتاب (۱۳۹۷) شروط غیر عادلانه در قوانین ایران و تعدیل قضائی مرتبط بدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۵. صالحی، محسن (۱۳۹۷) بررسی فقهی حقوقی قواعد عمومی ناظر بر ادله اثبات دعوی در قانون جدید مجازات اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
۶. یوسفیان، بهنام (۱۳۸۲) طریقت یا موضوعیت ادله در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تهران.

#### ۳-۲ پایان نامه های لاتین

۱. Crowe, J. (۲۰۱۹). *Natural Law and the Nature of Law*. Cambridge University Press.
۲. Fischer-Lescano, A., & Teubner, G. (۲۰۱۹). Regime-collisions: the vain search for legal unity in the fragmentation of global law. In *Critical theory and legal autopoiesis*. Manchester University Press.
۳. Giere, R. N. (۱۹۹۹). *Science without laws*. University of Chicago Press.
۴. Hall, V. (۲۰۱۹). *Sensitizing the general public: experiential processing alters perceptions of confession evidence and minimization* (Doctoral dissertation).
۵. Raju, V. (۲۰۱۹). *COGNITIVE CONTROL, EVOLUTIONARY GAMES, AND LIE ALGEBRAS* (Doctoral dissertation).
۶. Teubner, G. (۲۰۱۹). The Law before its law: Franz Kafka on the (im) possibility of Law's self-reflection. In *Critical theory and legal autopoiesis*. Manchester University Press.

#### ۴- منابع الکترونیکی

۱. سایت رأی مثبت، تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ آدرس <https://rayemosbat.com>
۲. سایت قوه قضائیه اتحادیه اروپا، تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۲، آدرس [WWW.CVRIA.COM](http://WWW.CVRIA.COM)
۳. سایت کنگره آمریکا، تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ آدرس <https://www.loc.gov>
۴. سایت یاسا، تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ آدرس <https://www.yasa.co>

## ۵-قوانین

۱. آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹ با آخرین اصلاحات.
۲. آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۸۱ با آخرین اصلاحات.
۳. قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ بازننگری شده در سال ۱۳۶۸.
۴. قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ با آخرین اصلاحات.
۵. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با آخرین اصلاحات.
۶. قانون مدنی مصوب ۱۳۱۶ با آخرین اصلاحات.
۷. قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ با آخرین اصلاحات.

## ۶-جزوه های درسی

۱. خزائی، صالح (۱۳۹۷) جزوه درس آئین دادرسی مدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲. خوش قلب، حسن (۱۳۹۷) جزوه درسی آئین دادرسی کیفری، دانشکده امین انتظامی، کرمانشاه.
۳. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۷) جزوه درس آئین دادرسی کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

## ۷-فرهنگ لغت

۱. فرهنگ لغت معین.
۲. فرهنگ لغت عمید.
۳. فرهنگ لغت دهخدا.

### Abstract

The discovery procedure for the purpose of investigating personal claims or proving criminal offenses has a long history. Recently, due to significant advances in science and technology, scientific methods of truth discovery have been introduced into the judicial research system. The purpose of this study was to examine the validity of the results of these methods as evidence in the courts. By examining the relevant statutory provisions as well as customary law in this respect, it has been concluded that the highest degree of proof is evidence, confession and then fact-based testimony; Failure to do so is rejected and has no credit. The results of the new procedures, in the light of their confidence in the background, bring a new degree of certainty to the proceedings. Depending on the subject of the case, the UAE could be used with a good degree of strength and the judge would give his opinion. Depending on the strength of the UAE as well as the subject matter of the case, the judge may determine the responsibilities in the case or at least modify the sentence based on his powers. It is worth noting, however, that in punishable offenses, retribution is not applicable and the sole responsibility of the judge rests with the judge. The greater the confidence in the UAE, the higher the appeal, and the less likely it is that it will be violated.

**Keywords:** Truth Discovery, Judicial Research, Judge Science, Interrogation Methods, Proof of Evidence.



**University of edalat  
Department of Law**

**PhD Thesis**

**Title of the Thesis:**

**New Scientific requirement of investigation and interview in  
the realm of Evidence law**

**Supervisor:**

**Dr. Amir Abbas Bozorgmehr**

**Advisor:**

**Dr. Mohammad Hossein Bayati**

**By:**

**Ahmad Falahati**

**June 2020**